

٤٨١
―――
٢١٠٨٦٥



کریم زاده
۴۸۱

بسم الله ۲۵۱۱

الرحمن الرحیم

قل اعوذ برب لناس



هذا کتاب حلیة المتقین





آن محاسن آداب که در طریق مستقیمه ائمه الطاهرین صلوات الله علیهم
باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده بقدر وجه اختصار تحریر نماید و بجهت
عموم نفع نسبت باهل این دیار معانی اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم
بجلوه در آورد لهذا با ضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت
ایمانی را لازم دانسته از مقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت
ملتمس ایشان نمود و بجهت رواج این متاع کاسد و تحلیه این ابواب مقاصد دیباچه
آن را بزیور اسم سامی گرامی شهریاری عادل کامل بازل گردون بارگاه ملایک سپاه جمشید
حشمت سلیمان سیرت سکندر شان دارا دربان رافع لوای دین و دولت موسس اساس
ملک و ملت گلدسته گلستان مصطفوی نوباوه بوستان مرتضوی غره ناصیه اقبال ذروه
باصره جاه و جلال مهبط تجلیات ربانی مورد فیوض سبحانی ابر فیاض سحاب بحر مواج عطا
مهر سپهر گیتی ستانی مرکز دایره جهانبانی ملاذ خسروان جم اقتدار پناه سلاطین حشمت
و وقار محی مراسم دین مبین مروج مذهب آباء طاهرین زینت بخش [illegible] جوهر تیغ نصرت
قاسم ظهور رقاب فراعنه دوران کاسر اعناق کاسره زمان اعنی السلطان الاعظم و
الخاقان الافخم مالک رقاب العرب والعجم فرع الشجرة الطیبة الجلیلة غصن الدوحة
الطیبة العلویة حامی الشریعة الغراء محی الملة البیضاء کهف الانام و ناظم اللیالی
والایام ممهد مهاد الامن والامان رافع الویة الفضل والاحسان السلطان بن
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمکارم

والمغازی السلطان سلیمان الصفوی الموسوی لازالت رایات دولته مرفوعة
منصورة وآیات معدلته مذکورة مشهورة مزین گردانید واین تحفه محقر را بر موقف عرض
اقدس درآورد امید که با عدم قابلیت از برکت الطاف کامله وعنایات شامله آن
حضرت شهنشاهی بحلیه قبول حلی ولباس شرف اشرف اعلی گردد واز ثواب عاملان با
آداب مرضیه ومکتسبان این اخلاق سنیه بهره وافی ونصیب شافی بنواب کامیاب ظل اللهی
عاید گردد بمحمد وآله الطاهرین این کتاب مشتمل بر چهارده باب وخاتمه
باب اول در آداب کفش پوشیدن باب دوم در آداب حلی وزیور پوشیدن وسرمه سائیدن
ودر آینه نظر کردن وخضاب کردن باب سیم در آداب خوردن وآشامیدن باب چهارم
در فضیلت تزویج وآداب جماعت ومعاشرت زنان وکیفیت تربیت فرزندان و معاشرت
ایشان باب پنجم در آداب مسواک کردن وناخن وشارب گرفتن وموی تراشیدن
وشانه کردن وامثال اینها باب ششم در آداب بوی خوش کردن وگل خوشبو بوییدن
وروغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن ودارو کشیدن وامثال آن باب
هشتم در آداب خوابیدن وبیدار شدن وبیت الخلا رفتن باب نهم در آداب
حجامت وتنقیه وذکر بعضی از ادعیه واحراز وخواص بعضی از ادویه ومعالجه بعضی از
امراض باب دهم در آداب معاشرت مؤمنان وحقوق اصناف ایشان باب یاز
دهم در آداب مجالس وسلام وعطسه ومصافحه ومعانقه وامثال آنها باب دوازدهم
در آداب خانه داخل شدن وبیرون رفتن باب سیزدهم در آداب سوار شدن وراه



رفتن وببازار رفتن وتجارت وزراعت نمودن وچهارپایان نگاه داشتن باب چهاردهم
در آداب سفر خاتمه در بیان بعضی از فواید متفرقه وهریک از این ابواب را
بر دوازده فصل مشتمل ساخت وبکتاب حلیة المتقین مسمی گردانید تا متوقع از
ناظران در این رساله شافیه وعاملان باین عجاله وافیه آنکه این مجرم خطاپیشه را
بدعای مغفرت والتماس رحمت یاد نمایند ودر خطاهای لفظی ومعنوی این معترف بعجز وقصور
مؤاخذه ننمایند والله الموفق والمعین باب اول در بیان آداب جامه وکفش پوشیدن
فصل اول در فضیلت تجمل وزینت کردن بدانکه موافق احادیث معتبره بسیار زینت
کردن وجامهای پاکیزه ونظیف پوشیدن هرگاه از حلال بهم رسد ومناسب حال او باشد
سنت است وموجب خوشنودی پروردگار است واگر از حلال بهم رسد بهرچه میسر
شود باید که قناعت نماید وتجمل زیاده تنها لباس را مانع عبادت الهی نگرداند واگر
حق تعالی روزی را بر او فراخ گرداند وخوردن آن بخورد وبپوشد وصرف نماید وببرادران
مؤمن بدهد واگر روزی بر او تنگ شود قناعت نماید وبحرام وشبهه بحرام خود را آلوده
نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هرگاه خدا
نعمتی به بنده کرامت فرماید وآثار آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا مینامند
وبیان کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود واگر بر او ظاهر نشود او را دشمن خدا مینامند
وتکذیب کننده نعمت پروردگار خواهد بود ودر حدیث دیگر از آن حضرت منقول
که هرگاه حق تعالی نعمتی به بنده کرامت فرماید دوست میدارد که آثار آن نعمت را بر او

ببینند و در حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است
که برای او نفقه دنیا را تنگ کرده است برایشان و محبت دنیا را از ایشان برداشته است
پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی آن خوانده راغب گردیده اند و بر تنگی
معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاقند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی.
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که باید از برای برادر مؤمن خود
زینت کنید چنانچه برای بیگانه زینت کنید که خواهید که شما را بنیکوترین هیئتی ببینند و بسند
معتبر منقولست که حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام تابستانها بر روی حصیر می نشستند و در
زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای کهنه پوشیدند و چون بیرون می آمدند
برای مردم زینت می کردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی زینت و اظهار
نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بد حالی را دشمن می دارد و دوست
میدارد که اثر نعمت را در بنده خود ببیند بانیکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را
خوشبو دارد و خانه را نیکو دارد و سقفهای خانه را نیکو بروبد حتی آنکه چراغ پیش
از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زایل می کند و روزی را زیاده میکند
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله منقولست که حق تعالی جمعی را خلق کرده است که برای
نفقه برایشان دنیا را تنگ کرده است و محبت دنیا را از ایشان برداشته است
پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را بسوی خود خوانده راغب گردیده اند و بر تنگی
معاش و مکروهات دنیا صبر می کنند و مشتاقند بآنچه نزد خداست از کرامت

ابدیه



ابدانها و جان خود را در رضای خدا درباخته اند و آخر کار ایشان شهادتست پس چون
بشتاب آخرت روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و می دانند که مرگ را هیبتی که خود را
در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای
کهنه می پوشند و بقوت ضرورت قناعت می نمایند و زیادتیها را در راه خدا میدهند که
توشه آخرت ایشان باشد و از برای رضای خدا با بیگانگان دوستی می کنند و از برای رضای
خدا با بدان دشمنی می کنند ایشان اند چراغهای راه هدایت و ایشان اند متنعم بنعیم آخرت
و یوسف بن ابراهیم گوید که بخدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و جامهای خز پوشیده
بودم پرسیدم که چه می فرمایند در جامه خز فرمود که باکی نیست بدرستی که چون حضرت
امام حسین صلوات الله علیه شهید شد جامه خز پوشیده بود و چون حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام عبدالله بن عباس را فرستاد که با خوارج نهروان سخن گوید بهترین جامهای خود را
پوشید و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کرد و بر بهترین اسباب سوار شد و بنزد
ایشان رفت گفتند تو از بهترین مردمی چرا جامهای جباران را پوشیده و بر اسبان ایشان
سوار شده عبدالله بن عباس این آیه را خواند که قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي
أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ یعنی بگو یا محمد که کدام کس حرام کرده است زینت را
که خدای تعالی از برای بندگانش بیرون آورده است و روزیهای طیب و نیکو را پس حضرت
فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما باید
که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است

مسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق ع نشسته و جامهای قیمت نیکو پوشیده است
گفت و الله بروم و او را برای این جامها سرزنش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا والله
که پیغمبر چنین جامه نپوشیده و هیچیک از پدرانت چنین جامها نپوشیده اند حضرت فرمودند
که حضرت رسول ص والله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امروز بر مردم روزی
فراخ است سزاوارترین مردم بتصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه را
خواندند که گذشت و فرمودند که ما سزاوارترین مردمیم بتصرف کردن در آنچه خدا
عطا کرده است ای ثوری این جامه که می بینی برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کرده
و باو نمودند جامه کهنه که در زیر پوشیده بودند و فرمودند که این جامه کهنه را برای خود پوشیده
ام و این جامهای نیکو را برای مردم پوشیده ام پس دست زدند و جامه بالای سفیان را دور
کردند او در زیر جامه کهنه جامه نازکی پوشیده بود فرمودند که جامه پایین را برای لذت نفس
خود پوشیده و جامه بالای برای فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبد الله
بن هلال منقولست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا ع که چه بسیار خوش
می آید مردم را احوال کسی که طعامهای بد مزه و ناگوار می خورند و جامهای کهنه را می پوشند
و اظهار شکستگی و خشوع می نمایند فرمودند که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبرزاده بود و قبای
دیبای طلا بافته می پوشید و بر مجالس آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم
از لباس او کاری نبود از او عدالت و حکم می خواستند امام می باید که آنچه گوید
راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلال را بر کسی حرام

نکرده است



نه کرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند این آیه را
که قل من حرم زینة الله و بسیاری از اخبار مناسب این فصل را در
کتاب عین الحیوة ایراد نموده ام **فصل دویم** در جامهائی که حرام است پوشیدن
آنها بدانکه مردان را جامه حریر محض پوشیدن و جامه طلا باف پوشیدن
حرام است و احوط آنست که عرقچین و کیسه و چیزها که عورت را با آن نتوان
پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که اجزای جامه مانند سجاف
حریر نباشد و بهتر آنست که چون که با ابریشم مخلوط کنند یا پنبه یا ریسمان یا کتان
باشد و اولی آنست که بقدر ده یک یا زیاده باشد و اگر مجموع تارها مجموع پود
غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان حرام گوشت نباشد هرچند که دباغی
کرده باشند بنا بر اشهر بین اصحاب و پوست حیوانی چند که قابل تذکیه نیست
نباشد و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانات
که گوشت شان حرام است نباشد و در سمور و سنجاب و فنک آنست که نماز در
آنها جایز است و بهتر آنست که جامهٔ که در زیر آن جامها یا در بالای آنها پوشیده
باشند نماز نکنند مبادا که موئی چسبیده باشد بهتر آنست که ولی اطفال غیر
بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن حریر و طلا و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول ص
بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتری طلا در دست مکن
که آن زینت تست در بهشت و جامه حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت

ودر حدیث دیگر فرمود که جامه ابریشمی که حق تعالی ببیند در قیامت پوستش را باتش
می سوزانند ودر حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که جایز است مرد را که اهل خود را بطلا
زینت کند گفت بلی زنان وکنیزان اما پسران را نه ودر حدیث دیگر وارد است که
آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر ع فرزندان وزنان خود را بزیور طلا ونقره
زینت می فرمود باکی نیست وممکنست که مراد از فرزندان دختران باشند واحتمال
دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد واحوط اجتنابست

## فصل سیم

در پوشیدن پنبه وکتان وپشم بهترین جامها است که از پنبه بافته باشند وبعد از آن
کتان است وجامه پشمینه را همیشه پوشیدن ولباس خود قرار دادن کراهیت
دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه که آن پوشش رسول خدا
صلی الله علیه وآله است وپوشش ما اهل بیت است وحضرت رسول صلی الله علیه جامه
مو وپشم نمی پوشیدند مگر از برای علتی ودر حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست
که نباید پوشید جامه پشم ومو مگر برای عذری ودر روایت دیگر از حسن بن
کثیر منقولست که حضرت صادق ع را دید که پیراهن کهنه پوشیده وجامه پشمینه
بر بالای آن پوشیده گفت فدای تو شوم مردم کراهیت دارند از پوشیدن جامه
پشمینه حضرت فرمود که پدرم می پوشید وحضرت امام زین العابدین ع می پوشید
وهرگاه بنماز می ایستادند کهنه ترین جامها را می پوشیدند وما نیز چنین می کنیم

و از حضرت

و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست فرمود که پنج چیز است که تا مردن ترک نمیکنم
بر روی زمین با غلامان چیز خوردن وبر الاغ جل دار سوار شدن وبز را بدست خود
دوشیدن وسلام بر اطفال کردن وجامه پشمینه پوشیدن ووجه میان این احادیث
آنست که اگر پوشیدن شال را زی خود قرار دهد وبآن مشهور شود از دیگران مذموم
اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشد قصوری ندارد ومؤید این
معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت رسول فرمود که در آخر الزمان
گروهی بهم رسند که جامه پشمینه در تابستان وزمستان بپوشند گمان کنند که ایشان را
بای سبب بر دیگران فضل وزیادتی هست آن جماعت را لعنت کنند ملائکه زمین وآسمان
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کتان از پوشش پیغمبران است واز
حضرت صادق ع منقولست که پوشیدن کتان را فربه میکند ودر حدیث دیگر منقولست
که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه جامه خز بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند ودر
زمستان می پوشیدند وچون زمستان میگذشت میفروختند وقیمتش را تصدق می فرمودند

## فصل چهارم

در بیان رنگها که در جامه سنت است یا مکروه است بهترین رنگها در جامه
سفید است بعد از آن زرد وسبز وسرخ نیم رنگ وکبود وعدسی ومکروه است سرخ تیره
خصوصا در نماز وپوشیدن جامه سیاه کراهیت شدید دارد در همه حال مگر در عمامه
وعبا وموزه واگر عمامه وعبا هم سیاه نباشد بهتر است ودر چند حدیث معتبر از حضرت
رسول صلی الله منقولست که بپوشید جامه سفید که آن نیکوتر وپاکیزه ترین رنگها

و مردها خود را کفن کنند و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
در اکثر اوقات جامه سفیدی پوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت
امام جعفر صادق ع را در میان قبر و منبر نماز میکرد و جامه زردی برنگ به
پوشیده بود و در حدیث حسن از زراره منقولست که حضرت امام محمد باقر ع بیرون
آمد و جبه خز زرد و عمامه خز زرد و ردای خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر
منقولست که حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفت دید که جامه سرخ تیره
پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه چه میگوئی حکم گفت که چه گویم در چون که شما
پوشیده باشید اما جوانان شوخ در میان ما این جامه را میپوشند ما ایشانرا عیب
میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است بعد از آن فرمود که باین سبب
این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهیت دارد مگر برای نو داماد
و در حدیث معتبر از یونس منقولست که حضرت امام رضا ع را دیدم که طیلسان کبود پوشیده
بودند و از حسن زیات منقولست که دیدم حضرت امام جعفر ع را که جامه برنگ
گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن ع روایت کرده است که حضرت امام موسی ع را
دیدم که جامه عدنی پوشیده بودند و از ابو العلا منقولست که حضرت صادق ع را دیدم
در حال احرام که بردی سبزی پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که حضرت جبرئیل در روز آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول ص نازل شد بعد از نماز

عصر چون



عصر چون باسمان رفت حضرت رسول ص از حضرت فاطمه علیها السلام طلب فرمود
و گفت که شوهر خود را طلب کن پس چون حاضر شدند حضرت امیر المؤمنین ع را
در جانب راست نشانیده دستش را گرفت و بر دامن خود گذاشت و حضرت
فاطمه را در جانب چپ نشانیده دستش را گرفت و در دامن گذاشت پس فرمود
که میخواهید که شما را خبر دهم بآنچه جبرئیل مرا بآن خبر داد گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که جبرئیل گفت که در قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خدا
دو جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل سرخ یا علی تو در جانب راست
عرش خواهی بود و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم رنگ سرخ
چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون خدا تعالی حضرت عیسی را باسمان
برد دو جامه چنین را بر او پوشانید و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که مپوشید جامه سیاه که از پوشش فرعون است و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی از حضرت صادق ع پرسید که در کلاه سیاه نماز
بکنم یا نه حضرت فرمود که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول
ص منقولست که مکروه است سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا

فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن جامهها دراز پوشیدن و آستین
جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر روی خاک کشیدن مکروه و
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین رض

نعم

بسیار از دو سه جامه برای خود فرمود بیک اشرفی پیراهن را تا نزدیک به بند پا و لنگ را
تا نیمه ساق و ردا را از پیش تا پستان و از عقب تا پایین تر از کمر پس دست بآسمان برداشت
و پیوسته حمد الهی مینمود براین نعمت تا بخانه باز گشت و از حضرت صادق عم فرمود که
جامه آنچه از شتالنگ پا میگذرد در آتش جهنم است و از حضرت امام موسی کاظم صلعم
عم منقولست که حق تعالی به پیغمبر فرمود که و ثیابک فطهر که ترجمه لفظش اینست
که جامهای خود را پاک گردان حضرت فرمود که جامهای آن حضرت پاک بود ولیکن مراد
الهی اینست که جامهها را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بزمین
کشیده نشود و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر عم منقولست که حضرت رسول
ص الله عم شخصی را وصیت فرمود که زنهار پیراهن و ازار خود را بلند میاویز که این
تکبر است و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤ
منین صلوات الله عم چون پیراهن می پوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از
سر انگشتان میگذشت می بریدند و حضرت رسول ص الله عم با ابوذر فرمود که
هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو نکند
و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم جایز است و زیاده در آتش است

**فصل نهم** در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد حرام است
مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد مانند لچک و مقنعه و نیم تنه
و همچنین حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه

وقبا



وقبا و عمامه و همچنین جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند
زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر عم منقولست که جایز نیست زنان
که شبیه بمردان شوند زیرا که رسول خدا صلی الله عم لعنت کرده مردانی را که شبیه بزنان
شوند و از حضرت امام جعفر صادق عم مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود به پیغمبری
از پیغمبرانش که بگو بمؤمنان که نپوشند جامهای دشمنان مرا و نخورند طعام دشمنان مرا
و بمسلک دشمنان من سلوک ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان من خواهند
بود **فصل هفتم** در آداب عمامه بستن و عمامه بر سر بستن سنت است و با عمامه
تحت الحنک بستن سنت است و یک طرف عمامه را از پیش و دیگری را از عقب انداختن
بروش سادات موجب مشهور سنت است و شیخ شهید عم الرحمه گفته است که عمامه
ایستاده پیچیدن سنت است و از حضرت رسول ص الله عم منقولست که عمامها تاج
عربان است هر گاه عمامه را برطرف کنند خدای تعالی عزت شان را برطرف میکند و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق عم منقولست که هر که عمامه بپیچد بر سر و تحت
الحنک نبندد و با دردی برسد که دوا نداشته باشد پس ملامت نکند مگر خود را
و از حضرت امام رضا عم منقولست که حضرت رسول ص الله عم عمامه بستند
و یک طرف عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگری را از عقب و حضرت جبرئیل نیز
چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر عم منقولست که ملائکه در روز بدر
عمامهای سفید در سر داشتند و علاقها انداخته بودند و از حضرت صادق عم

منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین ع عمامه
بدست مبارک خود می‌پیچیدند و یک سر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر
چهار انگشت کوتاه‌تر از عقب سر آویختند پس فرمودند برو برگشت فرمودند که بیا آمد
آنگاه فرمودند که چنین است والله تاجهای ملائکه و در فقه الرضوی ع مذکورست که
هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان بسم الله اللهم ارفع ذکری و اعلی
شانی و اعزّنی بعزّتک و اکرمنی بکرمک بین یدیک و بین خلقک اللهم
توّجنی بتاج الکرامة و قلّدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الا
یمان من عنقی و گفته است که باید عمامه را ایستاده بپیچید و حضرت رسول ص الله
چند قسم کلاه داشتند که در سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله می‌گویند وارد شده
است که پوشیدن آنها از یهود دانست و علما گفته‌اند که مکروهست و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که پایین کلاه انگشتن و برگردانیدن مکروهست و از حضرت رسول ص
منقولست که هرگاه کلاههای ترک در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان
ایشان شایع شود و کلاه ترک در ظاهر آنکه مانند قاووق و کلاه یکتائی و امثال
آن باشد **فصل هشتم** در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت ابی عبد الله صلواة الله
ع منقولست که حق تع وحی فرمود بحضرت ابرهیم که زمین بمن شکایت میکند
از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه
تا بزانو بعمل آورد و پوشید و از جامع بزنطی روایت شده که هرکه زیر جامه را ایستاده

بپوشد



بپوشد تا سه روز حاجتش روا نشود و در فقه رضوی مذکورست که زیر جامه را نشسته
بپوش و ایستاده مپوش که موجب هلاک و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن
این دعا بخوانید بسم الله اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیامة
و اعفّ فرجی و لا تخلع عنّی زینة الایمان و در مکارم الاخلاق از کتاب
نجات نقل کرده شده است که این دعا بخواند اللهم استر عورتی و آمن روعتی
و اعفّ فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک
وصولا فیصنع الی المکائد و یهیّجنی لارتکاب محارمک و از حضرت
امیر المؤمنین صلوة الله علیه و آله منقولست که پیغمبران ع سه پیراهن را نشسته
و زیر جامه می‌پوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و زو نعلین
و در و با هم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین صلواة الله ع منقولست که زیر جامه را
ایستاده پوشیدن موجب اندوهست **فصل نهم** در آداب جامه نو بریدن
و پوشیدن بسند صحیح از حضرت محمد باقر ع منقولست که چون کسی جامه
نو بپوشد این دعا بخواند اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة اللهم
ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمّل به فی الناس
و بسند صحیح از حضرت امیر المؤمنین صلواة الله ع منقولست که رسول خدا ص
الله ع این دعا را تعلیم من نمود که در وقت پوشیدن جامه نو بخوانم الحمد لله

الذی کسانی ما اتجمّل به فی الناس اللهم اجعلها ثیاب
برکة اسعی فیها لمرضاتک واعمر فیها مساجدک پس فرمود که یا علی هرکه
این دعا را بخواند جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن جعفر
ع ۳ منقولست که سزاوارست که کسی جامه نو بپوشد دست بر آن مالد و بگوید
الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی واتجمل به فی الناس وانور
به بینهم و از حضرت ابی عبد الله ع ۳ منقولست که هرکه آب در ظرفی نو
بکند وسی و دو مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بر آن آب بخواند و بر جامه
نو بپاشد در هنگام پوشیدن پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه
باقی باشد و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت که چون جامه نو بپوشید بگوئید لا اله
الا الله محمد رسول الله تا از فقیها نجات یابی و هرگاه که دوست داری او را
بسیار یاد کنی که آن را در هم می نکند و چون کسی را دوست داشته باشی در غایبانه او را دشنام
مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقولست که حضرت علی ابن موسی الرضا ع
چون جامه میپوشیدند جامه‌ها را در جانب راست میکنداشتند و چون رخت نو میپوشیدند
قدح آبی میطلبیدند و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی و سوره قل
یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند و آن آب را بر جامه
می پاشیدند و میفرمودند که هرکه چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد تا مادام
که تاری از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع ۳ منقولست که چون

غرادهم

خدا بتو جامه نو بکسی عطا فرماید و بپوشد باید وضو بگیرد و دو رکعت نماز بکند که
و در هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند
پس حمد کند خداوندی را که عورت او را پوشانیده و در میان مردم او را زینت داده
و باید بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن
جامه معصیت خدا نکند و بعد هر تاری که در آن جامه هست ملکی خدا را بپاکی یاد کند
و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق ع ۳ منقولست که
جامه نوی ببرد و آبی در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
و هرگاه که با آیه تنزل الملائکة برسد اندکی از آب بر جامه بپاشد پس دو رکعت
نماز بکند و دعا کند و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس
و اواری به عورتی واصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت
باشد تا آن جامه کهنه شود **فصل چهارم** در سایر آداب جامه پوشیدن و کندن
از حضرت رسول ص الله ع ۳ منقولست که نهی فرمود از عریان شدن در شب و از حضرت
امیر المؤمنین ع ۳ منقولست که هرگاه عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند
در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوارست مرد را که جامه خود را از آن
خود دور کند در وقتی که میان جماعتی نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را
از بدن بیرون آورید بسم الله بگوئید تا جنیان نپوشند و اگر نگوئید جنیان
آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق ع ۳ منقولست که سزاوار

زن مسلمان را که رو پاکه و پیراهن را بپوشد که تنها نباشد و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام آنقدر بود که تا نصف بازوی
آن حضرت میرسید و همه زنان میباید چنین کنند و از حضرت صادق ع بسند معتبر
منقولست که ادنای اسراف آنست که اندرون و بیرون جامه یکی باشد و در حدیث
دیگر منقولست که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتواند بود که مؤمن ده پیراهن
داشته باشد فرمود که بلی گفت بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست اسراف
آنست که جامه که باید برای زینت نگاه داشت بعوض جامه که در وقت دیگر بپوشند
بپوشی و در روایت دیگر از حضرت امام موسی ع سوال کردند که کسی ده پیراهن
داشته باشد اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهترست بلکه
اسراف آنست که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت باقر ع
منقولست که ته کردن جامه راحت جامه است و ستر باقی میماند فرمود که جامه
پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
شستن جامه اندوه و غم را بر طرف میکند و موجب قبول نماز میگردد و حضرت
رسول علیه السلام فرمود که هر که جامه پوشد میباید که تازه باشد و از حضرت امیر المؤمنین
ع منقولست که نقش چیزیست که از اخلاق قوم لوطست همان کلوله انداختن
و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و تندان خاییدن در راهها و جامه بر زمین
کشیدن از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقولست که شخصی

بخدمت



بخدمت حضرت صادق ع آمد دید که گریبان جامه را پینه کرده اند آن شخص بتعجب نظر میکرد
حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت از پینه جامه شما تعجب میکنم کتابی در پیش
حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد
و مال ندارد کسی که معیشت خود را باندازه نمیکند و نو نیست کسی که جامه کهنه
ندارد و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که آنقدر پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم
از آنکس که بر آن پینه میزد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که گریبان
جامه را پینه زند و کفش را پینه کند و چیزی که برای خانه خود بخرد خود بردارد و
بخانه برد از تکبر ایمن گردد **فصل یازدهم** در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آنها
و بهترین رنگها در نعل و کفش رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه
و چکمه رنگ سیاه است و در سفر خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنت
است که پیش و عقبش بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش بر زمین بچسبد و عراقی
مکروه است و ظاهرا که کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سرپای مکروه باشد و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها
نگاه دارد و معین است بر تمامی نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد که عمرش
دراز باشد چاشت را بامداد بخورد و کفش نیکو بپوشد و ردا و بالاپوش را سبک کند
و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق ع فرمود که اول کسی که نعلین پوشید
حضرت ابراهیم بود و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولست که نعل همواره پوشیدن

که همه اش بزمین برسد پوشیدنش بهودان است و بر مذمت اینقسم احادیث معتبره وارد
شده است که نعل سیاه پوشیدن که چشم را ضعیف میکند و ذکر را سست میکند و مورث اندوه
و غم است و بر تو باد بنعل زرد که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را بر طرف
میکند و پوشیدنش پیغمبرانست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خیلا
و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که نعل زرد بپوشد تا مادامیکه آن را پوشیده باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تع
در وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که صفراء فاقع لونها تسر الناظرین یعنی زرد بسیار
زردی شاد کردانند نظر کننده گان را و بسند معتبر از سدیر صراف منقولست که بخدمت امام جعفر
صادق ع رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را تو پوشیده
پس فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد که کهنه نکند آن را مگر آنکه کسب کند
مالی را از جائی که گمان نداشته باشد راوی گوید که سدیر مرا خبر داد که هنوز آن نعل
کهنه نشده بود که صد اشرفی از جائی بدستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر
وارد است که هر که نعل زرد یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که
نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود که مداومت
پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرض بد و داوود رقی روایت میکند که
حضرت امام جعفر صادق ع را دیدم در سفر که موزه سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این

موزه



بست
موزه سرخ چیست فرمود که این را از برای سفر کرده ام و از برای گل و باران خوب
است اما در حضر هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست **فصل دوازدهم** در آداب پوشیدن نعل
و موزه و کفش بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهما السلام منقولست که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست بکن و در وقت
کندن ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هر که با یک تای کفش براه رود
یعنی یکپا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان برو دست یابد و دیوانه
و دیوانه شود و از عبد الرحمن ابن کثیر منقولست که در خدمت حضرت صادق
ع براهی میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخته شد بند دیگری از آستین خود بدر
آوردم و نعل را با صلاح آوردم و حضرت دست بر دوش من انداخته بودند
پس فرمودند که هر که مؤمنی را یاری دهد برای اصلاح نعل او چون در قیامت
از قبر بیرون آید حق تع او را بر ناقه کرم روی سوار کند تا در بهشت را
بکوبد و از یعقوب سراج منقولست که براهی در خدمت آنحضرت میرفتم
بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای پیاده روانه شدند عبد الله بن
ابی یعفور بند نعل خود را گشود و بنزد آنحضرت آورد قبول نفرمودند و
گفتند که صاحب مصیبت اولی است که بر آن صبر نماید و عبد الرحمن بن ابی
عبد الله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتم
چون داخل شدند نعل را از پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را

بیرون کند که کندن نعل راحت قدم است و منقولست که حضرت رسول ص الله
نهی فرموده از راه رفتن با یک تای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و در روایت
که کی هست ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بند هائی را بپاید بست
و دیگر از آن حضرت منقولست که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که
دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه
تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مداومت بر پو
شیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا ع مذکور است که چون
خواهی موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو بسم الله والحمد لله
اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم وطئ قدمی فی الدنیا والآخرة و
ثبتهما علی الایمان ولا تزلزلهما یوم تزلزل الاقدام اللهم وقهما من
جمیع الآفات والعاهات ومن الاذی و چون خواهی بکنی بگو اللهم
فرج عنی کل غم وهم ولا تنزع عنی حلیة الایمان و در مکارم الاخلاق از
کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو
بسم الله اللهم صل علی محمد وآل محمد وطئ قدمی فی الدنیا والآخرة
وثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و در وقت کندن ایستاده بکن
و بگو بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اقی به قدمی من الاذی اللهم
ثبتهما علی صراطک المستوی **باب دوم** در آداب حلیه پوشیدن در فصل

انگشتر



انگشتر بدست کردن و آداب آن سنت مؤکد است مردان و زنان را انگشتر بدست
راست کردن و در بعضی احادیث تجویز فرموده اند در دست چپ کنند اما اگر
نقش آن چیزی باشد که نام خدا داشته باشد باید که در وقت استنجا بیرون آورد
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که اگر خواهی انگشتر
بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ بکن و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول ص و آله انگشتر در دست راست
میکردند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول ص در دست
راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت است که حضرت
رسول ص بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر در دست راست
بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله که اند مقربان فرمود که جبرئیل
و میکائیل پرسید که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی
که آن اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای من به پیغمبری و برای تو بوصایت
بآنکه وصی منی و برای فرزندان تو بامامت و برای دوستان تو به بهشت
و برای شیعیان و فرزندان تو بجنة الفردوس و در حدیث معتبر منقولست
که از حضرت امام موسی ع سوال کردند که بچه علت حضرت امیر المؤمنین
انگشتر در دست راست میکردند فرمود که زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمین است
که در قیامت نامهای ایشان را بدست راست میدهند و حضرت رسول ص

در دست میکردند انگشترها و این علامتیست برای شیعیان ما که باین علامت ایشان را
می‌شناسند و بجا نفقه کردن بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن زکوة و صحبت
و بقسمت کردن مال خود را با برادران مؤمن خود و بامر نیکیها کردن و بنهی از بدیها
کردن و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت جبرئیل ع بحضرت رسول
ع گفت که هر که انگشتر در دست راست کند و غرضش متابعت سنت تو باشد
و ببینیم او را در قیامت که متحیر مانده است دستش را بگیرم و بتو و با امیرالمؤمنین
برسانم و از حضرت صادق ع منقولست که از سنت پیغمبر است انگشتر در دست
راست کردن و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که هر که انگشتری در دست داشته
باشد که نام خدا در او باشد و در وقت استنجا بدر آورد و در حدیث دیگر که از
حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت
شهادت و انگشت میان و از حضرت صادق ع منقولست که انگشتر را باید بن انگشت
برساند و در روایت دیگر وارد شده است که انگشتر را بسر انگشتان کردن
عمل قوم لوط است و در فقه الرضا ع مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن
بگویند اللهم یمنی بیمان الایمان واختم لی بخیر واجعل عاقبتی الی
خیر انک انت العزیز الاکرم و ابن طاوس ره روایت کرده است این دعا
بخواند اللهم سومنی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الکرامة وقلدنی
حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی **فصل دوم** در بیان

آنچه

آنچه انگشتر از آن میسازند سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان انگشتر طلا
در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان و زنان را
مکروه است چنانچه منقولست از حضرت صادق ع بسند صحیح حسن که انگشتر
رسول خدا از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص
بحضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن که آن زینت
تست در آخرت و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که انگشتر غیر نقره در دست
مکنید بدرستی که رسول خدا فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن باشد
و در حدیث دیگر فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در آن انگشتر آهن باشد و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله ع منقولست که نماز نکند مرد در انگشتر
آهن و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق ع منقولست
که انگشتر حضرت رسول از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده بودند
محمد رسول الله **فصل سیم** در فضیلت عقیق منقولست که حضرت امیرالمؤمنین
صلوات الله ع چهار انگشتر در دست میکردند انگشتر یاقوت برای شرافت و
زینت و فیروزه برای نصرت و یاری و حدید صینی برای قوت و عقیق برای
حرز و دفع دشمنان و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی
الرضا ع روایت است که عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست
کردن عقیق نفاق را زایل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت

منقولست که هرکه قرعه با انگشتر عقیق بزند بهره او تمام تر بیرون می آید و در
حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع م منقولست که انگشتر عقیق در انگشت
کنید که مبارکست و هرکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که عاقبتش
مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیعة الرأی منقولست که در دست حضرت امام زین
العابدین ع انگشتری عقیق دیدم پرسیدم که این چه نگین است فرمود که عقیق
رومی است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه انگشتر عقیق در دست داشته
باشد حاجتش بر آورده است و از حضرت صادق ع م منقولست که انگشتر عقیق موجب
ایمنی است در سفر و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هرکه انگشتری که
نگینش عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد و در حدیث دیگر
وارد شده است که حاکمی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت صادق ع م فرمود
که انگشتر عقیق باو رسانید چنان کردند مکروهی باو نرسید و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ع م آمد و شکایت کرد که دزد در راه بمن
رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود چرا انگشتر در دست نداشتی که آن از همه بدیها
نگاه میدارد آدمی را بسند معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که انگشتر عقیق در دست
کنید که مادام آن انگشتر را با خود دارید اندوهی بشما نمی رسد و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن کوهیست که اقرار کرده است از برای
خدا بیگانگی و از برای من به پیغمبری و از برای تو بامامت و در حدیث معتبر

منقول



منقولست از بشیر دهان که عرض کردم که کدام نگینها برای انگشتر خود بگذارم فرمود که چرا
غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه
عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه رسول خدا و اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانه
حضرت فاطمه ع م و اما کوه عقیق سفید پس مشرف است بر خانه حضرت امیر المؤمنین ع م
و همه یکخانه اند و از زیر هر کوهی نهری جاریست از برف سفید سردتر و از عسل شیرین
تر و از شیر سفید تر و نمیخورد از آن نهرها مگر آل محمد و شیعیان ایشان و همه نهرها از
کوثر می آید و بیکجا میریزند و این سه کوه تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و از
برای محبان آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هرکه از شیعیان آل محمد یکی از این سه
عقیقها را در دست داشته باشد خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع
بلاها و امان یابد از پادشاه ظالم و از هرچه آدمی از آن میترسد و حذر مینماید
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را از برای حضرت امام محمد باقر ع م آوردند
که تازیانه بسیار براو زده بودند فرمود که انگشتر عقیق او کجاست اگر با او میبود
تازیانه نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق ع م منقولست که دستی
بسوی آسمان بلند نمیشود که خدا دوست تر دارد از دستی که در آن انگشتر
عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از امام حسین ع م منقولست که چون حضرت
موسی ع م بر کوه طور با حق تعالی مناجات کرد و بزمین نظر کرد حق تعالی از نور
روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خوردم بذات مقدس خود که عذاب

نکنم با آتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر ولایت علی بن ابی طالب را

داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل ع نازل شد بر حضرت رسول ص اقرار

و گفت یا محمد پروردگار سلامت میرساند و میگوید انگشتر بدست راست

بکن و نگینش از عقیق کن و بگو بعلی بن ابی طالب که انگشتر در دست

راست بکند و نگینش را عقیق کند حضرت امیر المؤمنین ع پرسید که یا رسول الله

عقیق کدام است فرمود که کوهیست در یمن که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی

و برای من به پیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان تو به

بهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است

که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتی که غیر عقیق

در دست داشته باشند بچهل درجه زیادتی دارد و سلمان اعمش روایت

کند که در خدمت حضرت امام جعفر صادق ع بودم و از در منصور عباسی

شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلمان

به بین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که

ای سلمان اگر عقیق بود تازیانه نمیزدند او را گفتم یا ابن رسول الله دیگر

بفرما فرمود که ای سلمان انگشتر عقیق امان میبخشد از دست بریدن گفتم

دیگر بفرما فرمود که ای سلمان امان میبخشد از خوف گفتم دیگر بفرما فرمود

که ای سلمان خدای عز و جل دوست میدارد بلند کند بدعا آنکسیکه دستی را

که دران



حضرت [illegible] فرمود

که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستی

که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم

یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن

رسول الله روایت کنم این حدیث را از جهت حسین بن علی از [illegible]

امیر المؤمنین صلوات الله ع فرمود بلی و در روایت دیگر منقول است که دو

رکعت نماز با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت که با او نباشد

**فصل چهارم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد و در سنگ حدیث معتبر

از حضرت علی بن موسی الرضا ع منقول است که انگشتر یاقوت در دست

کند پریشانی را زایل میکند و از حضرت امام جعفر صادق ع روایت

است که سنت است انگشتر یاقوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی

صلوات الله ع منقول است که انگشتر زمرد در دست کردن موجب آسانیست

که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا

ع بهمین لفظ وارد شده است اما بلفظ زبرجد و فرمود که انگشتر

زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری مبدل میکند و فرمود که هر که انگشتر

یاقوت و زمرد در دست کند فقیر نشود **فصل پنجم** در فضیلت فیروزه و جزع

یمانی از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که انگشتر فیروزه

در دست کند دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقول است که

که بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری
دیدم نگینش فیروزه بود و نقشش الله الملک بود من بسیار نظر میکردم
در آن انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله
علیه انگشتر فیروزه داشته است که نقشش الله الملک بوده است فرمود که
آن را میشناسی گفتم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگیست که جبرئیل
علیه السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بهدیه آورد از بهشت و آن حضرت بخشید
بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و از حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه منقول
است که انگشتر جزع یمانی در دست کنید که دور میکند مکر متمردان شیاطین را و از
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود روزی رسول
خدا بیرون آمدند و انگشتر جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با ما نماز کردند چون از نماز
فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در انگشت دست راست
خود کن و بآن نماز بکن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار
میگوید و ثوابش برای صاحبش نوشته میشود علی بن مهزیار گفت که دختر جعفر بن محمود را
خواستم و بسیار او را دوست میداشتم و فرزند از او بوجود نمی آمد رفتم بخدمت
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و این مطلب را عرض کردم پس تبسم نمود و فرمود
که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّ لَا تَذَرْنِی
فَرْدًا وَأَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِینَ چنان کردم یکسال نگذشت که از آن زن پسری بوجود آمد

و از حضرت



و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم از دستی
که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آن را ناامید برگردانم
نوع ششم در فضیلت دُرّ نجف و بلور و حدید صینی و سایر نگینها است بعبارت
مفضل بن عمر منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم و انگشتر فیروزه
در دست داشتم فرمود که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیده های مردان مؤمن و زنان مؤمنه
یا دور کرده شده و دردها از بدنهای ایشان و من دوست میدارم برای هر مومنی که پنج انگشتر
در دست داشته باشد یاقوت و آن فاضلترین همه است و عقیق و آن خالصتر است برای
خدا و برای ما اهل بیت فیروزه چشم را قوت میدهد و سینه را گشاده میدهد و قوت دل
زیاد میکند و چون پی کاری روند و آن را در دست کنند پس چون بگردد حاجتش بر آورده
شده باشد و حدید صینی و آن را دوست نمیدارم همیشه در دست داشته باشند لیکن بد
نمیدانم در دست کردن آن را در وقتی که بدیدن کسی روند که از او ترسند از اهل شر
برای آنکه شر او ساکن شود و حدید صینی شیاطین را دور میگرداند پس بسبب او را
دوست میدارم که داشته باشند پنجم آن دری که در نجف اشرف ظاهر میشود
بدرستیکه هرکه آن را در دست میکند بهر نظر کردن بآن خداوند عالمیان زیارت
حج و عمره در نامه عمل او مینویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم
نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگین از آن بقیمت بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان
کرده است برای ایشان که توانگر و فقیر ایشان که توانند در دست کرد از بو طاهر

میگوید که این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری ع عرض کردم فرمود که این حدیث جدّم حضرت
صادق ع است گفتم شما هیچ چیزی را بر عقیق سرخ اختیار نفرموده‌اید فرمود که بلی برای
فضیلت بسیاری که در آن وارد شده است بدرستی که پدرم خبر داد مرا که اول کسی که انگشتر
عقیق در دست کرد حضرت آدم ع بود دید در عرش نوشته است اِنّی اَنَا اللّهُ لا اِلهَ
اِلّا اَنَا اَحَدی مُحَمَّدٌ صَفْوَتی مِنْ خَلْقی اَیَّدْتُهُ بِاَخیهِ عَلیٍّ وَنَصَرْتُهُ بِهِ تا آخر
نامهای مقدسهٔ آل عبا پس چون حضرت آدم از آن درخت میوه خورد و بزمین آمد
متوسل شد بسوی خدا باین نامهای مبارک و به برکت این نامها خدا توبه اش را قبول کرد
پس حضرت آدم ع انگشتری از نقره ساخت و نگینش را از عقیق سرخ کرد و این نامهای
مقدسه را بر آن نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست خود کرد پس این سنتی شد
که نیکان از فرزندانش همه بسنت او عمل کردند و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که نیکو نگینیست بلور و از حسین بن عبد الله منقولست که سوال کرد از حضرت
امام علی نقی ع که آیا خوبست انگشتر کردن سنگ ریزه که از چاه زمزم بیرون آورند فرمود
که بلی اما چون خواهد که استنجا کند از دست بیرون آورد یعنی اگر در دست چپ باشد

**فصل هفتم** در بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش کنند حسین بن خالد بخدمت حضرت
امام رضا ع عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در دستش انگشتری باشد که نقش نگینش
لا اله الا الله باشد حضرت فرمود که خوب نمیدانم این را از برای او گفتم که پدر تو که ولی
خدا و پدران شما با انگشتر استنجا میکرده اند فرمود بلی و لیکن ایشان انگشتر را

در دست راست

در دست راست میکرده اند پس آن از خطا بترسید و فقرا با ایشان مینشستند پس فرمود که نقش نگین
حضرت آدم لا اله الا الله محمد رسول الله بود با خود از بهشت آورده بود و حضرت
نوح چون بکشتی سوار شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن بترسی
هزار مرتبه لا اله الا الله بگو پس دعا کن تا من تو و مومنان را از غرق شدن نجات دهم
پس چون کشتی براه افتاد باد تندی وزید و حضرت نوح از غرق ترسید و او را مجال آن
نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید بزبان سریانی گفت هَلُولِیا اَلْفاً اَلْفاً
یا ماریا یا اَتْقِنْ پس طوفان برطرف شد و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح فرمود نگینی که
مرا با آن نجات داد سزاوار است که همیشه با من باشد پس در انگشتر خود ترجمهٔ آن را بر نگینش نقش
کرد لا اله الا الله الف مرة یا ربّ اصلحنی حضرت ابراهیم ع را چون در کفهٔ منجنیق
گذاشتند که در آتش اندازند جبرئیل ع بخشم آمد حق تعالی باو فرمود که چه چیز باعث غضب
گردیده است گفت پروردگارا خلیل تست و هیچکس نیست در روی زمین که ترا بیگانگی عبادت
بغیر از او دشمن خود و دشمن او را بر او مسلط کرده پس خداوند عالم باو وحی فرمود
که ساکت باش که کسی تعجیل در امور میکند که مثل تو بندهٔ عاجزی باشد که ترسد از دستش بدر رود
اما من پس آن بندهٔ منست هرگاه که خواهد او را میگیرم پس جبرئیل خاطرش مطمئن شد بجانب
ابراهیم ملتفت شد و گفت آیا ترا حاجتی و کاری هست در این وقت فرمود اما بتو
پس نه پس حق تعالی انگشتری برای او فرستاد که در آن شش حرف نقش بود لا اله
الا الله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری الی الله

اسندت ظهری الی الله حسبی الله بی‌جنم وحی بوحکه این انگشتری را در دست کنی
که آتش را بر تو سرد و سلامت میکردانم و نقش نگین حضرت موسی ع دو حرف بود که
از توریة بیرون آورده بود اصبر توجر اصدق تنج یعنی صبر کن تا مزد یابی راست
بگو تا نجات یابی و نقش نگین حضرت عیسی ع دو حرف بود که از انجیل بیرون آورده بود
طوبی لعبد ذکر الله من اجله وویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا
حال بنده که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده که خدا فراموش شود از
خاطرها بسبب او و نقش نگین حضرت رسول صلعم این بود لا اله الا الله محمد
رسول الله و نقش نگین حضرت امام حسن صلوة الله علیه العزة لله بود و نقش
نگین حضرت امام حسین صلوة الله علیه ان الله بالغ امره بود و حضرت علی بن الحسین صلوة ا
ع انگشتر پدر خود را در دست میکردند و حضرت امام محمد باقر ع نیز انگشتر حضرت
امام حسین را در دست میکردند و نقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق ع الله
ولیی وعصمتی من خلقه بود و نقش انگشتر حضرت امام موسی ع حسبی الله بود
پس حضرت امام رضا ع دست در آن کردند و بعد از آن انگشتر پدر را که در دست
داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نقش نگین
حضرت رسول صلعم الله محمد رسول الله بود و نقش نگین حضرت امیر المؤمنین ع
الله الملک بود نقش نگین حضرت امام محمد باقر ع العزة لله و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که از آن حضرت پرسیدند که آیا کی اهیت داد که در نگین

عزائم کرد



عزائم خود و پدران خود چیزی نقش کنند حضرت فرمود که نقش انگشتر جدم من الله
خالق کل شیء ست و نقش انگشتر پدرم العزة لله بود و نقش انگشتر حضرت امام
زین العابدین الحمد لله العلی بود و نقش انگشتر امام حسن و امام حسین
علیهما السلام حسبی الله بود و نقش انگشتر امیر المؤمنین ع الله الملک بود
و در روایت معتبر دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق ع این کلمات
بود اللهم انت ثقتی فقنی شر خلقک و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق ع انت ثقتی فاعصمنی من
الناس بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم ع حسبی الله بود و در
زیر آن شکل گلی بود و در بالایش هلالی نقش کرده بودند و در حدیث صحیح
دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا ع ما شاء الله لا قوة الا بالله
بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که نقش نگین
حضرت امام زین العابدین ع این بود خزی و شقی قاتل الحسین بن علی
و عبد الله بن سنان میگوید که امام حضرت صادق ع انگشتر حضرت رسول صلعم
بیرون آورد نگینش سیاهی داشت و در دو سطر نوشته بود محمد رسول الله صلی
الله علیه و آله و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص الله نهی
فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از حضرت
صادق ع منقولست که عقیق در ازدستم چهار امان میتوان کرد در دزدی

یمنی

و نقش انگشتری و نگینش و در حدیث دیگر فرمود که هرکه نقش کند بر انگشتری
ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله ایمن شود از فقر و درویشی
و از حضرت امام رضا عم منقول است که نقش نگین حضرت امام محمد باقر عم
چنین بود ظنی بالله حسن و بالنبی المؤتمن و بالوصی ذی المنن و
بالحسن والحسین و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر عم روایت
ست که انگشتر حضرت امیر المؤمنین عم از نقره بود و نقشش نعم القادر الله
و در بعضی روایات دیگر انگشتری داشتند از حدید چینی سفید صاف بود
و این کلمات را در آن نقش فرموده بودند در هفت سطر و در جنگها و شدتها
در دست میکردند کلمات اینست اعددت لکل هول لا اله الا الله و لکل
کرب لا حول و لا قوة الا بالله و لکل مصیبة نازلة حسبی الله و لکل
نعمة متجددة الحمد لله ما لعلی بن ابی طالب من نعم الله فمن الله و از
اسماعیل بن موسی منقول است که انگشتری حضرت امام جعفر عم تمامش نقره بود
و بر آن این نقش بود یا ثقتی قنی شر جمیع خلقک و از حضرت عم امام محمد باقر
عم منقول است که هرکه در انگشتر خود آیه قرآن نقش کند آمرزیده شود و ابی خالد حسن
سجستانی
عم الوجه بروایت قاسم بن العلا نقل کرده است از صافی خادم حضرت امام
نقی عم که رخصت طلبیدم از آن حضرت که بزیارت جدش امام رضا عم بروم
فرمود که باید که با خود انگشتری داشته باشی که نگینش عقیق زرد باشد و

نقش

۱۹

و نقش نگین ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله باشد و بر روی
دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را با خود داری امان
یابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی تو تمام ترهست و دین ترا
حفظ کننده تر است خادم گفت بیرون آمدم و انگشتری که حضرت فرموده بود
بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع کردم و دور شدم فرمود که مرا
برگردانند چون برگشتم گفت ای صافی گفتم لبیک ای آقای من فرمود
که باید که انگشتر فیروزه هم با خود داشته باشی بدرستی که در میان طوس
و نیشابور شیری بر خواهد خورد بتو و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو
پیش برو و این انگشتر بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از راه
و باید که بر یک طرف نگین فیروزه الله الملک نقش کنی و بر طرف دیگر الملک
لله الواحد القهار زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین الله الملک بود
چون خلافت با آنحضرت برگشت الملک لله الواحد القهار نقش کرد و
نگینش فیروزه بود و چنین نگینی امان میبخشد از جانوران درنده و باعث
ظفر و غلبه میشود در جنگها خادم گفت که رفتم بسفر و بخدا سوگند که در همان
مکانی که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه حضرت فرموده بود عمل
آوردم و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه بود گذشته بود بخدمت
آنحضرت عرض کردم حضرت فرمود که یک چیز ماند که نقل نکردی اگر خواهی

من نقل کنم گفت ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود که شبی در طوس
نزدیک روضهٔ حضرت امام رضا علیه السلام خوابیده بودی گروهی از حبشیان به زیارت قبر
میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند پس آن را از دست
تو بیرون آوردند و بردند بنزد بیماری که داشتند و آن انگشتر را در آب شستند
و آب را به بیمار خود خورانیدند و بیمارشان صحت یافت پس انگشتر را برگردانیدند و تو
در دست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی بسیار تعجب
کردی و سببش ندانستی و بر بالین خود یاقوتی یافتی آن را برداشتی و الحال
همراه تست ببر به بازار و آن را به هشتاد اشرفی خواهی فروخت و این یاقوت هدیهٔ
آن حبشیان است که برای تو آورده بودند خادم گفت یاقوت را بردم ببازار و به هشتاد
اشرفی فروختم و ایضا سید ابن طاوس روایت کرده است که شخصی آمد بخدمت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و گفت میترسم از حاکم شهر جزیره و میترسم که دشمنان من
دورا بامن آورند و ایمن نیستم از آنکه مرا بکشند حضرت فرمود که انگشتری بساز
که نگین او حدید چینی باشد و بر روی نگین سه سطر نقش کن اول اعوذ بـ
بجلال الله در سطر دوم اعوذ بکلمات الله در سطر سیم برسول الله
و در زیر نگین دو سطر نقش کن سطر اول آمنت بالله و کتبه و سطر دوم
و انی واثق بالله و رسله و در دور نگین نقش کن اشهد ان لا اله
الا الله مخلصا و این صورت نگین است و در دست کن این انگشتر را در هر جا

راست

اعوذ

که بری نود ونه



اشهد

| اعوذ بجلال الله |
| --- |
| اعوذ بکلمات الله |
| اعوذ برسول الله |

ان لا اله الا الله

که بروی نود و نه درد دفع شود و در وقتی که از
آزار اهل از مردم بترسی بدین نگین
که حاجتهایت برآورده میشود و تو
سعادت یابی مبدل میشود و نیز
که دانید زن بار او دشوار شود بر او ببندید که بمشیت خدا بزودی وضع حمل
او میشود و هم چنین دفع میکند از چشم بدرا و حذر کن که نجاستی در جوهر
آن نگین نرسد و با خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت نما آنرا
که اسرار خداست و شما شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود
باید که این انگشتر را داشته باشید و از دشمنان و از خود پنهان دارید
و تعلیم مکنید مگر بکسی که اعتماد برو داشته باشید راوی حدیث گفت
من تجربه کردم و اثرش را یافتم و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده
است که هر که صبح کند و در دستش انگشتری عقیق باشد که در انگشت دست راست
کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را بجانب کف دست
بگرداند و بآن نظر کند و سوره انا انزلناه را تا آخر بخواند پس بگوید آمنت
بالله وحده لا شریک له و کفرت بالجبت و الطاغوت و آمنت بسر
آل محمد و علانیتهم و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم چون چنین
کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان

نازل میشود و آنچه بالا میرود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود
و بیرون می آید از زمین و در حرز و حمایت خدا و در دوستان خدا باشد
تا شام **فصل هشتم** در زیور طلا و نقره پوشیدن و پوشانیدن و اطفال
پوشانیدن در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
ع پرسیدند که آیا جایزست که پسران نابالغ را زیور طلا بپوشانند
فرمود که حضرت امام زین العابدین ع زینت میفرمود زنان و اطفال
خود را بزیور طلا و نقره و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت پرسیدند در این
باب فرمود که پدرم امام محمد باقر ع زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره
می پوشانید و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آن حضرت از زیور کردن زنان
بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که سر
غلاف شمشیر حضرت رسول ص و دسته اش از نقره بود و در میان حلقها نقره
داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره در پیش و دو حلقه در عقب داشت
و از حضرت امام رضا ع منقولست که ذو الفقار را جبرئیل برای رسول خدا
از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست
که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث دیگر فرمود که
زیور شمشیر حضرت رسول ص تمام از نقره بود و دسته اش و سر دسته اش
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست زینت کردن قرآنها و شمشیرها

بطلا و نقره



بطلا و نقره و بسند موثق دیگر از آن حضرت امام محمد باقر ع منقولست که همه
زنان زیور میپوشیدند و در حدیث معتبر از فضل بن یسار منقولست که از حضرت
امام جعفر صادق ع پرسیدند که انگشتری که در آن طلا نشانده باشد آیا میتوان در خانه نگاه داشت
حضرت فرمود اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بر او مالیده باشند باکی نیست و در حدیث
دیگر از آن حضرت منقولست که سزاوار نیست که زن خود را معطل بگذارد و در
زینت بگذارد اگر چه گردن بندی باشد که در گردن به بندد و سزاوار نیست
که دستش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن حنا باشد هر چند سال دار
باشد و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که جایز است که دندانها را بطلا
بیکدیگر به بندند و بدانکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان
اجتناب نمایند اگر چه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم** در آداب سرمه
کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول
ص سرمه سنگ بچشم میکشیدند در وقت خواب تاق تاق و در حدیث
معتبر از حسن جهم منقولست که گفت حضرت امام رضا ع میلی از آهن بیرون
نمودند و سرمه دانی از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی ع بود
این میل سرمه بکش و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که سرمه کشیدن
درد چشم را نفع میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که سرمه سنگ در دیده کشیدن دهان را خوشبو میکند

و بسند موثق از حضرت صادق ع منقولست که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند
و در حدیث دیگر فرمود که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینائی را تند
میکند و اعانت میکند بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه سنگ
چشم را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و آب ریختن چشم را زایل میکند و
در روایت دیگر فرمود که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاد میکند و فرمود که هر که
هر شب سرمه سنگ که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه
نیاورد و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع م منقولست که هر که سرمه
کند باید که تاق بکشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح منقولست
که حضرت رسول صلعم پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل در دیده راست
میکشیدند و ۳ میل در دیده چپ و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقو[لست]
که چهار چیز است که دو را نورانی میکند نظر کردن در روی نیکو و در آب
جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا ع منقولست
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه بکشد و حضرت صادق ع
فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از آب آوردن چشم
و از حضرت امام رضا ع م منقولست که هر که را ضعف در باصره بهم رسد هفت
میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم کشد چهار میل در چشم راست
و ۳ میل در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر ع م منقولست که حضرت رسول





در هر چشم ۳ میل میکشیدند در وقت خواب و در روایت دیگر وارد شده است
که ۳ میل در چشم راست و دو میل در چشم چپ میکشیدند و حضرت صادق ع
فرمود که بر شما باد بمسواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بسرمه کشیدن
که دهن را خوشبو میکند زیرا که چون مسواک میکند آدمی بلغم زایل میشود از چشم
و جلا می یابد و چون سرمه میکشد بلغم از چشم برطرف میشود و بدهن نازل نمیشود
و دهن خوشبو میشود و در فقه الرضا ع م مذکور است که چون اراده بینائی کسی
بکنی میل را بدست راست بگیرد و در سرمه دان بزند و بگوید بسم الله چون میل را
در چشم بکند و بگوید اللهم نور بصری واجعل فیه نورا ابصر به حقک واهدنی
الی الطریق الحق وارشدنی الی سبیل الرشاد اللهم نور علی دنیای و
آخرتی و در مکارم روایت کرده است که این دعا را بخواند در وقت سرمه کشیدن
اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل
النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی فی دینی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی **فصل دهم**
در آب نظر بآینه کردن بسند معتبر از حضرت صادق ع م منقولست که رسول خدا ع م
فرمود که خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه
کند و حمد خدا بیاورد گوید برای اینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده و او را معیوب نکرده
است و در بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه نظر میکردند و موی سر مبارک

و در پیش شانه میکردند و از آنها خود و زنان خود خود را بیاراستند و میفرمودند
که خدا می پسندد و دوست میدارد بنده ای که چون بنزد برادران مؤمن رود از برای
ایشان زینت کند و خود را بیاراید و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون کسی
در آینه نظر کند باید که بگوید الحمد لله الذی خلقنی فاحسن خلقی و صورنی فاحسن
صورتی و زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام و در فقه الرضا ع و غیر آن
مذکورست که چون خواهی در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر و بگو بسم الله و چون
در آن نظر کنی دست راست را بر پیش سر بگذار و بر رو بکش و ریش خود را بدست راست بگیر
و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشرا سویا و زیننی و لم یشنی و
فضلنی علی کثیر من خلقه و من علی بالاسلام و رضیه لی دینا پس آینه را از دست
بگذار و بگو اللهم لا تغیر ما بنا من نعمک و اجعلنا من الشاکرین و لآلائک
من الذاکرین و در روایت دیگر وارد شده است که آینه را بدست چپ بگیرد و چون
خود را در آینه دید بگو الحمد لله الذی احسن و اکمل خلقی و حسن خلقی و خلقنی خلقا
سویا و لم یجعلنی جبارا شقیا الحمد لله الذی زین منی ما شان من غیری اللهم
کما احسنت خلقی فصل علی محمد و آل محمد و حسن خلقی و تمم نعمتک علی و زینی
فی عیون بریتک و ارزقنی القبول و المهابة و الالفة و الرحمة یا ارحم
الراحمین و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول ص به حضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللهم کما احسنت خلقی فحسن خلقی و رزقنی



## فصل یازدهم

در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان و خضاب بدانکه مردان را خضاب
موی سر و موی ریش سنت مؤکد است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا سنت است و مردان را
خضاب دست و پا کراهیت دارد مگر اندکی که بعد از نوره بر جمیع بدن سنت است حنا
مالیدن از آن و مدت باید که رنگ ناخن برطرف باید شود چنانچه بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که چهار چیز است از سنتهای پیغمبران بوی خوش کردن و نزدیکی
زنان کردن و مسواک کردن و خضاب کردن و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که یک درهم در خضاب صرف شود بهترست از هزار درهم که در راه خدا صرف نمایند و در آن
چهارده خصلت هست باد را از گوشها دور میکند و غبار از چشم جلا میدهد و بینی را
نرم میکند و دهن را خوشبو میکند و بن دندانها را محکم میکند و گند بغل را دفع
میکند و کم میکند وسوسه شیطان را و ملائکه بسبب آن شاد میشوند و سبب خوشحالی مؤمنان
و خشم کافران میشود و زینت است و بوی خوش است و موجب خلاصی از عذاب قبر میشود
و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید خود را رنگ کنید و شبیه
مشوید بیهودان و حسن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم دیدم که
آن حضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بود پس فرمود که در خضاب کردن اجر عظیم
هست و خود را ساختن موجب زیادتی عفت زنان است و جمعی از زنان دست
از عفت بر داشته اند بسبب آنکه شوهران ایشان خود را از برای ایشان نمی آراستند
عرض کردم که بما رسیده است که حنا موی سفید را زیاد میکند حضرت فرمود موی سفید خود

زیاد میشود به حنا و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت رسول ص آمد و نظر کرد
حضرت دید که موی سفیدی در ریشش بهم رسیده است فرمود که این موی سفید نور است پس فرمود که
هر که در اسلام یک موی سفید در ریشش بهم رسد از برای او نوری باشد در قیامت پس آن شخص
بحنا خضاب کرد و بخدمت آن حضرت آمد فرمود که هم نور است و هم اسلام پس رفت و خضاب سیاه
کرد و آمد فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است و محبوب میگرداند ترا بزنان و خوف
و بیم می‌افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقولست که گروهی بخدمت حضرت امام حسین
ع آمدند دیدند که آن حضرت بسیاهی خضاب کرده است در ریش باب از آن حضرت سؤال کردند
و دست را بر ریش خود کشیدند و فرمودند که امر کرد رسول خدا ص در یکی از جنگها
مسلمانان را که بسیاهی خضاب کنند تا باعث غلبهٔ ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقولست
که از حضرت صادق ع پرسیدند که خضاب سر و ریش سنت است فرمود که بلی حضرت امیرالمؤمنین
ع الله ع برای آن خضاب نمی‌نمود که حضرت رسول ص فرموده بود که ریش تو از خون
سرت خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب میکشیدند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
امیرالمؤمنین ع فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز صاحب تعزیه‌ام در مصیبت
وفات حضرت رسول ص الله ع و در احادیث بسیار منقولست که حضرت رسول ص الله ع خضاب
میفرمودند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق ع نظر کردند بمردی که از حمام بیرون
آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمود که آیا ترا خوش می‌آید که خدا دستهای ترا
چنین خلق کند گفت نه والله ولیکن خبر بما رسیده است که هر که داخل حمام شود باید

کند اثر حنا



که اثر حمام بر او دیده شود یعنی حنا حضرت فرمود که غلط فهمیده‌اند بلکه مراد آنست که چون بیرون
از حمام بدر آید بشکرانهٔ نعمت دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن منقولست که حضرت
صادق ع فرمودند که از جمله علامات بد که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که
زنان در میان مردان و زنان عجمی ظاهر شود و خضاب کنند و خود را مشابه
کنند بریش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب سر
و ریش سنت است و از علامات مردانست و در حدیث معتبر منقولست از آن حضرت که باکی
نیست که در حمام خلوق بدست و پا بمالد بجهت ترکها که در دست بهم میرسد از باب
دوا اما خوشم نمی‌آید که همیشه این کار کند و خلوق بوی خوشی بوده است که زعفران
داشته است و رنگ از آن در بدن میمانده است و در حدیث دیگر از ابی الصباح منقولست
که گفت اثر حنا در دست حضرت امام محمد باقر ع دیدم یعنی رنگ ضعیفی که از حنا باقی
بعد از دارو میماند چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که سزاوار نیست زن را که دستش را از خضاب خالی گذارد اگر چه باید
حنا بمالد هر چند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا ص زنان شوهردار و بی‌شوهر را
بخضاب اما شوهردار برای شوهر خود و اما بی‌شوهر دار برای آنکه دستش بدست
مردان نماند **فصل دوازدهم** در کیفیت خضاب و احکام آن در حدیث صحیح
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که باکی نیست در خضاب کردن بوسمه
برای مرد پیر و در حدیث صحیح و موثق از حضرت امام محمد باقر ع منقولست

که فرمود خضاب کردن بوسمه دندانها را سست کند و درهم شکند و در چندین حدیث
معتبر وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد خضاب بوسمه در لحیه مبارک
آن حضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب انس زنان
است و مهابت از آن در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست
که خضاب کردن بحنا آب رو را زیاد میکند و سفیدی مو را زیاد میکند و در حدیث صحیح منقولست
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام خضاب بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگی و در حدیث دیگر
فرمود که خضاب بحنا بوی بد را زایل میکند و آب رو را می افزاید و دهن را خوشبو
میکند و فرزند را خوش رو میکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هر
زنی که علت حیضش قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت امام حسین و امام محمد باقر خضاب بحنا و وسمه با هم میکردند
و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که بهترین خضابها نزد خدا رنگ سیاه است و در حدیث دیگر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود زنان را که سر خود را
خضاب کنند و بدانکه مشهور در میان علما آنست که جنب را خضاب کردن مکروه است
و هم چنین مکروه است در حال خضاب جنب شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود
که چون حنا رنگ خود را داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست و هم چنین
مکروه است زن حایض را خضاب کردن

## باب در آداب خوردن و آشامیدن

**فصل اول** در بیان ظرفهای که در خوردن و آشامیدن و سایر استعمالات

نتوان استعمال



نتوان استعمال نمود و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست خوردن
و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب
خلافست و احوط اجتناب است و بعضی گفته اند که طعام را در ظرف طلا
و نقره کشیدن حرام میشود اگرچه طعام را در جای دیگر کنند و اگرچه دلیلی
ندارد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل میدانند وضوی را که از ظرف
طلا و نقره بسازند و در مانند سرمه دان و عنبرچه و سرقلیان و
قندیلها که هر دو طرفش گشوده باشد که در مشاهد مشرفه می آویزند
و ظرف مصحف و دعا و آینه را بنقره و طلا گرفتن خلافست و احوط در
هم اجتناب است اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی قلیان
که از نقره و طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروه است از ظرف نقره
کوب و طلا کوب چیزی خوردن و آشامیدن و اگر بخورد بهتر آنست که دهن را
بموضع نقره و طلا نرساند و اشهر میان علما آنست که جایز نیست استعمال پوست
مگر پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آن را بعنوان مشروع کشته
باشند یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و
همچنین پوستی که یافته باشند اگرچه گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل
کفش در مسجد مسلمانان و بعضی گفته اند که جایز است استعمال میته در عملی که مشروط
بطهارت نباشد مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و امثال اینها و این قول

قویست و احوط اجتنابست و هم چنین بعضی جایز دانسته اند استعمال پوستی را
که ظرفی بهم رسد که آن را کنده اند یا از دست مسلمانی افتاده است و خالی
از قوتی نیست و احوط اجتنابست و پوست حیوانی طاهر که گوشت آن را
نخورند و قابل تذکیه باشد استعمال میتوان کرد اما پیش از دباغی کردن
مکروهست استعمال و ظرفی که شراب در آن کرده باشند هرچند نجاست در آن
نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن پاک میشود و هم چنین هرچه کاشی باشد
و منفذی نداشته باشد که شراب در هم انجا کند مثل سبو و کدو و خم
کاشی و امثال اینها خلافست و اشهر آنست که با آب کشیدن پاک میشود خصوصا
وقتی که آنقدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند
و احوط آنست که اجتناب کنند و از حضرت رسول الله ص منقولست که هرکه
در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظرف طلا و نقره بهشت محروم
باشد و بسند معتبر منقولست که محمد بن اسماعیل بن بزیع از حضرت امام رضا ع
سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت از آن کراهیت فرمودند گفت یاران ما
روایت کرده اند که حضرت امام موسی ع آیینه داشتند بنقره گرفته بودند حضرت فرمود
که نه الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آیینه الحال نزد منست و
فرمود که برادرم عباس را چون ختنه میکردند برای او چوبی ساخته بودند
و آن را بنقره گرفته بودند که نقره قبضه اش تا مبلغ ده درهم بود که شکستند

ولی دنیاد

ولی دنیا در عجب باشد حضرت امام موسی ع فرمود که آن را شکستند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که ظرف طلا و نقره متاع
جماعتیست که یقین بآخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام منقولست که
آورده اند بنزد حضرت امام جعفر ع که آب بخورند پیاله از نقره بر آن ظرف چسبانیده
بودند دیدم و در حدیث موثق از آن حضرت منقولست که مکروهست آب خوردن
در ظرفی که نقره کوب باشد یا بعضی از آن نقره باشد و در حدیث دیگر
دهان چینی و شانه کردن از شانه چینی مکروهست و در حدیث دیگر از آن حضرت
منقولست که کراهیت دارند خوردن چیزی که در سفالی که از مصر می آورند
پخته باشند و در روایت موثق از حضرت امام رضا ع منقولست که طعام
مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند و از بزیع بن عمر منقولست که بخدمت
حضرت امام محمد تقی ع آمد دید که حضرت طعام تناول میفرمودند در میان کاسه
سیاهی که در میان آن برنگ زرد سوره قل هو الله نقش کرده بودند

فصل دویم

در نخوردن طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه
از احادیث اهل بیت ع ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن
و تکلف در خوبی و پاکیزگی آنها خوبست و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن
خوب نیست اما باید که از حلال باشد و آنقدر نخورند که او را از عبادت
الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته همت مصروف خوردن

و آشامیدن نباشد بلکه باید منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل
قوت عبادت باشد و باید که نفقه صرف کند که نسبت بحال او اسراف نباشد که
خدا مسرفان را دوست نمیدارد و بسند معتبر وارد شده است که حضرت صادق ع
بسیار بود تنها و فرنی نعنی و حلواهای لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه
خدا بر ما توسعه میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میکرد ما نیز
تنگ میکنیم و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که سه چیز است که حق تعالی
مؤمن را در قیامت بر آنها حساب نمیکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه
که یاور او باشد و فرج او را از حرام نگاه دارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت
حضرت امام محمد باقر ع رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من خوردم با آن حضرت
هرگز از آن نیکوتر و پاکیزه تر طعامی نخورده بودم پس فرمود که چگونه دیدی
طعام ما را گفتم فدای تو شوم هرگز باین خوبی و پاکیزگی طعامی نخورده بودم
ولیکن بیاد آمد آن آیه که در کتاب خداست وَلَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ
النَّعِیم که ترجمه اش اینست که البته سوال کرده خواهید شد در روز قیامت
از نعمت الهی حضرت فرمود که مراد از نعیم در این آیه مذهب تشیع و ولایت
اهل بیت ع است در قیامت از شما سوال خواهند کرد و بسند صحیح از حضرت
صادق ع منقولست که حق تع از آن کریم تر است که سوال کند از مؤمن از خوردنی
و آشامیدنی که در دنیا برا و حلال کرده باشد و بسند حسن از آن حضرت

منقولست

منقولست که طعام بعمل بیاورید و نیکو بعمل بیاورید و برادران خود را بطلب و با ایشان
بخورید و از حضرت رسول ص منقولست با سیری چیزی خوردن مورث پیسی است
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که سه چیز است که خدا آنها را دشمن
میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن در غیر محل
تعجب و خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول ص منقولست که
مؤمن در یک شکم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار میخورد
و در حدیث دیگر منقولست که ابو جحیفه بخدمت آن حضرت آمد و آروغ میزد
از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هرکه در دنیا سیرتر است
در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد تا از دنیا رفت
و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمیدارد مانند شکم پر از
طعام و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت عیسی ع بشهری رسید
که مرد و زن فریاد میکردند و با یکدیگر نزاعی داشتند سبب آنرا پرسید مرد
گفت که این زن منست و صالحه است و عیبی ندارد اما من او را دوست نمیدارم
و میخواهم از او جدائی اختیار کنم حضرت فرمود که بهمه حال سبب این کینه را
بگو که چیست مرد گفت که رویش کهنه و بد طراوت شده است پیر شده باشد حضرت
عیسی بآن زن فرمود که میخواهی که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بلی فرمود
طعام بکه میخوری سیر مخور زیرا که طعام زیاد که در معده بجوشد آب رو را میبرد

آن وقت جماع کرد و در وقت حلال و [illegible] برکت و محبوب شوهر شد و از حضرت
امام موسی عم منقولست که اگر مردم میانه‌رو باشند در طعام خوردن همیشه
بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که پنج خصلتست
که موجب بیماری و بیم پیسی است نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل
کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیز خوردن و در حال
حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری چیز خوردن و از حضرت امام جعفر صادق
عم منقولست که آدمی را ناچارست از طعامی که بآن قوت بیابد و هرگاه طعام
خورد باید که یک حصه شکم را برای طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه
برای نفس و شکم نکند در فربه کردن خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه میکنند
و فرمود که هرگاه شکم سیر شد باعث طغیان و فساد میشود و فرمود که هر دردی که
از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از تب که آن بنا کار میرسد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت عیسی عم فرمود که ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیز مخورید و هرگاه گرسنه
شوید بخورید و سیر مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما کنده میشود و پهلوهای شما
فربه میشود و پروردگار خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق عم منقولست
که کفران نعمت الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار کرد و از
حضرت رسول صلعم منقولست که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند
ابا کرد تناول فرمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا حرام میکنی

خوردن



خوردن این را فرمود که نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده بسیار رطب
خوب نزد حضرت امیر المؤمنین عم آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بدهن نهادند
و فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم که خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده‌ام
و در حدیث دیگر وارد است که فرمود که چیزی که حضرت رسول عم نخورده است نمیخواهم
بخورم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت با خیر نعمت باشند
مادام که لباس عجمان را نپوشند و طعامهای عجمان را نخورند پس چون چنین کنند
خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول عم منقولست که نیکو
نان خورشیست سرکه و بهتر است در اسراف و نعمت را ضایع [illegible] دشمنی
دارد که نخواهد

## فصل سیم

در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام خوردن
سنتست که چاشت را بامداد بخورند و در میان روز چیزی نخورند و بعد از نماز خفتن
بار دیگر طعام بخورند و لقمه را کوچک بردارند و نیکو بخایند و نظر بروی مردم
نکنند و طعام بسیار گرم نخورند و بر طعام گرم ندمند بلکه بگذارند تا سرد شود
و بعد از آن بخورند و نان را بکارد نبرند و استخوان را پاک نکنند و بکلی از
انگشت چیزی نخورند و از پیش خود چیزی بخورند و دست در پیش دیگران دراز نکنند
و کاسه و انگشتان را بلیسند و در حالت جنابت مکروه است طعام و آب خوردن
و اگر وضو سازند یا دست بشویند و مضمضه و استنشاق بکنند یا دست و رو را بشویند
و مضمضه بکنند یا دستها را بشویند و مضمضه کنند که [illegible] ضعیف میشود و در حدیث

دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد در حال جنابت بی آنکه اینها را بعمل آورد
بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقولست که پسر برادر شهاب بحضرت
امام جعفر صادق ع شکایت کرد از درد و امتلا و فساد معده حضرت فرمود که
چاشت و شام بخور و در میان چیزی دیگر مخور زیرا که خداوند عالمیان در وصف
طعام اهل بهشت میفرماید لهم رزقهم فیها بکرة و عشیا ترجمه اش اینست که جهت
برای اهل بهشت روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن و در
حدیث معتبر دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که طعام خوردن آخر روز
بهتر آنست بعد از نماز خفتن است پس آن را ترک نکند که ترکش موجب خرابی بدنست
و در حدیث دیگر منقولست که ترک طعام خوردن طرف شب آدمی را پیر میکند
و فرمود که چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش از خواب البته چیزها بخورد که بهتر
بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود و یا خلقش نیکو میشود و از حضرت امام موسی ع
منقولست که چیز خوردن شب را ترک نکنید اگر چه یک پاره نان خشکی باشد که باعث
قوة بدن و وقت جماع است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ترک کند طعام
خوردن را در شب شنبه و شب یکشنبه پی هم قوة از او بر طرف شود که تا چهل روز باو بر
نگردد و فرمود که طعام شب نافع تر از طعام روز است و از حضرت امام رضا ع
منقولست که در بدن رگی هست آنرا عشا نام دارد هر که در طرف شب چیزی نخورد
آن رگ او را نفرین میکند تا صبح میگوید که خدا ترا گرسنه بدارد چنانچه مرا گرسنه

گذاشتی

گذاشتی خدا ترا تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک نکنید عشا را
اگر چه یک لقمه نان باشد و اگر چه یک جرعه آب باشد و از حضرت صادق ع منقولست
که سزاوار نیست که مؤمن از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث عزت
اوست و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی که پی حاجتی بروی پاره نان
با نمک بخور که باعث عزت تست و حاجت زود بر می آید و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود بدرستی
که طعامی بنزد رسول خدا آوردند فرمود که بگذارید تا سرد شود که خدا آتش را
طعام ما نکرده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا ع
منقولست که طعام گرم برکت ندارد و شیطان را در آن بهره است و در حدیث دیگر
از سلیمان بن خالد منقولست که گفت حاضر بودم شب در سفره حضرت امام جعفر
صادق ع در ماه رمضان خوانی آوردند نانی در آن بود و کاسه آوردند
که ترید و گوشت در آن بود پس دست بر آن گذاشتند و برداشتند و فرمودند
که امان میطلبم از خدا از آتش جهنم و پناه میبرم بخدا از آتش جهنم الهی ما که
تاب این گرمی را نداریم و صبر بر این نمیتوانیم که چگونه تاب آوریم و صبر کنیم
بر آتش جهنم این را مکرر فرمود تا طعام چنان شد که میتوانست خورد پس
تناول فرمود و ما نیز تناول کردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه منقولست
که نهی فرمود از دمیدن در خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق ع

منقولست که مکروهست که دمیدن در گرمها و نانها و در طعام در موضع سجده
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که اگر از برای سرد کردن بدمد قصور
ندارد و محل بر ضرورت و حالت استعمال بیتوان کرد و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که مخورید از بالای ثرید و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای
طعام است و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که هر گاه یکی از شما طعام
خورد باید که از پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقولست که از آن حضرت ع سؤال کردند
می‌لیسیدند و میفرمودند که هر که کاسه طعام را بلیسد چنانست که مثل آن طعام را تصدق
کرده باشد و منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع اللّٰه بتمام انگشتان طعام تناول میفرمودند
و میگفتند که هر که کاسه طعام را بلیسد ملائکه بر او صلوات میفرستاده دعا
کنند برای او و برای خیر و برکت و حسنات مضاعف برای او بنویسند و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که در وقت طعام خوردن در سر چهار زانو
بر دو پا بنشسته کان می‌نشستند و دست بر زمین میگذاشتند و به سه انگشت تناول
میکردند و میفرمودند که رسول خدا ص اللّٰه چنین طعام تناول میفرمودند
بر هیئت متکبران و جباران که بدو انگشت بخورند و بسند معتبر منقولست که
حضرت رسول ص فرمود که هر گاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بلیسد خداوند
عالمیان فرماید که خدا برکت دهد ترا و از حضرت صادق ع منقولست که آن
حضرت مکروه میداشتند از آنکه دست را بدستمال پاک کنند در وقتی که چیزی





از طعام در آن باشد تا آنکه خودش بلیسد یا بطفلی که در پهلوی آن حضرت بود بلیسانید
که می‌لیسیدند برای حرمت طعام و از حضرت امیر المؤمنین ع اللّٰه منقولست که کسی
خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود دست بطعام نبرد و معده پاک نشود چیزی نخورد
و چون خواهد که بخورد بسم اللّٰه بگوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد
که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقولست از حضرت علی بن الحسین
ع که استخوان را پاک نکنید که جنیان را در آن بهره هست و اگر پاک کنید ایشان
از خانه شما چیزی برند که بهتر از این باشد و بسند معتبر از حضرت امام حسن صلوات اللّٰه
منقولست که در خوان دوازده خصلت است که بر هر مسلمانی واجبست که بداند که چهار
از آنها فرض است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر ادبست اما فرض آنست که منعم خود را
بشناسد و بداند که نعمت از جانب پروردگار است و راضی باشد با آنچه خدا با وعطا
کرده است و بسم اللّٰه بگوید و خدا را شکر کند و اما سنت پس دست شستن پیش از
طعام و بر جانب چپ نشستن و بسه انگشت خوردن و انگشتان را لیسیدن
و اما ادب پس از پیش خود چیزی خوردن و لقمه را کوچک برداشتن و بسیار
خاییدن و در روی مردم کم نگاه کردن و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امیر المؤمنین ع بحضرت امام حسن ع فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار خصلت که
بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی گردی گفت بلی یا امیر المؤمنین فرمود که منشین
بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی و برمخیز از طعام مگر وقتی که خواهش داشته باشی

و نرم بجوید و هرگاه که خواهد بخواب رود تخفیف الخلا برود و از حضرت رسول ص منقولست
که وقتی طعام میخوردند بسم الله میگفتند و از یکدیگر چیزی بر نمیداشتند و پیش از مهمانان
شروع بطعام میکردند و با انگشت میانی و با انگشت بعد از آن و با انگشت ابهام طعام میخوردند
و گاهی انگشت چهارم را هم ضم میکردند و گاهی بتمام انگشتان میخوردند و هرگز بدو انگشت
چیزی نمیخوردند و میفرمودند که اینچنین خوردن شیطانست **فصل چهارم** در بیان آداب
طعام خوردن سنت است که بدست راست چیزی بخورد و بر دو زانو بنشیند و خوابیده
چیزی نخورد اما اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروهست
و اگر پا را بر روی زانو گذارد بدتر است و تنها چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی
خوردن سنت است و مشهور نیست که در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروهست و پیش
از طعام و بعد از آن دست شستن سنت است و در دست شستن پیش از طعام سنت است
که دست را بدستمال خشک نکند و اول صاحب خانه دست بشوید و بعد از او هر که در جانب
راست اوست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحب
خانه ابتدا کنند و خود آخر همه بشوید و سنت است که همه در یک طشت بشویند و آب را نریزند
و بر سر خوانی که شراب در آن خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته
اند که هر جائی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی خوردن حتی بر سر سفره جائی که غیبت
مسلمانان کنند حرام است سنت است که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر
از حضرت امام موسی ع منقولست که حضرت رسول ص لعنت فرمود سه کس را

که زاد را



کسی که توشه خود را تنها بخورد و کسی که بسفر تنها برود و کسی که در خانه تنها بخوابد و در
حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است که
از حلال باشد و دست بسیار در آن در آید و نام خدا در اول گفته شود و در
آخر شکر حمد الهی بکنند و در حدیث صحیح منقولست که چون خوان طعام نزد حضرت
امام رضا ع حاضر میشد کاسه میطلبیدند و از طعامها آنچه نیکوتر بود از هر طعامی
قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان
بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که حضرت یعقوب
بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفندی قربانی کشت و بریان کرد
مؤمن صالح روزه داری در همسایگی خانه او بود و بوی آنرا شنید و غافل شدند
که او را بخوانند پس جبرئیل نازل شد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا و در همان شب
حضرت یوسف آن خواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب در وقت چاشت میفرمود
که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد بطعام یعقوب حاضر شود
و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان طعام حاضر
شود هر سائلی که بیاید رد نکند و بسند صحیح از حضرت رسول ص منقولست که
ملعونست کسی که بنشیند بر سر خوانی که در آن شراب خورند و در حدیث معتبر
دیگر از آن حضرت منقولست که هر که ایمان بخدا و بروز قیامت دارد نمیخورد
چیزی بر سفره که در آن شراب خورند و در فقه امام رضا ع مذکور است که مخور

طعام در خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است

که چیزی خوردن در حالت جنابت سبب فقر و پریشانی میشود و در احادیث بسیار

وارد شده است که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بدست چپ

مگر عاجز باشند و دست راست مشغول باشد و بسند های معتبر منقولست از حضرت صادق ع

که حضرت رسول صلعم هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و پهلوی چپ چیزی تناول نفرمود

تا از دنیا رفت و بر روش بنده‌ها می‌نشست و بر روش بنده‌گان چیزی میخورد از جهت

تواضع و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست از آن حضرت

که نباید تکیه کرده و بر رو خوابیده چیزی بخورند و در حدیث حسن منقولست

که روزی عباد بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق

ع نشسته بود و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین تکیه کرده بود

عباد گفت که مگر نمیدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده است از تکیه بدست

کردن در وقت طعام حضرت لحظه دست را برداشتند و باز بر زمین تکیه کردند

دست را باز عباد ادای آن نهی کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که والله رسول خدا

هرگز نهی از این نفرموده و بسند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست

که هرگاه بخوردن طعام بنشینید بروش بنده‌گان دو زانو بنشینید و یکپا را بر روی

پای دیگر مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن

میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست

که بروی



که بروی چپ پا را از یکپا را بر بالای ران گذارند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول

چون بر سر خوانی می‌نشستند و پیش خود طعام میخوردند و بر روشی که در تشهد می‌نشستند

بجانب روی می‌نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای راست را بر

پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش بنده‌گان میخورم و بروش

بنده‌گان می‌نشینم و از حضرت صادق ع منقولست که مکروه است آدمی را

که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی با آن بر دارد و حال آنکه تواند

از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست

که با کفش در حال راه رفتن چیزی بخورند و در حدیث دیگر فرمود که در دست

حضرت رسول صلی الله علیه و آله پیش از نماز صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند

که در میان شیر فرو برده بودند میخوردند و بنماز می‌آمدند و بلال اقامه نماز میگفت

پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چیزی خوردن

در حالت راه رفتن مکر آنکه مضطر باشی و در احادیث معتبره بسیار از حضرت ائمه

و ائمه الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که هرکه خواهد خیر خانه اش بسیار شود

دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام

و بعد از طعام فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و چرک را از جامه دور

میکند و چشم را جلا میدهد و دردها را از بدن دور میکند و از حضرت صادق ع

منقولست که دستها را هم در یک ظرف بشوئید تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث

المؤمنین

عقب از آنحضرت منقولست که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه بشوید که دیگران را
دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی میکنند که در جانب
دست راست در گاه نشسته باشد و در روایت دیگر آنست که در شستن پیش از طعام اول
صاحب خانه بشوید و بعد از آن هر که در جانب راست نشسته دست و در بعد از طعام
ابتدا بدست چپ صاحب خانه میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که او اولی است با آنکه صبر کند
بر آلودگی دست و در حدیث حسن از امام منقولست که دیدم حضرت امام موسی را
که چون پیش از طعام دست میشستند دست را بدستمال پاک نمیکردند و بعد از طعام
میشستند دست را بدستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر منقولست
که دست را برای طعام خوردن که بشوی دست را بدستمال پاک مکن زیرا که تا تری
در دست هست برکت در طعام هست و فرمود که بعد از دست شستن دست بیرو
بالیدن کلف را از رو برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و از مفضل بن عمر منقولست
که شکایت کرد بآن حضرت از آزار چشم حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی
دستها را بر ابروها بمال و سه نوبت بگو الحمد لله المحسن المجمل المنعم
المفضل مفضل گوید که چنین کردم هرگز آزار چشم ندیدم و از حضرت امام رضا
منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه بعد از طعام دست میشستند آب در دهن
میگردانیدند و مضمضه میفرمودند و حضرت صادق فرمود که در اشنان که دست
بان میشویند سعد اخلاط که دهن را خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید

منقولست



منقولست که چون حضرت امام رضا با اشنان دست میشستند
اشنان را در دهن میکردند و میجوئیدند و می انداختند و منقولست
که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند
دست شستند دستها را بر سرها لیدندی از آنکه بدستمال پاک کنند
و فرمودند اللهم اجعلنی ممن لا یرهق وجهه قتر ولا ذلة و در
روایت دیگر از حضرت رسول منقولست که چون دست را بعد از طعام
بشوی بر رو و دیده ها بمال پیش از آنکه بدستمال پاک کنی و بگو اللهم انی
اسئلک الزینة والمحبة واعوذ بک من المقت والبغضة و از حضرت
امام رضا منقولست که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد
بی آنکه دست بشوید و از مفضل بن یونس منقولست که حضرت امام موسی
بمنزل من آمدند و چون طعام حاضر شد دستمالی آوردم که در دامن
ایشان بیندازم قبول نکردند و فرمودند که این طریقه عجمانست و از حضرت
صادق منقولست که چون بعد از طعام دست بشوئی با آن تری که در
دست هست دیده های خود را مسح کن که ایمن است از درد چشم و در
روایت دیگر منقولست که چون حضرت رسول از دست شستن بعد از
طعام فارغ میشدند دست را برو میکشیدند و این دعا میخواندند الحمد
لله الذی هدانا واطعمنا وسقانا وکل بلاء صالح اولانا و در حدیث

منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی
در اول طعام و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام افتتاح و اختتام بنمک
کند خدا دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسانتر آنها خوره باشد
و در روایت حلبی دیگر عافیت یابد از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از
جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی است و در روایت دیگر از درد گلو و درد دندان
و درد شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در نمک
شفای از هفتاد نوع از انواع درد هست و اگر مردم بدانند که چه منفعتها در
نمک هست مداوا نکنند مگر بآن و فرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی ع که امر کن قوم خود را
که افتتاح و اختتام بنمک بکنند و اگر نکنند و ببلائی مبتلا شوند ملامت نکنند مگر نفس
خود را و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول ص را در نماز عقربی
گزید حضرت نعل بر او زد و او را کشت و چون فارغ شد فرمود که لعنت خدا بر تو باد
که نه نیکوکار را میگذاری و نه بدکردار را مگر آنکه آزار میرسانی پس نمک را
طلبید و بر موضع گزیدن عقرب مالید و فرمود که اگر مردم منفعتهای نمک را بدانند

فتاح

احتیاج بتریاک فاروق و غیر آن نشوند و در بعضی روایات معتبره وارد شده است
که ابتدا بسرکه نیز خوبست و عقل را زیاد میکند و در روایت دیگر از حضرت
امام جعفر ع منقولست که ما ابتدای بنمک و ختم بسرکه میکنیم و در روایت دیگر
از آنحضرت منقولست که هر که نمک بپاشد بر اول لقمه که بخورد و بتواند که از او دور

ودر حدیث

و در حدیث دیگر که آن حضرت فرمود که من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای بنی
عباس بود رفتم در وقتی که سفره انداخته بود پس دست مرا گرفت و بنزد خود
کشید پای من بر کنار سفره واقع شد پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این
کفران نعمت است و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست که طول دهید نشستن را
بر سر سفره که این ساعتیست که از عمر شما حساب نمیشود و در حدیث معتبر منقولست
از یاسر خادم حضرت امام رضا ع که چون آنحضرت بر سفره می‌نشستند هیچ کوچک
و بزرگ را نمیگذاشتند مگر آنکه میطلبیدند بر سر سفره حتی مهتر و حجام و از ابراهیم
بن العباس روایتست که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره می‌آوردند غلامان
خود را همه بر سر خوان میطلبیدند حتی دربانان و خدمتکاران و از حضرت رسول ص
منقولست که چون طعام خورید نعل و کفش از پا بیرون کنید که سنت نیکویست و بیشتر
راحت می‌یابد پایهای شما و در اخبار معتبره وارد شده است که علت امتیاز انسان
از حیوانات آنست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید بدست که بدست چیزی بخورد
و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول ص چون با جماعتی طعام میخوردند یعنی نان
پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند برای آنکه ایشان
بیشتر چیزی بخورند و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز بر خوان چیزی نخوردند
بلکه بر روی سفره میخوردند و از فحوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان
خوانها را پایه دار و بلند میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم

بخوانند و الله یعلم و در حدیث موثق منقولست از سماعة بن مهران که از حضرت صادق ع
پرسید که وقت نماز میشود و طعام هم رسیده بکدام یک ابتدا کنیم فرمود که اگر اول وقت
نماز باشد اول طعام را بخورید و اگر از وقت پاره گذشته باشد و بیم آن باشد که
طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعای
وقت طعام خوردن از حضرت رسول ص منقولست که چون خوان را میگذارند چهار هزار
فرشته بر دور آن احاطه میکنند اگر بنده بسم الله گوید فرشتها میگویند خدا برکت فرستد
بر شما در طعام شما پس با شیطان میگویند بیرون رو ای فاسق که ترا بر ایشان
تسلطی نیست و بعد از فارغ شدن اگر گفتند الحمد لله فرشتها میگویند که ایشان
جماعتی اند که خدا نعمت داد بایشان پس ادا کردند شکر پروردگار خود را و اگر
بسم الله را اول نگفتند ملائکه با شیطان میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان
طعام بخور و اگر خوان را برداشتند و ایشان حمد الهی نکردند ملائکه میگویند
که ایشان گروهی اند که خدا بایشان نعمت داده و ایشان پروردگار خود را فراموش
کردند و در حدیث معتبر از حضرت ابی عبد الله ع منقولست که چون خوان را گذارند
بگو بسم الله و چون شروع کنی بخوردن بگو بسم الله علی اوّله و آخره و چون خوان
بر دارند بگو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که نام خدا بر اول
طعام ببرد و حمد خدا در آخر کند هرگز از آن طعام او را سؤال نکنند و بسند حسن از
حضرت صادق ع منقولست که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد و چون لقمه را





بر دارد بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین پس از آنکه لقمه بدهن برد
خدا گناهان او را بیامرزد و در حدیث دیگر منقولست که چون سفره نزد حضرت رسول ص
میگذاردند این دعا میخواندند سُبحانَکَ اللّهُمَّ ما اَحسَنَ ما تَبتَلینا سُبحانَکَ ما
اَکثَرَ ما تُعطینا سُبحانَکَ ما اَکثَرَ ما تُعافینا اَللّهُمَّ اَوسِعْ عَلَینا وَ عَلی
فُقَراءِ المُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ وَ المُسلِمینَ وَ المُسلِماتِ و در روایت معتبر دیگر
منقولست که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین ع میگذاشتند این دعا
میخواندند اَللّهُمَّ هذا مِنکَ وَ مِن فَضلِکَ وَ عَطائِکَ فَبارِک لَنا فیهِ وَ سَوِّ غناه
وَ ارزُقنا خَلَفاً اِذا اَکَلناهُ وَ رُبَّ مُحتاجٍ اِلَیهِ رَزَقتَ فَاَحسَنتَ اَللّهُمَّ اجعَلنا
مِنَ الشّاکِرینَ و چون خوان بر میداشتند این دعا میخواندند اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی حَمَلَنا
فِی البَرِّ وَ البَحرِ وَ رَزَقَنا مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلَنا عَلی کَثیرٍ مِمَّن خَلَقَ مِن خَلقِهِ
تَفضیلاً و از حضرت ص منقولست که نام خدا بر طعام ببرید و چون فارغ شوید بگوئید
اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی یُطعِمُ وَ لا یُطعَمُ و در حدیث دیگر منقولست که چون خوان را بر
میداشتند حضرت رسول ص این دعا میخواندند اَللّهُمَّ اَکثَرتَ وَ اَطَبتَ وَ بارَکتَ
وَ اَشبَعتَ فَاَشبَعتَ وَ اَرویتَ اَلحَمدُ لِلّهِ یُطعِمُ وَ لا یُطعَمُ و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر ع منقولست که فرمود که پدرم بعد از طعام این دعا میخواند
که اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی اَشبَعَنا فی جائِعینَ وَ اَروانا فی ظامِئینَ وَ آوانا فی
ضاحینَ وَ حَمَلَنا فی راجِلینَ وَ آمَنَنا فی خائِفینَ وَ اَخدَمَنا فی عانینَ

و در حدیث صحیح از زراره منقولست که با حضرت صادق علیه السلام طعام خوردیم بسیار میگفت الحمد
لله الذی جعلنی اشتهیه و در حدیث معتبر از آن حضرت منقولست که روزی
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیغمبر بود که من ضامنم از برای کسی که بسم الله بر طعام بگوید
که آزار نکشد ابن کوا گفت یا امیر المؤمنین دیشب طعام خوردم و بسم الله گفتم و
آزارم کشیدم حضرت فرمود که شاید چند رنگ طعام خورده باشی و در بعضی بسم الله
گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت
صادق علیه السلام عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله نمیگوئی گفت میگویم
و باز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگوئی باز بسم الله میگوئی گفت نه فرمود که
باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی و عود بخوردن کنی بسم الله بگو
و در روایت صحیح دیگر منقولست از آن حضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی
بسم الله بگو راوی گوید که اگر فراموش کنم چه کنم فرمود که بگو بسم الله علی اوله
وآخره و در روایت دیگر منقولست که آن حضرت بعد از طعام این دعا خواندند:
اللهم هذا منك و بمحمد رسولك صلى الله عليه وآله اللهم لك الحمد صل
علی محمد وآل محمد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که خدا را یاد
کنید در هنگام طعام خوردن و حرف بسیار مگوئید که آن طعام نعمت و روزی خداست
و بر شما واجبست که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یاد او و حمد او بکنید و در
حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ملائکه بنزد ابراهیم پیغمبر

امدند



آمدند و گوساله بریان برای ایشان آوردند و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگوئی که
این نعمت چیست حضرت ابراهیم گفت که چون شروع در خوردن کنید بگوئید بسم الله
و چون فارغ شوید بگوئید الحمد لله حضرت جبرئیل رو کرد بسوی سه ملک دیگر
گفت لازمست یا سزاوارست حق تعالی چنین بنده را خلیل خود کرده اند و بسند معتبر
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که طعام خورنده و شکر کننده بهتر از روزه
دار خاموش است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بسماعه گفت که ای
سماعه بخور و حمد خدا کن و مخور که خاموش باشی و منقولست بسند صحیح که حضرت
علی بن الحسین بعد از طعام این دعا میخواندند الحمد لله الذی اطعمنا وسقانا و
کفانا وایدنا وآوانا وانعم علینا وافضل الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که فرمود هرگز از امتلای طعام
آزار نکشیده ام زیرا که هیچ لقمه را بدهان نبرده ام مگر آنکه نام خدا را بر آن
گفته ام و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آن حضرت فرمود که من ضامنم هر که این
کلمات را بگوید هیچ طعامی او را آزار نکند اللهم انی اسئلك باسمك خیر الاسماء
ملء الارض والسماء الرحمن الرحیم الذی لا یضر معه داء و در روایت
دیگر منقولست که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود
که چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اللهم هنئنیه اللهم
سوغنیه اللهم امرئنیه و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که چون

انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این
از حرص است و هم چنین نقلست بسند صحیح که حق تعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل شهر
ثرثار بمرتبه که از مغز گندم نان نقی میپختند و بآن استنجا میکردند و بر مقعد
اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد صالحی
گذشت دید که زنی با نان نجاست طفل خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت
خدا را از خود بر مگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر ما جاریست
ما از گرسنگی نمیترسیم پس حق تعالی بر ایشان غضب فرمود و باران آسمان و گیاه زمین را از
ایشان باز گرفت تا آنکه محتاج شدند بآن نانها که استنجا کرده بودند و بترازو در میان
خود قسمت میکردند و بسند معتبر از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا ع منقولست که
آنحضرت میفرمود بخادمان خود که اگر من بر بالای سر شما بایستم در وقت طعام خوردن
بر مخیزید تا فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما را میطلبید میگفتند چیزی میخورد
میفرمود بگذارید تا فارغ شوند و در وقت طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمود

فصل

**فصل هفتم** در فضیلت نان و برنج و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوان حاصل میشود
از شیر و پنیر و غیر آنها بروایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گرامی دارید نان را
که کار کرده اند در آن ملائکه از میان عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه بنزد
شما بعمل آمده پس حضرت سلمان فرمود که روزی دانیال پیغمبر گذشت تا نان آمد و کهنه نانی
بود داد که مرا از آب بگذران کشتیبان نان را انداخت و گفت این نان را حاجت

وگوید چه میکنم



چه میکنم در پیش این نان در زیر پای مردم افتاده است و پامال میباشد دانیال
دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت پروردگارا نان را گرامی دار بتحقیق که دیدی که این بنده
چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود باسمان که باران مبار بر این قوم و وحی
فرمود بزمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بجایی رسید که از گرسنگی
یکدیگر را میخوردند پس دو زن که هر یک فرزندی داشتند روزی یکی بدیگری گفت که
بیا من و تو امروز فرزند مرا بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت خوردن
زن دیگر رسید ابا کرد از خوردن فرزند و نزاع کردند و مخاصمه نزد حضرت دانیال
آوردند حضرت فرمود که کار باینجا رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست باسمان برداشت
و گفت پروردگارا عود کن بر ما بفضل و رحمت خود و عقاب مکن اطفال را بگناه آن
بگناه کننده بان پس خدا وحی فرمود باسمان که باران بباران و بزمین برویان برای خلقم
آنچه در این مدت از ایشان فوت شده است بدرستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل
صغیر و بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نان را در زیر کاسه
مگذارید و در حدیث دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان
کدامست فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید و از حضرت
رسول ص روایتست که نان را بو مکنید بدرستیکه [illegible] نان مبارک است و بآن
نماز میکنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار خود میکنید و در روایت
دیگر فرمود که خداوندا برکت ده از برای ما در نان و میان ما و آن جدایی میفکن

که اگر نان نباشد نماز نمی‌کنیم و روزه نمی‌گیریم و فرایض خدا را ادا نمی‌توانیم کرد و در حدیث
دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود ابتدا بنان کنید و رخنه گرسنگی را بنان ببندید
پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود
که گرامی دارید نان را که [illegible] کرده برکتیست و در چند حدیث معتبر منقولست
که نان را بزیر [illegible] بکارد نبرید ولیکن بدست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده
است که اگر نان خورش نباشد نان را بکارد میتوان برید و در حدیث صحیح
از حضرت امام رضا ع منقولست که فضیلت نان جو بر نان گندم مانند فضیلت ما اهل
بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورنده نان
جو و برکت فرستاده است برای او و داخل هیچ شکمی نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست
بیرون میکند و نان و طعام جو قوت پیغمبران و طعام نیکانست و حق تعالی ابا کرده است
قوت پیغمبران را مگر نان جو و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع‌تر از
نان برنج باشد و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر ع منقولست که برای صاحب اسهال نان
برنج نیکوست و هم چنین برای سل و دردها را از بدن بیرون میکند و در حدیث دیگر از آن
منقولست که پیوسته خورش حضرت رسول ص نان جو بود تا از دنیا مفارقت فرمود
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که نیکو خوراکیست سویق اگر گرسنه بخورد
سیر میکند و طعام را هضم میکند و از حضرت ع منقولست که سویق
آلوده با قند شده است گوشت را میرویاند و استخوان را محکم میکند و خوراک پیغمبرانست

وقاورت



وقاورت خشک بلغم را زایل میگرداند و با زیت خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را
محکم میکند و پوست را نازک میکند و قوت جماع را زیاد میکند و اگر سه کف سویق خشک ناشتا
خورده شود بلغم و صفرا را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که سویق هفتاد نوع
بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفهای او پر میشود از قوت و در حدیث دیگر
فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را قوت میدهد و صفرا را فرو می‌نشاند
و معده را پاک میکند و شفای هفتاد درد است و هیجان خون و حرارت را برطرف میکند و در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که زنی که خون حیضش بند نشود سویق باید
باید خورد تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که بهترین نان خورشها در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی در وصف بهشت
میفرماید و لحم طیر مما یشتهون یعنی گوشت مرغ از آنچه خواهش داشته باشند
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عبد الاعلی [illegible] بآن حضرت عرض نمود که
ما روایت میکنیم از حضرت رسول ص که خدا دشمن میدارد خانه پر گوشت را حضرت
فرمود که راست میگویند اما معنی ندارد که ایشان فهمیده‌اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن
میدارد خانه را که گوشت مردم را بغیبت در آنجا بخورند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که حضرت رسول ص گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند و فرمود که مردم گوشت را
دوست میدارند و روزی که فوت شد سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود
و حضرت رسول ص فرمود که ما گروه قریش گوشت را دوست میداریم و در حدیث حسن

از حضرت صادق ع منقولست که گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند و کسی که چهل روز
گوشت نخورد بدخلق میشود اذان در گوشش بگویند و فرمود که چهل روز بگذرد و گوشت
نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند گوشت بخورد که قرضش ادا میشود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند
و میگویند که سودا را بحرکت می آورد و از آن درد سر و دردهای دیگر بهم میرسانند
حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسماعیل را
گوسفند قرار نمیکرد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بنی اسرائیل بحضرت موسی ع
شکایت کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حق تعالی وحی نمود بحضرت
موسی ع که امر کن ایشان را که گوشت گاو را با چغندر بخورند و از حضرت صادق ع
که گوشت گاو پیسی را زایل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست
و گوشت گاو درد است و در چند حدیث منقولست که هر که یک لقمه چربی گوشت بخورد
بقدر آن درد از بدنش بیرون رود و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست روایت
که از دردها کانیتر رعایت چون لحمی میخورد و مرغ خانگی خوک مرغان است بدانکه
فقط آدمی میخورد و دراج حبشی مرغان است چرا نمیخوری دو کبوتر بچه را که از لانه
بیرون آمده باشد ذبح بسیار بادی قوت پاکیزه خود ایشان را تربیت کرده باشد و در
احادیث معتبره وارد شده است که هر که خواهد که خشم او کم شود و اندوهش زایل
شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی ع منقولست که گوشت کبک

ساق پا را



ساق پا را قوی میگرداند و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از امام محمد تقی ع منقولست
که گوشت الغرو مبارکست و بدترین آن را دوست میدانند و پیغمبر فرمود که برای صاحب یرقان
بریان کنند و باو بخورانند و از حضرت امام موسی ع منقولست که گوشت هبره را خوردن
باکی نیست و از برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و اعانت بر بسیاری جماع وافر
حضرت امام رضا ع سوال کردند از گوشت گور خر فرمود که چون وحشی است خوردنش
جایز است اما نخوردنش نزد من بهتر است و از حضرت امام موسی ع منقولست که باکی نیست
در خوردن شیر و روغن گاومیش و در حدیث صحیح منقولست که حضرت رسول ص نهی
فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه
نباید خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا تغییر دهد و در حدیث صحیح منقولست که از
حضرت صادق ع پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام درندگانست و در
احادیث بسیار نهی وارد شده است از گوشت بدبو که در سایه خشک کرده باشند و وارد
شده است که دردها را بحرکت می آورد و معده را سست میکند و در بعضی احادیث
تجویز خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق ع منقولست که سه چیز است
که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت بدبو
و با شکم پر بحمام رفتن و جماع با زنان پیر کردن و در روایت دیگر با شکم پر
مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که سه چیز است که
خوردنی نیستند و بدن را فربه میکند و سه چیز است که خوردنی اند و بدن را

را دفع میکند و دو چیز است که بهمه چیز نفع میرسانند و بهیچ چیز ضرر نمیرسانند و دو چیز است
که بهمه جهت ضرر میرسانند و بهیچ جهت نفع نمیرسانند امّا آنها که خوردنی نیستند
کتان پوشیدن و بوی خوش کردن و نوره مالیدن و امّا آنها که خوردنی اند لاغر
میکند گوشت خشک و پنیر و شکوفه خرما و آن دو چیز که بهمه جهت نفع میرسانند آب
نیم گرم و انار و آن دو چیز که بهمه جهت ضرر میرسانند گوشت خشک کرده و پنیر
و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص گوشت دست و کتف گوسفند را
دوست میداشتند و گوشت ران گوسفند را کراهیت داشتند برای آنکه بمحل بول
نزدیک است و بچندین سند منقولست که حضرت آدم ع گوسفند قربان کرد پیغمبران از
قربان کردن خود و برای هر پیغمبری عضوی نام برد و از آن جمله برای پیغمبر آخر الزمان
ص دست گوسفند را نام برد پس آنحضرت آن را دوست میداشت و بر همه اعضا
گوسفند تفضیل میداد و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر ع منقولست که گوشت که
با شیر پخته باشند مرق پیغمبرانست و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر کس را
ضعف و سستی بهم رسد گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث دیگر منقولست
که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و سستی بدن وحی رسید باو که گوشت را
با شیر بپزی و بخوری که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبر منقولست که محبوب ترین
طعامها نزد حضرت رسول ص آنی اباب بود و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق ع
ذبیحه را دوست میداشتند و آن آنی با قلیه بوده است که گوشت در آن میکرده اند





و در احادیث بسیار مدح مرق گوشت که نان را در آن ترید کرده باشند وارد شده است و در حدیث
معتبر در مدح کباب منقولست که ضعف را زایل میگرداند و دنبل را سرخ میکند و تب را
زایل میکند و در حدیث معتبر منقولست که اصبغ بن نباته گفت روزی بخدمت امیر المؤمنین ع
رفتم در پیش آنحضرت گوشت بریانی گذاشته بود فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم
یا امیر المؤمنین مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که ترا دعائی تعلیم بکنم که چون این دعا را
بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو بِسْمِ اللهِ خَیْرِ الْأَسْمَاءِ مِلْءَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیمِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ وَلَا دَاءٌ و در مدح کله نیز در حدیث وارد شده
است که محل تذکیه است و بچراگاه از همه اعضا نزدیکتر است و از کثافات دورتر است
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بر شما باد بخوردن هریسه که تا چهل روز قوت
عبادت میدهد و از جمله مائده ایست که خداوند عالمیان بر حضرت رسول ص نازل
کرد اینست و از حضرت صادق ع منقولست که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از
ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را امر نمود بخوردن هریسه و در حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که خداوند عالم هدیه فرستاد برای پیغمبر ص هریسه از هریسهای بهشت که در
زمین در باغهای بهشت درو شده بود و حوریان بهشت بدست خود آنرا کوبیده بودند پس
خورد حضرت رسول ص آنرا تناول فرمود و قوت چهل مرد بهم رسید آنحضرت را فرمودند
و این چیزی بود که خدا میخواست که پیغمبر ص را بآن خوشحالی کرده اند شلغم و در روایت
و آن طعامی بوده است که یک قفیزش برنج و یک قفیزش نخود و یک قفیزش باقلا را میکوفته اند و میپخته اند

و می‌پخته‌اند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر میکرده‌اند و مدح تلبینه نیز وارد شده است و آن
حلوای روانی بوده که از آرد و شیر و عسل بعمل می‌آورده‌اند و از هارون بن موفق
منقولست که حضرت امام موسی ع مرا طلبید در خدمت آنحضرت طعام خوردم و حلوای
بسیار آورده بودند گفتم چه بسیارست حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده‌ایم
پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی منقولست که روزی در خدمت حضرت صادق ع
طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از خرما و روغن پر کرده بودند و در حدیث
منقولست از یونس بن یعقوب که او گفت ما در مدینه بودیم حضرت صادق ع نزد ما
فرستاد که برای ما پالوده بپزید و کم بپزید ما ساختیم کاسه کوچکی بخدمت آنحضرت فرستادیم
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که شب ماهی بخورد و بعد از آن خرما بخورد
تا صبح درد فالج در بدن او متحرک شد بیاید و فرمود که حضرت رسول ص چون ماهی تناول میکردند
میفرمودند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده
برای ما در این ماهی و بعوض این بهتر از این بما عطا کن و بسند معتبر از حضرت
موسی بن جعفر ع منقولست که بسیار بخورید ماهی که اگر بی نان بخورید کافیست
و اگر با نان بخورید گوارا است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که مداومت
منمائید بر خوردن ماهی که بدن را میگدازد و در روایت دیگر منقولست که ماهی
تازه پیه چشم را میگدازد و در حدیث صحیح وارد است که نخعی بخدمت حضرت
امام حسن عسکری ع نوشت که هرگاه که حجامت میکنم صفرا بهیجان می‌آید و اگر نمیکنم





خون آزار میکند حضرت در جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی
تازه که با آب نمک کباب کرده باشند بخور و امر چنین کرد همیشه در عافیت
بود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که تخم مرغ سبکست
و خواهش گوشت را برطرف میکند و مفسده گوشت را ندارد و
شخصی بخدمت امام رضا ع شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار
بکن و تخم مرغ را با پیاز بخور و از حضرت امام جعفر ع منقولست که پیغمبری
بخدا شکایت کرد از کمی نسل وحی باو رسید که تخم با گوشت بخور و در حدیث دیگر
فرمود که زرده تخم سبکست و سفیده‌اش سنگینست و از حضرت امام موسی ع
منقولست که بسیار تخم زیاد میکند فرزند را و احادیث در مدح سرکه با زیت
وارد شده است که خوردن پیغمبرانست و ائمه علیهم السلام تناول میفرمودند
و در مدح سرکه احادیث معتبره بسیار وارد شده است و منقولست که بهترین
نان خورشها نزد حضرت رسول ص سرکه بود و میفرمودند خانه که سرکه در آن
باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که نیکو نان
خورشیست سرکه صفرا را فرو مینشاند و دل را زنده میکند و از حضرت صادق ع
بطرق متعدده منقولست که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرمهای معده را میکشد
و بن دندان را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت زنا را قطع میکند و
فرمود که بنی اسرائیل در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام

خوردن

سرکه میخوردند و منقولست که طعام نمک میخوردیم و در آخر طعام سرکه میخوردیم و در احادیث
بسیار در مدح خوردن زیت و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقولست که آن
خورش پیغمبران و برگزیدگانست و مدح میوه زیتون نیز بسیار وارد شده است که
دفع باد میکند و [illegible] از ائمه اطهار علیهم السلام منقولست که مردم طلب شفا
ننموده‌اند به چیزی مانند عسل و آن شفای هر دردیست و خوردن عسل و تلاوت
قرآن و خائیدن کندر بلغم را میگدازند و در مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است
و مراد از آن نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی از شکر ساخته اند و منقولست که
حضرت امام موسی ع در وقت خواب تناول میفرمودند و منقولست که بهر جهت نافع است
و دفع بلغم میکند و در روایت دیگر وارد شده است که اگر کسی [illegible] ده درم [illegible] باشد
و بعد از آن چیزی نخورده باشد و هر آنکه [illegible] خواهد بود و در مدح روغن
خصوصا روغن گاو در احادیث بسیار وارد شده است و منقولست که روغن
گاو شفاست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص هر چه میخوردند و میاشامیدند
میگفتند اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما
در آنچه خوردیم و بعوض آن بهتر از آن با عطا فرما و چون شیر تناول میکردند میفرمودند
اللهم بارک لنا فیه و زدنا منه یعنی خداوندا برکت ده برای ما در [illegible]
و زیادتی بخش بما عطا فرما و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیر گوسفند سیاه بهتر است
از شیر دو گوسفند سرخ و شیر گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه و منقولست

که شیر [illegible]

که شیر خوراک پیغمبرانست و شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که شیر خوردم
[illegible] حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند ولیکن با چیز دیگر خورده و آزار کننده همان [illegible]
شخص دیگر بآن حضرت شکایت نمود از ضعف بدن فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند
و استخوان را سخت میکند و حضرت امام موسی ع فرمود که هر که [illegible]
[illegible] فرزند او و حامل شود دیگر با عسل بخورد [illegible] از حضرت رسول ص
منقولست بر شما باد به شیر گاو که از آن هر درختی بچرد و خاصیت هر گیاه در شیر آن
هست و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که شیر گاو دواست و در حدیث دیگر منقولست
برای فساد معده نافع است و حضرت امام موسی ع فرمود که بول شتر نافع تر است از
شیر او و حق تعالی در شیر شتر شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقولست شیر شتر شفای
تمام دردهاست و در روایتی چند مدح شیر [illegible] و خاصیت آن وارد شده است
و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که هر که خواهد که [illegible]
[illegible] بخورد و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که دوست میدارم پنیر را
و در روایت وارد شده است که در طرف چاشت مضر است و در طرف شب نافع است
و موجب تولد فرزند میشود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست خوردن مغز
گرده گاو [illegible]
میکند و [illegible] دفع میکند و در چند روایت وارد
که پنیر و مغز گردکان چون با هم بخورند دواست و هر یک را که تنها بخورند درد است

فصل هشتم در فواید حبوب و سبزیها و میوه‌ها و سایر ماکولات از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که نیکو طعامیست برنج و روده‌ها را گشاده میکند و بواسیر را قطع میکند و در چند
روایت وارد شده است که ما بیماران خود را ببرنج دوا میکنیم و در حدیث موثق
منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود
که برنج را بشو و در سایه خشک کن و اندکی بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف
بخور و در روایت دیگر منقولست که آن حضرت را درد شکم بود فرمود که برنج را با سماق
بپزند و چون تناول نمود برطرف شد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام رضا ع
نخود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از
حضرت رسول ص منقولست که هفتاد پیغمبران برکت فرستاده‌اند و در روایت معتبر
بیان وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند
و در روایت معتبر منقولست که خوردن باقلا ساق را فربه میکند و دماغ را زیاد
میکند و تولید خون تازه میکند و در روایت دیگر وارد شده است که باقلا را با پوست بخورید
که معده را دباغی میکند و منقولست که خوردن لوبیا بادهای اندرون را دفع میکند
و منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از تخمه فرمود که ماش در طعام
خود داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چند طعام نزد حضرت رسول ص می آوردند
که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن خرما مینمود و حضرت علی بن الحسین ع دوست
میداشت که خرما دوست دارد بجهت آنکه حضرت رسول ص خرما را دوست میداشت



واز سلیمان جعفری منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع و نزد آن حضرت خرمای
برنی گذاشته بودند و آن حضرت باهتمام از روی خواهش تناول مینمود و فرمود که ای سلیمان
نزدیک بیا و بخور گفتم فدای تو شوم بیا بخشید تناول میفرمایید فرمود که بلی دوست
میدارم که حضرت رسول ص و امیر المومنین ع و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین
و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم همگی خرما دوست میداشتند و من دوست
میدارم و شیعیان ما دوست میدارند زیرا که از طینت ما خلق شده‌اند و از حضرت
صادق ع منقولست که هر که بیرون هفت دانه خرمای عجوه را در خرماهای اطراف مدینه
تناول نماید تا شام زهر و سحر و شیطان باو ضرر نرساند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که هفت دانه عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث معتبره منقولست
که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار ملسی و سیب شامی و به و انگور رازقی و رطب
مشان و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که گواهیست ما اهل بیت میوه را
کنند و در حدیث دیگر فرمود که بهر روی هر میوه زهری هست چون بیاید برای
شما آب فرو بریزید و بخورید و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت موسی بن جعفر ع پرسیدند
از انجیر و خرما و سایر میوه‌ها دو دانه با هم خوردن چون است حضرت فرمود که حضرت
رسول ص نهی فرمود از این نهی اگر تنها باشی بهر دو که خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان
خوری جمع مکن و یک دانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دوتا دوتا بخوری
رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر منقولست که دور

حضرت امام رضا ع دیدند که غلامان میوه را نیم خورده انداخته اند فرمود که سبحان الله اگر شما
مستغنی شده اید دیگران مستغنی نیستند بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از
حضرت صادق ع منقولست که دو چیز است که بدو دست می باید خورد انگور و انار و
حضرت امام موسی ع فرمودند که سه چیز است که ضرر نمیرساند انگور رازقی و نیشکر و
سیب لبنانی و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت نوح ع از کشتی فرود
آمد از دیدن استخوان مردگان غم عظیم او را عارض شد پس حق تعالی باو وحی فرمود که انگور
سیاه بخور تا غمت زایل شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت
نمود از اندوه و غم باو وحی رسید که انگور بخور و در حدیث حسن منقولست که حضرت
علی بن الحسین ع انگور را بسیار دوست میداشتند روزی روزه بودند چون وقت افطار
شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری نزد آنحضرت گذاشت و اول انگور بود پس سائلی
کنیز
حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از سائل خرید
و نزد حضرت نهاد پس سائل دیگر آمد باز حضرت انگور را بسائل دادند باز کنیز رفت
خرید آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول فرمودند و منقولست که ابو عکاشه
بخدمت امام محمد باقر ع آمد انگوری نزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خرد
یکدانه یکدانه میخورند و کسی که میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و دو دانه
دو دانه بخور که مستحب است و بدو سند از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بیست و
یکدانه مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ و بدو سند

از حضرت صادق ع





از حضرت صادق ع منقولست که مویز طائفی عصبهای بدن را محکم میکند و کوفتگی و ماندگی را
می برد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که میوه صد و بیست قسم است و
سر همه آنها انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را
هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول ص محبوبتر از انار نبود و نمیخواست
که باو در خوردن کسی شریک شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در هر
اناری دانه از بهشت هست و چون کافر میخورد ملکی می آید و آن دانه را برمیدارد
که او نخورد و باین سبب مستحبست که انار را تنها بخورند و از حضرت صادق ع منقولست
هر مؤمنی که یک انار تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او چهل روز دور گرداند
و هر مؤمنی که دو انار تمام بخورد شیطان را از روشنی دل او صد روز دور گرداند
و هر مؤمنی که سه انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال دور گرداند
و هر که یکسال شیطان از او دور شود گناه نمیکند و هر که گناه نکند داخل بهشت می شود و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معده
مؤمنی نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و شیطان و وسوسه را از او دور میکند
و در حدیث حسن منقولست که هر که یک انار را ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد
و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه بخورید که دباغی معده میکند و ذهن را می افزاید
و فرمود که انار ترش از شیرین نافع تر است در شکم و از حضرت امام موسی ع منقولست
که هر که در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را روشن کند و اگر

دو تا بخورند تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورند تا صد و بیست روز وسوسه شیطان را از و دور گرداند
و هر که وسوسه شیطان از و دور شود معصیت خدا نکند و داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود
که دو چوب در درخت خرما حضرات و کریزه ها دیگر را بمیرند انداختند و بسند معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی ع فرمود که خوردن
سیب نافع است برای زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبه بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن
تندتر نیست و در روایات معتبره وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رعاف
و طاعون میکند و در روایت معتبر دیگر منقولست که سویق سیب خشک قطع رعاف میکند
و فرمود که هیچ دوای برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند
که چه نفعها در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که خوردن به حال ضعیف را قوی میگرداند و معده را
پاکیزه میکند و دل را دلیر میکند و مرد ترسان را شجاع میکند و از حضرت صادق ع
منقولست که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
یک به ناشتا بخورد آب نطفه او پاکیزه شود و فرزندش جمیل شود و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که هر که یک به بخورد خوشتر حکمت را بر زبان او گویا کند تا چهل صباح و فرمود
که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که اندوه و غم را
می برد چنانچه دست عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع
منقولست که انجیر گند دهن را زایل میکند و استخوان را سخت میکند و مو را میرویاند

و دردها

46

و دردهای بدن را و با آن بدوای دیگر حاجت نیست و شبیه ترین میوه هاست به میوه های بهشت و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که بخورید امرود را که جلا میدهد دل را و درد
اندرون را ساکن میکند باذن الهی و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست امرود
دباغی معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیب خوردن نافع است از ناشتا خوردن چون
و از حضرت امام رضا ع منقولست بسند صحیح که انجیر گند دهن را برطرف میکند و
استخوان را سخت میکند و مو را میرویاند و دردها را میبرد که با آن بدوای دیگر حاجت
نیست و شبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع
قولنج نافع است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خوردن انجیر سدها را
نرم میکند و برای بادهای قولنج نافع است در روز بخورید و در شب بخورید و بسیار مخورید
و منقولست که دفع میکند بواسیر و نقرس را و قوت مجامعت را می افزاید و از زیاد قندی
منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام موسی ع دیدم که نزد آنحضرت ظرفی آب نهاده
در میان آن آلوی سیاه ریخته اند پس فرمود که حرارتی بمن غالب شده بود و آلوی تازه
حرارت را فرو مینشاند و صفرا را ساکن میکند و آلوی خشک خون را ساکن میکند
و دردهای کهنه را از بدن میکند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق ع
از شخصی سؤال نمود که اطبای شما چه میگویند در باب ترنج گفتم که میگویند که پیش از طعام
می باید خورد فرمود که من میگویم که بعد از طعام بخورند و در حدیث دیگر فرمود که بخورید
ترنج را که آل محمد میخورند آن را و فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را و از حضرت

امام رضا منقولست که حضرت رسول (ص) را خوش می‌آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز و سیب سرخ
و بدانکه عرب لیمو و نارنج را هم ترنج میگویند و در بعضی حدیث مدح صنوبر وارد شده است
و از حضرت صادق (ع) منقولست که سنجد گوشت را میرویاند و پوستش پوست را می
رویاند و استخوان را میرویاند و خوردن سنجد گرده‌ها را گرم میکند و معده را دباغی
میکند و امان است از بواسیر و از تقطیر بول و ساق پا را قوت میدهد و رگ خوره را
قطع میکند و از حضرت صادق (ع) منقولست که بخورید خربزه را که در آن ده خصلت است
دردی و فسادی در آن نیست و خوردنیست و آشامیدنیست و میوه است و گیاه است
و اشنانست که دهن را پاک میکند و نان خورشست و قوت جماع را زیاد میکند و مثانه را
می‌شوید و ادرار بول میکند و ریگ مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا (ع) منقولست
که خربزه خوردن ناشتا موجب فالج است و حضرت رسول (ص) رطب با خربزه میل میفرمود
و دوست میداشتند و گاهی شکر و قند با خربزه میخوردند و بسند معتبر از حضرت صادق (ع) منقولست
که چون حضرت رسول (ص) میوه تازه میدیدند میبوسیدند و بر چشم و دیده میگذاشتند
و میگفتند اللهم کما اریتنا اولها فی عافیة فارنا آخرها فی عافیة یعنی خداوندا
چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت پس بنما بما آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از
حضرت رسول (ص) منقولست که هر که میوه بخورد اول بسم الله بگوید باو ضرر نرساند
و از حضرت صادق (ع) منقولست که هرگاه خوانی نزد حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌آوردند
البته سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبز است و به سبزه مایل است

دو بود



و فرمود که هرکه شب بخواند و هفت برگ کاسنی در معده او باشد در آن شب از
قولنج ایمن گردد و فرمود که کسی خواهد مال و فرزندش زیاده شود بسیار بخورد
برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزیست کاسنی هیچ برگی نیست
از آن مگر آنکه قطره از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن برگ را
که قطره‌اش بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزند را بسیار و نیکو میکند
و پسری آورد و فرمود که فضیلت آن بر سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق
و حضرت امام رضا (ع) فرمود که خوردن کاسنی شفای هر دردیست و هیچ دردی در اندرون
فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آن را از بیخ میکند و شخصی را تب عارض میشود و
صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبید و بر روی کاغذی پهن کنند و روغن
بنفشه بر آن بریزند و بر پیشانیش ببندند که تب و صداع را برطرف میکند و حضرت
(ع) فرمود که کاسنی سبزی رسول خدا (ص) و بادروج سبزی امیرالمؤمنین است و برگ خرفه
سبزی حضرت فاطمه است و احادیث بسیار در تعریف بادروج مرویست و آنکه باید در اول
طعام خورده شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیاد میکند و سل را میبرد و
اندرون را خوشبو میکند و ما سبت از خوردن و چون در شکم ساکن شود همه دردها را
زایل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر (ع) منقولست که شخصی را علت
سپرز عارض شده بود فرمود که سه روز با تره بخورانید چنان کردند صحت
مبدل شد و از حضرت صادق (ع) منقولست که بخورید تره را که در آن چهار خصلت

هست کند دهن را خوشبو میکند و باد را دفع میکند و بواسیر را قطع و هر که مداومت
بر آن از خوره ایمن است و منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع تره را با نمک میخائیده
تناول میکردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص
فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون است
و از حضرت موسی ع مرویست که خوردن شبت و کثرت آن مورث فراموشی است و از حضرت
جعفر صادق ع منقولست که بهترین سبزیها شریفتر و نافعتر از همه خرفه
است و آن سبزه حضرت فاطمه است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن کاهو
که خون را صاف میکند و در دو حدیث از حضرت امام جعفر ع منقولست که هر که تره تیزک را
بعد از نماز خفتن بخورد تا صبح نفس او را از گنده بوی خوره و در حدیث دیگر فرمود
که کاسنی و بادروج از ماست و تره تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از حضرت
حضرت امام موسی ع منقولست که پیوسته آنحضرت ما را امر میکرد بخوردن سبزی و میفرمود
کم تره تیزک بسیار بخوریم و میفرمود که چه بسیار را چقدر بعضی از مردم میگویند که تره تیزک در
رود خانه جهنم میروید و حال آنکه حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم مردم اند و سنگها
بنا بر این چگونه میشود که سبزی در جهنم بروید و از حضرت صادق ع منقولست
که حق تعالی از یهودان دفع کرد جذام را بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگها از گوشت
و حضرت امام موسی ع فرمود که بهترین است چغندر و حضرت امام رضا ع که بخورانند
به بیماران خود برگ چغندر را که از آن شفاست و در آن دردی نیست و مضرتی ندارد



و بیماری را بجواب راحت میبرد و رطوبت سودا را حرکت میآورد و در حدیث دیگر فرمود
که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است چیزی مثل برگ چغندر و در حدیث معتبر
منقولست از حضرت رسول ص که دنبلان داخل منّی است که بر بنی اسرائیل نازل شد و منّ
از بهشت آمده و آبش شفای چشم است و در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
دوست میداشتند کدو را و میفرمودند و زیاد میکند عقل را چون بپزید کدو را و امر میفرمودند
زنان خود را که در طعام بسیار بکنند و وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین ع که یا علی
بر تو باد بخوردن کدو که دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق ع منقولست
که در ... سه خصلت است برکتی دفع باد میکند و نخست طعام را هضم میکند و درد سینه
قطع بلغم میکند و در روایت دیگر فرمود که بر کسی مورث ادرار بول است و در روایت
دیگر نخست ادرار بول میکند و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی ع منقو(لست)
که خوردن کنگر قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند
و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم و مداومت بخوردن آن بکنید که
هیچ کس نیست که در او رگ جذام هست و شلغم آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول
که حضرت رسول ص خیار را با نمک میخوردند و از حضرت صادق ع منقولست که خیار را از
ته شکستن ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد و در حدیث دیگر
از آن حضرت منقولست که بخورید بادنجان که درد را میبرد و با آن دردی نیست
و احادیث در مدح و منافع بسیار است و از حضرت صادق ع منقولست که بخند

شده که پیاز گندی دهن را می‌برد و بلغم را زایل میکند و سستی و واماندگی را برطرف میکند
و پیهای بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت میکند و قوت جماع را می‌افزاید و نسل را زیاد
میکند و تب را می‌برد و بدن را نازک میکند و از حضرت رسول منقولست که چون داخل
شهری شوید پیاز آن شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میکند و در حدیث
حسن از حضرت امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول فرمود که هرکه سیر بخورد [illegible]
بدبوی داخل مسجد ما نشود اما اگر بمسجد نرود باکی نیست که آن را بخورد و از حضرت صادق
منقولست که پیاز و سیر و تره را خام و پخته خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود
زیرا که کراهیت دارد بسبب آزار کسی که در پهلوی او می‌نشیند در احادیث در مدح اویشن
وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر در صبح ناشتا سفوف کنند و بخورند و در ظهر
معده را دفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که چون حضرت لقمان را
[illegible] خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرده‌اند و از حضرت رسول
منقولست که هر که گل بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک و گلست و درد را در بدن
حادث میکند و خارش بواسیر از آن بهم میرسد و درد و سودا از آن متولد میشود
و قوت را از ساق و قدم می‌برد و هرچه از قوتش بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر
کم شده است در قیامت او را بر آن حساب و عذاب میکنند و حضرت امام موسی فرمود
که چهار خصلت است که از وسوسهای شیطانست خوردن گل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را

بدندان



بدندان کندن و در مشرقها ریش خاییدن و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است
مانند مردار و خون و گوشت خوک مگر گل قبر حضرت امام حسین که خوردن از آن بقدر
نخود شفاست از همه دردها و امنیت از همه خوفی. فصل نهم در تحقیق ضیافت مؤمنان و
آداب آن. از حضرت صادق منقولست که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید او را تکلیف خوردن
بکن اگر نکند و اگر شاید نمی‌کند اگر بکند تکلیف دست و رو شستن و آب یا بوی خوش بکن
و از حضرت رسول منقولست که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمن را آنست که تحفه
او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد
برای او تکلیف نکند و حضرت صادق فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر
دارد از برای آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که حقیر شمارد آنچه را برادر
مؤمن نزد او می‌آورد و بسند حسن از آن حضرت منقولست که هرگاه برادر مؤمن تطلبید
بشنو و بیاید آنچه داری برای او بیاور و اگر طلبیده باشی او را برای او تکلف بکن و در
حدیث حسن از هشام منقولست که با ابن ابی یعفور بخدمت حضرت صادق رفتیم حضرت
چاشت طلبید هشام گفت که من کمتر چیزی می‌خورم حضرت فرمود که مگر نمیدانی که محبت
مؤمن نسبت به برادر مؤمن او معلوم میشود از آنکه طعام او می‌خورد یعنی هرچند او را بیشتر
دوست میدارد طعامش را بیشتر میخورد و در این مضمون احادیث بسیار وارد شده است
و حضرت امام رضا فرمود که سخی و صاحب مروت از طعام مردم میخورد تا مردم از طعام
او بخورند و بخیل طعام مردم را نمیخورد تا از طعام او نخورند و حضرت رسول فرمود

که ولیمه و مهمانی سنت است در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه و ختنه کردن پسر و خانه نو خریدن
یا بنا کردن و در وقتی که از سفر حج بخانه خود بر گردد و در حدیث دیگر وقتی که از سفر حج بر گردد
و منقولست که آنحضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد و فقرا را در آنجا
نطلبند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود مهمان برادران
مؤمن و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد
مگر برخصت صاحب خانه که مبادا طعامی برای او بعمل آورند ضایع شود و سزاوار نیست
اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا بسبب روزه ایشان شرم کند
و طعام نخورند بسبب منقولست از حضرت رسول صلعم که حد ضیافت سه روزست و بعد از
سه روز تصدق است و نیز منقولست که نسبت با ویکی دو فرمود که اینقدر بماند نزد
برادر مؤمن خود که او را در حرج نیفکند که دیگر چیزی نداشته باشد که خرج مهمان کند
ابو یعفور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق ع م مهمانی دیدم که
برخواست به پیش کاری حضرت او را منع کردند و خود برخواستند و آن کار را بجا
آوردند و فرمودند که حضرت رسول نهی فرموده است از خدمت فرمودن مهمان و در حدیث
دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا ع م بود در شب دراز که چراغ را
اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت
خدمت نمیفرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر ع م منقولست که از جمله ضعف
و سبکی آنست که کسی بتواضع کند و نتواند عوض مکافات او بکند و از خلاف



و آداب است خدمت فرمودن مهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری کنید در فرود آمدن و
وقتی که خواهد بار کند و برود او را مدد مکنید بر رفتن که این دلیل برخصت نفرمودن است
رفتن تو است مبادا همین کنید و توشه را نیکو و خوشبو بعمل آورید که این دلیل جوان
مردیست و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که از جمله حق مهمان آنست که همراه
او بروی تا در خانه و از حضرت امام محمد باقر ع م منقولست که چون شخصی بخانه کسی آید
هر جا که صاحب خانه امر بکند بنشیند که صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند
و از حضرت رسول صلعم منقولست که هشت کس اند که اگر اهانت بایشان کنند و خواری ببرند ملامت نکنند
مگر خود را کسی که بر سفره خوانده شود که او را نطلبیده باشند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند
و کسی که طلب خیر از دشمنان خود بکند و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان بکند
و کسی که خود را داخل کند در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف
بپادشاهان و صاحبان حکم کند و کسی که در مجلس بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد و کسی
که با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او ندهد و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود
ضیافت کنند کسی را که از برای خدا او را دوست دارد و از حضرت امام محمد باقر ع م منقولست
که یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادری کنم سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده
مسکین را سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول صلعم با مهمانان طعام تناول میفرمودند پیش
از همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند و حضرت رسول صلعم فرمود که کسی
که بجای آب دهد باید که خود پس از همه آب بخورد و از حضرت صادق ع م

ع بند صحیح منقولست که چون برادر مؤمن تو بخانه تو بیاید مپرس که امروز چیزی خورده

و لیکن هر چه داری بنزد او بیاور که جواد و جوانمرد آنست که هر چه دارد حاضر سازد

و در حدیث دیگر فرموده که اگر کسی هزار درهم صرف طعام کند و مؤمنان از آن بخورند

اسراف نکرده است و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا

و روز قیامت دارد باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول ص فرمود که از جمله حق

مهمان آنست که او را گرامی دارند و خلال از برای او حاضر کنند و در احادیث بسیار وارد

شده است که هر گاه مهمان بیاید با روزی خود می آید و چون طعام خورد خدا صاحبان

خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود گناه تو و عیال ترا بیرون

می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که یک لقمه نزد برادر مؤمن

نزد من بهتر و دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد باقر ع فرمود

که سیر کردن مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع

منقولست که هر مؤمنی که صدای مهمانرا بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود

اگر چه میان زمین و آسمانرا پر کرده باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر خانه که مهمان

بآن نمی رود ملائکه داخل آنخانه نمیشوند و از حضرت صادق ع منقولست که از حقوق

واجبه مؤمن بر مؤمن آنست که او را اگر بضیافت بطلبد قبول کند و حضرت رسول ص

فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانانرا قبول

کنند بضیافت اگر چه پنج میل راه باشد که این از امور دینست که در دین لازم است

و در میل

٥١

و در میل کمتر است و شیخ [illegible] فرموده که اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی بطلبد میروم

و فرمود که بدترین طعامها آنست که [illegible] را در آن [illegible] بطلبند و بخوانند او قبول نکند

**فصل نهم** در فضیلت خلال و آداب آن از حضرت صادق ع منقولست

که جبرئیل برای حضرت رسول ص مسواک و خلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال

بین دندانها را بهم اصلاح می آورد و روزی را زیاد میکند و حضرت امام موسی ع

فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت انار که هر دو رگ خوره را بحرکت می

آورند و حضرت صادق ع فرمود که هر که بعد خلال کند [illegible]

نزود و فرمود که حضرت رسول ص بهر چه میسر میشد خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و

و در حدیث دیگر فرموده که حضرت رسول ص نهی نمود از خلال کردن بچوب درخت انار

و درخت خرما و ریحان و فرموده که بحرکت می آورند رگ خوره را و از حضرت امیر المؤمنین

ع منقولست که خلال کردن بچوب گز موجب فقر و پریشانیست و در حدیث دیگر

فرموده که حضرت رسول ص امر میکرد ما را که چون خلال کنیم آب بخوریم تا سه نوبت مضمضه

کنیم دهن را بآب و از حضرت رسول منقولست که از جمله حقهای مهمان آنست که خلال از برای او

مهیا کنی و فرموده که خلال کنید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمی دارند مانند آنکه ببینند

در دندان بنده طعامی و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست

که هر چه از طعام در بیخ دندان مانده باشد بخور و آنچه در میان دندان مانده باشد

بینداز و از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که هر چه را بزبان از میان دندانها

بدری آورده بخورد و آنچه بخلال بدری آورد میتوانی بخوری میتوانی بیندازی و از حضرت
صادق ع منقولست که آنچه بخلال بیرون می آورید فرو برید که جراحت اندرون را بهم
میرساند و در احادیث دیگر وارد شده است که هر چه بخلال بیرون می آوری بینداز و
و احادیث معتبره وارد شده است اندرون و بیرون دهن را بعد از طعام بعد و در خلال
شستن **فصل پنجم** در فضیلت آب و انواع آن در احادیث معتبره وارد شده است



که بهترین آشامیدنیها د ... منقولست که هر که
... باشد ... بهشت و صحیح آن
حضرت پرسیدند که ... ید که از آب آفریده
هر چه حاجت جیو ... ب امیر المؤمنین ع
منقولست که ... نیم چه نیکو سؤال کرد
خواهد شد در ... تنها رطب و آب سرد
است و در ... بهترین اعمالست روی
زمین و ... ینی که دفع کار او
در آنجا وارد شده ... د که آب زمزم دواست
از برای هر دردی که از برای آن بخورند و حضرت صادق ع فرمود که آب زمزم شفاست
از هر دردی و در روایت دیگر از برای هر مطلبی که بخورند آن مطلب حاصل میشود و حضرت
ع فرمود که بخورید آب باران را که بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها را از

دفع



دفع میکند و از حضرت صادق ع نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت وارد
شده است که خوردن تگرگ برای دندان نافع است و معاوف روایت کرده است که شخصی از
یاران ما در مکه بیمار شد تا آنکه بحال مرگ رسید بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم حال او را
فرمود که اگر نزد شما بودم از آب ناودان کعبه با او میخورانیدم پس ما طلب کردیم نزد
هیچ کس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران آمد و من رفتم
و از آب ناودان پر کردم و آوردم نزد بیمار و از آن آب آشامید و در ساعت شفا یافت
و از حضرت صادق ع منقولست که گمان ندارم که طفلی را که کامش را از آب فرات بر دارند
مگر آنکه دوست ما اهل بیت باشد و فرمود که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن
میریزد و فرمود که اگر میان ما و آب فرات راه دور باشد که برای شفا نزد آن میروم
و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات می بودم دوست میداشتم که هر صبح و شام
نزد او بروم و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را
از آب فرات بر دارند هر آینه همه شیعه ما باشند و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست
که ملکی آب بخورد و هنوز خواهش داشته باشد که از لب بردارد و حمد خدا بگوید پس باز بخورد
و هنوز سیر نشده از لب بازگیرد و حمد الهی بگوید پس باز بخورد پس بهمین سبب این بهشت را
بر او واجب کرده اند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که چون حضرت رسول ص
چون آب میخوردند این دعا میخواندند الحمد لله الذي سقانا عذبا زلالا ولم
یسقنا ملحا اجاجا ولم یؤاخذنا بذنوبنا و در روایت دیگر از آن حضرت

منقولست که هرگاه کسی از آب خوردن بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید
پس باز بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید پس باز بسم الله بگوید و بخورد پس
بعد از خوردن الحمد لله بگوید مادام که آب در شکم آن باشد تسبیح خدا گوید و ثواب آن
از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی که در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت
بده و بگو یا ماء ماء زمزم و ماء فرات یقرئانک السلام و در روایت دیگر فرمود هر که در شب
آب بخورد و سه مرتبه بگوید علیک السلام من ماء زمزم و ماء الفرات آب خوردن
شب باو ضرر نرساند و در روایت دیگر منقولست که در وقت آب خوردن این دعا
بخواند الحمد لله الذی سقانی فأروانی و أعطانی فأرضانی و عافانی و کفانی
اللهم اجعلنی ممن تسقیه فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه و آله و
تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین و حضرت صادق ع فرمود که آب بسیار
مخور که ماده هر دردی است و تا آب درد دوا بخور و حضرت امام ع
فرمود با تمام طعام آب بسیار خوردن ضرر ندارد اما در غیر آن حال آب بسیار مخور
و فرمود که اگر کسی بعد از دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن بخورد عجب دارم که معده اش
شق نشود و مشهور میان علما آنست که آب ایستاده خوردن مکروه است و آنست است
که به سه نفس خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن
خوبست و آب بیکنفس خوردن خوبست و بهتر آنست که به سه نفس خورده شود و در روز
ایستاده بخورد و در شب نشسته چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آ

خوردن



خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرد آب
و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب ایستاده خوردن بیشتر باعث قوت و صحت
بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که آب ایستاده مخورید که باعث
دردی میشود که دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت
امام جعفر صادق ع منقولست که ایستاده آب مخور و بر دور قبر مگرد و در آب
ایستاده بول مکن پس هر که چنین کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و ابن بابویه
ره الرحمه گفته است از بعضی احادیث آب خوردن شب ایستاده بد و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که آب را به سه نفس خوردن بهتر است از خوردن بیک نفس و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بر ندارد تا سیراب
شود چونست حضرت فرمود که مگر لذت هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این
شرب هیم است یعنی شتر تشنه حضرت فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن
نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقولست که اگر آنکسی که آب بنوشید بنده تو باشد به سه
نفس آب بخورد و اگر آزاد باشد بیک نفس آب بخورد و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت
رسول ص دوست میداشتند آب خوردن در قدح شامی را و میفرمودند که پاکیزه ترین
ظرفهاست و برای آن حضرت قدحها از شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از کوزه سفالی آب میخوردند و در روایت دیگر منقولست
که حضرت رسول ص گذشتند بر جماعتی که دهن بآب گذاشته بودند و میخوردند حضرت فرمود

که بدست خود بگوید که بهترین ظرفهای شام است و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که آداب آب خوردن آنست که در ابتدا بسم الله بگوید و چون فارغ شود
الحمد لله بگوید و از جانب دسته کوزه و از جایی که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد نخورد که آن
دو جا موضع شیطانست و حضرت رسول ص نهی فرموده از دمیدن بدهان در آب و از حضرت
صادق ع منقولست که دمیدن در آب وقتی مکروهست که دیگری حاضر باشد که خواهد
از آن آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر فرمود از آن حضرت نهی واقع
شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید و دهن را پر نکنید
که باعث درد جگر میشود و منقولست که حضرت رسول ص اقدم گاهی در قدحهای شامی
که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قدح چوب و گاهی در ظرف سفال و اگر
ظرف حاضر نبود در کف میکردند و می آشامیدند باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب
جماعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان فصل اول
در فضیلت تزویج کردن و نهی از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که از اخلاق پیغمبرانست دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم که کسی را خیری در ایمان
چیزی زیاد شود و او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاده میشود و هر که محبت زنان او زیاده
میشود فضیلت ایمانش بیشتر میشود و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست
که سه چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی خوش کردن و موی زیادتی بدن را
زایل کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار با ایشان مقاربت کردن و بسندهای بسیار

در حقوق



از حضرت رسول ص منقولست که از لذتهای دنیا اختیار کرده‌ام زنان و بوی خوش و روشنی
دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقولست که کسی نحو اختیار عبادت کرده بود
ترک زنان و بوی خوش و طعام چاشت نیز کرده بود و در این باب نامه بحضرت صادق ع
نوشتند آن حضرت در جواب نوشتند که اما زنان پس میدانی که حضرت رسول ص چند
عدد از زنان داشته و اما طعام لذیذ پس رسول ص گوشت و عسل تناول میفرمود
و حضرت رسول ص فرمود که هر که زنی بعقد خود در آورد نصف دین خود را حفظ
کرده است از خدا بترسد در نصف دیگر و فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند و فرمود
که چه مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید که خدا او را فرزندی روزی کند
که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که خواهد متابعت سنت
من بکند از سنت من زن خواستن است و حضرت محمد باقر ع فرمود که هرگز خوشم
نمی آید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود
که دو رکعت نماز که کدخدا میکند بهتر است از عزب که شبها تمام نماز کند و روزها
روزه باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که ترک کدخدایی بکند از ترس پریشانی
بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که ان یکونوا فقراء
یغنهم الله من فضله یعنی اگر ایشان فقیر باشند بی نیاز میکند ایشان را
خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمان
بن مظعون آمد بخدمت حضرت رسول ص و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه

می باشد و شبها نماز میکند و بنزد من نمی آید حضرت غضبناک بنزد عثمن آمدند و فرمودند که
ای عثمن خدا مرا برهبانیت نفرموده است و لیکن بدین مستقیم سهل آسان فرستاده
است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس هر که دین مرا میخواهد باید
که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح زنانست و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که سه زن آمدند بنزد رسول صلعم یکی گفت که شوهرم گوشت نمیخورد دیگری گفت شوهرم بوی
خوش نمی بوید دیگری گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از
عقب ردای خود را بر زمین میکشیدند تا بر منبر برآمدند و حمد و ثنای الهی گفتند و فرمودند
که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمی بویند و نزدیک زنان نمیروند
من گوشت میخورم و بوی خوش می بویم و بنزد زنان میروم هر که سنت مرا نخواهد از من
نیست و در حدیث دیگر منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و شکایت کرد
که شوهر من بنزدیک من نمی آید حضرت فرمودند که خود را خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید
گفت هیچ بوی خوشی را نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن خوشبو کردم و از من دوری میکند
حضرت فرمودند که اگر بداند که چه ثواب دارد در آمدن بنزد تو از تو دوری
نمیکرد پس فرمودند که چون متوجه تو میشود دو ملک با او احاطه میکنند و ثواب آن دارد
که شمشیر کشیده باشد در راه خدا جهاد کند چون با تو جماع میکند گناهان او میریزد چنانچه
برگ از درخت میریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدر می آید و حضرت صادق ع
فرمودند که دو رکعت نماز که کدخدا میکند برابرست با هفتاد رکعت نماز که عزب میکند



فصل دویم در صفات زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان از حضرت صادق ع
منقولست که زن بمنزلهٔ قلاده ایست که در گردن خود میافکنی پس ببین که چگونه
قلاده برای خود میگیری و فرمودند که زن صالح و غیر صالح هیچ یک قیمت ندارند زن صالحه
طلا و نقره قیمت و قدر او نمیباشد بلکه او بهترست از طلا و نقره و زن غیر صالحه که
هم سر نمی ارزد خاک بهتر از وست و حضرت رسول صلعم فرمودند که دختر بکفو و مثل خود
بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از برای نطفهٔ خود زنی را اختیار کنید که شایسته
آن باشند که فرزند از و بهم رسانید و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که هر که زن بخواهد برای حسن جمال یا برای مال از هر دو محروم شود
و اگر از برای دینداری و صلاح بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت
رسول صلعم فرمودند که زن باکره بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبولی که فرزند
نیاورد نخواهید که من مباهات میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت
مگر نمیدانید که فرزندان در زیر عرش الهی از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند
و حضرت ابراهیم ایشانرا نگهداری میکند و حضرت ساره ایشانرا تربیت
مینماید در بالای کوهی از مشک و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمودند که
دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان خوشبوتر و رحمهای ایشان خشک‌تر و پستانهای
ایشان پر شیرتر است و فرزند آورنده‌ترند مگر نمیدانید که من مباهات میکنم
به بسیاری شما در روز قیامت حتی به فرزند سقط که ناتمام از شکم افتاده باشد

او می آید و فرشتگان که بر در بهشت می ایستند پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شو
میگوید که نمیروم تا پدر و مادرم پیش از من نروند پس حق تعالی بملکی امر میفرماید
که پدر و مادرش را بیاور و داخل بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که از تو را
داخل بهشت کردم برای زیادتی رحمت من نسبت بتو و از حضرت امیر المؤمنین
ع منقولست که بخواهید زن گندم گون و فراخ چشم و سیاه چشم بزرگ سرین
میانه بالا پس اگر نخواهی پس با مهر از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص
چون بخواستگاری زنی میفرستاد میفرمود که گردنش بو کنند که خوشبو باشد و
عرقوب که پاشنه پرگوشت باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که از سعادت آدمی
کنید
کرزن نیکو داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که چون خواهید زنرا خواستگاری
کنید از او موهایش بپرسید چنانچه از رویش میپرسید که نصف حسن موست و ... از حضرت
رسول ص منقولست که بهترین زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست شوهر
باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد شوهرش ذلیل باشد
و از برای شوهر خود زینت و شاهنشاهی کند و از دیگران شرم کند و عفت ورزد و هر چه
شوهر گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او
خواهد مضایقه نکند تا شوهر در دنیا و بزدک او را تکلیف جماع بدارد و بعد از آن فرمود
که بدترین زنان شما زنیست که در میان قوم خود عزیز باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند
کند
نیاورد و کینه ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت

و دیگرا



و خود را بدیگران نماید و چون شوهر آید ستوری اظهار کند و سخنش را نشنود و اطاعتش
نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه کند از آنچه با او اراده دارد
و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش در نگذرد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت که زنی دارم هرگاه که بخانه میروم مرا
استقبال میکند و چون بیرون میآیم مرا مشایعت میکند و چون مرا غمگین می بیند
میگوید که چه غم داری اگر برای روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است
و اگر برای آخرت غم میخوری خدا غم ترا زیاد کند حضرت فرمود که خدا را کارکنان
هست و این زن از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر
که بهترین زنان امت آنست که خوش روتر و مهرش کمتر باشد و حضرت صادق ع
فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زاییدنش آسان باشد و شومی زن
آنست که مهرش گران باشد و زاییدنش دشوار باشد و حضرت رسول ص فرمود که
بهترین زنان شما زنان قریش اند مهربان ترین زنانند بشوهران و رحیم ترین ایشانند
بفرزندان و آرایش کنند بشوهران و با عفت اند از دیگران و مصداق قریش درین زمان
سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که خداوند عالمیان میفرماید
چون بخواهم که جمع کنم برای مسلمانی نیکیهای دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع
و زبان ذکر کننده و بدن صبر کننده بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود
و چون غایب شود شوهر خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث

صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در بنی اسرائیل شخصی بود بسیار عاقل و مال بسیار
داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمایل باو شبیه بود و دو فرزند
داشت از زن دیگر که عفیفه نبود اند چون وقت فوت او شد گفت همه مال من یکی از
شما است چون مرد هر یک دعوی کردند که مال از منست پس بنزد قاضی رفتند قاضی گفت
که بنزد آن سه برادر که بعقل مشهور بودند بروید پس پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری بود گفت
بروید بنزد فلان برادر من که از من بزرگترست بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان
او گفت که بنزد برادر بزرگتر از من بروید چون بنزد او رفتند او را جوان یافتند پس اول
سوال کردند که چه سبب است که برادر کوچکتر از همه پیرتر بود و تو که از همه بزرگتری از ایشان جوان
تری گفت اما آن برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و بر بدیهای او صبر میکند که مبادا به بلای
دیگر مبتلا شود که باین سبب ابتلا از همه پیرتر مینماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که
گاهی خوشحالی میکند و گاهی غمگینی میکند باین سبب میانه حال مانده است و من
زنی دارم که همیشه مرا خوشحال دارد و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده
ام پس برادران حال خود را نقل کردند گفت اول بروید استخوان پدر خود را بدر
آورید و بسوزانید و بعد از آن بیایید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر کوچک
شمشیر برداشت و برادر دیگر کلنگها برداشتند و چون بر سر قبر رسیدند آن دو برادر
کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک شمشیر کشید که نمیگذارم قبر پدرم را بشکافند
من از حصهٔ خود گذشتم و مال را بشما گذاشتم چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را تمام باو سپرد

کوچک



کوچک داد و با آنها گفت که اگر شما هم فرزند او بودید هیچ یک چون برادر کوچک را شفقت فرزندی
مانع شد از در آوردن و سوختن پدر شما را هم مانع میشد **فصل سیم** در آداب نکاح
و اراده آن در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که هر گاه کسی اراده نکاح
نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ
اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَا
لِی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لِی وَلَداً طَیِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً
صَالِحاً فِی حَیَاتِی وَبَعْدَ مَوْتِی و در حدیث معتبر منقولست که شب تزویج در شب واقع
شود و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمد باقر ع خبر رسید که شخصی زن خواسته
است که حاکم بوده است در میان روز حضرت گفت گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و
الفت بهم رسد پس برطرف از هم جدا شدند و در حدیث معتبر منقولست که عقد کردن در ماه
شوال خوبست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که عقد نکاح
کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست که هر که در
تحت الشعاع عقد یا زفاف بکند بد آنکه فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود و در
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است و بدا
مؤمنان را طلبیدن و حمد الهی گفتن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن
سنت است و از حضرت رسول ص منقولست که از سنت پیغمبران است طعام دادن در وقت
تزویج و حضرت رسول ص چون میمونه را تزویج نمود ولیمه فرمود و حیس بمردم خورانید

و آن چنان بوده است که از خرما و روغن و کشک میساخته اند و حضرت رسول ص فرموده روز اوّل لازم است
و روز دوم نیکست و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست که حضرت امام محمد تقی ع چون دختر
مأمون را عقد کردند این خطبه را خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اِقْرَارًا بِنِعْمَتِهٖ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ اِخْلَاصًا لِوَحْدَانِیَّتِهٖ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِ بَرِیَّتِهٖ وَالْاَصْفِیَاءِ مِنْ عِتْرَتِهٖ
ثُمَّ اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ کَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَی الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ
فَقَالَ سُبْحَانَهٗ وَاَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَالصَّالِحِیْنَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَاِمَائِکُمْ اِنْ یَکُوْنُوْا فُقَرَاءَ
یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیْمٌ و سایر خطبها طولانی در کتب مبسوط مذکور است
و این رساله گنجایش آنها ندارد و در باب آداب عقد نکاح رساله جدای تألیف کرده ام

**فصل چهارم** در بیان آداب زفاف و جماع بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در عقرب
باشد یا تحت الشعاع باشد مکروه است و جماع کردن در فرج زن وقتی که حایض باشد یا با خون
نفاس باشد حرام است و از ما بین ناف تا زانو از او تمتع بردن مکروه است و بعد از پاک
شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتنابست مگر آنکه ضرورت
باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال
که او را می باید کرد بجا آورده با او جماع میتوان کرد و در دبر زن مخالفت بعضی حرام
میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتنابست و بهتر آنست که با زن خود که جماع
کند و آزاد باشد منی خود را بیرون فرج نریزد و بعضی علما حرام میدانند بی رخصت زن
و کنیز باکی نیست و از حضرت صادق ع منقولست که نباید مرد با خود جماع کردن بزن

دست



دست حنا بسته و حضرت امام موسی ع فرموده که هر که جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس خود
قرار دهد افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق ع فرموده که جماع مکن
در اوّل ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که فرزند سقط شود و نزدیکست که اگر
بهم رسد دیوانه شود یا صرع داشته باشد نمی بینی کسی را که صرع میکند میگیرد اکثر آنست که یا در
اوّل ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه می باشد و حضرت رسول ص فرموده که هر که جماع کند
با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره و پیسی پس ملامت نکند مگر خود را
و حضرت صادق ع فرموده که دشمنی ما در اصل هیچ نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد
یا مادرش در حیض با او حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که چون کسی خواهد با زن خود جماع کند بر وی مرغان نزد او نفرستد بلکه اوّل با دست
بازی و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که در وقت
جماع سخن نگوید که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن وقت نظر بفرج
زن نکند که بیم آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آن حضرت
منقولست که باکی نیست به نگاه کردن بفرج در وقت جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده
است که مرد و زنی که خضاب بکنند و حنا بسته باشند جماع نکنند و از حضرت امام موسی ع پرسیدند
که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چون است فرمود که باکی نیست
و باز پرسیدند که اگر کسی فرج زن خود را ببوسد چون است فرمود که باکی نیست و از حضرت
صادق ع پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و با او نظر کند چون است فرمود که مگر

لذّت از زن بهتر میباشد و پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فرج زن خود و کنیز خود بازی کند چون است
فرمود که باکی نیست اما چیزی از اعضای بدن خود بغیر از آن در آنجا نکند و پرسیدند که آیا میتواند در میان
آب جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا م پرسیدند که از جماع
کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق م فرمود که با زن و کنیز خود جماع مکنید در
خانه که طفلی باشد که آن طفل زناکار باشد یا فرزندی که بهم رسد زناکار میشود و از حضرت
رسول ص منقولست که فرمود بحق آن خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست اگر شخصی
با زن خود جماع کند و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشان را ببیند یا سخن و نفس
ایشان را بشنود فرزندی که از ایشان بهم رسد رستگار نباشد و زناکار باشد
و چون حضرت امام زین العابدین م اراده مقاربت زنان می نمودند خدمتکاران را
دور میکردند و درها را میبستند و پرده ها را می انداختند و از حضرت صادق م
منقولست که کسی که با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر بغیر از غسل جماع کند وضو
بسازد و در حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که با کنیزی وطی کند و در خانه
دیگری باشد که ببیند و شنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست که مرد میان دو کنیز
خود بخوابد اما مکروهست که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت
صادق م منقولست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد بخوابد و فرمود
که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند که
آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله جماع نکند و در کشتی جماع

نکند



نکند و حضرت امام موسی م فرمود که دوست نمیدارم که کسی در سفر آب نیابد برای غسل
کردن جماع کند مگر آنکه خوف ضرری داشته باشد بر خود و بعضی از علما قایل بحرمت شده اند
و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه کسی که محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند
و فرمود که اگر بکند و فرزندی که بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت صادق م
فرمود که مکروهست جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند و زرد میباشد و همچنین
در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین م فرمود که سنتست در اول
ماه مبارک رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری منقولست که حضرت رسالت پناه
ص وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین م که یا علی چون عروس داخل خانه تو شود کفشهای
بکن تا بنشیند و پایهایش را بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش
چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانه تو بیرون کند و هفتاد
هزار نوع برکت را داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد که بر سر
عروس فرود آید تا آنکه برکت بهر گوشه خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی
و خوره و پیسی تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر
و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین م گفت یا رسول الله بچه سبب
او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود
و فرزندی نمی آورد و حصیری که در خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او
بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و میان ماه و آخر ماه

که دیوانگی و خوره و خبط دماغ راه می یابد بآن زن و فرزندانش باید جماع مکن بعد از
پنهانی که اگر فرزندی حاصل شود ایمن نیست که لال شود و نگاه مکند اجنبی بفرج زن خود
و چشم پوشیده ان حالت که نظر کردن بفرج در آن باعث کوری فرزند میشود باید
بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث یا دیوانه
باشد باید هرکه جنب با زن خود در رختخواب خوابیده باشد قرآن نخواند که میترسم که آتشی
از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند ایشانرا باید جماع مکن با زن خود مگر آنکه
تو دستمالی از برای خود داشته باشی و او دستمالی از برای خود داشته باشد و هر دو
خود را بیک دستمال پاک مکنید که دشمنی در میان شما پیدا میشود و آخر بجدائی میکشد
باید ایستاده با زنان خود جماع مکن که از فعل خرانست و اگر فرزند بهم رسد مانند خران
بر رختخواب بول کند باید در شب عید فطر جماع مکن که چون فرزند بهم رسد شش انگشت
یا چهار انگشت در دست داشته باشد باید زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر
فرزند بهم رسد جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده ظلم باشد باید در برابر آفتاب
جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزند بهم رسد همیشه در بدحالی و پریشانی
باشد تا بمیرد باید در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزند بوجود آید راغب
باشد بخون ریختن باید چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو که اگر چنین
کنی فرزندی که بهم رسد کوردل و بخیل باشد باید در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر چنین
فرزندی که حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد باید در دو دو

اول



آخر ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یار ظالمان باشد و هلاکت
بسیاری از مردم بدست او شود باید بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی
بهم رسد منافق و ریاکننده و صاحب بدعت باشد باید چون بسفری بیرون روی در آن
شب که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش را بناحق صرف
کند و اسراف کننده که برادران شیاطین اند و اگر بسفری روی که سه روز
راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد باید در شب دوشنبه
جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد باید
اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی که بهم رسد بعد از سعادت اسلام او را شهادت
روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش جوانمرد و زبانش
از غیبت و بهتان پاک باشد باید اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی که بهم رسد حاکمی
از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه وقتی که آفتاب در
میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان باو نزدیک
نشود تا پیر شود و خدا او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین باید اگر جماع کنی
در شب و فرزندی که بهم رسد خطیب و سخنگو باشد و اگر در روز جمعه بعد از عصر
جماع کنی و فرزندی که بهم رسد از دانایان و مشهوران باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه
بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند از ابدال باشد باید در ساعت
اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست که ساحر باشد که دنیا را

بوقت اختیار نماید باین وصیت را از جهت بیاموزند چنانچه نبی از جبرئیل آموختم
و در حدیث معتبر منقولست که در روز عقد حضرت فاطمه صلواة الله علیها السلام
حق تعالی فرمود سدرة المنتهی را که آنچه داری فرو ریز برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه
داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار
ربودند و تا روز قیامت مفاخرت میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این
نثار حضرت فاطمه است و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول را آوردند و قطیفه
بر روی آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان فارسی لجام استر را
میکشید و حضرت رسول از عقب روان شد و در اثنای راه صدای ملائکه بگوش
مبارک آنحضرت رسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمده بودند
گفتند که حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاده است پس جبرئیل و میکائیل الله
اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین سبب سنت شد که در زفاف الله
اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد
که ما طعامها بعمل می آوریم و بنا را پاکیزه و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از
هیچ طعامی نمی آید فرمود که زیرا که بر طعام عروسی نسیم بهشت میوزد چون طعامی
که برای حلال مهیا میکنند و در احادیث معتبره وارد شده است که سنت است
که عروسی در شب واقع شود و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی از اخبار وارد
شده است که نثار عروسی را میتوان برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر

می ربایند



معلوم نشد

می ربایند کراهیت دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است برداشتن که بقراین
که صاحبانش راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر گاه شما را بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد و چون
شما را بجنازه بخوانند زود بروید و چون آخرت را بیاد شما می آورد و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر
راه که مردم تردد کنند و فرمود که هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم
او را لعنت کنند و حضرت رسول ص فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان
جماع کردن و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین
صلواة الله ع فرمود که هر گاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زنان را
کارها میباشد پس از جماع و هر گاه کسی که زنی بیند و خوشش آید پس برود با اهل
خود جماع کند که آنچه با این هست با آن هم هست و شیطان را بدل خود راه ندهد
و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا بسیار بگوید و صلواة بر محمد
و آل محمد بفرستد پس از فضل خداوند سوال کند البته خدای تعالی میفرماید ‏بار عطا
آنچه او را از حرام بی نیاز گرداند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که چنین کنند ملائکه
از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت محمد باقر ع منقولست
که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه سالش تمام شود پس اگر بکند

عجب بهم رساند باین زن ضایع نیست و در حدیث معتبر دیگر منقولست که مکروهست جماع کردن
میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن سرخی
طرف مغرب و در روزی که در آن روز آفتاب بگیرد و در شبی که در آن شب ماه بگیرد
و در شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد زرد یا باد سرخ حادث شود و در شب
یا روزی که در آن زلزله حادث شود و اسّته که اگر کسی جماع کند در این اوقات
پس او را فرزندی بهم رسد نبیند در آن فرزند مگر چیزی که دوست دارد زیرا که آیات
غضب الهی را سهل شمرده است و در فقه الرضا ع مسطور است که چون بعد از غسل
میت پیش از آنکه غسل کنی خواهی که جماع کنی وضو بساز بعد از آن جماع بکن و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهم رسد یا حرارت بر مزاجش
غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که هرگاه در حالت خضاب با زن خود جماع کند فرزند اگر بهم رسد مخنث باشد و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که زن آزاد را با زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را با کنیز
دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست
که حضرت صادق ع هرگاه بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع میکردند وضو
می‌ساختند و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی انگشتری باو باشد که بر آن نام خدا
نقش کرده باشند جماع کند فصل پنجم در آداب نماز و دعا در شب زفاف
و در وقت مقاربت زنان در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست

که چون نظر



که چون خواهی زنی بخانه تو بیاورند بگو که پیش از آنکه وضو بسازد و دو رکعت نماز
بکند و بگو که اولیای او امر کنند که دو رکعت نماز بکند او نیز پس حمد الهی بگو و صلوات
بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنانرا که با او آمده اند آمین بگویند
و این دعا بخوان اللّهم ارزقنی الفها و ودّها و رضاها و ارضنی بها و اجمع
بیننا باحسن اجتماع و انفس ائتلاف فانّک تحبّ الحلال و تکره الحرام
بعد از آن فرمود که بدانکه الفت از جانب خداست و دشمنی از جانب شیطانست
که میخواهد که آنچه را خدا حلال کرده است مکروه طبع مردم گرداند و در حدیث حسن
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون در شب زفاف بنزد زن بروی
موی پیشانی او را بگیر و رو بقبله آور و بگو اللّهم بامانتک اخذتها و بکلماتک
استحللتها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیّا من شیعة آل
محمد و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت
منقولست که دست بر بالای پیشانی بگذار و بگو اللّهم علی کتابک تزوّجتها
و فی امانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها
شیئا فاجعله مسلما سویّا و لا تجعله شرک شیطان راوی پرسید که فرزند
چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا برده شود شیطان دور
میشود و اگر نبرند ذکر خود را با ذکر آن شخص داخل میکند پس جماع از هر دو
می‌باشد و نطفه یکیست پرسید بچه چیز بشناسیم که شیطان در کسی شریک شده

فرمود که هرکه ما را دوست میدارد شیطان با او شریک نشده است و هرکه دشمن است شیطان
با او شریک شده است و بر این مضمون احادیث از طرق خاصه و عامه بسیار وارد شده
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که در وقت زفاف این دعا بخواند اللهم بکلمتک
استحللتها و بامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک
تأکل مما راح و لا تسأل عما سرح و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که این دعا بخواند بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانة الله
اخذتها اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا و اجعله
مسلما سویا و لا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند
راوی گفت که چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه که اراده جماع داشته
باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات و الارض
اللهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا
نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان و رجزه جل ثناؤک
و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان شریک نشود بگوید بسم الله
و پناه ببرد بخدا از شر شیطان و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که چون کسی اراده
جماع داشته باشد بگوید بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و جنب
الشیطان ما رزقتنی پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نتواند رساند

حضرت

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اللهم ارزقنی
ولدا و اجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان و اجعل عاقبته
الی خیر

## فصل ششم

در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر از ایشان از حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام منقولست که حق تعالی برای زنان غیرت
جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا که از برای مردان چهار زن
و از متعه و کنیز آنچه خواهند حلال گردانیده است و از برای زن بغیر از یک شوهر
حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده نماید نزد خدا زناکار است و غیرت
و رشک نمی برند مگر زنان بد و زنان مؤمنه صاحب رشک نمیباشند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست فرمود که رشک بودن زنان از بسیاری دوستی ایشان است
بشوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گفتن مرد با زن خود که ترا دوست
میدارم هرگز از دل او بدر نرود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن فرمود
که لازمست که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت او تصدق
نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند منع
نکند اگرچه بر پشت پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت
شوهر بیرون رود ملائکه آسمان و ملائکه زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت

او را
همه را لعنت کنند تا بخانه بر گردد گفت یا رسول الله حق کی بر مرد از همه کس عظیم تر است فرمود
که حق پدر گفت حق کی بر زن از همه عظیم تر است فرمود که حق شوهر پرسید که زن را بر شوهر
آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود که از صد یکی نه آن زن گفت که قسم بخدائی
که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم و در حدیث دیگر منقولست که زنی
خدمت رسول صلی الله علیه و آله آمد و سؤال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آنست که توان گفت
پس فرمود که از جمله حقها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او
بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند و نیکوترین جامهای خود را بپوشد
و به بهترین زینتها خود را بیاراید و هر بامداد و شام خود را بر او عرض کند که اگر اراده
جماع داشته باشد ابا نکند و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت شوهر بکسی ندهد
اگر بدهد گناهش برای آن زن است و ثوابش از برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او
خشمناک باشد زن گفت که هرچند شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی و حضرت صادق ع
فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نماز او مقبول نباشد تا شوهر
از او راضی شود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر خود بکند نماز او مقبول نشود تا آن بوی
خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عملی از ایشان بآسمان بالا نرود غلام گریخته
و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد
و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که مال و جان خود را در راه
خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت

ایشان



ایشان صبر کنند و حضرت رسول ص فرمود که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه
میگفتم که زنان برای شوهران سجده کنند فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای
آنکه منع کند شوهر را از آنچه از او میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را
برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملائکه او را
لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن از مال خود هیچ
چیز بی رخصت شوهر نمیتواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی بپدر و مادر یا صله رحم
خویشان و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر زنی که بشوهر خود بگوید
که من هرگز از تو نیکی ندیده‌ام ثواب عملهایش همه باطل شود و در احادیث معتبره
بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند
و اگر بدی کند برای او ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که [illegible]
نزد او یکروز نه یکروز روغن برای بدن مالیدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه
گوشت از برای او بیاورد و رنگ مانند حنا و وسمه هر شش ماه یکبار باو بدهد و در
هر سال چهار جامه از برای او بدهد دو از برای زمستان و دو از برای تابستان و باید که خانه اش را
خالی نکند از روغن چراغ و مالیدن سر و از سرکه و زیت و در روزی یکمن گندم قوت
باو بدهد و میوه که همه کس خورند باو بخوراند و در عیدها زیاده از وقتهای دیگر
خوردنی برای او مهیا کند و از حضرت صادق ع منقولست که بترسید از خدا در حق
دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت رسول ص فرمود که بهترین شما آنکسی است که با زنان

بهتر سلوک کند و فرمود که عیال مرد اسیران اویند و محبوب‌ترین بندگان نزد خدا
کسی است که احسانش با اسیران خود بیشتر کند و حضرت صادق ع فرمود که موجب هلاکت
صاحب مروت است که در شهری که زنش در آن شهر باشد شب در خانهٔ دیگری بخوابد
و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین ع وصیت فرمود بحضرت امام حسن ع که
زنهار مشوره با زنان مکن که رای ایشان ضعیف است و عزم ایشان سست است
و ایشان را بپوشان در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر
تو مرد دیگر را نشناسند و بایشان خدمتی بغیر آنچه تعلق بخود ایشان دارد مگذار که این
از برای حال ایشان و خوشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است زیرا که زن
گلیست خدمتکار نیست و پیش خود شوهر گرامی دارد و سخنش را در حق دیگران قبول
مکن و خود را بسیار بند ست او مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیز نوشتن بایشان میاموزانید
و سورهٔ یوسف تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن بیاد ایشان بدهید و سورهٔ نور را
تعلیم ایشان بکنید و حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه بر زین سوار کنند و فرمود
که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا
پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ایشان در حذر باشید و حضرت محمد باقر ع
فرمود که راز بایشان مگوئید و در باب خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید
و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که مردی که گذارد که او را زنش تدبیر کند ملعون است

و حضرت رسول



و حضرت پیغمبر ص چون ارادهٔ جنگ داشتند با زنان خود مشوره میکردند و آنچه ایشان
میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول ص فرمود که هر که اطاعت زن خود کند خدا
او را سرنگون در جهنم در اندازد گفتند یا رسول الله این اطاعت کدام است فرمود که
از او رخصت طلبد که برای سیر بحمامها و عروسیها و عیدگاهها و عزاها برود و او رخصت
بدهد و جامهای نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر
فرمود که زنان مثل استخوان کج پهلو است اگر او را بحال خود میگذاری منتفع میشوی
و اگر میخواهی راست کنی میشکند پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان و بدانکه از جملهٔ حقوق
زن بر مرد آنست که در چهار ماه یکمرتبه با او جماع کند اگر حاضر باشد و عذری نداشته
باشد و این واجبست که بیش از آنها ترک نکند و پیش هر یک شب بخوابد و جمعی را اعتقاد آنست
که مطلقا واجبست که پیش هر زنی از چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد
و خواه زیاده و این احوط است در کنیز و متعه اینها را واجب نیست اما بهتر آن است
که کنیز داشته باشد یا خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد در بعضی اخبار
وارد شده است که اگر نکند و آنها زنا کنند گناهش بر او است و مشهور میان علما
آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت
شب نزد او باشد و اگر غیر باکره است تا سه شب **فصل هفتم** در بیان دعای طلب
فرزند و فضیلت آن از حضرت رسول ص منقولست که فرزند صالح ریحانیست و فرمود که فرزند
بسیار بهم رسانید که من بسیاری از شما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المؤمنین ع

فرمود که بیزاری که بفرزند برسد کفاره پدر و مادر اوست و در حدیث صحیح منقولست
که روزی جبرئیل از بالای آن بر سید حضرت رسول م فرمود که در طفل ما آزار دار نشود
بگریه ایشان متاذی شویم جبرئیل گفت یا محمد م حق تعالی برای فرزندان شما نفع چند
پیدا کرده که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله
باشد و چون هفت سال بگذرد گریه ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر ایشان و چون
بحد بلوغ برسند پدر و مادر در ثواب ایشان شریک باشند و در گناه ایشان شریک نباشند
و از حضرت رسول م منقولست که زن از روزی که حامله میشود تا وضع حمل میشود
و تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد کافران مرابطه نماید
رد فع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این مابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در حدیث
صحیح از حضرت رسول م منقولست که حضرت عیسی بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند
پس در سال دیگر بهمان قبر گذشت که صاحبش را عذاب نمیکردند از آنحال سوال کرد از پروردگار
خود وحی باو رسید که درین سال فرزندی شایسته از و بحد بلوغ رسید و راهی را
اصلاح کرد و یتیمی را جا داد باین سبب او را بکرده فرزندش آمرزیدم پس حضرت فرمود
که میراثی که از برای خدا از بنده بماند فرزندیست که بعد از او عبادت خدا کند و در
روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند بمیرد گویا که هرگز در میان مردم نبوده
است و کسی که بمیرد و فرزند ازو بماند گویا که نمرده است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول م منقولست که حق تعالی بر دختران مهربان تر است از پسران و هر مرد که شادی

بزنی.



بزنی که با او خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا او را در قیامت شاد گرداند و حضرت صادق م
فرمود که دختران حسناتند و پسران نعمتند و خدا بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت
سوال میکند و آن حضرت بیکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده
و او را نمیخواهی چه ضرر دارد بتو کلفت بر یکی او را او روزیش بر خدا است و حضرت
رسول م پدر دختران بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود
سوال کرد که دختری او را روزی کند که بعد از مرگ او برای او گریه کند و فرمود
که هر که آرزوی مرگ دختران خود کند و بمیرند ثواب نداشته باشد و در روز قیامت
نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول م نشسته
بود خبر باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود
که زمین او را بر میدارد و آسمان برو سایه میافکند و خدا روزیش میدهد و کلفت
او را می بری پس رو باصحاب خود کردند و فرمودند که هر که یک دختر دارد بارش گران
است و هر که دو دختر دارد بخدا سوگند که بفریاد او برسید و کسی که سه دختر داشته
باشد جهاد و سایر آزارها را از او برداریم و کسی که چهار دختر داشته باشد
ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا باو قرض بدهید ای بندگان
خدا او را رحم کنید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که کسی که سه دختر یا سه خواهر
نفقه دهد بهشت او را واجب شود و بعد از آن فرمود که هر که دو تا یا یکی را هم
نفقه دهد بهشت او را واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق م منقولست

که هرگاه که فرزند دیر بهم رسد این دعا بخواند اللّهمّ لا تذرنی فردا وحیدا ولمّا
منقصر شکره عن تفکّری بل هب لی عاقبة صدق ذکورا واناثا آنس بهم من
الوحدة واسکن الیهم من الوحشة واشکرک عند تمام النّعمة یا وهّاب
یا عظیم یا معظّم ثمّ اعطنی فی کلّ عافیة شکرا حتّی تبلغنی منها رضوانک
فی صدق الحدیث واداء الامانة ووفاء بالعهد و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که برای طلب فرزند در سجده این دعا بخواند ربّ هب لی من لدنک ذرّیة
طیّبة انّک سمیع الدّعاء ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین و در روایت
دیگر فرمود که هرکه خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بکند و
رکوع و سجود را طول بدهد پس بگوید اللّهمّ انّی اسئلک بما سئلک به زکریّا
ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین اللّهمّ هب لی من لدنک ذرّیة طیّبة
انّک سمیع الدّعاء اللّهمّ باسمک استحللتها وفی امانتک اخذتها فان قضیت
فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا زکیّا ولا تجعل للشّیطان فیه شرکا ولا
نصیبا و در روایت دیگر منقولست که ابن نجیح جبلی بحضرت امام محمّد باقر عرض کرد که مرا
فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا در هر شب صد مرتبه استغفار بکن و بهتر آنست که
استغفر الله ربّی واتوب الیه بگوید و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که هر صبح و شام هفتاد نوبت سبحان الله پس ده نوبت استغفر الله ربّی واتوب
الیه پس نه نوبت سبحان الله پس یک نوبت استغفر الله ربّی واتوب الیه بگوید



پس راوی بگوید جمع کثیری این عمل را مداومت کردند و فرزند بسیار بهم رسانیدند و بعضی
از اینها بگفتن استغفر الله تنها اکتفا مینمودند و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفار بکن و اگر فراموش
کنی در وقت دیگر قضا کنی و شخصی دیگر بآنحضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود
که چون اراده جماع کنی بگو اللّهمّ ان رزقتنی ذکرا سمّیته محمّدا و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا شکایت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند
نمیشود فرمود که در خانه خود صدا باذان گفتن بلند کن چنان کرد بدنش صحیح شد و
فرزندان بسیار بهم رسانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که
شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که چون خواهی که بنزد زن خود بروی
این آیه را بخوان که انشاء الله تعالی خدا ترا فرزند روزی بکند وذا النّون اذ ذهب
مغاضبا فظنّ ان لن نقدر علیه فنادی فی الظّلمات ان لا اله الّا انت سبحانک
انّی کنت من الظّالمین فاستجبنا له ونجّیناه من الغمّ وکذلک ننجی المؤمنین
وزکریّا اذ نادی ربّه ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین و در حدیث
دیگر فرمود که هرکه را فرزند نشود نیّت کند که اگر مرا فرزند شود نام محمّد خواهم کرد که اگر
چنین کند خدا البتّه روزی کند و از حضرت امام زین العابدین منقولست
که هرکه این دعا را بسیار بخواند هرچه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت
خدا باو عطا فرماید ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین واجعل لی

بنشین ودست راست خود را به
بخوان وبعد از آن جماع
او بگذارد وهفت مرتبه سوره
خدا پسری بمن روزی کند و
پسر بگوید **فصل هفتم**
از حضرت صادق ع منقو
فرزند صاف تر باشد و
تا شیره بخورد باید رطب
حضرت علی در طب بخوانی که
از خرماهای مدینه بخورد وآ
پسر باید که بعرفت حلال
او را بردبار گرداند ودر
بعد از ولادت فرزند خر
حدیث دیگر از حضرت ر
طفل در شکم مادر کند غذ
شجاع میشود واگر دختر باشد
ودر حدیث دیگر منقولست ک

در احکام آداب حمل زنان

مِنْ لَدُنْكَ وَتُبْقِيهِ لِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا
تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ
الرَّحِيمُ واز برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخوانند واز حضرت صادق ع منقولست که هر
زنی را حملی باشد وچهار ماه بر او بگذرد روی او را بقبله کنی وآیة الکرسی بخوانی ودست
بر پهلوی او بزنی وبگو اللهم انی قد سمیته محمدا پس خدا پسری او را محمد نام کن
چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد واگر
نام نکند خدا اگر خواهد او را از او بگیرد واگر خواهد باو بخشد ودر چند حدیث معتبر
وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد وعزم کند که او را محمد یا علی نام کند
او پسر شود ودر حدیث دیگر آنست که او را علی نام کنی که عمرش دراز تر باشد ودر کتاب
طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد
از کمی فرزند حضرت فرمود که سه روز بعد از نماز صبح وعشا وخفتن هفتاد مرتبه سبحان
الله وهفتاد مرتبه استغفر الله بگو وبعد از آن این آیه را بخوان اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ
إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ
وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا پس در شب نهم با زن خود جماع کن
خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا میفرماید ودر کتاب نوادر الحکمه روایت
کرده است که شخصی بنزد حضرت امام جعفر صادق ع آمد وگفت یا ابن رسول الله هفت
دختر بهم رسانیده ام وروی پسر ندیده ام حضرت فرمود که وقتی در میان پای زن

بنفشه دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذارد و سوره انا انزلناه را هفت نوبت
بخواند و بعد از آن جماع کند و چون اثر حمل ظاهر شود پس انگشت شهادت بر جانب راست ناف
او بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند آن مرد گفت چنین کردم و هفت پسر هم
خدا بمن داد و زنی که این دعا را حضرت امام حسن ع منقولست که هر که فرزند خواهد باید که استغفار
بسیار بگوید **فصل هفتم** در احکام ایام حمل و آداب روز ولادت و نام نهادن نقل
از حضرت صادق ع منقولست که زن حامله به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و نیک
فرزند صاف تر باشد و بسند معتبر منقولست که حضرت رسول ص فرمود که اول چیزی که زن
زائیده بخورد باید رطب باشد چنانچه حق تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زائیدن
حضرت عیسی رطب بخور گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کند فرمود که نه دانه خرما
از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از هر خرما که باشد بخورد بدرستی که حق تعالی
میفرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که هر زنی تازه زائیده که رطب بخورد فرزند
او را بردبار گردانم و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که زنان را
بعد از ولادت فرزند خرما بزنی بخورانید تا آنکه فرزند زیرک و بردبار شود و در
حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که بزنان حامله بخورانید کندر بدرستی که اگر چون
طفل در شکم مادر کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر پسر باشد
شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیز می باشد
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله چون وقت ولادت

در احکام ایام حمل زنان

ند موتی واجعله خلقا سویا ولا
وانوب الیک انک انت الغفور
ند و از حضرت صادق ع منقولست که هر
ابقبله کنی و آیة الکرسی بخوانی و دست
حکما یعنی خدا با من او را محمد نام کنم
او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر
ند باو بخشد و در چند حدیث معتبر
عزم کند که او را محمد یا علی نام کند
کسی که عمرش در دنیا کمتر باشد و در کتاب
حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد
و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان
ید را بخواند استغفروا ربکم
لا ویمددکم باموال وبنین
شنبه با زن خود جماع کنی
و در کتاب نوادر الحکمه روایت
ند و گفت یا ابن رسول الله هفت
ود که وقتی در میان یاران

بنفشه

ت جان ولد مرحوم
عقیقه
الحاج حاجی حسین
اما حسن
عدد
تاس کتاب یا قیاق
اما حمام
عدد
ذو الحجه
عدد

چند نمی بود که زنان را بیرون کنند که اقوام نزد نفاس زن بعورت ننشینند و منقولست که چون
بحضرت بشارت فرزند میدادند نمی پرسید که پسر است یا دختر بلکه او می پرسید که خلقتش
درست است یا نه اگر میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش نیست میفرمود که الحمد لله الذی
لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس خداوندیرا که از من نیافرید فرزندی که قبیح و معیوب
باشد و از حضرت صادق ع منقولست که چون فرزند متولد شود بقدر دو عدس از جاو
شیر بگیر و در آب حل کنی دو قطره در بینی راست طفل و یک قطره در بینی چپش بریز
و در گوش راستش اذان بگو و در گوش چپش اقامه بگو پیش از آنکه نافش را
ببرند که اگر چنین کنی هرگز ترسی باو نرسد و ام الصبیان او را ضرر نرساند و در حدیث
دیگر فرمود که قابله یا دیگری باید بگوید که اقامه در گوش راستش بگویند که هرگز جنیان
او ضرر نرسانند و دیوانه نشود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که کام طفل را با
آب فرات بردارید و اقامه در گوشش بگویند و در روایت دیگر وارد شده است که کامش را
باب فرات و تربت قبر حضرت امام حسین ع بردارید و اگر آب فرات نباشد باب باران
بردارید و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که کام فرزندان خود را بخرما بردارید
که حضرت پیغمبر ص چنین کرد با حسن و حسین ع و حضرت رسول ص فرمود که هر که فرزند
از و متولد شود باید که اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او بگوید
که نگاه دارنده است از شر شیطان و از حدیث ولادت حسنین ع ظاهر میشود
که مکروه است طفل را در اول ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنت است که در جامه





سفید بپیچید و از حضرت صادق ع منقولست که کام طفل خود را بتربت
امام حسین ع بردارید که امان میدهد او را از دردها و بلاها و از حضرت
صادق ع منقولست که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا
باو عطا کرده بود و گفت رزقك الله شكر الواهب و بارك لك
في الموهوب و بلغ به اشده و رزقك بره یعنی خدا روزی کند ترا
شکر آن خداوندیکه فرزند بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه
بتو بخشیده است و او را بنهایت قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی
بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین عبارت بسند معتبر از حضرت امام حسن ع
منقولست که ابن ادریس رحمه الله در کتاب سرایر از حضرت امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که هرگاه زن دشوار شود زائیدن بنویس این
برای او در پوستی این آیات را و بر میان بند بر ران راستش و چون
وضع حمل شود باز کن آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم كأنهم
يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار كأنهم
يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها اذ قالت امرأت عمران
رب اني نذرت لك ما في بطني محررا و مؤلف کتاب طب الائمة علیهم السلام
روایت کرده است که شخصی بخدمت امام محمد باقر ع آمد و گفت زن من از بار درد
زائیدن مشرف بر مردن شده است حضرت فرمود که برو این آیه را بر او بخوان

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يا ليتني مت قبل هذا وكنت نسيا
منسيا فناداها من تحتها ألا تحزني قد جعل ربك تحتك سريا و
هزي إليك بجذع النخلة تساقط عليك رطبا جنيا پس بآواز بلند بگو
والله أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع
والأبصار والأفئدة لعلكم تشكرون كذلك اخرج أيها الطلق اخرج
بإذن الله چون بخوانی در ساعت نجات یابد بیاری خدا و بسند دیگر از ائمه
روایت کرده‌اند که برای دشواری زائیدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک و زعفران
بنویسند و بآب چاه بشویند و بخورانند زن بد هند و بشکم و فرجش بپاشند
كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا إلا عشية أو ضحاها كأنهم يوم يرون ما
يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفا
سقون لقد كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب ما كان حديثا يفترى
ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء وهدى ورحمة لقوم يؤمنون
و بسند دیگر از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که این آیات را برای حامله در
کاغذ بنویسند در وقتی که داخل شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او میشود
و چیزی در آن به پیچید و گره زنند و بکمر آن زن ببندند چون چنین کند درد
و آزار زائیدن با دنیا رسد و بعد از زائیدن زود بگشاید و بساعت آن
نگذارد و این است آیات أولم ير الذين كفروا أن السماوات والأرض كانتا

رتقا



رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون وآية لهم الليل
نسلخ منه النهار فإذا هم مظلمون والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير
العزيز العليم والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم لا
الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك
يسبحون وخلقنا لهم من مثله ما يركبون وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم
ولا هم ينقذون إلا رحمة منا ومتاعا إلى حين ونفخ في الصور فإذا هم
من الأجداث إلى ربهم ينسلون و در پشت کاغذ این آیات را بنویسند
كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار بلاغ فهل
يهلك إلا القوم الفاسقون كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا إلا عشية
أو ضحاها و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که راست ترین نامها نامیست
که در او بندگی خدا کنند مثل عبد الله و بهترین نامها نام محمد است و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید که اگر
نام نگذارید و سقط شود در قیامت با پدر خود گوید چرا مرا نام نگذاشتی و رسول خدا ص
محسن فرزند حضرت فاطمه را در شکم نام نهاد و محسن آن فرزندیست که بعد از حضرت
رسول ص هنوز در شکم بود که عمر علیه اللعنه او را شهید کرد و از حضرت امام موسی ع
منقولست که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را نام نیک بگذارد
و حضرت رسول ص فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید و هیچ یک را

بنام پیغمبران نام گذارند چنانکه در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقول است که فقر
و پریشانی داخل خانه نمیشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب
یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسول ص
آمد و گفت که مرا فرزندی بهم رسیده است چه نام کنم او را فرمود که نام کن او را به محبوبترین
نامها نزد من که آن حمزه است و از جابر منقول است که گفت با حضرت امام محمد باقر ع
بخانه شخصی رفتیم طفلی بیرون آمد حضرت از و پرسیدند که چه نام داری گفت محمد گفت کنیت
چه کنیت داری گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان در حصار محکمی
در آورده بدرستی که هرگاه شیطان میشنود که کسی را آواز میکند یا محمد یا علی آب
میشود چنانچه قلع آب میشود تا آنکه میشنود که کسی را آواز میکند بنام یکی از دشمنان ما
شاد میشود و فخر میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت صادق ع گفت
که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کردی او را گفت محمد حضرت
سر را بجانب زمین فرود آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند تا آنکه نزدیک بود که روی
ایشان بزمین برسد پس فرمودند که جانم خودم و فرزندانم و مادرم و پدرم و جمیع
اهل زمین فدای حضرت رسول ص باد چون او را چنین نامی مبارک کردی او را دشنام
مده و او را مزن و بد با او مرسان و بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد
مگر آنکه هر روز آن خانه را مقدس و مطهر میگردانند و در چندین حدیث وارد شده
که حضرت رسول ص نهی فرمود از نام کردن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک

و فرمود



و فرمود که دشمن ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار
کنیت ابو عیسی و ابو الحکم و ابو المالک و ابو القاسم در وقتی که نام محمد
باشد که نام و کنیت هر دو موافق حضرت رسول ص باشد و در حدیث دیگر وارد
شده است که یاسین نام مکنید که مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول ص منقول است
که هر گروهی که جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا احمد یا حامد
یا محمود یا احمد البته خیر است برای ایشان آن مشورت و فرمود که فرزندی که محمد
نام کنید او را گرامی دارید و جا از برای او در مجلس بگشائید و رو ترش بر او مکنید
و فرمود که هر اهل بیتی که در میان ایشان نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر روز ملکی
میفرستد صبح و شام که دعا کند برای ایشان بتقدس و پاکی و در فقه الرضا ع مذکور
است که نام را در روز هفتم تعیین کند و بدانکه از جمله اعمالی که در روز ولادت سنت است
غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند که غسل
بدهد این طفل را از برای رضای خدا و اول سرش را بشوید و بعد از آن جانب راستش را
و بعد از آن جانب چپش را **فصل نهم** در عقیقه کردن و سر تراشیدن و
آداب آن بدانکه عقیقه فرزند سنت مؤکد است بر کسی که قادر بر آن باشد
و بعضی از علما واجب میدانند و بهتر آنست که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند
تا بلوغ طفل بر پدر سنت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر خودش را سنت است و در احادیث
معتبره وارد شده است که عقیقه واجب است بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث

بسیار منقولست که هر فرزندی که در گرو عقیقه است یعنی اگر نکند او در معرض مردن وانواع
بلاها است و از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی
که فقیر باشد بعد از آنکه بهم رسد و اگر بهم نرسد بر او چیزی نیست و اگر عقیقه برای او نکنند
تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از عقیقه مجزیست و در حدیث دیگر منقولست که
آنحضرت را پرسیدند که طلب کردیم گوسفند برای عقیقه بدست نیامد چه میفرمایید اگر تصدق
کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید خدا دوست میدارد خورانیدن طعام و ریختن
خون را و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه برای او میباید
فرمود که پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث
معتبر از عمر بن یزید منقولست که بخدمت آن حضرت عرض کردم که نمیدانم که پدرم از
برای من عقیقه کرده یا نه فرمود که عقیقه بکن پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث
حسن از آن حضرت منقولست که فرزند را در روز هفتم نام میگذارند و عقیقه میکنند
و سرش را میتراشند و موی سرش را با نقره میکشند و آن نقره را تصدق میکنند و پای ران
عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زائیدن میفرستند و باقی را بخورد مردم
میدهند و تصدق میکنند و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری
برای تو متولد شود عقیقه بکن در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام بگذار و سرش را
بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث
دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله بدهند و اگر یهود قابله نباشد

انرا



آنرا بمادر بدهید که بهر که خواهد بدهد و اقلش ده کس از مسلمانان بیدهد
و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نخورند و اگر قابله یهودیه باشد
قیمت ربع گوسفند را بو بدهند و در روایت دیگر وارد شده است که بقابله ثلث
گوسفند را بدهند و مشهور میان علما آنست که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز میباید
باشد و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص در روز ولادت اذان
در گوش حسنین صلوات الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم از برای ایشان عقیقه کردند
برای
و بقابله پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا
در سالش تمام شده باشد و اگر بز باشد یک ساله یا در دوم باشد یا بیشتر و اگر گوسفند
باشد اقلش شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و میباید
که خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که زاییده باشد و مغز استخوانش
شکسته باشد و گوشش بریده باشند و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ
نباشد که آنها در قربانی در کار باشد اما در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول
که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفند که باشد خوبست عوض گوشت است هر چند
فربه تر باشد بهتر باشد و مشهور میان علما آنست که سنت است که عقیقه پسر نر
باشد و عقیقه دختر ماده باشد و بعضی فقها گفته اند که از برای پسر و دختر گوسفند ماده
هم خوبست و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آنست
که از طعامی که در آن پخته باشند نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است

و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان میباشند از آن گوشت و طعام نخورند و بهتر آنست
که استخوانها را نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق
نکنند و اقلش آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام
تصدق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن
فایده ندارد بلکه باید صبر کردن تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن
عقیقه حاضر میشوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که
سنت است اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر
بتراشند و آخر عقیقه را بکشند موی سرها را بطلا یا نقره بکشند و تصدق کردن و در بعضی
دیگر تصدق باید کرد و در سر تراشیدن سنت است همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند
و در روایت دیگر وارد شده که طفلی را نزد حضرت رسول آوردند که برای او دعا کنند
و آن طفل کاکل داشت حضرت دعا برای او نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند
اما در روایتی وارد شده است که رسول برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو
در جانب چپ سر ایشان گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکن است که این مخصوص
ایشان باشد یا اکثر در اوایل تراشیدن اول گذاشته باشند و در روایتی وارد شده است
که سنت است که زعفران بسر او بمالند بعد از تراشیدن و در احادیث بسیار نهی وارد
شده است از مالیدن خون عقیقه بسر طفل که آن از عمل جاهلیت است و در روایت
معتبر روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این

دعا بخواند



دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم عقیقة عن فلان و نام او را بگوید
لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد علیه
و آله السلام و در روایت معتبر دیگر فرمود که این دعا بخواند بسم الله و بالله
و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه
و آله و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل
البیت پس اگر پسر باشد بگوید اللهم انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما
وهبت و منک ما اعطیت و کلما صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک
و رسولک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء
لا شریک لک و الحمد لله رب العالمین اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه و
عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن
فلان و بجای فلان بن فلان نام طفل و پدرش را بگوید و در حدیث موثق دیگر فرمود
که این دعا بخواند یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر
السموات و الارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان صلاتی و نسکی
و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا
من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهم صل
علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان بن فلان و نام فرزند را ببرد پس آن را
بکشد **فصل دهم** در ختنه کردن پسران و دختران و سوراخ کردن گوش ایشان

و آداب دیگر بدانکه در روز هفتم سنت مؤکد است ختنه کردن پسران و اگر در
هفتم نکنند هم سنت است بعد از آن تا پیش از بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خود واجب است
و بعضی گفته‌اند که نزدیک ببلوغ بر ولی طفل واجبست و ختنه کردن دختران
سنت است و مستحب است که اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمهٔ گوش راست
و بالای گوش چپ از برای پسران سنت است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که پاکیزه‌تر میکند بدن طفل را
و گوشت در بدن او زودتر میروید و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه نکرده
باشند و در حدیث صحیح فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز هفتم ختنه کردن
سنت است و از حضرت رسول ص منقولست که زمین نجس میشود از بول کسی که ختنه نکرده چهل روز
و در حدیث دیگر فرمود که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی ع منقولست که پسران را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس
اندازند هم باکی نیست و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که کسی مسلمان شود ختنه او را
بکنند اگرچه هشتاد ساله باشد و در چند حدیث وارد شده است که ختنه
کردن در مردان سنت است و در زنان سنت نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران
گرامی باشند و چه چیز از این بهتر میباشد و در روایت از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست
که ختنه نکنند زنان را مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقولست که چون
زنان هجرت کردند بسوی رسول خدا بهجرت کفته زنی آمد که او را ام حبیب میگفتند و زنان را

سوراخ

ختنه میکرد



ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاری که داشتی بجا میآوری گفت بلی
یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمائی و منع کنی حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا
تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی ببر
که رو را نورانی‌تر و رنگ را صاف‌تر میکرداند و نزد شوهر عزیزتر میگرداند:
ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که چون زنان را
مشاطگی کنی برای جلا دادن پارچه جامه بر روی ایشان مالیدن خوب
نیست آب روی ایشان را می‌برد و موهای دیگران را بموی ایشان پیوند مکن
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در وقت ختنه کردن این دعا
بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن هر وقت که میسر شود
برای طفل بخوانند که از او حرارت آهن را در کشتن و غیر آن دفع میکند
دعا اینست اللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَلِكُتُبِكَ بِمَشِيَّتِكَ وَبِإِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ
لِأَمْرٍ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَأَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ وَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي
خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ بِأَمْرٍ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ
الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعَ عَنْ
جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ
و از حسین بن خالد منقولست که از حضرت امام رضا ع سؤال کرد که تهنیه

و مبارکباد فرزند را در چه وقت باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن ع متولد شد

جبرئیل برای تهنیت بحضرت رسول ص نازل شد در روز هفتم و امر کرد که او را

نام بگذارد و سرش را بتراشد و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و هم

چنین در ولادت حضرت امام حسین ع در روز هفتم جبرئیل ع آمد و باینها امر کرد

و ایشان را دو گوشواره در جانب چپ سر و در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردند

و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صادق ع منقولست که اگر پسر را ختنه

کنند و باز غلاف روید و سر حشفه را پنهان کند می باید که دیگر ختنه کنند او را

زیرا که زمین نالد بسوی خدا از بول کسی که قلفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح و از

صادق ع منقولست که کسی که ختنه نکرده باشد پیش نماز مردم نکند و گواهیش مقبول

نیست و اگر بمیرد بر او نماز نکنند زیرا که بزرگترین سنتها را بغیر عذری ترک کرده مگر آنکه

از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اول زنی را که ختنه

کردند هاجر بود مادر اسمعیل که ساره مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد

و باعث زیادتی خوبی او شد و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند

## فصل یازدهم

در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان

بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سال است و مشهور میان علما آنست که بی عذری

زیاده از دو سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاد کرده شده باشد و منظور باشند

و از بیست و یک ماه کمتر ندهند مگر آنکه ضرورتی باشد که دایه بهم نرسد

یا مادر



یا مادر بی اجرت راضی نباشد و مادر شیر نداشته باشد یا آزاد کرده شده باشد و جمعی

از علما واجب میدانند که مادر فرزند بخوراند از شیر اول که بعد از پستان میآید و گفته

اند که اگر آن شیر را ندهد طفل باقی نمیماند یا قوت نیابد و از حضرت امیرالمؤمنین ع

منقولست که نافعترین و مبارکترین شیرها برای فرزند شیر مادر است و در حدیث

دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع دیدند که مادری یک پستان فرزند خود را

شیر میدهد فرمود که ای مادر از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر

بده که یکی بعوض طعام است و دیگری بعوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یک ماه

شیر میدهند بفرزند ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه که شیر دهد

بفرزند شما و دایه یهود و نصاری میتوانند گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد

که بخانه خود ببرند و منع میباید کرد ایشان را از خوردن شراب و گوشت خوک

و سایر چیزها که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در احادیث

معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی احادیث وارد شده است

که اگر کنیزی زنا کند و فرزند بهم رساند اگر صاحب کنیز حلال کند کنیز خود را و آن

مرد را که زنا کرده است آن شیر بفرزند میتوان داد و در احادیث بسیار وارد شده است

از شیر زنی که خود نیز از زنا بهم رسیده باشد و حضرت رسول ص نهی فرمود از شیر دادن زنی

احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد زیرا که شیر اثر میکند در فرزند و حضرت امیرالمؤمنین ع

فرمود که دایه نیکو باید که بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرایت میکند

میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت و از حضرت صادق ع منقولست که فرزند
خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت
او اگر نیک شد دیگر سعی مکن و اگر نه امید خیر از و نیست و در حدیث دیگر فرمود که تا هفت
سال او را بگذار که بازی کند و هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال
دیگر حلال و حرام خدا را باو بیاموز و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که طفل را
هفت سال نگه دارند و تربیت بدنش باید کرد و هفت سال آداب باو می باید آموخت
و هفت سال دیگر خدمتش می باید فرمود و تا بیست و سه سال قدش بلند میشود
و تا سی و پنج سال عقلش زیاده میشود دیگر بعد از آن او را تجربها حاصل میشود
و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که نگذارند
ایشان را در یک لحاف بخوابند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران و دختران
که ده ساله شوند باید که رختخواب ایشان را جدا کنند و حضرت صادق ع فرمود که
خود را در احادیث بیاد ایشان بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند
و در احادیث معتبره وارد شده است که تادیب کنید فرزندان خود را بمحبت علی بن ابی
طالب ع اگر قبول نکنند نظر کنند در امر مادر ایشان یعنی از علامات فرزند
زنا است که قبول محبت امیر المؤمنین ع نکند و حضرت صادق ع فرمود که هر که محبت
ما اهل بیت را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا کند که با پدرش خیانت
نکرده است و از حضرت رسول ص منقولست که حق فرزند بر پدر آنست که او را نام

نیک



نیکو بخواند و نیکو تادیب کند و بکسب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقولست که سکونی
بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمد و گفت من غمگینم فرمود که بسبب چه غمگینی گفت
خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را برمیدارد و روزیش بر خدا است
و در غیر زندگی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا نمی خورد پس فرمود که او را چه نام کردی گفت فاطمه
فرمود که آه آه آه و دست بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول ص که حق فرزند بر پدر
اگر پسر باشد آنست که مادرش را گرامی دارد و نام نیکو برای او بگذارد و نامش را نیکو تعیین کند و قرآن باو بیاموزاند
و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد او را و اگر دختر باشد مادرش را گرامی دارد و نام او
نامش را نیکو کند و سوره نور را بیاد او دهد و سوره یوسف را باو نیاموزاند و در بالا
خانها او را جا ندهد و زود او را بخانه شوهر فرستد پس فرمود که چون فرزند خود را
ما را نام کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که بفرزندان خود بیاموزانید شنا کردن و تیر انداختن را
و حضرت امام موسی ع فرمود که شوخی و بیخلقی طفل در کودکی علامت آنست که در
بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول ص مرویست که پدر و مادر را
نیز گناه هست عقوق فرزند چنانچه فرزندان عاق پدر
و مادر میشوند و فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را
در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که خدا رحم
کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او و او را عفو کند که مکوید اعانت

موزاند

کند فرمود که کار آسانی را از او بعمل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار باشد نکند از او در (گذرد)
و تکلیفهای دشوار باو نکند و بفاحش و تندی باو نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع عرض کرد که با کی نیکی بکنم فرمود که با پدر و مادرت گفت
ایشان مرده اند فرمود که با فرزندان خود نیکی بکن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص فرمود
که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر وعده کنید بایشان وفا کنید بآن
زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی میدهید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب
نمیکند بر چیزی مثل آنکه غضب از برای زنان و اطفال میکند و در حدیث صحیح
از حضرت رسول ص منقولست که هرکه فرزند خود را ببوسد خدا حسنه از برای او بنویسد
و هرکه فرزند خود را شاد کند خدا او را شاد کند در قیامت و هرکه قرآن بیاموزاند
بفرزند خود در قیامت پدر و مادرش بطلبند و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن
دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول (ص)
آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او گذشت حضرت فرمود که این مرد از
من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هرکه طفلی داشته باشد باید که با او طفلانه
بازی کند و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسیار دوست
دارد فرزند خود را و در حدیث دیگر مرویست که حضرت رسول ص دیدند شخصی را که دو پسر
داشت و یک پسر را بوسید و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم برابری نکردی
و بدانکه بهتر آنست که در دنیا فرزندان زیاد طلب نمایند مگر آنکه یکی عالم و صالح

باشد



باشد و باعث سبب او را زیاده می دهند و در حدیث دیگر معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که چون پسر سه ساله شود باو میگویند که هفت مرتبه بگوید لا اله الا الله و چون سه سال
و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو میگویند که هفت مرتبه بگوید محمد رسول (الله)
و چون چهار سالش تمام شود باو میگویند که هفت نوبت بگوید صلی الله علی محمد و
آله پس چون پنج سالش تمام شود او را میدارند که خدا را سجده کند پس چون شش سالش
تمام شود نماز بیاد میدهند و بنماز میدارند و چون هفت سالش تمام شد
وضو را باو یاد میدهند و امر بنماز میکنند او را و چون نه سالش تمام شد وضو
و نماز را خوب بیاد میدهند و برای ترک نماز و وضو میزنندش پس چون وضو و نماز را
یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین (ع السلام)
فرمود از آنکه چوبه آهنی باطفال بپوشانند باید دست ایشان بر هند و در حدیث
معتبر دیگر فرمود که چربی و گوشت دست اطفال را در شب پیش از خواب بشویند
که شیطان می آید و ایشان را بو میکند و در خواب میترسند و ملائکه نویسنده کارهای
ایشان متاذی میشوند و از حضرت رسول ص منقولست که هرکه ببازار رود و تحفه بخرد و (دارد)
برای عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدق برای جمعی از فقرا برداشته و باید ابتدا
بدختران نماید و باید که اول بدختران بدهد پیش از پسران بدرستی که هرکه دختر را
خوشحال کند چنانست که بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده است که کسی که
دیده پسر را روشن کند و او را شاد کرده (باشد) چنانست که از ترس خدا گریسته

وهرکه از ترس خدا بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است
که با طفل خود بخو را بگذارید [illegible] وقت که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان
ایشان را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید با اطفال که زودتر بجوانی
جوانی در وقت میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است
که اگر طفلی گریه بسیار کند یا در خواب بترسد یا کسی از درد بیداری بستوه شود
این آیه را بخوانند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ
لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث معتبره وارد شده است
که دختر چون شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در بغل ننشاند و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت امام رضا ع در مجلسی بودند دختری را بمجلس آوردند و مردم
می بوسیدند و در دامن می نشانیدند چون بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند
که پنج سال حضرت او را دور کرد و نبوسید و بدامن ننشانید و در حدیث دیگر وارد
شده است دختر که شش ساله تمام شود مرد او را برهنه در پهلوی خود نخواباند که از جمله
زناست و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش ساله شد پسران او را نبوسند
و پسر که از هفت سالگی بگذرد زنان را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است
که ملعون است کسی که عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشان را ندهد یعنی با قدرت
و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا نعمت
باو کرامت کند باید اسیران خود توسعه کند اگر نکند زود است آن نعمت از او زایل

شود

ایشان را



شود و حضرت صادق ع فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله بکند
حاجب او باشند از آتش جهنم و حضرت رسول ص فرمود که در بهشت درجه هست
که بآن درجه نمیرسد مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان بخویشان خود کند و صاحب عیالی
که بر خرج عیال و آزار ایشان بکشد صبر کند و از حضرت صادق ع منقول است که پنج کس اند
که نفقه ایشان دادن واجب است فرزند و پدر و مادر و زن و بنده و فرزند شامل فرزند
هم هست هر چند پایین روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدری و مادری هست
هر چند بالا روند فصل دوازدهم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت
حرمت ایشان بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشان را
از خود راضی داشتن از جمله اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را
از خود آزرده داشتن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده
که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شوی در این باب اطاعت ایشان
مکن اما در دنیا با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقول است که شخصی
بخدمت حضرت رسول آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا
شرک نیاوری هر چند ترا بآتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگویی و دلت بر ایمان ثابت
باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان نیکی کنی خواه زنده
باشند و خواه مرده باشند هر چند ترا گویند که از زن و مال بگذری بکن که این از جمله
ایمان است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست

ندان

فصل دوازدهم

فرمود که آنکه نام او را نگوید و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند
و کاری نکند که مردم به پدرش دشنام دهند و حضرت صادق ع گفت چه مانع است احدی از شما را
که احسان کند به پدر و مادر خود خواه زنده باشند و خواه مرده با آنکه بعد از مردن نماز برای
ایشان بکند و حج به نیابت ایشان بکند و روزه از برای ایشان بدارد و آنچه میکند هم ثواب آن
بایشان عاید شود و هم بخودش و بسبب آن نیکی که با ایشان کرده است خدا ثواب بسیار باو میدهد
و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول آمد و گفت یا رسول الله با کی نیکی کنم فرمود
که با مادرت تا سه مرتبه پرسید چنین فرمود و در مرتبه چهارم فرمود که با پدرت و در حدیث
دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد
و حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا که اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی بود و روزی
در بهشت خواهی یافت و اگر بمیری مزدت با خداست و اگر زنده برگردی از گناهان بدر آیی
مانند روزی که از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر پیری دارم که با من انس
دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود که با پدر و مادر خود باش بحق
آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست که انس ایشان یکشبانه روز با تو داشته
باشند بهتر است از یکسال جهاد کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که کسی جزای
حق پدر را نمیتواند ادا کرد مگر در دو چیز یکی آنکه پدر بنده غلام باشد او را بخرد و آزاد کند
دیگر آنکه بر او قرضی باشد ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه هست که کسی نیکوکار است با پدر
و مادر در زندگی ایشان و بعد از مرگ ایشان قرض ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش

ازبرای



از برای ایشان نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر می نویسد و گاه هست که کسی عاق ایشان
است در زندگی ایشان پس چون میمیرند قرض ایشان را ادا میکند و استغفار از برای
ایشان میکند پس خدا او را نیکوکار مینویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا
هیچ وجه در آن رخصتی نداده است اول پس دادن امانت از هر کس باشد خواه نیکوکار
و خواه بدکار دوم وفا بعهد و پیمان کردن خواه با نیکوکار و خواه با بدکار
سیم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار باشند و خواه بدکردار و در حدیث دیگر
فرمود ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بروی ایشان بگوید فرمود که چون روز
قیامت شود پرده از پرده های بهشت بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آن را از پانصد
ساله راه بشنود مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از روی
خشم و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی که با او ظلم کنند ایشان خدا هیچ نماز
او را قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند نظر کند
بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام محمد باقر ع فرمودند
که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست پدر کرده است پدرم
دیگر با آن پسر سخن نگفت تا زنده بود و حضرت صادق ع فرمود که با پدران خود نیکی
کنید تا فرزندان شما نیز با شما نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان
شما از دیگران عفت کنند و فرمود که هر که خواهد که خدا سکرات موت را براو
آسان کند باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و مادر خود نیکی کند که

سخن

اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی بر او آسان کند و هرگز در زندگی باو پریشانی
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چهار خصلتست که از مؤمنان
در او از خصلتها جمع شود حق تعالی در اعلی مراتب بهشت در بلندترین غرفهای عزت و شرف
او را جا دهد کسی که یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او گردد و پدر از برای او
بجای پدر باشد و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید که کارهای او را متکفل
شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را بکند و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند
و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسی که بنده خود را یاری کند و سفاهت و تندی با او نکند
و اعانت کند او را بر خدماتی که باو میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد باو نفرماید
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که سه دعاست که البته مستجابست دعای پدر و مادر
برای فرزند نیکوکار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر
ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام او از آن ظالم بکشد و دعای مؤمنی که برای برادر مؤمن
دعا کند که او را از برای رعایت ما اهل بیت شریک در مال خود ساخته باشد و نفرین
مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش باو محتاج شده باشد و قدرت داشته باشد که او را اعانت
کند و نکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت
و مهربانی بسوی پدر و مادر نظر کند بهر نگاه کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود
گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در
حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بسوی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی امام عادل عبادتست

و نظر کردن



و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم عبادتست و نظر کردن بسوی
برادر مؤمنی که او را از برای خدا دوست میدارد و فرمود که سه گناهست که عقوبتش
زودتر در دنیا باینکس میرسد عقوق پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم و کفران
نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که آن را جریح مینامیدند و در صومعه خود
پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش بنزد او آمد و او مشغول نماز بود او را
آواز داد و او جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلب کرد باز مشغول نماز بود
و جوابش نداد پس بار سیم آمد او را طلب کرد باز با و سخن نگفت و مشغول نماز بود
مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم که ترا بهمین گناه بگیرد و روز دیگر زنی
زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد نزد صومعه او نشست و فرزند زائید
و گفت این فرزند از جریح است با من زنا کرد و این فرزند از او بهم رسید و در میان
بنی اسرائیل شهرت کرد که آن کسی که مردم را از زنا ملامت میکرد خود زنا کرده
و پادشاه فرمود که او را بدار کشند پس مادرش آمد و بر روی خود میزد جریح گفت
خاموش باش که این بلا بنفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند
از سبب آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چون
بدانیم که تو راست میگوئی گفت آن طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد
از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل باعجاز الهی بسخن آمد و گفت فرزند فلان

که شبها گوسفندان فلان را میکشند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده
باشد خدمت مادر بکند و از او جدا نشود و احادیث در حق پدر و مادر زیاده
از آنست که استقصا توان نمود **باب ششم** در بیان آداب مسواک کردن و شانه
کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن **فصل اول** در بیان فضیلت
مسواک کردن در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مسواک کردن از
سنت پیغمبرانست و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر میکرد بمسواک تا
آنکه ترسیدم که دندانهایم سائیده شود یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل
آنقدر مرا امر بمسواک کرد که گمان کردم که بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت است از سنت پیغمبرانست و پاک کننده
دهن است و جلا دهنده چشم است و موجب خشنودی پروردگار است و بلغم را دفع
میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف میکند
و بوی بد را ازاله میکند و پوسیدگی دندان را میبرد و بن دندان را محکم میکند و اشتهای
طعام را زیاد میکند و ملائکه از آن خشنود میشوند و در حدیث دیگر منقولست
که آب دهن و چشم را برطرف میکند و نور چشم را زیاد میکند و حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود
که چرا می‌بینم دندانهای شما را زرد چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و
در احادیث معتبره از امام موسی و امام رضا علیهما السلام منقولست که سنتهای حنیفیه حضرت ابراهیم

ده است



ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن و شارب گرفتن
و موی سر را دو حصه کردن که جا بسر گشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهن
کردن و گردانیدن و بیرون ریختن و استنشاق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن
و اما آن پنج که در بدن است پس ختنه کردن و پشت عانه را تراشیدن و موی زیر
بغلها را کندن و ناخن گرفتن و استنجا کردن و در روایت دیگر منقولست که
آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن و موی سر را تراشیدن
و مسواک کردن و خلال کردن و آن پنج که در بدن است موهای بدن را ازاله کردن و
ختنه کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا بآب کردن و از حضرت
رسول صلی الله علیه وآله منقولست که اگر نه آن بود که بر امت من دشوار میشود هر آینه واجب میکردم
برایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نماز شب
بعد از مسواک بکن که ملک می‌آید و دهن خود را بر دهن تو میگذارد و هر حرف
قرآن و دعا و ذکر میخوانی با آسمان میبرد پس باید که دهن تو خوشبو باشد و علی بن
جعفر از برادر خود حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا میتواند کسی که نماز شب برخیزد
با انگشت مسواک کند و او تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد
که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
در سال آخر عمر ترک مسواک کردند بسبب آنکه دندانهای آنحضرت سست
ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاد

میکند و دردهای بدن را بیرون کند و خوابیدن و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است که سنت پیغمبرانست خوشبو کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک
کردن و خضاب بحنا کردن و از حضرت امام محمد باقر م منقولست که خانه کعبه بخدا شکایت
کرد از نفسهای بدبوی کافران خوشتم باد وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر بعوض ایشان
جماعتی را بسوی تو خواهم فرستاد که دهنهای خود را بچوب درختان پاک کنند پس چون حضرت
رسول م مبعوث شد جبرئیل م سواک و خلال از برای آنحضرت آورد و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام جعفر صادق م سوال کرد از مسواک کردن بعد از
وضو حضرت فرمود که سواک را پیش از وضو میباید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو
بسازد بعد از وضو سواک کند و سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیرالمؤ
منین م منقولست که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز بایستد ملکی آید و دهن
خود را بدهن او میگذارد و آنچه میگوید بجا ملائکه میبرد و اگر مسواک نکند
بکنار می ایستد و قرآنش را میشنود و از حضرت رسول م منقولست که دو رکعت نماز
که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق م
منقولست که هرکه مسواک کند باید که بعد از آن مضمضه بکند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول م مسواک را بعرض دندانها میمالیدند و حضرت امام موسی م فرمود که مسواک
کردن در بیت الخلا مورث گند دهن است و منقولست از حضرت امام محمد باقر م
که مسواک کردن در حمام دندانها را میریزد و فرمود که مسواک را ترک مکن در هر سه

روز



روز اگرچه یک مرتبه باشد ✱ فصل دویم ✱ در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی م
منقولست که سه چیز است که هرکه لذتشان را یافت ترک نمیکند مو را از بیخ گرفتن
و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق م فرمود که موی سر را از بیخ گرفتن تا
چرک بگیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردن کلفت شود و دیده ات جلا یابد
و بدنت راحت یابد و حضرت صادق م فرمود که من هر جمعه سر میتراشم و در حدیث
دیگر فرمود که موی سر را تراشیدن غم را زایل میکند و در حدیث صحیح از حضرت
امام موسی م منقولست که چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نور آنرا کم
میکند و موی را ازاله کردن دیده را جلا میدهد و در فقه الرضا ✱ مذکور است که چون
خواهی که موی سر را بتراشی ابتدا بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی تا دو
استخوان که از پهلوهای گوش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بسم
الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله وسنته
حنیفا مسلما وما انا من المشرکین اللهم اعطنی بکل شعرة نورا ساطعا
یوم القیمة پس چون فارغ شوی بگو اللهم زینی بالتقی وجنبنی الردی و
جنبنی الشرور وبشرنی بالنعماء وجنبنی ما اکره فانی لا املک لنفسی نفعا
ولا ضرا و در روایت دیگر منقولست که در وقت شروع این دعا بخواند بسم
الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم اعطنی
بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ شود بگوید اللهم زینی بالتقوی

وحلیتی التقوی فصل سوم در آداب موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را
بی ضرورت و عذری موی سر تراشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه
موی سر را بتراشند و این بهتر است یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند یا آنکه بشویند
و شانه کنند و موی سر را دو حصه کنند که در میان سر راه موی ظاهر شود و چون در اول
اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب و پیغمبر دائم [illegible] بکاری بکنند که
در نظر ایشان قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی سر را بقدر چهار انگشت میگذاشتند و در حج و عمره
میتراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که موی سر را بلند بگذارد
نیکو رعایت و تربیتش بکند یا آنکه از ته بتراشد و بلند نگذارد و در حدیث حسن از زراره
منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت رسول صلی الله علیه و آله موی سر را دو حصه میکردند و میان
میشکافتند فرمود که آنحضرت موها را چندان بلند نمیگذاشتند که احتیاج باین بشود یا آنکه
آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمه گوش میرسید و پیغمبران موی سر نمیگذاشتند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی سر را بلند بگذارد و میان نشکافد باید که خدا
در قیامت باره اره آتش بشکافد و در حدیثی وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی
فرموده از آنکه زنی که بحد بلوغ رسیده باشد و مثل مردان جمع موهای سر را در پیش سر
در میان سر یا در اطراف سر گره بزنند و بیاویزند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرموده از کاکل گذاشتن و موها را در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن
و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی سر را در پیش سر گره





میزدند و نقش خضاب میکردند و محتملست که مراد از نقش خضاب آن باشد که متعارفست
در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر آن در آن میریزند
که رنگش بماند و احتمال دارد که نقشها بحنا هم باشد و در حدیث دیگر منقولست
که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالای پیشانی خود را میتراشد و یا میکند
و موها دور میکند برای زینت یا آنکه گیس خود را بگیس دیگر می بافد فرمود که
باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر پشم یا موی حیوانات یا موی های زنان خود
بیافند باکی نیست اما موی زن دیگر نبافند و موی زن دیگر را با موی خود پیوند
نکنند و بدانکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز
بیاید باز وا کند باشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه پشم و مو باشد که قبل
از این مذکور شد که نماز در آن میتوان کرد فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن بدانکه
شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را ته گرفتن سنت موکد است و هر چند بیشتر بگیرند
بهتر است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شارب خود را دراز مکنید که شیطان در آن
جا میکند و پنهان میشود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شارب گرفتن دفع غم و وسواس
میکند و از سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و حضرت رسول فرمود که سنت است که گرفتن موی شارب
تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق علیه السلام شارب را آنقدر میگرفتند که بن مو میرسید
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که ناخن گرفتن و شارب گرفتن از جمعه
تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است که شخصی

بخدمت آنحضرت عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی شود حضرت فرمود که شارب و ناخن
را بگیر و باید که در روز جمعه باشد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که ناخن و شارب را
در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بعدد هر ریزه که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان
اسمعیل باو عطا فرماید و بیمار نشود مگر بیماری که مرگ او باشد و از آنحضرت و رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در
روز پنجشنبه و جمعه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و درد چشم
در حدیث دیگر فرمود که شارب را از ته بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان
خود را شبیه مکنید و فرمود که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد

**فصل پنجم**

در آداب ریش بلند کردن بدانکه سنت است ریش را بنا گذاشتن نه بسیار بلند و نه
بسیار کوتاه و زیاده از قبضه گذاشتن مکروهست و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور
میان علما آنست که تراشیدن ریش حرامست اما در دو طرف لب پائین را تراشیدن
جایز است و اولی آنست که اصلاح بسیار کنند که شبیه بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که آنچه از ریش زیاده از یک قبضه است در آتش است و در حدیث
دیگر منقولست که دست بریش بگیر و آنچه زیاده از قبضه باشد ببر و از محمد بن مسلم منقولست
که گفت دیدم که شخصی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش را
مدور کن و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شخصی گذشتند که ریش دراز
داشت فرمودند که چه میشد اگر این مرد ریش خود را اصلاح میکرد چون این خبر باو

رسید



رسید ریش را میانه ساخت و بخدمت آن حضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوهای رو را تنگ میکردند موی ریش را و زیر
ذقن را هم میچیدند و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت ریش را تنگ میکردند و انبوه
نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام پرسید که از دور ریش میتوان گرفت
حضرت فرمود که از عارض یعنی پهلوهای رو بلی و از پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را میتراشیدند و
شارب را میگذاشتند خداوند ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون
حق تعالی توبه حضرت آدم را قبول کرد سر بسجده گذاشت و چون سر بسوی آسمان بلند
کرد و گفت پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان پس بعد از آن ریش بسیار سیاه
بر رویش روئیده و بهترین زینتها گشت گفت پروردگارا این چیست ای آدم
رسید که این زینت تو و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت

**فصل ششم**

در بیان فضیلت موی سفید و حکم کردن آن از آنحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سفید در سر و ریش بهم نمیرسید پس گاهی بود
که کسی بمجلسی می آمد و پدر و فرزند در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزند
فرق نمیکرد میپرسید که کدام یک پدر شما است پس چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام
شد دعا کرد که خداوندا از برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم
پس موی سر و ریش سفید شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که اول کسی که موی سفید

در مجالس او بهم رسید حضرت ابراهیم بود نقل کرده مو سفید در ریش خود دید گفت پروردگارا
این چه چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگارا وقار
مرا زیاده گردان و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که چون حضرت ابراهیم ع مو
در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را سزاست که مرا باین سن رسانید و
یک چشم زدن معصیت او نکرده ام و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که مو سفید را
مکنید که آن نور است و هر که یک مو سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نور
باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که سه کس اند که خدا
وند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان نمیکند
و اعمال ایشان را نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیاست یکی که مو سفید خود را
بکند و کسی که بدست خود بازی کند که او را منی بیاید یا با جای دیگر بدن خود
که بدیگران تا با او لواط کنند و در روایت است که این حدیث محمول بر آنست که برای غرض
فاسد مو سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقول است که باکی نیست
مو سفید را چیدن و کندن اما بریدنش را دوست تر میدارم از کندن و در حدیث
دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع تجویز بریدن مو سفید مینمود اما کندنش را
مکروه میدانست و از حضرت امام رضا ع منقول است که حضرت رسول ص فرمود که مو
سفید در ریش سر مسلمان نشسته هم مبارک است و در عارضها علامت سخاوت و جوان

مردیست



مردیست و در جای زلف علامت شجاعت و در پیش سر شوم است و در قفا
مراد ابتدا سفید شدن است فصل هفتم در کندن موی بینی و باز کردن بارینی
و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که باید که هر کسی موی شارب و موی بینی را
بگیرد و باحوال بدن خود بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال او است و از
حضرت صادق ع منقول است که موی بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام موسی ع
منقول است که چهار چیز است که از سنتهای پیغمبران است بوی خوش کردن و موی بدن را
ستره کردن و ناخن را بدندان گرفتن و در نوره خاییدن و از حضرت صادق ع منقول
است که بسیار دست بر ریش مکشید که رو را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم در فضیلت ناخن
گرفتن از حضرت رسول ص منقول است که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند
و روزی را فراخ میگرداند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که برای این امر کرده اند بناخن
گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا میکند و موجب فراموشی است و حضرت صادق ع
فرمود که سنت موکده است ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص
مردان را امر فرمود که ناخن را ته بگیرید و زنان را امر فرمود که اندکی بلندتر بگذارند
که زینت شما است و در روایت دیگر وارد شده است که چند گاه وحی بحضرت رسول ص
نازل نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه از من وحی باز نایستد و حال آنکه
شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان را زایل نمیکنید فصل نهم در آداب و
اوقات ناخن گرفتن منقول است که حضرت رسول ص فرمود اول که ناخن

بدندان و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق منقولست که ناخن گرفتن در روز
جمعه ایمنی میگرداند از خوره و پیسی و کوری و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشد باید
از آن ریزه ها ببرند و در چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه
بگیر و اگر بنا شد از سوهان و غیر آن حک کن تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در
حدیث دیگر فرمود که هرکه در هر جمعه ناخن و شارب بگیرد پیوسته با طهارت
باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی
شستن در هر جمعه فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث
دیگر منقولست که با آن حضرت گفتند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از
نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای زیادتی روزی از سفر کردن بشهرها حضرت
فرمود که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این هم نافع تر باشد گفتم بلی فرمود که ناخن
و شارب در هر جمعه بگیر اگر چه باید فی باشد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امام رضا شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمودند که میخواهی بتو چیزی
بیاموزم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی گفت بلی فرمود که در هر پنجشنبه ناخن
بگیر آن شخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت امام محمد باقر نیز منقولست
که هرکه بر این مداومت کند آزار چشم نبیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است
که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکند و پیشتر بگیرد و بانگشت
کوچک دست راست ختم کند و در حدیث دیگر وارد شده است که هرکه در روز چهارشنبه

ناخن بگیرد



ناخن بگیرد ابتدا کند بانگشت کوچک دست راست ختم کند بانگشت کوچک دست چپ او را امان
میدهد از درد چشم و در روایت دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه ابتدا
کند ناخن انگشت کوچک دست راست و تا انگشت مهین بگیرد پس ابتدا کند بانگشت کوچک
دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد امان یابد از درد چشم و در بعضی است که اگر در روز
چهارشنبه گیرد ابتدا بانگشت دست چپ کند بهتر باشد و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا
در هر دو دست بانگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سایر روزها گیرد
ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بانگشت کوچک دست راست بکند و اگر در همه وقت
ابتدا بانگشت کوچک دست چپ بکند خوبست چنانچه علی بن بابویه گفته است و در حدیث
دیگر منقولست که هرکه ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه
بگذارد حق تعالی پریشانی را از او زایل گرداند و از حضرت امام رضا منقولست که
در روز سه شنبه ناخن بگیرید و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که هرکه
ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حق تعالی درد را از سر انگشتان او بیرون کند
و دوا را داخل کند و کسی که در روز سه شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب بگیرد
از درد دندان و از درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین نیز منقولست
که ناخن را در روز جمعه گرفتن درد را برطرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن
روزی را فراخ میکند و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام موسی عرض
کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه می باید گرفت فرمود که اگر

خواهی در روز جمعه بگیرد و اگر خواهی در روزهای دیگر بگیرد اگر در روز دیگر دراز باشند
و احتیاج بگرفتن داشته باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه چنانچه در حدیث وارد
شده است که هرگاه بلند شود بگیرد و از حضرت ص منقولست که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد
ریشه کردن پی ناخنها از او برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که
پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندانش درد چشم نکشند و اگر کسی خواهد ثواب پنجشنبه و جمعه
هر دو را یابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را از برای جمعه بگذارد یا همه را در پنجشنبه بگیرد
و در جمعه سوهانی بر آن بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن بگوید بسم الله
و بالله و علی سنة محمد و آل محمد چنانچه حدیث در باب شارب گرفتن گذشت
و آنچه مشهور است که ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از آن
انگشت کوچک و بعد از آن انگشت میانه و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت
و بعد از آن انگشت کوچک را بگیرد پس انگشت میانه پس انگشت کوچک پس
شهادت در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه پیشتر ذکر کردیم از اخبار شیعه
است و عمل به آن کردن اولی است **فصل دهم** در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزها
که دفن باید کرد و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست تفسیر این آیه کریمه الم نجعل
الارض کفاتا احیاء و امواتا یعنی آیا نگردانیدیم زمین را محل انضمام و اجتماع
و پنهان شدن در حالتی که زنده‌اند و در حالتی که مرده‌اند حضرت فرمود که مراد از حال
زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست

که رسول خدا



که رسول خدا ص امر کرد ما را که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم مو و دندان و ناخن و خون
و از حضرت رسول ص منقولست که هفت چیز است که از آدمی جدا میشود و آنها را دفن می باید کرد مو و ناخن
و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده **فصل یازدهم** در فضیلت شانه
کردن موی سر و موی ریش در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که جامه پاکیزه
پوشیدن دشمن را سرکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی را زایل میکند و سر را
شانه کردن تب را میبرد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند و از حضرت رسول ص منقولست
که سر را بسیار شانه کردن تب را دور میکند و روزی را می آورد و قوت جماع را زیاد میکند
و از حضرت صادق ع منقولست که شانه کردن فقر را برطرف میکند و درد را میبرد و در حدیث
دیگر فرمود که روزی را زیاد میکند و مو را نیکو میکند و حاجت را روا میکند و منی را
محکم میکند و در روایت دیگر موجب رغبت زنان میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه
کردن عارض دندانها را محکم میکند و شانه کردن پایین ریش طاعون را از آدمی دور میکند
و شانه کردن زلف وسواس سینه را میبرد و شانه کردن سر بلغم را قطع میکند
**فصل دوازدهم** در آداب و اوقات شانه کردن و انواع شانه‌ها در حدیث معتبر منقولست
که در میان جامه‌ها از حضرت امام جعفر صادق ع شانه بود که هرگاه از نماز فارغ میشدند
شانه میکردند و در حدیث حسن از حضرت امام موسی ع منقولست در تفسیر این آیه کریمه
خذوا زینتکم عند کل مسجد یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجد حضرت فرمود که از جمله
زینت است شانه کردن پیش از هر نماز واجب و سنت و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه

و بلغم را قطع میکند

سر و ریش را شانه کنی شانه را بر سینه خود بکشی که اندوه و وبا را میبرد و از حضرت صادق ع

منقولست که هر که ریش خود را هفتاد نوبت شانه کند و بشمارد یکی یکی شیطان تا چهل روز نزدیک

او نیاید و در حدیث دیگر فرمود که در حمام شانه مکن که مو را تنک میکند و در حدیث دیگر

که کسی اراده شانه کردن داشته باشد شانه را بدست راست بگیرد در حالتی که نشسته

باشد و بر سر گذارد و از پیش سر شانه کند و بگوید اللّهمّ حسّن شعری وبشری

وطیّبهما واصرف عنّی الوباء پس از عقب سر شانه کند و بگوید اللّهمّ لا تردّنی

علی عقبی واصرف عنّی کید الشیطان ولا تمکّنه من قیادی فیردّنی علی عقبی

پس ابروها را شانه کند و بگوید اللّهمّ زیّنّی بزینة الهدی پس ریش را از طرف بالا

بزیر شانه کند و شانه را بر سینه بمالد و بگوید اللّهمّ سرّح عنّی الهموم والغموم

ووحشة الصدر ووسوسة الشیطان پس از پایین ریش بطرف بالا شانه کند

و سوره انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که چون خواهد ریش را

شانه کند از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه کند و سوره انا انزلناه بخواند

و از طرف بالا بجانب پایین هفت مرتبه شانه کند و سوره والعادیات بخواند پس بگوید

اللّهمّ سرّح تا آخر دعا و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که شانه را هفت

مرتبه بر سر و ریش و سینه بکشد درد نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی ع

منقولست که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل میشود و نشسته شانه کن که دل را

قوت میکند و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص

شانه میکردند



شانه میکردند یعنی شانه را در آب فرو میبردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است

که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این دعا بخوانند اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد

والبسنی جمالا فی خلقک وزینة فی عبادک وحسّن شعری وبشری ولا تبتلنی

بالنفاق وارزقنی المهابة بین بریّتک والرحمة من عبادک یا ارحم الراحمین

و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض شود و از حضرت

امیر المؤمنین ع منقولست که ایستاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث

دیگر منقولست که حضرت رسول ص ریش را از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه

شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند و از قاسم بن

ولید منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از روغن دان و شانه که از استخوان

فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم منقولست که بخدمت حضرت موسی ع رفت

دید که حضرت شانه از استخوان فیل در دست دارند و با آن شانه میکنند گفتم فدات

شوم جماعتی در عراق هستند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نمیدانند فرمود

که چرا پدرم یکی دو شانه از اینها داشت پس فرمود که شانه کنید با استخوان فیل

که وبا را میبرد و در احادیث بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام بشانه استخوان فیل

شانه میکردند و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که بشانه نقره و نقره

شانه کردن مکروهست **باب ششم** در آداب بوی خوش کردن و گل بوییدن و روغن

مالیدن **فصل اول** در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین در حدیث معتبر

از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون آدم و حوا از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم
بر کوه صفا فرود آمد و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا
گیسوی خود را شانه کرده و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از
شانه‌ای که در بهشت کرده‌ام و حال آنکه الحال در زمین و در خشم الهی است پس گیسوهای خود را گشود
پس آن بوی خوشی که از گیسوی او فرو ریخت باد بمشرق و مغرب برد و آنچه بزمین ریخت بهند
ریخت پس بسبب آن بوهای خوش در هند می‌روید و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست
که چون حضرت آدم از آن درخت که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامه‌ها
و زیورهای بهشت همه از او فرو ریخت پس برگی از برگهای بهشت گرفت و عورت
خود را بآن پوشانید چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را بهند رسانید تا
درختان و گیاههای هند را خوشبو گردانید و باین سبب گیاههای خوشبو در هند بهم رسید
و اول جانوری که از آن برگ بهشتی یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود پس از آن
برکت بخون او بوی خوش در گوشت و خونش جاری شد تا آنکه جمع شد در ناف او پس از
آن مشک بهم رسید **فصل دوم** در فضیلت بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره
وارد شده است که عطر و بوی خوش کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبرانست و از حضرت
صادق منقولست که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می‌افزاید و در حدیث صحیح
از حضرت امام رضا منقولست که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی خوش را در
هر روز و اگر قادر نباشد یک روز نه یک روز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را

البته ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق
پیغمبرانست و گرامی داشتن ملائکه است که اعمال آدمی را مینویسند بسبب آنکه ایشان را
خوش می‌آید و از حضرت صادق مرویست که هر که در اول روز بوی خوش بر خود بمالد تا شب
عقلش با او باشد و فرمود که نمازی که خوشبو کرده باشد بهتر است از هفتاد نماز بی بوی خوش
و فرمود که از چیزهائی که خدا به پیغمبران داده است بوی خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر
فرمود که لازم است بر هر بالغی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بزند
و حضرت رسول چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آن حضرت نبود روپاک بعضی از
زنان را میطلبید که بوی خوش داشت و تر میکرد و بر روی مبارک میمالید و در حدیث منقولست
که حضرت امام جعفر صادق بر هر موضعی که سجده میفرمود بعد از آن میشناختند آن موضع را
از بوی خوش آن حضرت و حضرت رسول میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یک روز در میان
خود را خوشبو کن و در روز جمعه البته ناچار است و ترک مکن و میفرمود که در روز جمعه
البته خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد و در وقتی عثمان بن مظعون بخدمت
آن حضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش و چیزی چند از لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک
بوی خوش مکنید که ملائکه بوی خوش مؤمنان را می‌بویند و در هر جمعه البته ترک مکن و فرمود
که هرچه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص در
بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمود که بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر
و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد و از حضرت

امام موسی ع منقول است که ناخن بگیرید در روز سه شنبه به حمام بروید در روز چهارشنبه و حجامت
بکنید در روز پنجشنبه و به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز جمعه و از حضرت
امام رضا ع منقول است که چهار چیز است که دل را گشاده میکند و غم را زایل میکند بوی خوش
کردن و عسل خوردن و سواری کردن و به سبزه نظر کردن و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود
که باید زنان مسلمان بوی خوش برای شوهر خود خود را خوشبو کنند و از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که در حضرت پیغمبر ص سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه آن حضرت را سایه
نبود دوم آنکه به هیچ راهی نمیگذشت مگر آنکه دو روز یا سه روز که از آن راه میگذشتند
میدانستند که آن حضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوشی که در آن راه مانده بود
سیم آنکه به هیچ سنگ و درختی که میگذشتند آن حضرت را سجده میکردند و از حضرت رسول ص
منقول است که زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون رود پیوسته لعنت الهی بر او باشد
تا بخانه برگردد **فصل سیم** در کراهیت رد کردن بوی خوش از حضرت صادق ع پرسیدند
که آیا کسی میتواند بوی خوشی را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار
نیست که او را رد کند کرامت را و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیرالمؤمنین
آوردند روغن خوشبوی حضرت برداشتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده
بودند بعد از آن فرمودند که هرگز بوی خوشی را رد نمیکنم و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت رسول ص رد نمیکردند بوی خوشی و شیرینی را که برای آن حضرت می آوردند و از حسن
بن جهم منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع برای ظرفی که در آن

مشک بود



مشک بود آورد و فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم مالیدم فرمود
که دیگر بردار و در گریبان کردن بمال برداشتم و مالیدم باز فرمود دیگر بمال
فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع
میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر گفتم که کرامت کدام است فرمود که بوی خوش
و بالش که برای نشستن و تکیه کردن تواضع کنند و مانند آن **فصل چهارم**
در فضیلت مشک و عنبر و زعفران از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که بوی خوش
مشک است و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام
زین العابدین ع مشکدانی از قلعی داشتند و هر وقت که اراده بیرون رفتن
میکردند آن را میطلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر وارد شده است
که شیشه از مشک داشتند در جای نماز خود و هرگاه که بنماز میخواستند بر خود
میمالیدند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول ص آنقدر مشک بر خود میمالیدند
که رنگ مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است که
حضرت رسول ص مشک داشتند که هرگاه وضو میساختند بدست تر آن را میگرفتند
و چون بیرون می آمدند از بوی خوش میدانستند که آن حضرت می آید و در حدیث
دیگر منقول است که حضرت امام رضا ع حقه بیرون آوردند از آبنوس و در
آن خانها بود که در هر خانه بوی خوشی و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است
علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع سوال کرد که آیا مشک در روغن که بر خود بمالند

داخل میشوان که فرمود که من نیکنم و باکی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی
نیست که شب داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول
خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و احادیث در مدح خلوق وارد شده است و آن
بوی خوشی بوده است که از چندین چیز بهم می آوردند و یک جزوش زعفران بوده است و در
بعضی احادیث وارد شده است که مداومت بر آن نکنند و در روایت دیگر وارد شده
است که شب تا صباح بر بدن نگذارند و در زینت که این نهیها برای آن باشد که
رنگش در بدن بسیار نماند **فصل پنجم** در فضیلت غالیه بسند موثق منقول است که
اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق عرض کرد که من با تجار سودا میکنم و غالیه
بر خود میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیار کن سا و قیت
کی که اندک غالیه کارها را خود بمالد کافیست او را اسحق گفت بنی بر نبوده حضرت
عمل کردم و ساده درم غالیه میخرم و تمام سال آن خوشبو میشوم و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت علی بن الحسین ۴ ۳ شب از خانه بیرون آمدند و جبه خز و عبا
خز پوشیده بودند و ریش خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آن حضرت که در این
شب با این هیأت بکجا بیرون آمده اید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران
بهشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی بآن عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است
و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا ع فرمود که روغن بان آن حضرت بجهت
آورده اند که در آن مشک و عنبر داخل کرده و فرمود که در کاغذی آینه اگر

دکوده



و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه چند از آیات حفظ
نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند و پیوسته بر ریش خود میمالیدند
و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا ع فرمود که روغنی را با مشک از
برای آن حضرت بعمل آوردند و بر هفتصد درم برآمد فضل بن سهل در این باب
بحضرت نوشت که مردم شهادت در این باب عیب میکنند حضرت در جواب نوشتند که مگر
نمیدانی که یوسف پیغمبر بود و جامه دیبای طلا باف میپوشید و بر کرسیهای طلا می نشست
و با اینها از حکمتش چیزی کم نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند به چهار هزار درم
٣٤ **فصل ششم** در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیرالمؤمنین
منقول است که روغن مالیدن پوست را نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مجاری
آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد را زایل میکند و رنگ را صاف میکند
و رو را نورانی میکند و از حضرت صادق منقول است که روغن مالیدن تواضع را
ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب
میکند و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بر مؤمنی روغن بمالد
حق تعالی را او بعدد هر موی نوری بنویسد که در قیامت با او عطا فرماید و از حضرت
صادق ع منقول است که چون روغن را بر کف دست بریزی بگو اللهم انی اسئلک
الزینة و الزینة و المحبة و اعوذ بک من الشین و الشنآن و المقت

بوکشد یا بر ابرو کسی بگذارد و از آنجا ابتدا کند بر روغن مالیدن و در روایت دیگر وارد
شده است که چون روغن را بکف بریزی بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة فی
الدنیا واعوذ بک من الشین والشنآن فی الدنیا والآخرة و در حدیث دیگر
نهی وارد شده است از مداومت بر روغن مالیدن در هر روز و در روایت
وارد شده است که هفته یکبار یا دوبار بمالند و در روایت دیگر هفته یکمرتبه یا دو مرتبه را
زنان را هر روز مالیدن بد نیست

**فصل ششم** در فواید روغن بنفشه در حدیث
حسن از حضرت صادق ع منقولست که روغن بنفشه سید روغنهاست و در حدیث
دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت ما است بر سایر مردم
و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ما است بر سایر خلق و در روایت دیگر فرمود که مثل
فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نیکو روغنی است روغن بنفشه بسیار بمالید
که درد را از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از ما خبر شما چیزی می‌آید
که ما شیعه دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقولست
که شخصی از استر افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق ع فرمود که روغن
بنفشه در دماغش بچکانید چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه
روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنک است و برای شیعیان ما نرم است و برای
دشمنان ما خشک است و اگر مردم فضیلت آنرا بدانند هر آینه هر اوقیه از آن
قیمتش یک اشرفی شود و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که روغن بنفشه در بینی

بچکانید



بچکانید که حضرت رسول ص فرمود که اگر مردم فواید این روغن را بدانند هر آینه از آن
بسیار بخورند و در حدیث دیگر فرمود که کسی نیست که بکشد بر روغن بنفشه و در حدیث
دیگر منقولست که درد سر را زایل میکند و دماغ را باصلاح می‌آورد

**فصل هفتم** در فواید روغن بان و روغن زنبق بدانکه بان فستق هندیست
که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق ع منقولست که نیکو روغنیست روغن
بان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت شکایت کرد از ترکها که در دست
و پایش بهم رسید فرمود که پنبه را در روغن بان تر کن و در میان ناف خود بگذار یا روغن را
در ناف بریز آن مرد این کار کرد و آن آزار از او زایل شد و بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که هر که روغن بان بخود بمالد و در بینی کند شیطان نتواند بعد از
آن باو ضرر نتواند رسانید و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که بر خود بمالید
روغن بان را که آن امان است از هر دردی و بیماری آن را استعمال میفرمودند
و از حضرت رسول ص که هیچ چیزی برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امام موسی و امام رضا ع در بینی می‌چکانیدند و در
دیگر از حضرت رسول ص منقولست که در روغن زنبق منافع بسیار هست و در آن
شفای از هفتاد درد هست و از حضرت صادق ع نیز مرویست که در روغن زنبق
شفای هفتاد درد هست و ظاهر آنست که مراد از زنبق سفید باشد که آنرا رازقی
نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است **فصل هشتم**

و در فواید سایر روغنها منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی
روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و بمالد شیطان تا چهل صباح نزدیک او
نیاید و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری روغن انبیاست و در روایت
دیگر وارد شده که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل خیری بر خود میمالیدند و در حدیث
موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در وقتی که صداع ایشان را عارض میشد روغن
کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که آن حضرت دوست
میداشتند که روغن کنجد در بینی بچکانند **فصل دهم** در فضیلت بخور و انواع
و آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است که هر گاه قادر باشد جامهای
خود را بدود خوشبو بدارد و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که مردم بیا دیگر بخور بیشنیدند
و مرازم روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام بحمام رفتیم چون حضرت بیرون
آمدند در رختکن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو کردند پس فرمود که مرا
زم را نیز خوشبو کنید و در روایت دیگر وارد شده است که چون زنان حضرت امام
موسی کاظم علیه السلام میخواستند که بخور کنند اول یک مشت از خرمای صیحانی که نوع علیست
از خرماهای مدینه میگرفتند و هسته و پوست را از آن دانه پاک میکردند و در آتش می
انداختند و چون رنگ آن دود میکرد بعد از آن بوی خوش را می انداختند و جامه را
بر بخور رسیدا شدند و میگفتند که این نسخه باعث خوشبوی میشود و از حضرت امام
صادق علیه السلام منقول است که عود خالص بوی خوش در بدن تا چهل روز میماند و عود که

بادیها



لیت
که با بویهای خوش دیگر پرورده باشند بوی خوشش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقو
لست که حضرت امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن گلاب و مشک بر
خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعود قماری بخور میکردند
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که بر شما باد بعود هندی که در آن نوع شفا
هست و در روایت دیگر منقول است که تحفه که برای مرد روزه دار آورند آنست که
ریشش را روغن بمالند و جامه اش را بخور بدهند و سید ابن طاوس رحمه الله روا
یت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در وقت بخور کردن این دعا میخواندند الحمد لله الذی
بنعمته تتم الصالحات اللهم طیب عرقنا و زک روایحنا و احسن
منقلبنا و اجعل التقوی زادنا و الجنة معادنا و لا تفرق بیننا و بین
عافیتک ایانا و کرامتک لنا انک علی کل شیء قدیر و کفعمی گفته است که در روا
دیگر منقولست که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخواند الحمد لله رب
العالمین اللهم امتعنی بما رزقتنی و لا تسلبنی ما خولتنی و اجعل ذلک
رحمة و لا تجعله وبالا علی اللهم طیب ذکری بین خلقک کما طیبت
بشری و نشری بفضل نعمتک عندی **فصل یازدهم** در بیان فضل گلاب و گل
سرخ و انواع گلها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که گلاب بر رو ریختن آب رو را
زیاد میکند و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که گلاب بر رو بمالد
در آن روز بد حالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو و دستها مالد حمد خدا بکند

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت صادق منقولست که هر که در روز اول ماه مبارک
رمضان یک کف گلاب بر رو بزند در آن روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز
بر سر خود یک کف گلاب بزند در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص دو کف از گل سرخ پر کرده
بمن عطا فرمودند چون نزدیک بمشام خود بردند فرمودند که این بهترین گلهای بهشت است
بعد از گل مورد و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که چون مرا باسمانها بردند
از عرق من چند قطره بر زمین ریخت و گل سرخ از آن روئید پس آن گل بدبو یا افتاد
یاسمن خواست بر دارد و بد بو میکرد که هیچ چیز در دنیا آب و سبزی دارد و دم بادیک
درازی خواست که بر دارد و در دنیا ایشان نزاع شد پس خاتم ملکی را فرستاد که در میان
ایشان حاکم کرد و نصفش را بیاسمن داد و نصفش را بد بو میکرد این سبب تلخ بود سبزی که
در زیر گل میباشد و نیم گل دم یاسمن است که از طرف پری دارد و در نیم گل دم
بد بو میکرد که یاد کسست و از هیچ طرف پری ندارد و یکی کل فی پری دارد و طرف
دیگر ندارد که نصفش را بگل دم دادند و بد بو میکرد و در روایت دیگر منقولست که چون آن
حضرت را بمعراج بردند عرقی از زنخ حضرت عرق شد و باین سبب که در آن روئید
و چون برگشتند زمین شاد شد و گل سرخ در آن روئید پس کسی که خواهد بوی حضرت
پیغمبر ص را استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت
رسول ص وارد شده است که گل سفید از عرق من روئید در شب معراج و گل سرخ

از عروس ما

از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوییدن نرگس و
روغن آن را مالیدن فضل بسیار دارد و چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند
و خواستند آتش را برو سرد و سلامت گردانیدند در میان آتش نرگسی برای آن حضرت
رویانید و از آن روز نرگس در میان مردم بهم رسید و از حضرت امام موسی ع منقول
که حضرت رسول ص فرموده که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش می روید و آبش باعث
شفای چشم است و در روایت دیگر منقولست که بسیار ببویید مرزنگوش را که قوت شامه را
می افزاید و از حضرت صادق ع منقولست که گل بهشت دو نوع دارد و آنکه در بهشت
هم گل مورد است **فصل دوازدهم** در آداب گل بوییدن در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هرگاه گلی بشما بدهند ببویید و بر دیده
خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث دیگر روایت کرده است که
گلی بحضرت امام جعفر صادق ع دادند گرفتند و بوییدند و بر هر دو دیده مالیدند پس فرمودند
که هر که بگیرد و ببوید و بر دیده ها بگذارد پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهانش آمرزیده شود و از حضرت امام علی
نقی ع منقولست که هر که گلی را ببوید و بر دیده ها گذارد و صلوات بر محمد و ائمه علیهم السلام
بفرستد حق تعالی او را از حسنات بقدر ریگ بیابان عالج که در بیابان مکه و شام و
عراق کشیده است بنویسند و از گناهان او بعدد ریگ آن بیابان محو نماید باب
**هفتم** در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و [illegible] و کشیدن و آداب

بعضی اعمال **فصل اول** در فضیلت حمام منقولست که عمر علیه اللعنة والعذاب اول کسی بود که خانه
حمام عورات را ظاهر میکند و پرده آدمی را می درد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو
خانه ایست حمام جهنم را بیاد می آورد و چرک را از بدن می برد و از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن پیه گرده
ها را بگدازد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقولست که گفت بیمار شدم تا آنکه
گوشتم همه تحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که میخواهی که گوشت
بدنت برگردد گفتم بلی فرمود که یکروز نه یکروز بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و
زنهار که هر روز مرو که باعث مرض سل میشود و در حدیث دیگر فرمود که کسی که خواهد
فربه شود یکروز بحمام برود و یکروز نرود و کسی که گوشت زیاد داشته باشد و خواهد
که کم شود هر روز برود بحمام و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که بهترین دواها
شما حقنه و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است
که دوا بجز حمام آورد و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که زنش را بحمام نفرستد و علما تاویل کرده اند بدو وجه اول آنکه این در بلاد
که در آن بلاد باعتبار گرمی هوا احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دوم آنکه مراد
آنست که زن خود را رخصت دهد که برای سیر کردن بحمام برود **فصل دویم** در آداب
داخل شدن و بیرون آمدن و دعاها که باید خواندن در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود و از حضرت امام

جعفر صادق



جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که بالنگ بحمام داخل شود حق تعالی گناه او را به پرده
ستر بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیده خود را از نظر
کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از حمیم جهنم ایمن گرداند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ
و فرمود که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه و نهی فرمود از داخل شدن حمام بی لنگ
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که داخل حمام مشو مگر بعد از آنکه اندک چیزی در معده
تو باشد که حرارت معده را فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل
حمام مشو در وقتی که معده پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه
آن حضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی تناول میفرمودند راوی گفت که
مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهترست فرمود که نه بلکه اندک چیزی باید
خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت دیگر
فرمود که بحمام ناشتا رفتن بلغم را زائل میکند و بعد از چیزی خوردن صفرا و سودا را زائل میکند
و فرمود که اگر خواهی گوشت بدنت زیاد شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و اگر
خواهی که گوشت کم شود ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در وقتی
که در جامه کن حمام جامه ها از خود میکنی بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّی رِبْقَةَ النِّفاقِ
وَثَبِّتْنِی عَلَی الْاِیمانِ و چون داخل خانه اول حمام شوی بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ
بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَاَسْتَعِیذُ بِکَ مِنْ اَذاهُ و چون داخل خانه دوم شوی

بگو اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی و بگیر از آب گرم و بر سر
بریز و بعضی از آن آب بر پاها بریز و اگر تواند که جرعه از آن بخورد بخورد که مجرای بول را
پاک میکند و در خانه دویم ساعتی بدرنگ پس چون داخل خانه سیم شوی بگو نعوذ
بالله من النار و نسئله الجنة و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن
از آن خانه و زنهار که آب سرد و تیره در حمام مخور که معده را فاسد میکند و آب
سرد بر خود مریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آئی آب سرد بر پا
بریز که درد را از بدنت بیرون میکند پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو اللهم البسنی
التقوی و جنبنی الردی پس چون اینها را کنی ایمن گردی از همه دردها بخواند و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مؤمنی بگوید
بتو طاب حمامک و حمیمک تو در جواب بگو انعم الله بالک و در روایت دیگر
وارد شده است که حضرت امام حسن ع از حمام بیرون آمدند شخصی بآن حضرت گفت که
طاب استحمامک حضرت او را منع کردند پس گفت طاب حمامک باز او را منع کردند
پس گفت طاب حمیمک باز منع کردند او گفت پس چه گویم فرمود که بگو طاب
ما طهر منک و طهر ما طاب منک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو گرداند بنیکی
معنوی بسبب مغفرت گناهان و توفیق طاعات آنچه پاک شده است در حمام از اعضای
بدن تو و پاک گرداند از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکوست
از تو که آن دل و نفس و عقل و سایر قوی و اعضای شریفه باشد و در روایت

دیگر



دیگر منقولست که کسی از حمام بیرون آید باو بگویند انقی الله غسلک و او در جواب بگوید
طهرک الله و حضرت صادق ع فرمود که هرگاه که از حمام بیرون می آئید عمامه بسر به بندید
و فرمود که بعد از بیرون آمدن از حمام پا را بشوئید که درد شقیقه را زایل میکند
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق علیهما السلام هرگاه از
حمام بیرون می آمدند در زمستان و تابستان عمامه بر سر می پیچیدند و میفرمودند که
امانست از درد سر و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و
حرارت بر او غلبه کند آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی ع
وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید **تکمیل** در بیان آنچه در حمام
تجویز شده است منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع که حضرت امیر المؤمنین ع نهی فرمود
که در حمام بر پشت بخوابید که پیه گرده را میگدازد و سفال را آخر بر پای خود مسائید
که مورث خوره است و حضرت صادق ع فرمود که مرد با پسر خود بحمام نرود که نظر کند
بعورت او و فرمود که پدر و مادر را جایز نیست که نظر کنند بعورت پسر و فرمود که حضرت
رسول ص لعنت فرمود که کسی نظر بعورت کسی کند در حمام یا نگذارد که دیگری
بعورت او نظر کند و در حدیث دیگر فرمود که بر پهلو مخواب در حمام که پیه گرده را
میگدازد و لاغر میکند آدمی را و در حمام شانه مکن که تنک میشود موی سر را و بگل مشو
که غیرت را میبرد و سفال بر بدن ممال که مورث پیسی است و لنگ بر رو ممال که آب رو را
میبرد و ابن بابویه رحمه الله گفته است که مراد بگل مصر و سفال شام است و در حدیث

صحیح منقول است که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن
در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند
که آیا حضرت امیر المؤمنین ع نهی میفرمودند از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود که نه
نهی میفرمود که کسی عریان باشد باکی نیست و از حضرت صادق ع منقول است که باکی نیست
مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد نه خوش خوانی و در حدیث
دیگر منقول است که دو کس از حضرت میخواستند بحمام روند حمامی گفت که اگر میخواهید حمام را
برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست مؤمن کار دشواری نمی سبکتر میباشد که حمام را برای او
خود قرق کنند و حضرت امام رضا ع فرمود که هرکه از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود
بمالد و پیس بهم رسد ملامت نکند مگر خود را و کسی که غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع
شده باشد در حمام و خوره بهم رسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از
حضرت صادق ع منقول است که در ناهار در حمام بر پهلو مخوابید که پیه گرده را آب میکند و
بر پشت مخوابید که درد اندرون را بهم میرساند و شانه مکن که مو را میریزاند و مسواک
مکن که دندانها را میریزاند و سر را بگل مشو که رو را بدنما و سیاه میکند و لنگ بر سر و رو
مال که آب رو را میبرد و کف پا را بسفال مسا که باعث پیسی میشود و از آبی که در
حوضهای کوچک حمامها سیاهان جمع میشود از غساله مردم غسل مکن که در آن غساله یهود
و نصرانی و گبر و دشمن اهل بیت که از همه بدترند جمع میشود و خدای تعالی خلقی از
سگ نجستر خلق نکرده است و کسی که عداوت اهل بیت ما دارد از سگ نجستر است

واز حضرت



و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که بول کردن در حمام موجب فقر و پریشانیست و در حدیث
دیگر فرمود که باکی نیست که مرد بآب گرم تنها بحمام برود اما باید که فوطه بسته باشد و مانند
خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است که در
حمام سلام نکنند و آن در صورتی است که فوطه نبسته باشند زیرا که در احادیث بسیار
وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم

## فصل پنجم

در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول ص منقول است
که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن فرمود که هر که جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که شستن سر چرک را می برد و آزار چشم را
دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را می برد و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را
پاکیزه کنید بآب از بوهای بد که مردم از آن متأذی میشوند و در اصلاح بدن خود باشید
بدرستی که خداوند دشمن میدارد از بندگان کثیف کثیف کند بدبو را که پهلوی هر که نشیند از او متأذی
شود و فرمود که آب بوی خوش خود کرده اند و از حضرت امام رضا ع منقول است که حق تعالی
غضب کرد بر بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان را داخل مصر کرد و راضی نشد از ایشان مگر
وقتی که ایشان را از مصر بیرون کرد و حضرت رسول ص فرمود که سر خود را بگل مصر مشوئید
و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری و مذلت می آورد و غیرت را می برد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در وقت بمیدارم که سر خود را بگل مصر بشویم از
ترس آنکه مرا ذلیل گرداند و غیرت مرا می برد و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد

که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسلی آن را بپاکی یاد کرده است و هر که سرش را بآن بشوید خوشنودم ازو
وسوسه شیطان را هفتاد روز دور گرداند و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان ازو دور
شود معصیت خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند

**فصل ششم**

در فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که دارو
پاک کننده بدنست و در حدیث صحیح منقولست که عبد الرحمن بن عبد الله گفت
با حضرت امام جعفر صادق ع بحمام رفتم فرمود که دارو بکش گفتم چند روز است
که کشیده ام فرمود که دیگر بکش که پاک کننده بدنست و بر این مضمون چند حدیث وارد
شده است و در حدیث دیگر منقولست که نخعی را حضرت تکلیف دارو کشیدن کردند او
گفت که سه روز است که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که دارو کشیدن رفع دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند
و از حضرت امام موسی ع منقولست که موی بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف
است و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که موی بدن چون بلند میشود آب پشت را
قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و تنبلی می آورد
و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند و پیه گرده ها را زیاد میکند
و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا ع منقولست که چهار چیز است که از اخلاق
پیغمبران است بوی خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از





حضرت امام محمد باقر ع از آنکه موی در سر هست و بسیار میریزد و جامه را چرکین میکند فرمود
که خردل را بکوب و آن را با گل و با سرکه که از شراب بعمل آورده باشند و بسیار تند باشد خمیر کن
بعد از آن تفتیده کن که کف کند پس در بن موی آن بقوت تمام بمال و بشوی و روغن شیره تازه بر سر
چرب کن که آن علت زایل میشود

**فصل هفتم**

در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن
فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن
سر با خطمی در هر جمعه امان است از پیسی و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که
ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی را دارد که یک بنده آزاد
کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن سر با خطمی درد را میکاهد و سودا و اندوه را
برطرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی ع منقولست که شستن سر با سدر
روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون حق تعالی
حضرت رسول ص را امر فرمود که اسلام را ظاهر گرداند و آن حضرت کمی مسلمانان و بسیاری
کافران دید بسیار غمگین شد حق تعالی حضرت جبرئیل را با یک برگ از درخت سدرة المنتهی
فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن بشوید پس آن شستن اندوه آنحضرت برطرف شد و در
حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که شستن سر با خطمی امان است از درد سر
و بیزاری میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از چرک و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول ص سر خود را با سدر می شستند و میفرمودند که بشوئید سر خود را با برگ سدر

که بعد

رسول ص منقولست که موی شارب و ناخنها و زیر بغل را بلند مگذارید که شیطان در اینجا
جا میکند و پنهان میشود

فصل هفتم

در ازاله موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت رسول ص
منقولست که دراز مگذارید موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان میشود و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع زیر بغل را دارو میکشیدند و میفرمودند که
کندن موی زیر بغل دوش را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست که دارو کشیدن
زیر بغل بهتر است از تراشیدن و تراشیدن بهتر است از کندن و در حدیث دیگر وارد شده است
که بسیار بود که آن حضرت از برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع
را دارو میکشیدند و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که موی زیر بغل را
کندن گنده زیر بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول ص است

فصل هشتم

در غایت زمانی که نوره را تاخیر توان کرد در حدیث دیگر از حضرت رسول ص
منقولست که هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد باید که موی زهار را زیاده از چهل
روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته باشد اینکه ترک کند
ازاله موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص
در هر جمعه دارو میکشیدند موی زهار و میان پاها را میگرفتند و در حدیث صحیح
از حضرت صادق ع منقولست که سنت در نوره کشیدن آنست که هر پانزده روز یکمرتبه
بکشد و اگر کسی بیست و یک روز و در روایت دیگر بیست روز بر او بگذرد که نوره نکشد
باید قرض کند بر خدا نوره بکشد و کسی که چهل روز بر او بگذرد که نوره را نکشد او مؤمن

نیست





و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت در نزد خدا نیست و از حضرت رسول ص منقولست که هر که
ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و اگر
چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و پی نیندازد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که نوره کشیدن در وقت سیاه ادم از برای کسی که هر پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق ع
منقولست که باید پانزده روز را در ولایت هفته نگذارد و کسی که نوره را زیاده از یکماه
ترک کند نماز او مقبول نیست

فصل نهم

در دعای وقت نوره کشیدن از حضرت
صادق ع منقولست که هر که بعد از نوره کشیدن اندکی از نوره بردارد و ببوید و بر
بینی بگذارد و بگوید صَلَّی اللهُ عَلَی سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ کَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ او را
نسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که هر که وقت نوره مالیدن
بر بدن این دعا بخواند خدا تمام او را از چرکها و کثافتها و گناهان پاک
گرداند و بعوض آن موهای او که ریخته است فرماید که در آن موی گناه نکند و بعدد هر موی
از بدنش ملکی خلق کند که از برای او تسبیح کند تا روز قیامت و بدرستی که یک تسبیح
از تسبیح ملائکه ثوابش برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین دعا اینست
اَللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهُرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَأَبْدِلْنِي شَعْراً طَاهِراً لَا يَعْصِيكَ
اَللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ
فَحَرِّمْ شَعْرِي وَبَشَرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَ
اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ

محمد صلى الله عليه وآله حبيبك ورسولك عاملا بشرائعك تابعا لسنة نبيك
صلى الله عليه وآله آخذا به متأدبا بتأديبك وتأديب رسولك صلى
الله عليه وآله وتأديب أوليائك الذين غذوتهم بأدبك وزرعت الحكمة
في صدورهم وجعلتهم معادن لعلمك صلواتك عليهم **فصل دوم** در اوقات
نوره کشیدن و سایر آداب آن از حضرت صادق ع منقولست که یکمرتبه در تابستان دارو
کشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که اجتناب کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت
رسول ص منقولست که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه و چهارشنبه
مالیدن و وضو و غسل با آبی کردن که در آفتاب گرم شده باشد و در حال جنابت
چیزی خوردن و زن را در حال حیض جماع کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از
حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در روز جمعه نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند
مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث محمول بر تقیه باشد زیرا که یکی از طریق اهل
سنت است زیرا که حدیث کرده اند که حضرت پیغمبر در روز جمعه دارو میکشیدند و در
حدیث معتبر دیگر منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردند که مردم میگویند که
نوره کشیدن در روز جمعه مکروه است حضرت فرمود که چنین که تو خیال کرده چه چیز
باک کنده تو باشد از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست
که علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی ع بنویسد که آیا مرد در حالت

جنابت

جنابت دارد میتواند کشید یا نه حضرت در جواب او نوشتند که باکی نیست
نوره باعث زیادتی و پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق ع نیز پرسیدند
که باکی نیست و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که کسی
که دارو کشیده باشد بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر
منقولست که کسی که در وقت دارو مالیدن ننشیند بیم آنست که بعلت فتق
مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام محمد باقر ع بحمام رفت حضرت لنگی بستند
از ناف تا زانو و خدمتکار حمام را طلبیدند که آنچه بالا و پایین بود دارو
مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانوی خود کشیدند و بابشیر
گفتند که هر گاه که دارو بکشی چنین کن و در بعضی از احادیث بخوبی این وارد
نشده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و بسند حسن منقولست که از حضرت صادق ع
پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را با روغن زیت مخلوط کند و بعد از
نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را ببرد فرمود که باکی نیست و در حدیث
دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن
میتوان مالید فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کند اسراف نیست من بسیار است
که میفرمایم آرد نخود را با روغن زیت مخلوط میکنند و بر بدن میمالم اسراف در چیزی
میشود که مال را تلف کند و بدن ضرر برساند **فصل سیم** در فضیلت حنا
مالیدن بعد از نوره حسین بن موسی روایت میکند که پدرم حضرت موسی

جعفر علیه السلام هرگاه که اراده حمام میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند هر چند
که داخل نشنو اذیت شد پس میفرمودند که نمدها پوشیدند حمام می انداختند و
بعد از آن داخل میشدند روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر با حضرت
رسید و اثر حنا در دست حضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست شماست فرمود
که رنگ حنا است که بدرستیکه از رسول صلی الله علیه روایت کرده اند که هرکه بحمام در رود و نوره
بکند و بعد از داروی حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره
و پیسی و آکله تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عتیبه دید
که حضرت صادق علیه السلام حنا بوده است و در ناخنها خود گذاشته فرمودند که ای حکم
چه میگوئی در این باب گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید اما این کار را در
پیش ما جوانان میکنند فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شبیه میشود بنا
مردگان مارنگ آنرا میکنم در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد تقی
علیه السلام از حمام بیرون آمد و از سر تا پا مبارک مانند گل سرخ شده بود از حنا
و حضرت صادق فرمود که حنا مالیدن بوی بد را میبرد و آب رو را زیاد میکند
و دهن را خوشبو میکند و فرزند نیکو میکند و هرکه بعد از نوره از سر تا پا حنا
بمالد فقر و پریشانی از او برطرف شود **فصل دوازدهم** در آداب غسل جمعه و سایر
اغسال بدانکه غسلها واجب بنابر مشهور میان علما شش است غسل جنابت و حیض
و استحاضه و نفاس و مس میت و غسل میت و مستحب است که در وقت غسل جنابت

این دعا



این دعا بخواند اللهم طهر قلبی و زک عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک
خیرا لی اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین و اگر این دعا
بخواند بهتر است اللهم طهر قلبی و اشرح لی صدری و اجر علی لسانی مد
حتک و الثناء علیک اللهم اجعله طهورا و شفاء و نورا انک علی
کل شیء قدیر و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند و در تفسیر حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام مذکور است که هرکه بعد از وضو و یا غسل جنابت این
دعا بخواند گناهان از او میریزد چنانچه برگ از درختان میریزد و بهر قطره از
قطرات وضو و غسل او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تقدیس و تهلیل
و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستند و ثواب آن از و باشد و کفاره
هائی آمرزیده شود دعا اینست سبحانک اللهم و بحمدک اشهد ان لا
اله الا انت استغفرک و اتوب الیک و اشهد ان محمدا عبدک
و رسولک و اشهد ان علیا ولیک و خلیفتک بعد نبیک علی خلقک و ان
اولیاءه خلفاؤک و اوصیاءه اوصیاؤک و اما غسلهای سنت پس غسل دو
سنت از جمله آنها غسل جمعه است و بعضی از علما واجب میدانند و احوط آنست
که تا مقدور باشد ترک نکنند و در احادیث معتبر وارد شده است که غسل جمعه واجب است بر
مردان و زنان در سفر و حضر مگر آنکه رخصت داده اند زنان را که ترک
کنند در سفر برای کمی آب و از حضرت صادق منقول است که غسل جمعه پاکیزه کننده و کفاره

کفاره‌ای است از جمعه تا جمعهٔ دیگر و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که هر که غسل جمعه کند
و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِی مِنَ التَّوّابِینَ وَاجْعَلْنِی
مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و دعا باید بگرداند و تا جمعهٔ دیگر و بهتر آنست که این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی مِنْ کُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ بِها دِینِی وَ تُبْطِلُ بِها عَمَلِی و در فقه
الرضا مذکور است که چون از غسل جمعه فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَ طَهِّرْ قَلْبِی
وَ انْقِ غُسْلِی وَ اَجْرِ عَلیٰ لِسانِی ذِکْرَکَ وَ ذِکْرَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ
وَاجْعَلْنِی مِنَ التَّوّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و وقت آن از صبح صادق
روز جمعه تا پیشین و مشهور آنست که هر چند نزدیک‌تر به پیشین بهتر است و اگر
خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در روز پنجشنبه میتواند کرد
و اگر فوت شود بعد از پیشین تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا در کار نیست
و از صبح روز شنبه تا شام بقصد قضا میتواند کرد و در فقه الرضا مذکور است
که در روزهای دیگر هفته هم میتواند کرد و ظاهرا کسی از علما قایل نشده‌اند
باقی سنت است غسل در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول و نیمه و شب
هفدهم و آن شبی است که مؤمنان و کافران در بدر جمع شدند و در روز آن فتح اعظم
نخستین اسلام واقع شد و شب نوزدهم و آن شبی است که تقدیرات سال در آن شب
نوشته میشود بنابر بعضی از احادیث و شب بیست یکم و آن شبی است که انبیاء و اوصیاء



در آن شب شهادت یافته‌اند و حضرت عیسی در آن شب باسمان رفته است و حضرت موسی از دنیا
رفته و احتمال قوی دارد که شب قدر بوده باشد و شب بیست سیم و آن شب قدر است و احتمال قوی
و قول اکثر و در آن شب دو غسل بکند یکی مقارن غروب آفتاب و دیگری در آخر شب
و در بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است
غسل در شب عید فطر و در روز فطر و در روز عید قربان و اظهر آنست که در هر دو روز غسل را
تا شام میتواند کرد ولکن افضل آنست که پیش از نماز عید واقع سازد و در روز هشتم
ذی الحجه و روز عرفه نیز و در اول و شب نیمه رجب و منقولست از رسول که هر که ماه رجب را
دریابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه و آخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی
که از مادر متولد شده است و در روز مبعث و آن بیست هفتم رجب است و اکثر علما
گفته‌اند که حدیثی بخصوص بنظر نرسیده است و شب نیمه شعبان و روز غدیر خم که
هجدهم ذی حجه است و روز مباهله که بیست و چهارم ذی حجه است و بعضی گفته‌اند
روز بیست و پنجم و روز دحو الارض است بنابر مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی قعده
است و در این غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است و روز نوروز بنابر مذهب بعضی و
حدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد و مشهور آنست که روزیست که آفتاب ببرج
حمل منتقل میشود و همچنین سنت است غسل برای احرام حج و عمره و بعضی واجب میدانند و
احوط آنست که ترک نکند و غسل زیارت حضرت رسول و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره

و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجات وارد شده است و غسل توبه از گناهان و باز سنت است
غسل از برای قضای نماز کسوف اگر عمداً ترک کرده باشد و تمام قرص گرفته باشد و بعضی
گفته اند واجب است را حوط آنست که ترک نکند و بعضی گفته اند برای مطلق قضا غسل
بکند اگر عمداً ترک کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل بکند
اگر تمام گرفته باشد و آن قوی نیست و سنت است غسل از برای داخل شدن حرم و از برای
داخل شدن مکه معظمه و از برای داخل شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن
حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه مشرفه و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله
و از برای کشتن حد و غسل فرزندی که متولد شود چنانچه گذشت و غسل روز ولادت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بنابر قول بعضی روز آن هفدهم ماه ربیع الاول است و آنچه بنظر
رسیده غسل از برای زیارت است در آن روز سنت است غسل برای نماز طلب باران
و از برای کشتن چلپاسه و غسل بعد از کشتن است و هم چنین هرگاه شخصی برود برای
دیدن کسی که او را از حلق کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی در
... گفته اند و اکثر علما گفته اند که هرگاه بعد از سه روز باشد سنت است خواه
بحق او را کشته باشند خواه بباطل و خواه بطریق شرعی او را کشته باشند یا غیر
آن بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقص بوده ضرورت
بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه و هم چنین گفته اند که هرگاه جنابت میان دو کس
مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که از کدام یک بوده است



مرده را غسل کردن سنت است و برای کفن کردن میت نیز گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث
آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که از پیش کفن کردن بجا آورد و هم
سنت است که هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه
شخص جنب مرده باشد سنت است که غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از
آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی غسل روز عید فطر
بجا آوری در زیر سقفی بجا آور و چون خواهی شروع کنی بگو اللهم ایمانا بک
وتصدیقا بکتابک واتباع سنة نبیک محمد صلی الله علیه وآله و چون
از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی وطهر لی دینی اللهم
اذهب عنی الدنس و بدانکه تفاصیل غسلها و احکام آنها را دراین رساله
گنجایش ندارد ان شاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد **باب هشتم**
در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلا رفتن **فصل اول** در بیان
اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان
نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از
نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست
با ابو حمزه ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم
زیرا که حق تعالی روزی بندگان را در این وقت قسمت مینماید و هرکه در این وقت در
خواب باشد از روزی محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که زمین [illegible]

ناله و فریاد میکند از شدت آزار خود چون خوابی که با آن رنجیده شود با غسل از آن نا کند و در
آن با خواب بگردد و پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق ع منقول است که خواب
بامداد شوم است روزی را منع میکند و رنگ را زرد میکند و رو را قبیح و متغیر میکند
و این خواب هر شومی است بدرستی که خدا تعالی روزیها را ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب
قسمت مینماید پس زنهار که این خواب را مکنید و فرمود که ترنج بریان و ترنجبین بر بنی
اسرائیل در این وقت نازل میشد هر که در این وقت بخواب بود بهره او نازل نمی
شد و حضرت رسول ص فرمود که هر که در جای نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب
خدا او را مستور کرده اند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کرده
خانه کعبه داشته باشد و گناهانش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است
که اگر نماز بکند و قدری تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه
در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا ع شخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب
بیا که من بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق ع منقول است که شخصی فرمود که چون
نماز کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخواب روی باکی نیست و از
حضرت امام محمد باقر ع منقول است که خواب اول روز سفاهت است و خواب قیلوله
نعمت است و خواب بعد از عصر حماقت است و خواب میان نماز شام و خفتن از روزی
محروم میگرداند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که خواب کردن پیش از طلوع
آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می آورد و در روایت دیگر منقول است

که شخصی



که شخصی بخدمت رسول ص آمد و عرض کرد من حافظه قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب
شده است فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که خواب قیلوله
بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که خواب قیلوله بکنید
که شیطان قیلوله نمیکند و منقول است که نیکو یاور است خواب قیلوله بر بیداری عبادت شب

فصل دوم

در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت صادق منقول است که هر که وضو
بسازد و بر رختخواب برود رختخواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان
خواب بیادش آید که وضو ندارد در زیر لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو و تیمم بخوابد
بیاد خدا است چنان است که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که نخوابد
مسلمان در حالتی که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو
تیمم کند بخاک زیرا که روح مؤمن را در وقت خواب بآسمان میبرند و حق تعالی او را قبول
مینماید و برکت بر او میفرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای رحمت خود میسازد
و اگر اجلش نرسیده است با امینان خود از ملائکه میفرستد او را بر میگردانند و در حدیث
معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول ص با صحابه خود فرمود که کدام یک از شما تمام
سال روزه میدارید سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از همه شب احیا میکنید سلمان
گفت که من فرمود که کدام یک از شما هر روز ختم قرآن میکنید سلمان گفت که من پس عمر
بخشم آمد و گفت این مردیست از فارس میخواهد که بر ما قریش فخر کند دروغ
میگوید و اکثر روزها روزه نیست و اکثر شب خوابست و در اکثر روز خاموش

می‌باشد حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کنید تا جواب است بگوید عمر
پرسید سلمان گفت که اما روزه پس من ایام سه روز روزه میدارم و حق تعالی میفرماید که هر که
حسنه بکند ده برابر ثواب میدهم این برابر روزه سال می‌شود با آنکه ماه شعبان را هم
میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیدار در شب هر شب با وضو میخوابم و از حضرت
رسول شنیدم که میفرمود که هر که با وضو بخوابد چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده
باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه قل هو الله احد را میخوانم و از رسول خدا
شنیدم که بحضرت امیرالمؤمنین میفرمود که یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل هو الله احد
است هر که یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند چنانست که ثلث
قرآن را خوانده است و هر که سه بار بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس هر که ترا
بزبان دوست دارد ثلث ایمانش کامل شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد
دو ثلث ایمانش تمام شده است و هر که ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری
کند تمام ایمانش کامل شده است بآن حق خداوندی که مرا براستی فرستاده است
که اگر ترا اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا دوست میدارند خدا
هیچ یک را باتش جهنم عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد گویا سنگی بدهنش گذاشتند

**فصل سیم** در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن شود بدانکه علما
گفته‌اند که خوابیدن در مساجد مکروه است و ظاهر احادیث آنست که مکروه نیست
مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول و در اینها نیز تجویز واقع شده است و در احادیث

معتبر

معتبر بسیار وارد شده است که رسول خدا سه کس را لعنت کرد کسی که تنها چیزی
بخورد و تنها بسفر رود و در بیوت تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد
بیم آنست که دیوانه شود و از حضرت امام موسی منقولست که هر که در خانه
تنها یا بیابانی تنها بخوابد بگوید اللّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَأَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار
نداشته باشد و فرمود که هر که بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد امان خدا از او بر
طرف شود و در احادیث معتبره از حضرت صادق منقولست که مکروه است که کسی بر
بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساویند
پرسیدند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود که بلکه چهار طرف
میباید که دیوار داشته باشد و در بعضی روایات وارد شده است که قد بلندی
دیوار دو ذرع است و در بعضی از احادیث تجویز یک ذرع و یک شبر هم وارد شده
است و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است از آنکه کسی با دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد
که اگر چنین کند و شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را
و فرمود که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهن ایشان را بشویید که
اگر نکنید شیطان ایشان را میبوید و در خواب میترسند و در چند حدیث
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خواهد که بجامه خواب داخل شود کنار جامه

خود را بر رخت خواب بکشند که اگر جانوری در او داخل شده باشد بدر رود و باو ضرر نرساند
و از حضرت امیر المؤمنین ع وارد شده است که باید پیش از خواب به بیت الخلا رود
و بعد از آن بخوابد **فصل چهارم** در بیان آداب خوابیدن سنت است که بر دست راست
رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بدست چپ خوابیدن و بر
رو خوابیدن مکروه است چنانچه از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خواب بر چهار
قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند و دیده های ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار
خود میباشند و مؤمنین بر دست راست میخوابند رو بقبله و پادشاهان و فرزندان
ایشان بر دست چپ میخوابند که آنچه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او
و هر دیوانه و مبتلا بدردی رو افتاده میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که [illegible]
بر رو بخوابد و هر که را به بیند که بر رو خوابیده است او را بیدار کند و مگذارید
بآن حال و فرمود که هرگاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را بر زیر
جانب راست رو بگذارد پس بدرستی که نمیدانید که از این خواب بیدار خواهید شد
یا نه و احادیث در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار
وارد شده است **فصل پنجم** در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید که خوانده شود
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی که دست راست زیر
سر گذاشته بخوابد بگوید بِسْمِ اللهِ اللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْلَمْتُ نَفْسِی اِلَیْكَ وَ وَجَّهْتُ
وَجْهِی اِلَیْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَیْكَ وَ اَلْجَأْتُ ظَهْرِی اِلَیْكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَیْكَ





رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً اِلَیْكَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ
الَّذِی اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُولِكَ الَّذِی اَرْسَلْتَ و بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام
بخواند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پیغمبر ص در وقت خواب این دعا را
اُعِیذُ نَفْسِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ اَهْلَ بَیْتِی وَ مَالِی بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ
شَیْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ که این دعا تعویذ میفرمود حضرت
رسول ص امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب
بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرک است و قل هو الله احد نسبت پروردگار است
و در حدیث صحیح فرمود که هر که بعد از خوابیدن در رخت خواب سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَكَ
فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُحْیِی الْمَوْتَی وَ یُمِیتُ الْاَحْیَاءَ وَ هُوَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ
قَدِیرٌ از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت
امام رضا ع منقولست که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن
گردد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که سوره یس را پیش از خواب بخواند حق تعالی
هزار ملک را بر او موکل گرداند که او را از شر شیطان و هر بلا حفظ کنند و از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که سوره اذا وقعت الواقعة هر شب پیش از خواب
بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرمود

که هرکه سوره‌ها که در اول آن سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا محمد
صلی الله علیه وآله وسلم را ببیند و اگر بمیرد در همسایگی حضرت رسول جا دهند اورا و در حدیث
دیگر فرمود که هرکه شب این دعا بخواند تا صبح اورا عقرب و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات
الله التامات التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما برأ ومن شر کل
دابة هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت امام [illegible] منقول
که هرکه در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا و از حضرت امام منقولست که چون کسی بر خت خواب رود بگوید
اللهم انی احتبست نفسی عندک فاحتبسها فی محل رضوانک ومغفرتک وان
رددتها مؤمنة عارفة بحق اولیائک حتی تتوفاها علی ذلک و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول در وقت خواب آیة الکرسی بخواند و بعد از آن میگفت
بسم الله آمنت بالله وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی وفی
یقظتی و بهتر آنست که آیة الکرسی تا هم فیها خالدون بخواند و در حدیث دیگر فرمود
که چون بر خت خواب رود تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و آیة الکرسی و قل
اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه اول سوره صافات و ده آیه
از آخر سوره صافات بخواند و در حدیث صحیح منقولست که آنحضرت [illegible]
فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا

صلی الله



صلی الله علیه وآله عبده ورسوله اعوذ بعظمة الله واعوذ بعزة الله
واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بسلطان الله ان الله
علی کل شیء قدیر واعوذ بغفران الله واعوذ برحمة الله من شر السامة و
من شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار ومن شر فسقة الجن
والانس ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر الصواعق والبرد اللهم
صل علی محمد عبدک ورسولک وآله الطاهرین و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هرکه
صد مرتبه سوره قل هو الله احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه ساله اش آمرزیده
شود و در حدیث دیگر فرمود هرکه در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یکمرتبه آیه
شهد الله و آیه سخره و آیه آخر حم سجده را بخواند حق تعالی دو ملک را موکل گرداند
که شیاطین را از او دور گردانند و آن ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل
و تکبیر خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از او باشد و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که کسی که اراده خواب داشته باشد پهلوی راست
بگذارد و این دعا بخواند اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وخواتیم عملی وما
رزقنی ربی وخولنی بعزة الله وعظمة الله وجبروت الله وسلطان
الله ورحمة الله ورأفة الله وغفران الله وقوة الله وقدرة الله
وجلال الله وبصنع الله وارکان الله وبجمع الله وبرسول الله صلی الله
علیه وآله وبقدرة الله علی ما یشاء ومن شر السامة والهامة

ومن شر الجن والانس ومن شر ما يدب في الارض وما يخرج منها وما ينزل
من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط
مستقيم وهو على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بدرستی
که این تعویذیست که حضرت رسول ص از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند و فرمود
که چون کسی اراده خواب کند باید دست راست را در زیر رو بگذارد و بگوید بسم
الله وضعت جنبي لله على ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله
وولاية من افترض الله طاعته ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن که هرکه
این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ باشد از دزد و غارت و خانه فرود بیفتد و ملائکه
از برای او استغفار کنند و فرمود که هرکه قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی
پنجاه هزار ملک براو موکل گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق ع منقول است
که هرکه پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا بنا کند خانه در بهشت از برای او
کند و هرکه صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و از
حضرت رسول ص منقول است که هرکه سوره الهیکم التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب
قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هرکه یازده مرتبه سوره قل هو الله
احد پیش از خواب بخواند خدا خانه او و خانه همسایگان او را از بلاها محفوظ میدارد و اگر صد مرتبه
بخواند گناه پنجاه سال آمرزیده شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هرکه در وقت
خواب بگوید اللهم اني اشهدك انك افترضت علي طاعة علي بن ابي طالب

والحسن



والحسن وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي
بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة القائم صلوات الله
عليهم اجمعين و در آن شب بمیرد داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که
هرکه در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند حق تعالی یازده ملک براو
موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که هرکه در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك
ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا فاقوم
ساعة كذا وكذا یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی
موکل سازد که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی
کاظم ع منقول است که هرکه خواهد که در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید
اللهم لا تنسني ذكرك ولا تؤمني مكرك ولا تجعلني من الغافلين و
انبهني لاحب الساعات اليك ادعوك فيها فتستجيب لي واسئلك فتعطيني
واستغفرك فتغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت يا ارحم الراحمين که چون
این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد که او را بیدار کنند اگر بیدار شود امر کند
آن دو ملک را که از برای او استغفار کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد

واگر بیدار شود هر حاجتی که بطلبد خدایتعالی باو عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که هر که جزم کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدا اراده کرده که آن
اراده او حاصل شود حق تعالی دو ملک را بفرستد که دامن شب او را حرکت دهند تا بیدار شود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که بخوابد و او را عارضی شود و خوابش نبرد
این دعا بخواند سبحان الله ذی الشأن دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شأن و در
روایت معتبر دیگر منقول است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها شکایت فرمود و بنوع از
بیخوابی فرمود که این دعا بخوان یا مشبع البطون الجائعة و یا کاسی الجسوم العاریة
و یا ساکن العروق الضاربة و یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی
الضاربة و ائذن لعینی نوما عاجلا **فصل هشتم** در بیان نماز و دعای خواب
نیک دیدن و از خواب بد ایمن شدن از حضرت امام جعفر صادق ع منقول است که هر که خواهد
که حضرت رسول ص را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکوی بعمل آورد و چهار
رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از
نماز هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر روی آن
جامه با حلال و حرامی جماع نکرده باشند و دست راست را در زیر جانب راست رو بگذارد
و صد نوبت بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوة الا بالله پس صد مرتبه بگوید ما شاء الله چون چنین کند حضرت رسول ص
در خواب ببیند و در روایت دیگر منقول است که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین ع

در خواب



در خواب ببیند چون بخواهد این دعا بخواند اللهم انی اسئلک یا من له لطف خفی و
ایادیه باسطة لا تنقضی اسئلک بلطفک الخفی الذی ما لطفت به لعبد الا
کفی ان ترینی مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی منامی
و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را در خواب ببیند
با وضو بجانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند پس بگوید اللهم انت الحی
الذی لا یوصف و الایمان یعرف منه منک بدأت الاشیاء و الیک تعود فما
اقبل منها کنت ملجأه و منجاه و ما ادبر منها لم یکن له ملجأ و لا منجا منک
الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت و اسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم
و بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله سید النبیین و بحق علی خیر الوصیین
و بحق فاطمة سیدة نساء العالمین و بحق الحسن و الحسین اللذین جعلتهما
سیدی شباب اهل الجنة علیهم اجمعین السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و
ان ترینی میتی فی الحال التی هو فیها و منقول است که چون حضرت رسول ص رخت خواب
بر فکندند و میخوابیدند باسمک اللهم احیا و باسمک اموت و چون بیدار میشدند
میفرمودند الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و از حضرت
صادق ع منقول است که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین و اله المرسلین
و رب المستضعفین و الحمد لله الذی یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر چون این را
بگوید حق تعالی میفرماید که راست گفت بنده من و شکر کرد مرا و در حدیث دیگر منقول است

که چون از خواب برخیزد و بیدار شود بعد از آنکه بنشیند بگوید اللّهمّ احینی علی احسن الکلام ووضع
علی المضجع وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث
دیگر منقول است که چون از خواب بیدار شوی بگو سبّوح قدّوس ربّ الملائکة والروح
سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انّی ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی انّک انت
التوّاب الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع منقول است که هر وقت که از پهلو به پهلوی دیگر
بگردد الحمد لله والله اکبر بگوید و از حضرت امام علی نقی ع منقول است که چون در میان شب
بیدار شود از پهلو به پهلوی دیگر بگردد بگوید لا اله الا الله الحیّ القیّوم وهو علی کل
شیء قدیر سبحان الله ربّ العالمین واله المرسلین سبحان الله ربّ السموات السبع
وما فیهنّ وربّ الارضین السبع وما فیهنّ وربّ العرش العظیم وسلام علی
المرسلین والحمد لله ربّ العالمین و در روایت دیگر وارد شده که چون از خواب برخیزد
بگوید الحمد لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده واعبده و در حدیث معتبر از حضرت
علی بن الحسین ع منقول است که هر که در وقت خواب این دعا بخواند فقر و دزد و دیو از دور
شود و هیچ گزنده باو ضرر نرساند اللّهمّ انت الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر
فلا شیء فوقک وانت الباطن فلا شیء دونک وانت الآخر فلا شیء بعدک اللّهمّ
ربّ السموات السبع وربّ الارضین السبع وربّ التوراة والانجیل والزبور
والقرآن الحکیم اعوذ بک من شرّ کل دابّة انت آخذ بناصیتها انّک علی صراط
مستقیم و از حضرت رسول ص و آله منقول است که هر که در وقت رفتن به رختخواب سوره

تبارک



تبارک الذی بیده الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللّهمّ ربّ الحلّ والحرام
والبلد الحرام بلّغ روح محمّد عنّی تحیّة وسلاماً حق تعالی دو ملک را موکّل گرداند
که نزد حضرت رسول ص روند و بگویند که فلان شخص ترا سلام میرساند پس حضرت
فرماید که بر او باد سلام و رحمت و برکات الهی **فصل سیم** در دفع ترسیدن
در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر ع منقول است
که هر که در خواب ترسد پس در وقت خواب ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا
شریک له یحیی ویمیت ویحیی وهو حیّ لا یموت پس تسبیح حضرت فاطمه زهرا
علیها السلام بخواند و در طبّ ائمه زیاده کرده است که آیة الکرسی و قل هو الله
احد نیز بخواند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که چون کسی در خواب بترسد
یا اندوه در خواب بر او مسلط شود این آیه بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف
سنین عدداً ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امداً و اگر
طفل بسیار گریه کند این آیه را بخوانند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی ع
منقول است که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سوره قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی بخواند و در روایت دیگر منقول است که در وقت
ترسیدن ده مرتبه بخواند این دعا اعوذ بکلمات الله من غضبه ومن
عقابه ومن شرّ عباده ومن همزات الشیاطین وان یحضرون و آیة الکرسی بخواند
و بگوید اذ یغشّیکم النعاس امنةً منه وجعلنا نومکم سباتاً و در حدیث

خبر منقولست که شهاب بن عبدربه بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که زنی در خواب
من می آید و مرا میترساند حضرت فرمود که باخود بردار تسبیح در وقت خواب سی و چهار
مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو و ده مرتبه
بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت
ویحیی بیده الخیر وله اختلاف اللیل والنهار وهو علی کل شیء قدیر و ظاهر
در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیرست میان آنکه سبحان الله را پیش از الحمد لله
بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که هر که ترسد که محتلم شود
چون بر خفتن خواب رود این دعا بخواند اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن
الاحتلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن پهلو
که خوابیده است به پهلوی دیگر بگردد و بگوید انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین
آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائکة
الله المقربون وانبیاؤه المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رایت ومن
شر الشیطان الرجیم و در روایت معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که چون خواب پریشان
ببیند و بیدار شود بگوید اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاء
الله المرسلون وعباد الله الصالحون والائمة الراشدون المهدیون من
شر ما رایت من رؤیای ان تضرنی ومن الشیطان الرجیم پس بجانب چپ خود

سه نوبت



سه نوبت آب دهن بیندازد و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی بخدمت آنحضرت
گفت که دختری دارم شب در خواب بسیار میترسد فرمود که فصد شو بکن و در روایت دیگر
منقولست که شخصی شکایت کرد که دختر من در خواب بسیار میترسد و گاهی حالتی صعب میشود
و اعضایش سست میشود و میگویند که از طرف جن است فرمود که فصد شو بکن و آب
شبت را با عسل بپز و سه روز بده که بخورد چون کرد شفا یافت و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد که زنی در خواب من می آید و مرا میترساند حضرت فرمود
[illegible] بعد از آن ذکر او را که خدمت
حضرت پیغمبر شاد و از آن حال از او برطرف شد **فصل هفتم** در بیان دعا برای دفع بیدار
و برای بیدار شدن در آخر شب در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که در
وقت خوابیدن این آیه را بخواند قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة
ربه احدا هر وقت از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که خواهد که در آخر شب برخیزد چون بر خفتن خواب رود
بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین
نظر کردن در عقیق و دعا و آداب انگشتر بدست کردن گذشت و باقی دعاهای این آن
چون از مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد باب
دعا وقت خواب و این رساله گنجایش زیاده از این ندارد **فصل نهم** در طلب

خواب راست و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق ع
پرسیدند که چون سبب دارد که مؤمن گاهی خواب می بیند چنان میشود که دیده است و گاهی
خواب می بیند و اثری از آن ظاهر نمیشود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود روحش بجانب آسمان
حرکت می کند پس آنچه روح مؤمن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است
و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین می بیند خواب پریشان است راوی پرسید که آیا روح مؤمن
بآسمان میرود و هیچ در بدن نمی‌ماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه او بمنزلهٔ آفتاب است
که در آسمان است و روشنی و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلیش در بدن است
و پرتوی از او بآسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست
که هر مؤمنی که بخواب میرود روح او را بعرش بنزد پروردگار او می برند پس آنچه در آنجا
می بیند حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشان است و باین
مضمون احادیث بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که شیطانی هست
که او را هزع میگویند در هر شب از مشرق تا مغرب پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید
باین سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت دیگر روایت کرده است که دو نفر به نزد
ابوبکر آمدند و از او مسئله چند سوال کردند او عاجز شد پس بحضرت امیرالمؤمنین ع آمدند
جواب گفت از جمله آنها آن بود که پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود
که حق تعالی روح را خلق کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته است و سلطان او نفس است چون
آدمی بخواب میرود روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند پس روح میگذرد

بگویم چند



بگروهی چند از ملائکه و گروهی چند از جن پس هرچه خواب راست است از ملائکه است و هرچه خواب
دروغ است از جن است و در روایت دیگر منقول است که خوابهای مؤمن صحیح می باشد زیرا که
نفس او پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بدر میرود با ملائکه ملاقات میکند
پس خواب او معجزه و حجت است و در حدیث دیگر منقول است که وحی بعد از حضرت رسول ص منقطع شد
اما خوابهای بشارت دهنده هست و در حدیث دیگر وارد شده است که خوابهای راست یک جزو
از هفتاد جزو از پیغمبری است و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقول است که رای مؤمن و خواب
او در آخر زمان یک جزو است از هفتاد جزو از اجزای پیغمبری است و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
منقول است که چون صبح میشد حضرت رسول ص با صحابه خود میگفت که آیا کسی بشارت دهنده دیده است و مراد خواب است
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که شخصی از حضرت رسول ص سوال کرد از تفسیر این آیه
کریمه الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ یعنی
آن کسانی که ایمان آورده اند و پرهیزکار بوده اند ایشان را بشارت هست در زندگانی
دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت دهنده کانی در دنیا خوابهای نیکو است که مؤمن در دنیا
می بیند و باین بشارت می یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست
که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مؤمن دوم ترسانیدن شیطان سوم خوابهای
پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهای دروغ که اثری ظاهر نمیشود از آن خوابها است
که در اول شب دیده میشود که وقت سلطنت واستیلای شیاطین فجره است و اینها خیالی چند
است که بر روح او صورت می بندد شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست آن خوابی

چنانچه در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است و آن وقت سحر و آن
خواب راست میباشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا بیوضو یا آنکه سرا
از ذکر و یاد خدا بجا آورده باشد پس از خواب که آگاه با این حالت خوابیده باشند خوابش
تعلق نمی‌آید یا دیر جلوه می‌آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که رسول صلعم فرمود
که هرگاه مرا در خواب ببیند چنانست که مرا دیده است در بیداری زیرا که شیطان متمثل نمیتواند شد
بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان و
بدرستی که خواب راست یک جزو از هفتاد جزو پیغمبریست و از حضرت رسول صلعم منقولست که در
آخر زمان خواب مؤمن دروغ نمیشود و هرکه راستگوتر است خوابش درست‌تر است و تحقیق
مقام آنست که چون حق تعالی روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرده است و او را
با ارواح انبیا و اوصیا علیهم السلام داده است و در عالم ارواح با ایشان محشور بوده چنانچه
در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح شیعیان مجتمع بودند فوج فوج در عالم ارواح
پس ارواحی که در آن عالم آشنا یکدیگر بودند در عالم بدن هم آشنا میشوند و آنچه
در آن عالم جدا و نفرت داشتند درین عالم نیز یکدیگر را نمی‌شناسند و از یکدیگر نفرت
می‌نمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای کثیف ظلمانی
محبوس گردانیده اند و بانواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند
و باین سبب او را از عالم قدس بعد و غفلتی روداده اما تفاوت در این باب اختلاف
بسیار است جمعی که مقربانند در کمال آنها اند ارواح ایشان بملاء اعلی در اول نظر و این تعلقات



جسمانی ایشان را از آن عالم دور نگردانیده است بلکه ببدن با مردم محشورند و ارواح ایشان
پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان
مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند
از اشقیا که بالکلیه آن عالم را فراموش کرده اند و بغیر از این نشاه فانیه و لذات دنیه چیزی
بخاطر نمیگذرانند حتی جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشاه دیگر غیر این نشاه را
باور نمیکنند و پیغمبران را در امر معاد تکذیب مینمایند ایشان را مهر بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند
و راه هدایت و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر هستند که با وجود تشبث بدین حق طریقه
دینیه دست از تحصیل مراتب علیه برداشته اند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند که
گوش دل ایشان نه بیدار هستند و گاهی از ملک نفحه میشنوند زمانی با واعظان و در این جمله
محشور اند و زمانی با شیاطین انس مشغول شهوات و فجورند و گاهی بموت گناه خود را میشناسند
و گاهی آب تضرع و توبه خود را تطهیر مینمایند این جماعت چون روح ایشان را باعتبار اشتغال
و تعلقات و خطایا و سیئات بعد عظیم از جناب قدس الهی حاصل است و انبیاء و ائمه و ملائکه
سموات بهم رسیده و در وقت خواب که نفس ایشان را اشتغال به بدن فی الجمله کم میشود حاصل شده
خیالات فاسده که در اراده روز نهادات هر بدن با او در داخل میشد مرده گردید فی الجمله
او را آشنایان قدیم بیاد می‌آید و بادو شیاطین روحانی طرح اختلاط می‌اندازند با
صورت و معنی مزوج مینماید و باده حاشیان و ندیمان بزبان میگوید اما در اول چون
باده او مضبوط خیالات بیدار در خواب حاضر است مشوش در هوا تعلقات خود میکند

و دیگر آنکه این عالم ناقص است پس این علت شیاطین برا او مسلط میشوند و خیالات و علایق باطله
او را بصورتهای گوناگون در نظر او در می آورند و هر چند در او کدورت و دوری بیشتر میشود و نقش
خیالات بیدار بیشتر محو میشود بر و از او بعالم بالا رسانیده میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود
از بیرون آسمانها و زمین و هواها و خواهشهای نفسانیها رنگین بدر رفته و بوی بهشت الهی بعضی
مقربان فایض کنند ایستاده شیاطین ضعیف میشود و لطف ربانی ملائکه آسمانی را برای
تنبیه غافلان و بیدار کردن خواب غفلت ربودگان و دور کردن عساکر شیاطین و خیالات
فرو میفرستند لهذا در آن وقت خوابهای راست و افاضات بجانب ارواح مؤمنان فایض میشود
و ایشان را بر نماز و تضرع و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند بیدار
میکنند و باین سبب نماز تهجد را آن وقت مقرر ساخته اند و آیه کریمه إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ
أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا در شان آن فرو فرستاده اند که حاصل مضمونش آنست که عبادتی که
در شب کرده میشود موافقت دل با زبان بیشتر است و گفتار در آن درست تر است پس در
سعادت اند که قدر آن وقت را بدانند و اندازه آن نعمتها چه اندازه را بشناسند و ملائکه
روحانی را بر دفع وسواس شیاطین یاور خود کرده اند و روح مقدس خود را از آلودگیها تعلقات
و پلیدیها پاک کرده اند و بقرب پروردگار خود رسانند و در آن وقت مبادرت که هنگام راز
و نیاز مقربان است با خداوند بیاد خود هم آوازانیان کرده اند و قدر قدر خود را بیابند
و از دلایل اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشند و آن را
در تعلق علایق محبوس نکرده اند وَفَّقَنَا اللهُ تَعَالَى وَسَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ



مَسَالِكِ الْمُقَرَّبِينَ وَالتَّنَبُّهِ عَنْ نَوْمِ الْغَافِلِينَ و دیگر آنکه چون این بود آنکار بکند تعلقات
جسمانی و شهوتهای الوان نفسانی دنیوی در وقت خواب دورتر بود دل او گشته است و باو
عروج بمراتب علیه بار ... این خیالات آمیخته است لهذا در خواب خبرها بصورتها
دیگر دیده میشود و هر چیز را باعتبار مناسبات شکلها و صورتها هست که در کلام الهی
و سخنان انبیاء و اولیاء برای عقلهای ضعیف و بصیرتهای موقوف محسوسات از غرور بآنها
تنزل کرده اند چون ایشان خود را از معقولات معزول ساخته مدار ایشان بر محسوسات
لهذا معقولات را در لباس محسوسات بایشان نمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند
مار است که خط و خال نیکو دارد و طفل نادان بآن فریفته میشود و در میانش زهر کشنده
هست و چنانچه علم که باعث حیوة دلهاست تشبیه کرده اند باب که باعث حیوة بدنهاست
و چنانچه سبزه دنیا ... باب است سرسبزی دلها بعلم است و چنانچه علم را با درک آفتاب
و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور ندارد که آنها ظاهر را بر طرف میکند و علم ظلمتهای شکوک و شبهات
و حیرتها جهالات را زایل میکند و کلام حق تعالی و انبیاء و اولیاء بر این امثال
مشحون است و سر این همانست که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف
بصیرت انسان هر چیز بصورتی نموده میشود و باین سبب خواب محتاج به تعبیر میباشد
و کار تعبیر کننده آنست که از آن صورتها به صورتها منتقل میشود چنانچه کسی در خواب
می بیند که در میان نقد افتاده است یا در نقش بفضله آلوده شده است معبر میداند
که این صورت دنیاست که در بینی مردم آگاه از فضله و جیفه کمتر است بلا

که مالی بدست او می آید یا می بیند که آرمتوجه او شد مالی رو باد میکند یا می بیند که
درمیان انجمن علما او را دو سید هد و این علمیت عظیم و مخصوص انبیا و اوصیا است
و بزرگ حضرت یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج به بسط است که این رساله گنجایش
آن ندارد انشاء الله تعالی در کتب دیگر که در خاطر هست اگر خدا خواهد به وجه کامل مذکور
شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمود بسیار است که می بینیم و تعبیر
خوب برای خود میکنیم و خواب بهمان نحو که تعبیر میکند واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که زنی در زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله شوهرش در سفر بود خواب دید که ستون خانه اش شکست
بخدمت حضرت آمد و گفت حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش
بسفر رفت و او چنین خواب دید و حضرت چنین فرمود و شوهرش آمد بار مرتبه دیگر شوهرش بسفر
رفت و او چنین خواب دید بمرد شوی [illegible] و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرت میمیرد
چنان شد این خبر آن حضرت شنید فرمود که چرا تعبیر خوب برای او نکرد و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله میفرمود که خواب معلق است در میان آسمان و زمین بر بال مرغی
پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا دیگری برای او تعبیر کند پس بهر نحو که تعبیر
کردند واقع میشود پس خواب خود را نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر
دیگر از آن حضرت منقول است که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برای مؤمنی که خالی باشد از حسد
و عداوت و [illegible] و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت
خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود و نمیدیدم حضرت فرمود که نور ساطعی بود

شاملی



شاملی تو خواهد رسید اگر همه [illegible] میکنند در دین حق ثابت بوده آن شخص گفت
که دیگران پادشاهی تاویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه
بوده اند که این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که در آن امید بهشت
بهم میرسانند و در روایت معتبر دیگر منقول است که محمد بن مسلم بخدمت آن حضرت
عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زنم آمد و کوزه که [illegible] بسیار شکست
و بر سر تو ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و
رختهای نو که پوشیده است بر بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که کوزه مکان
بمنزله جامه است که محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای نو که
عیدها می پوشیدم پوشیده بودم و در خانه نشستم که دختری که [illegible] او را
طلبیدم و بخانه بردم و متعه کردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر
گریخت و من در خانه ماندم رختهای نو که در بر داشتم پاره پاره کرد و منقول
که شخصی دیگر بحضرت عرض کرد که خواب دیده ام و بسیار میترسم دامادی دارم
که مرده است خواب دیدم که دولت در گردن من کرده میترسم که بمیرم حضرت فرمود
که انتظار مرگ بکشی هر صبح و هر شام از مرگ گریزان میباشی اما معانقه مرده
باز زنده کمان علامت طول عمر است بگو که داماد تو چه نام دارد گفت حسین فرمود
که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر معانقه با آن
حضرت در خواب میکنند توفیق زیارت آن حضرت می یابند و در حدیث صحیح

شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی سوار بود و شمشیر چوبی در دست داشت و حرکت
میداد و من او را تماشا میکردم و نترسیدم حضرت فرمود که دعوی ولایت میکند
که تو میخواهی بغیر حق شخصی را از دوستی خود و او را از خدا بترسی و ترک را بیاد آر
و چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا بتحقیق علم عظیم بتو داده است و علم را
از معدنش اخذ کرده بدرستی که شخصی از همسایگان من نزد من آمد و گفت من زن دادم
و بتو میخواهم بفروشم من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم
دروغ کردم که بقیمت بسیار از او بخرم **فصل دهم** در آداب بیدار شدن
خواب بسیار از حضرت رسول صلعم منقولست که سنی کفش و صحبت را شکنی بیدار نماندن
مکروه است و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که شب بیدار داشتن خوب نیست
مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن و در طلب علم و بغیر عروسی که بخانه
شوهر بفرستند و از حضرت صادق منقولست که پنج کس اند که بخواب نمیروند کسی که قصد
کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد و امینی نداشته باشد که بر او
اعتماد کند و کسی که در میان مردم دروغ و بهتان بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیار
از او خواهند و مال نداشته باشد و کسی که محبوبی را خواهد و میداند که از او
جدا شود و بیدار ماندن الحجة و الرضوان ستر بود که ممکن نیست که این شخص باشد
مردمی را که خواب غفلت بسیار میکند زیرا که هر کسی میباید در پی کشتن نفس اماره
خود باشد که دشمن اند در پی است و میتوانند در پی گشتن انگشت و سرمایه



گردد

از آن حضرت منقولست که هرکه در خواب ببیند که در حرم است اگر مسلمان باشد ایمنی
و شخصی دیگر بآنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که چوب نیزه در دست داشتم و بود
که آهن بر سرش نبود گفت نبود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسری میداد چون آهن
نداشته است خدا ترا دختر خواهد داد بیساعتی صبر کردند بعد از آن پرسیدند که
نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر هم خواهی داشت
محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن
دختر هایم و پانزده خانه دارم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا فرمود
که من در شب بود که علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشم سفید بود
تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد و در حدیث دیگر منقولست که یاسر خادم حضرت
حضرت امام رضا روایت کرد که در خواب دیدم که قفسی ده گنجشک در میان قفس بود
ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست حضرت فرمود که اگر خوابت راست است میباید
شخصی از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاهی کند و بعد از آن بمیرد
پس محمد بن ابراهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و بعد از هفده روز بمرد و در
روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر بمن
دادند و آنقدر خوردم که دیدم از میان ناخنهایم بیرون می آمد پرسیدند که
بچه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق عرض کرد که خواب دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی و در آنجا

نخله

ایمان و طاعات نیکی را در دل آدمی نداده و نفس و شیطان و هوا و شهوات بر اتفاق کرده‌اند
بر غارت ایشان و دروغ و بهتان بسیار گفته است هر کسی و او از هر کسی طاعات و بندگی بسیار
نخواهند و آنچه باید تحصیل نکرده‌اند و چون خدا تحصیل داده‌اند و بخواب غفلت فرو
رفته‌اند بیدار نشده‌اند پس کسی که این همه اسباب بیداری دارد و باشد چگونه خواب کند
و از حضرت صادق منقول است که عجب دارم از کسی که دعوی محبت الهی میکند و تنها خواب
میکند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که هر که از شبیخون عذاب خدا ترسد باید
که کم خواب کند و منقول است که چهار چیز است که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری
و دشمنی و از حضرت رسول منقول است که مادر حضرت سلیمان به او گفت که زنهار در شب
خواب بسیار مکن که بسیار خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت صادق
فرمود که سه چیز است خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیدار کشیده باشد و خنده
کردن بی تعجب و بسیار چیز خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را کردند شش چیز
بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان و محبت خواب و محبت
راحت و از حضرت امام محمد باقر منقول است که شیطان را سرمه است که در دیده
مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند و سعوطی هست که در بینی مردم
میکشد اما سرمه اش خواب است و لعوقش دروغ است و سعوطش تکبر است و حضرت امیر
المؤمنین فرمود که مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی
و از حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت موسی مناجات کرد که ای پروردگار

کدام بنده



کدام بنده از بندگان خود را دشمن میداری خطاب رسید که آنکه شب تا صباح مانند مردار
افتاده است و روز را به بطالت بشب میرساند و از حضرت امام موسی منقول است
که دیده خود را بخواب عادت مده که هیچ عضو در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمی
کند و حضرت صادق فرمود که خدا دشمن میدارد بسیار خواب کردن و بسیار فارغ بودن را
و فرمود که بسیار خواب دنیا و آخرت را میبرد و بدانکه بسیار بیدار کشیدن هم مذموم
مذموم است و در غیر شبها که مخصوص احیای آنها وارد شده است تمام شب بیدار بودن
کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که دیده را بر آدمی حقی است بر بسیار بیدار
حق آن را ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب و بیداری در آفتاب خوابیدن و
نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقول است که کسی که در آفتاب
نشیند پشت را به آفتاب کند که رو به آفتاب نشستن دردهای پنهانی را ظاهر میگرداند
و در حدیث دیگر فرمود که رو به آفتاب مکنید که موجب بیماری است و رو را متغیر
میکند و جامه را کهنه میکند و دردها را که پنهان است ظاهر میکند و حضرت رسول
منقول است که در آفتاب چهار خصلت هست رنگ را متغیر میکند و بو را بد
میکند و جامه را کهنه میکند و باعث درد میشود فصل یازدهم در آداب بیت الخلا
چون خواهد که داخل بیت الخلا شود سر را بپوشاند و اگر در بالای عمامه چیز دیگر
بر سر کند بهتر است و بسم الله بگوید و دعائی که بهترین دعاها است بخواند بسم الله و بالله
اللهم انی اعوذ بک من الخبث المخبث الرجس النجس الشیطان

الرجیم و دیگر بگوید بسم الله و بالله و لا اله الا الله رب اخرج عنی الاذی
سرحا بغیر حساب و اجعلنی لنعمتک من الشاکرین فیما تصرفه عنی من الاذی
والغم الذی لو حبسته عنی هلکت لک الحمد اعصمنی من شر ما فی هذه
البقعة و اخرجنی منها سالما و حل بینی و بین طاعة الشیطان الرجیم و چون داخل
شود پای چپ مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثی بنظر نرسیده و چون عورتش باز شود
بسم الله بگوید تا شیطان چشم بهم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون فارغ
شود بگوید اللهم اذهب عنی القذی والاذی و اجعلنی من المتطهرین و جمعی
گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده کند اما سندش بنظر
نرسیده و چون غایط باول بدن شود بردن آید و بعضی گفته اند مطلقا این دعا بخوانند
اللهم کما اطعمتنیه طیبا فی عافیة فاخرجه منی خبیثا فی عافیة و در حدیث است
که بر هر بنده فرشته موکل است که سر او را بزیر می اندازد و در بیت الخلا که نظر بحدث
خود کند پس آن فرشته بگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خورشهاست که سعی بسیار
در جمع و پاکیزگی آنها میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت کجا
رسید پس سزاوار است که در آن حال بنده این دعا بخواند اللهم ارزقنی الحلال
و جنبنی الحرام و چون نظرش بآب استنجا افتد بگوید الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا و لم یجعله نجسا و چون خواهد که استنجا کند بگوید اللهم حصن
فرجی و استر عورتی و حرمنی علی النار و وفقنی لما یقربنی منک یا ذا





یا ذا الجلال و الاکرام و چون برخیزد و دست و شکم بمالد و بگوید الحمد لله الذی
هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی چون خواهد که بیرون آید پای راست
مقدم دارد بنا بر مشهور و دست بر شکمش بمالد و بگوید الحمد لله الذی عرفنی
لذته و ابقی فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون
قدرها و در بعضی از کتب حدیث یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است و سنت است
که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند و طریقه
استبرا آنست که انگشت میانه دست چپ را نزدیک مقعد گذارد سه بقوت بکشد تا زیر
خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت را بزیر ذکر گذارد و انگشت ابهام را بالای آن
و بقوه بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر علما گفته اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد
و این سند ندارد و سنت است استنجا بآب سرد کردن که دفع بواسیر میکند
و بسیار نشستن در بیت الخلا مکروه است و منقولست که حضرت لقمان فرمود که بر در بیت
الخلا نوشته اند که بسیار نشستن در بیت الخلا باعث بواسیر میشود و استنجا
باستخوان و سرگین کردن مکروه است زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول صلعم آمدند
و از برای خود و حیوانات خود طعمه طلبیدند حضرت استخوان را از برای ایشان و سرگین را
برای حیوانات ایشان قرار داد و باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و هم
چنین استنجا با سایر مطعومات کردن خصوصا نان که اهانت شدید دارد و [illegible]
بچیزهای محترم مثل تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه و نوشته کردن

قرآن یا نام خدا یا پیغمبران یا ائمه ع یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بوجه استخفاف
کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروه است و بدست چپ هم مکروه است
در صورتی که در آن انگشتری باشد که در آن اسم خدا باشد و الحاق کرده‌اند
علما اسماء انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام را هرگاه بقصد نام ایشان کنده
باشند و مکروه است با خود بردن به بیت الخلا چنین انگشتری را هر چند در انگشت
نباشد و هم چنین با خود بودن قرآن و تعویذ و دعا و هم چنین با خود بردن نقره
سکه دار مگر آنکه در کیسه باشد و مکروه است مسواک کردن در بیت الخلا که
باعث گندهٔ دهن میشود و مکروه است حرف گفتن در آن حال مگر بذکر خدا
و دعاهای مقرره و آیة الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن گوید از پی او گفتن
چنانچه منقولست که حضرت موسی ع در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند روی
میکند که ترا از آن بزرگتر میدانم که در آن احوال ترا یاد میکنم فرمود که ای موسی
در هر حالی مرا یاد کن که یاد من در هر حالی نیکوست و واجبست رد سلام و اگر
اسم حضرت رسول ص را بشنود صلوات بفرستد بنا بر قول جمعی و سنتست که اگر عطسه
کند حمد بگوید و صلوات بفرستد و جایز است که اگر کاری باکسی داشته باشد و
ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره و بدست زدن اعلام نتواند کرد سخن
بگوید و منقولست که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش برآورده نشود و مکروه است
خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط کردن و استنجا کردن بآبی که بوئی

متغیر



متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافت نشود **فصل دوازدهم** در بیان احوال
و اوضاع و مکانهائی که نهی از آنها وارد شده است واجبست که عورت خود را از ناظر
محترم بپوشانند نه از زن و منقوعه خود و نه از کنیزی که وطی او تواند کرد و نه از
اطفالی که تمیز نداشته باشند و سایر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر
و فرج زن و سنتست که تمام بدن را بپوشانند یا آنکه پنهان شود در خانه یا کوی
و اگر در صحرا باشد دور شود که کسی جثه او را نبیند و اکثر علما برآنند که حرامست
رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه
در بنا و احوط اجتنابست چنانچه از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که برابر قبله
بول کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم و اجلال قبله بگرداند
بجانب دیگر از آنجا برنخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت
استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنتست که رو بمشرق یا بمغرب کند و احوط
آنست که از میان مشرق و مغرب نیز اجتناب کند احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی
در معرفت قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد
باکی نیست و در این صورت اگر پشت بقبله کند بهتر است و سنتست که از جهت بول
بر جای بلندی یا جائی که خاک بسیار داشته باشد برود که خاطر جمع باشد که باو ترشح
نکند چنانچه منقولست که حضرت رسول ص از همه کس بیشتر احتراز از بول میکردند
تا آنکه هر گاه اراده بول میکردند بجائی بلند میرفتند یا جائی که خاک نرم بسیار بود

که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن
بول و از بدخلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب ایستاده بول کردن بدتر
است و در احادیث معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب ایستاده بول کردن باعث سلس البول و نسیان میشود و مورث دیوانگی
و غلبه جن است و بهتر آن است که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه
بلکه غایط را هم ایستاده کردن مکروه است و از حضرت صادق منقول است که هر که ایستاده بول کند
بیم آن است که دیوانه شود و از جای بسیار بلند بول کردن مکروه است و مکروه است بول کردن
در سوراخ جانوران و بول و غایط کردن در مجرای آب هر چند آب نداشته باشد و همچنین در زیر
باغ و کنار نهرها و در مسجدها و نزدیک دیوارهای مسجدها و در خانه‌ها و در جاهایی که
مردم دشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار و در وقتی که میوه داشته باشند
زیرا که ملائکه در آن وقت با آن درختان هستند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران
و بعضی گفته‌اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است که در جایی که مردم قافله فرود می‌آیند
و جایی که مردم از آن منافع میبرند جمع از آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقول است
که حق تعالی لعنت کرده است کسی را که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی
که منع کند مردم را از آب مباح که در جاها و چشمه‌ها مردم بنوبت بآن وارد میشوند یا آنکه
که ملک جایی باشد و هر دفعه یا هر شب نوبت شخصی باشد صاحب نوبت را منع کند و کسی
که راه شارع مردم را سد کند به فساد کشیدن یا راه زنی کردن یا عبور کردن





باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از
امراض و ذکر بعضی از ادعیه و احراز فصل اول در ثواب بیمار و صبر کردن
بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق منقول است که روزی رسول خدا سر بجانب آسمان بلند کردند و تبسم فرمودند
که صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که بزمین
فرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جای عادتش طلب کردند که عمل روز و شب او را
بنویسند او را در جای نمازش نیافتند پس بآسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده
را در جای نمازش طلب کردیم او را نیافتیم و او در بیماری مبتلا یافتیم حق تعالی فرمود که بنویسید
برای بنده من مثل آنچه در حالت صحت از افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام
که در بند من است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول منقول است که چون مؤمنی را
ضعف و پیری غالب شود حق تعالی امر میفرماید که آنچه در جوانی و وقت نیکو کرده است برای او
بنویسند و همچنین ملک را موکل میگرداند که برای مؤمن بیمار بنویسند آنچه در حالت
صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای کافر بیمار بنویسند آنچه در حالت صحت از کارهای بد
میکرده است و در حدیث صحیح و غیر آن از حضرت امام محمد باقر منقول است که بیداری یکشب
از بیماری و درد بهتر است از عبادت یک سالی و در حدیث دیگر منقول است که حق تعالی ملک
دست چپ را امر میفرماید که در ایام بیماری مؤمن گناه ننویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقول است که بدنی که بیمار نگردد طغیان میکند و خیری نیست در چنین بدنی

و در حدیث دیگر فرموده که یکشب تب برابر است با عبادت یک سال و دو شب
تب برابر است با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد
سال و از حضرت صادق منقولست که یکشب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است
و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیمار
بکشد و با خدا از عیادت کنندگان شکایت نکند بدل میکنم برای او گوشتی بهتر از گوشت
او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم
بسوی رحمت خود میبرم او را و در احادیث معتبره از حضرت صادق منقولست که هر که یک شب
بیمار بکشد و قبول کند آن را آنچه شرط قبول کردن است با آنکه کسی را خبر ندهد از
آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت ساله
باو عطا فرماید و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که حق تعالی بیماران را گوید که
که من شبها خواب بر دیده شما حرام داشتم بلکه از ایشان که بگوید به چه مبتلا شده‌ام که
کسی را بآن مبتلا نکرده است و آنچه بمن رسیده بهیچ کس نرسیده است مثل اینها و در حدیث
دیگر فرموده که تب رسول مرگ است و زندان خدا است در زمین و گرمی از جهنم است
و بهره مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین منقولست که نیکو دردیست
تب به هر عضوی میرسد بهره از بلا و خیری نیست در کسی که به بلا مبتلا نشود و در روایت
دیگر وارد شده است که مؤمن چون تب میکند گناهانش از او میریزد مانند برگ
از درخت و اگر بر رختخواب بیفتد ناله‌اش ثواب سبحان الله دارد و فریادش

ثواب



ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو گردیدن مانند کسی است که در راه خدا شمشیر
زند و از حضرت امام رضا منقولست که بیماری برای مؤمن پاک کننده است از گناهان او و رحمت
الهی است نسبت باو و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرموده که یکشب درد سر کفاره
هر گناهی میکند بغیر گناهان کبیره و از حضرت صادق منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست
دارد یکی از سه تحفه از برای او میفرستد یا تب و یا درد سر و یا درد چشم و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که بلا بپیغمبران از همه کس شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیا
ایشان پس بعد از اوصیا هر که نیکوتر و فاضل‌تر است بلای او عظیم‌تر است و مؤمن را بقدر
ایمان و اعمال نیکش بلا باو میرسانند پس هر که ایمانش صحیح‌تر و عملش نیکوتر است بلایش
شدیدتر است و هر که ایمانش ضعیف‌تر و عمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث
معتبره از حضرت صادق منقولست که ثواب بلای عظیم عظیم است و هیچ گروهی را خدا دوست
نمیدارد مگر آنکه ایشان را مبتلا میگرداند و فرموده که حق تعالی را بندهٔ خالص هست که
هیچ تحفه بر زمین نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلا نمیفرستد
مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست دارد غوطه میدهد او را در بلا غوطه دادنی
و میریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را بخواند حق تعالی میفرماید لبیک
ای بندهٔ من اگر زود بتو بدهم آنچه طلبیدی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنم برای تو
آنچه بهتر است از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که مؤمن چهل

برا و غمگین در دمی که انگاه اورا امری رو میدهد که اندوهگین شود و بنشیند آگاه و مشغول گردد
و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است که در بهشت منزلی هست که هیچ کس بآن منزل نرسد
نمیرسد مگر آنکه بلا بیند او بسیار فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب برای
او هست هر آینه آرزو میکند که بدنش را بمقراض پاره پاره کنند و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مؤمن را بتحفه بلا چنانچه کسی از سفر تحفه برای اهل خود
بفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزهای
که باو ضرر میرساند و از حضرت صادق ع منقول است که شخصی حضرت رسول ص را بخانه خود طلبید
چون حضرت داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد
و بر روی میخی که در میان دیوار بود بند شد و نه افتاد و نه شکست حضرت تعجب فرمودند
آن شخص گفت که از این تعجب میفرمائید حق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده که هرگز
نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند و گفتند
که هر که را نقصان باو نرسد امید خیر در او نیست و در دیگر حدیث فرمود که خدا مؤمن را
به بلا مبتلا میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را برطرف نمیکند نمی بینی که شیطان
بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط نشد که بآن عقل
خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که مؤمن میباید که اگر نه آن بود
که مؤمن در دل خود چیزی بیابد هر آینه عصابه بر سر کافری بستم که هرگز درد سر
باو نرسد **فصل دوم** در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول است





کردوا چهار حضرت حجامت و دوا در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث
دیگر منقول است که آن حضرت گذشتند بجماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد
اگر تاخیر میکردید تا شب روز دوشنبه که درد را بیشتر از بدن بیرون میکند و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول ص در روز دوشنبه حجامت میکردند و باجرت حجام گندم میدادند و
در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص روز دوشنبه درد را از بدن بیرون میکند
روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی ع در روز جمعه حجامت
میکردند گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی حضرت فرمود که هر گاه که خون زیادتی
کند پس تو هر وقت خواهی در روز آیة الکرسی بخوان و حجامت کن و از حضرت رسول ص
منقول است که هر که حجامت کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه
او را شفا دهد از درد آن سال همه و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و
دیوانگی و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام
علی نقی ع در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه از حضرت
رسول ص روایت کنند که هر که در روز چهارشنبه حجامت کند و پیسی بهم رساند ملامت
نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که مادرش در حیض او را
حامله شده باشد و از حضرت صادق ع منقول است که هر که خواهد که حجامت کند باید
که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستی که در هر شب جمعه خون از جای خود حرکت میکند
و در روز قیامت بجای خود بر میگردد تا بعد روز شنبه فرمود که هر که حجامت کند

در پنجشنبه آخر ماه و در اول روز دردم و از بد حتی بکند و در حدیث دیگر فرمود که
چون حجامت کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را برون بند
بسم الله اعوذ بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم ومن کل سوء
و در حدیث دیگر فرموده که حضرت رسول ص حجامت در سر و در میان هر دو کتف و در دو پشت
کردن میکردند یکی را نافعه می نامیدند و دیگری را مغیثه یعنی فریاد رسنده و سیم را منقذه
یعنی خلاص کننده از بلاء و در روایت دیگر فرموده که منقذه آنست که از سر پنج نیز
کنی حجامت باشد و هر جا که برسد آنجا حجامت کنی و در روایت معتبر منقول است که حضرت
امام موسی ع در روز چهارشنبه حجامت کردند و تب برطرف شد پس در جمعه حجامت کردند
و تب برطرف شد و از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند
[illegible] عافیت یابد از هر بلا و محفوظ ماند از هر درد و محل حجامتش سبز نشود و در
روایت دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق ع بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند و فرمود
که حجامت بکنید در روز چهارشنبه که روز نحسی است و در روز جمعه ساعتی هست که هر که در آن
ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرموده که روز سه شنبه روز خون گرفتن
است و در روایت دیگر از حضرت رسول ص نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز
چهارشنبه و از حضرت امام موسی ع منقول است که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و بیند
معتبر از حضرت رسول ص منقول است که اگر در چیزی شفا هست در نیشتر حجام و در خوردن

عل



علامت و فرمود که نیکو عادتیست حجامت دیده را جلا میدهد و درد را میبرد و حضرت صادق ع
فرمود که جبرئیل از برای حضرت رسول ص مسواک و خلال و حجامت را آورد و در فقه الرضا ع
مذکور است که چون اراده حجامت کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بسم الله
الرحمن الرحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی من العین فی الدم ومن کل
سوء واعلالی واسقامی واوجاعی واسئلك العافیة والمعافات
والشفاء من کل داء و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق ع منع کردند که مردم
بد بدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه را و فرمود که حضرت رسول ص فرمود که هر گاه کسی
زیادتی خون در خود یابد البته حجامت کند که مبادا او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از
آذار ماه رومی که ماه اول بهار است حجامت کند باعث صحت بدن او شود و حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که حضرت رسول ص را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر اینکه پناه بحجامت میبرد
و در حدیث دیگر فرمود که حجامت سر شفاست از هر دردی بغیر از مرگ و در حدیث دیگر
فرمود که هر که نظر کند باول محجمه از خون او که بیرون آید امان یابد از درد چشم تا حجامت دیگر
و در روایت از حضرت صادق ع منقول است که چون حضرت رسول ص حجامت میکردند با آب
سرد غسل میکردند که حرارت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص
اول در روز کردن حجامت میکردند پس جبرئیل آمد امر کرد که حضرت را بحجامت میان دو کتف
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق ع حجامت کردند و بعد از حجامت سه بار
قند یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمود که چون صفرا را منع میکند و حرارت را

دفع میکند و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن
میکند و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حجامت در روز شنبه
باعث ضعف میشود و در روایت دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در میان
شب زیادتی خون می یافتند و در آن وقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که در ماه مبارک رمضان بهتر آنست که حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت در روز دوشنبه
سنت و حجامت بعد از عصر در روز دوشنبه سنت و فرمود که زینهار که ناشتا حجامت مکن تا آنکه
چیزی بخوری که ناشتا باعث بیرون آمدن خون در وقت بدن میشود و فرمود که چون بعد از
اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون
صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت
حضرت صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبیدند و فرمودند که بخور دارا بشو و بعد کسی پی انار طلبیدند
وتناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند وتناول فرمودند و گفتند
که خوردن انار درین وقت صفرا را فرو مینشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از پی سیر
کردم بعد از حجامت چه میخوردند گفت بیش تر کاسنی و سرکه و فرمود که یکی است و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که کسی که خواهد که حجامت کند در روز شنبه حجامت بکند و فرمود که حجامت کردن
در روز یکشنبه شفای هر دردیست و در روایت دیگر وارد شده است که نباید حجامت کرد در روز
چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در روز پنجشنبه خون در موضع
حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در بدن متفرق میشود پس حجامت پیش از ظهر بکنید و در حدیث

دیگر



دیگر فرموده اند حجامت کردن در وقت ظهر روز جمعه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در
ماه حزیران در دو حجامت که در اول آن باشد سنت است حجامت بکنی و اگر نشود در چهاردهم بکنی و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که حجامت را در آخر روز نیکو افزاید و از حضرت رسول صلی الله علیه منقولست که حجامت در گودی
پشت سر موجب غلبه فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که حجامت سر بغایت رساننده است
و برای هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس همه وقت ابرو شبه کردند حجامت پشت و بالها
که انگشتها در بر میدارند دوا است که در اینجا حجامت باید کرد و در روایت دیگر منقولست
که روز سه شنبه نافع است که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون بند نشود تا بمیرد
و فرمود که در وقت ظهر روز جمعه حجامت کنند و بلا باو برسد ملامت نکند مگر خود را
و در حدیث دیگر که آیة الکرسی بخوان در دهم روز که خواهی حجامت بکنی و فرمود که حجامت
سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی چشم
و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یک مرتبه او را حجامت کنید
در گودی پشت سر که تعالی نوشانده میکند و حرارت را از سر و بدن نفی میکند و منقولست
که حضرت امام محمد تقی علیه السلام طبیبی طلبیدند و فرمودند که رگی که دلنت بگشاید و منقولست
که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمود و شخصی دیگر
از خارش بدن شکایت کرد فرمود که سه مرتبه در هر ماه حجامت کن در پشت پا در میان
کعب و پشت پا و شخصی بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد از جرب فرمود که فصد پا را است
بکن و بعد در روز دوم دو روغن بادام شیرین بر روی آب بکشد بیرون بخورد و ماست و سرکه بخورد

در تحفه دیگر بخور تا مادم ملاقات گردد از چوب و فرموده کردن الکحل است **فصل سوم** در بیان
نماز که از ائمه ع وارد شده است و بینا جواند جمیع اطبا از حضرت موسی ع منقولست که دو
سه است دو ور است پس درد ترو است یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون حجا
مت است و دوای مره سهل است و دوای بلغم حمام است و از حضرت صادق ع منقولست که از دوای پیغمبران است
حجامت کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که بهترین دوائی که استعمال میکنید چهار چیز است حقنه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن و حمام رفتن و در حدیث
دیگر فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه است و آخر دوا ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر
فرمود که طب عرب در هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام و قی و جوید
عسل و آخر دوا ایشان داغ کردن است و از حضرت صادق ع منقولست که حقنه از جمله دواهای عظیم است
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو بالیدن و قی کردن و حقنه
کردن و فرمود که طب عرب در حجامت و حقنه و حمام و قی و دارو در بینی کردن است و آخر
دوا داغ سوختن است و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که بهترین چیزی
که با آن مداوا کنید حقنه است شکم را بزرگ میکند و درد اندرون را پاک میکند و بدن را
قوت میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید و در فقه الرضا ع مذکور است که
حقنه را اساس سرچشمه دواها است و معده خانه دردها است و پرهیز را به آنچه او را
عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت درد دارد و فرمود
که هرگاه که گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه که تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید بول

بکن



بکن و تا ضرور نشود جماع مکن و هرگاه که خواب غلبه کند بخواب چون چنین کنی
بدنت صحیح میماند و فرمود که علم دوا مانع میشود از تاثیر کردن و
که مقدر شده است که آن مرض تا آن وقت باشد چون آن مدت منقضی شد دوا
رخصت اثر میدهد و با آن جمع دوا شفا میابد ممکن است که از آن مدت دعا
یا تصدق یا کار خیر بکند که خدا پیش از آن مدت دوا را رخصت تاثیر بدهد
و فرمود که در عسل شفای دردهاست و هرگاه که عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع میکند
و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی میکند هرگاه با کندر
خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو مینشاند و طعام را هضم میکند و
اخلاطی که در معده است میگدازد و تب را برطرف میکند و فرمود که اگر چرک بدن را نه
میکند مالید بدنت و جامهای نرم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر
برده را مالیده کی کند زنده نبود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمان را دفع میکند
و شفاها حکم را برطرف میکند و فرمود که بیمار را بیهوده چیزی مانند دعا و تصدق
و آب سرد و فرمود که منتهای پرهیز و امساک چهارده روز است و پرهیز نه است
که چیزی نخورد بلکه آنست که کم بخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر
در مقام معارضه و مقاتله اند پس هرگاه که صحت غالب آمد نفع دوا ظاهر شود [illegible] قوت
بهم میرساند پس هرگاه که طعام بطلبد بدهید که شاید شفای او در آن باشد و فرمود
که شفا در دعا هست پس بیماران خود را مداوا کنید به تصدق و طلب شفا کنید

بخوانند که هر که دا قرآن شفا ندهد هیچ چیز سبب شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
که هر که دردی در بدن خود یابد و حرارت را بر مزاج خود غالب یابد باید زنان را جماع کند
که حرارت را فرو می‌نشاند و از حضرت صادق ع منقول است که عامه دردها و بیماریها از غلبه
صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاده می‌باشد پس باید که آدمی تعهد احوال
خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شوند و او را هلاک کنند و از حضرت رسول ص منقول است که
مداوا کنید بیماران خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند
و فرمود که تصدق مرگ بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقول است که
شخصی بخدمت حضرت امام موسی ع عرض کرد که من ده نفر از عیالم بیمارند فرمود که ایشان را
دوا کنید بتصدق که هیچ چیز زودتر از تصدق نفع نمیکند و بیشتر از دعا
منقول است که شخصی بیمار شد حضرت امیرالمؤمنین ع باو فرمود که از زن خود بگیر درهمی از
کابین داده بطلب که بتو ببخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد و
شفا یافت سبب این را پرسیدند از آن حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از
مهر خود چیزی بطیب خاطر ببخشند بخورید گوارا و با عاقبت نیک و در باب عسل میفرماید
که در آن شفاست از برای مردمان و در باب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آب
مبارک پس در اینجا گوارا و صحت و عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث
دیگر منقول است که مردی بخدمت حضرت صادق ع آمد و عرض کرد که درد دارم و بوای
آن اطبا شراب گفته اند میخورم حضرت فرمود که چرا دوای خود نمیکنید بچیزی که خدا





فرموده که هر چیز از آن زیاده بر کفایت باشد موافق نمیکند و فرمود که هر علتی نمیخورد که شفا
درمان گردد ایشان بیش از کفایت بدن تم نمی آید و فرمود که هر اشتها نمیخورد که گوشت را نخوران
بیشتر از آنچه در ده بیت کفایت با طبع موافق نمیکند و فرمود که نخواهم که تو را رخصت
بدهم که شراب بخوری و ابته که هرگز نکنم و در حدیث معتبر از آن حضرت منقول است که زراه
رنجی بیمار نگیرد مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است
که شخصی بآن حضرت شکایت کرد که بیماران ما را بیمار میشوند اطبا ایشان را امر بامساک
و پرهیز میکنند و فرمود که ما اهل بیت امساک نمیکنیم مگر از خرما و خود را علاج میکنیم به
سیب و آب سرد پرسیدند که چرا از خرما امساک میکنید فرمود که برای آنکه حضرت پیغمبر
و حضرت امیرالمؤمنین ع را در بیماری از آن امساک فرمود و در روایت دیگر از آن
حضرت پرسیدند که تا چند روز بیمار باید پرهیز و امساک کند فرمود که تا ده روز و در
روایت دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود پرهیز و امساک بعد از هفت
روز دیگر نفعی ندارد و از حضرت امام موسی ع منقول است که پرهیز آن نیست که در اصل
چیزی را نخوری بلکه آن است که بخوری و کم بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که حضرت موسی پیغمبر ع مناجات کرد که پروردگارا درد از کجا است خطاب رسید که از من
پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که از من پرسید که پس چه میکنند مردم این حکیمان را
خطاب رسید که دلهای مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از
حضرت امام موسی ع سوال کرد از داغ کردن بیماران و عوذها و افسونها بر اخفای

خواندن فرمود که باکی نیست و داغ کردن و افسون که معنیش دانند و در حدیث صحیح دیگر منقول ست
که شخصی از آن حضرت پرسید که من محتاج میشوم بطبیب نصرانی و یهودی و معالجه میکند مرا و برای او
سلام بکنم و او را دعا بکنم فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث
دیگر فرمود که تا ممکنست رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردن است که اندکی
بسیار میکشد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که مبتلا باید که دوا نکند تا غالب شود
بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند و
بمیرد من از او بیزارم و در حدیث دیگر فرمود که هر که بی حاجت دوا بخورد اعانت بر
کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند
که بمعالجه طبیب یهودی یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست
و در روایت دیگر از حضرت صادق ع پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست که او را میکشد
و گاه شفا می یابد اما بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حق تعالی دوا را فرستاده است
و شفا را میفرستد و هیچ دردرا خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن آفریده است
بخورد و نام خدا را ببرد در وقت خوردن و از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که زنی یا مردی
چشمش آب آورده باشد و اطبا میگویند که چشم ترا میل میزنیم اما باید که یکماه یا چهل روز
بر پشت بخوابی و حرکت نکنی و باین حالت نماز بایما باید بکند حضرت فرمود که چون
مضطر است باکی نیست و از حضرت صادق ع منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد گفت دوا
نمیکنم تا آنکسی که مرا درد داده است شفا بدهد حق تعالی باو وحی فرستاد که دوا نکنی

من شفا نمیدهم



من شفا نمیدهم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که من چهارپایان را
می برم و داغ میکنم بآتش فرمود که باکی نیست گفت دوای تلخ که سبب مرگ دارد بمردم میدهم مثل
غاریقون فرمود که باکی نیست گفت گاه هست که میمیرد فرمود که هرچند که بمیرد باکی نیست
گفت که گاه هست که شراب و بوزه میدهم که بخورند فرمود که در حرام شفا نیست حدیث و در
معتبر دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و گاهست بدنش را می برند
و گاه منتفع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکند و در حدیث دیگر عرض کردند که
کسی داغ میسوزانند بر بدن و گاه هست که میکشد فرمود که شخصی در زمان حضرت پیغمبر داغ
سوزاند و حضرت بر بالای سرش ایستاده بودند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقولست که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در بدن دردی بر می انگیزد و هیچ چیز
در بدن نافعتر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی **فصل دویم**
در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که ما دوا نمیکنیم تب را بغیر از
آب سرد ریختن بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق ع منقولست که تب از بوی جهنم است
فرو نشانید حرارت آنرا بآب سرد و در حدیث دیگر فرمود که از برای دفع تب هیچ چیز
نافعتر از دعا نیست و از مفضل منقولست که بخدمت آن حضرت رفتم در ایامی که تب داشتند
و آن حضرت تب داشتند دیدم که طلبیدند آنچه بود از سیب ساییده عرض کردم که مردم
این را بتب خوب نمیدانند فرمود که این تب را فرو می نشاند و حرارت را فرو می نشاند و در
حدیث دیگر فرمود که مقدار دو دم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است

و آب سرد

و از حضرت امام رضا ع منقولست که روزی رسول ص نزد حضرت امیرالمؤمنین ع آمدند و آن
حضرت تب داشت فرمودند که سخت تناول ننماید و از حضرت امام موسی ع منقولست که خاریدن
بدن و غلبه خواب و درد سر و شوره و دملها علامت زیادتی خونست و از حضرت امیرالمؤ
منقولست که تب کنید کوتاهی به تب بنفشه و آب سرد در تابستان بر بدن صاحب تب بریزید
و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفاست از تب و جمیع دردها و وسواس و شکهایی که بهم میرسد
آب باران که بدن شما را پاک میکند و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید
گفت باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه که یکی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب سرد بر او
بریزید و باو بخورانید که آن خداوندی که در تلخی شفا میدهد قادر است که در شیرینی شفا بدهد
و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که دو ماه بیمار گشتم
خدا مرا الهام کرد برنج را گفتم که شستند و اندکی بو دادند و آرد کردند و در آن آب
جوش کردند و پاره نمک کردم و پخته را در میان آب کردم و خوردم و فرمود که تب برطرف
شد و دیگر فرمود که تب را به آب سرد دوا کنید و دیگران ... و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که علاج تب بسیار چیزها مانند ... و مسهل دارد و از ابراهیم جعفی منقولست
که بخدمت آن حضرت رفتم و شکایت کردم از تب ربع فرمود که نبات یا قند را بسا و در میان
آب بریز و ناشتا در وقتی که احتیاج باب خوردن شود بخور چنان کردم و از تب شفا یافتم
و حضرت امام موسی ع فرمود که در معالجه تب غب کهنه که عسل و سیاه دانه را باهم

ممزوج



ممزوج کنی و سه انگشت از آن بخور که این دوای مبارکیست و خدا عسل را فرموده که شفا است
و حضرت فرمود که در سیاه دانه شفا است از همه دردها بجز مرگ و از حضرت امام علی نقی ع
منقولست که بهترین چیزها برای تب ربع آنست که در روز نوبه پالوده با عسل بسیار
و زعفران بسیار در آن بکنی و در آن روز غیر از آن چیزی نخوری و از حضرت امام رضا ع منقولست
که این تعویذ بنویسند و بخوانند بسم الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا اله
الالهة و یا ملک الملوک و یا جبار السموات والارض اشفنی و عافنی من دائی
هذا فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی قبضتک و ناصیتی بیدک سه مرتبه این
دعا را بخوان تا خدا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است
که حضرت رسول ص را تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را برای آن حضرت خواند
و در ساعت زایل شد بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک بسم الله من کل داء
یعنیک بسم الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنئک بسم الله الرحمن
الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرئن باذن الله و در چند حدیث معتبر منقولست
که بر هیچ بیمار و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن درد ساکن میشود
و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد و عرض کرد که یکماهست
که تب میکنم و آنچه اطبا گفتند بعمل آوردم و برطرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن
خود را بگشا سر را در گریبان پیراهن خود داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه
سوره حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم گویا که از بند رها شدم و در حدیث

و در حدیث دیگر منقول است که یکی از فرزندان آن حضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله
بگو که هیچ مؤمنی نمی‌گوید مگر آنکه حق تعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر
فرمود که هر که را علتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه
بخواند که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقول است که از داود بن زربی
که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام رسید بمن
نوشتند که بطعام کردم بخور دیر گشت بخواب و آن کفن را بر سینه خود ببند و بگو اللهم
إنّي أسألك باسمك الذي إذا سألك به المضطرّ كشفت ما به من ضرّ ومكّنت له
في الأرض وجعلته خليفتك على خلقك أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وعلى أهل بيته
وأن تعافيني من علّتي پس در دست بنشین و کفن را جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن کفن را
چهار حصه کن و هر حصه بیک فقیر بده و باز دعا را بخوان داود گفت که چنان کردم گویا از
بند رها شدم و بسیار کسی کردند و شفا یافتند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقول است
که چون بیمار شود هفت مرتبه بگو أعيذك بالله العظيم ربّ العرش العظيم
من شرّ كلّ عرق نعّار ومن شرّ حرّ النار و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و انا انزلناه
في ليلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادت بر بدن بیمار بنویس اللهم
ارحم جلده الرقيق وعظمه الدقيق من سورة الحريق يا أمّ ملدم إن
كنت آمنت بالله واليوم الآخر فلا تأكلي اللحم ولا تشربي الدم
ولا تنهكي الجسم ولا تصدعي الرأس وانتقلي عن فلان بن فلان و نام او

و مادرش





آب دهن و آن موضع بینداز و در روایت دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت شکایت کرد
از درد مفاصل فرمود که این دعا بخوان اللهم إنّي أسألك بأسمائك وبركاتك و
دعوة نبيّك الطيّب المبارك المكين عندك صلّى الله عليه وآله وبحقّه و
بحقّ ابنته فاطمة المباركة وبحقّ وصيّه أمير المؤمنين وبحقّ سيّدي شباب
أهل الجنّة إلّا أذهبت عنّي شرّ ما أجد بحقّهم بحقّهم بحقّهم بحقّك يا إله العالمين
چون این دعا را خواند در همان ساعت درد ساکن شد و در حدیث دیگر روایت است که شخصی
بحضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از عرق النسا فرمود که هر گاه از بستر خواب شود دست بر آن موضع
بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله أعوذ بسم الله الكبير وأعوذ
بسم الله العظيم من شرّ كلّ عرق نعّار ومن شرّ حرّ النار ۳ مرتبه این
دعا را خواند و از آن مرض نجات یافت و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی را
لقوه پیدا و عارض شده بود بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت فرمود که برو و بر وضو درستی دو
رکعت نماز بکن و دست بر رو بگذار و بگو بسم الله وبالله هذا أخرج أقسمت
عليك من عين إنس أو عين جنّ أو وجع أخرج أقسمت عليك بيمين بالذي اتّخذ
إبراهيم خليلًا وكلّم موسى تكليمًا وخلق عيسى من روح القدس لما هدأت
وطفئت كما طفئت نار إبراهيم اطفئي بإذن الله اطفئي بإذن الله در مدتی
خلاص کرد دعا فیه ... و در مکارم الاخلاق مذکور است که برای عرق مدینی که
... بنویسند بسم الله ... و مقابل ... و بنا بدو هفت مرتبه که بآن ببندد

در هر رکعتی ده مرتبه سوره حمد را بخواند پس ۳ مرتبه بر آن دمند یا بر آن شخص این دعا بخواند
بسم الله الاحد الاحد الصمد الحد القریب لنا بعد القائم عن الولد العالی
عن ولد الفتح لنا وعد القوی بذ عدد القوی بذ لم یلد ولم یولد ولم یکن
له کفوا احد یا خالق کل الخلق یا عالم السر والخفیة یا من السموات بقدرته
مبناة یا من الارضون بعزته مدحوة یا من الجبال بارادته مرساة یا من بحار
صاحب الموت من کل امة و بلیة صلی الله علی محمد خیر خلقه واشف اللهم
فلان بن فلانة بشفائک و دوائک و عافیتک و عافنی من بلائک انک قادر علی ما
تشاء وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد النبی و آله و از حضرت امیر المؤمنین
ع منقولست که خواندن این دعا برای دفع بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب
یا مجیب یا بارئ یا راحم صل علی محمد و آله واردد علی نعمتک واکفنی امر وجعی و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام رضا ع شکایت کرد از بواسیر فرمود که سوره یس را
با عسل بنویس بشو و بخور و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که را درد پا باشد
بهر جا که درد باشد دست بر آن موضع بمالد و بگوید بسم الله ادفعک من الحد و الحد بدو
من ابی العود و ابی المولود و من العرق الفاتر و من الورم الا و من الکفا
و عقه و من التراب و برده امض الیک باذن الله الی اجل مسمی فی الانعام
بسم الله فتحت و بسم الله ختمت پس آن کارد را در زمین فرو برد و در حدیث
دیگر فرمود که چون حضرت داود ع را ... در بدن عارض شد دلت میکردند

دیگر



سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و بدو
بر دو بکشند و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام موسی ع که برای قولنج و باد و درد
مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون یک کف کنجد یا یک کف ... کوبیده
و آن قدر آب بر آن بریزند که بپوشد و در دیگ پاکیزه بریزند و صاف کنند و بگیرند
تا دنگ مجموع در هر چهار بقدر یک قدح بزرگ بخورد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بحضرت صادق ع عرض کرد که باد از سر تا پای مرا گرفته است فرمود که عنبر و زعفران را ...
بجهان و در روایت دیگر منقولست که صباح بن محارب بحضرت امام موسی ع عرض کرد که شخصی
باد لقوه دارد ... ... و ... را ... فرمود که ... از
... بگیرد و در ... بکند و ... به بندد و ... بمالد و در ... بکفار
یک ... بیان ... و در ... پس ... بگوید و
... مخلوط سازد و ... بخورد و آن ... که ... بمالد و بر آن ... خوابید
تا آن ... خشک شود ... و در حدیث دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از ... قطع شود و ... بول
از وی آید فرمود که ... بگیر و ... آب سرد ... آب گرم ... و درد ...
... پس ... و در روایت دیگر منقولست که ...
... و ... و ...
... بگوید ... تمام عمل

صاف کرده باشکر بخورد داخل کند و هر شب بقدر فندقی بخورند و در چند روایت وارد شده است
که خوردن تره برطرف میکند بواسیر را و در روایت دیگر فرمود که بیخ و برگ تره تا دوس بواسیر را زایل
میکند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع این دوا را از برای دفع بواسیر فرمود که بلیله
سیاه و بلیله و آمله اجزا مساوی کوفته بکوبند و از حریر بیرون کنند پس بقدر آن از مقل ازرق کوفته
در آب تره بخیسانند شب پس این دوا را در میان آن بخیسانند خمیر کنند و روغن بنفشه
چرب کرده آنرا بقدر عدس حب کنند و در سایه خشک شود و اگر در تابستان باشد بقدر
یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در آن ایام که این دوا بخورد از ماهی
و سرکه و سبزی اجتناب کند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام علی نقی ع شکایت
کرد از کند دهنی فرمود که خرمای برنی بخور و دیگری شکایت کرد از یبوست مزاج فرمود که [illegible]
ناشتا بخورد و آب بر بالای آن بخورد چاق کرده و فربه شد و رطوبت بر مزاجش غالب شد و
از رطوبت شکایت کرد با او فرمود که [illegible] ناشتا بخورد و آب بعد از آن مخور چاق کرده
مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق ع منقولست که برای دفع زیادتی بلغم بگیرد کندر رومی و
دار [illegible] و زنجبیل و سیاه دانه اجزا مساوی بگیرد و هر دو را نرم بکوبد و ببیزد و با عسل خمیر کند و هر شب
در وقت خواب بقدر یک فندق بخورد و از حضرت امام رضا ع منقولست که بگیرد از هلیله
زرد یک مثقال و از خردل دو مثقال و از عاقرقرحا یک مثقال و بسیار نرم بکوبد و ناشتا
بر دندانها بمالد که بلغم را دفع میکند و دهن را خوشبو میکند و دندانها را محکم میکند و از
حضرت صادق ع منقولست که ناشتا بحمام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحمام رفتن

صفرا



صفرا و سودا را دفع میکند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که بحمام ناشتا رفتن بلغم را کم میکند

## فصل دوازدهم

در بیان قلیلی از تعویذات برای دفع سحر و سموم و گزنده ها و سایر بلاها

و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که برای دفع سحر این دو تعویذ را
بنویسند بر پوست آهو نوشته با خود نگاه دارند بسم الله و بالله بسم الله و
ما شاء الله بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله قال موسى ما جئتم به السحر
ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين فوقع الحق وبطل ما كانوا
يعملون فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين و در روایت دیگر فرمود که از برای سحر
یا علی هر شب بعد از نماز شب پیش از شروع در نماز صبح در چهار جانب خانه او کف سه
مرتبه بگو بسم الله و بالله سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون
اليكما بآياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون و در روایت دیگر منقولست که جبرئیل
خبر داد حضرت رسول ص را که لبید بن اعصم یهودی سحر کرده آن حضرت را پس حضرت رسول ص
امیرالمؤمنین را طلبید و فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور و حضرت امیرالمؤمنین ع
بآن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و آب خشک شد و بیرون آوردند و بنزد حضرت
رسول ص آوردند و ما بگشادند که شانه بود که یازده گره بر آن زده بود پس جبرئیل نازل شد دو سوره قل
اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را آورد و از آنجا حضرت رسول ص فرمود که یا علی
این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس هر آیه که حضرت میخواندند یک گره گشوده میشد چون
هر دو سوره تمام شد تمام گرهها گشوده شد و سحر برطرف شد پس موافق این حدیث وارد شده

معتبر وارد شده است که چشم بد را تأثیر بسیار است و فرموده‌اند که بسا باشد که چشم آدمی را به قبر و شتر را
به دیگ داخل کند پس کسی که خوش آید او را چیزی از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر ما
خلاف به بود و در روایت دیگر از حضرت صادق منقول است که چون ترسد که چشم او در کسی یا چیزی
کسی در آن تأثیر کند سه مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
و فرمود که هرگاه کسی با زینت بیرون خواهد که از خانه بیرون رود در وقت بیرون رفتن قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس بخواند و بیرون رود تا چشم بد در او اثر نکند و در روایت دیگر
فرمود که هر که را اثر چشم باو رسیده باشد دستها را باو برداشته بلند کند و سوره حمد و قل هو الله
احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و دست بر پیشانی سر بکشد و از حضرت
رسول منقول است که هر که از شیطان و جادو و کاهن ترسد این آیه را بخواند ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار
یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک
الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین و در
روایت دیگر منقول است که شخصی به حضرت صادق شکایت کرد از اندیشه‌ها و خیالات فاسد در دل و وسوسه
شیطان که در دلش به هم میرسد فرمود که دست بر دل بگذارد و سه مرتبه بگوید بسم الله وبالله
اللهم مننت علی بالایمان واودعتنی القرآن ورزقتنی صیام شهر رمضان فا
منن علی بالرحمة والرضوان والامن والغفران وتمام ما اولیتنی من النعم

والاحسان



والاحسان یا حنان یا منان یا دائم یا رحمن سبحانک ولیس لی احد سواک
سبحانک اعوذ بک بعد هذه الکرامات من الهوان واسئلک ان تجلی عن
قلبی الاحزان پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و در روایت دیگر منقول است که
شخصی به آن حضرت شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی و اندوهی عارض میشود
و چون بمیان مردم میروم بر طرف میشود فرمود که دست بر دل بگذارد و بگوید بسم الله
بسم الله بسم الله پس دست بر دل بمالد و بگوید اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة
الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله
واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی هفت
مرتبه این دعا را بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد
از آزار و درد بسیار کردن و در سوراخها بینی فرمود که دست بر سینه بکشد و بگوید بسم الله
وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم اللهم امسح عنی ما اجد پس دست بر سینه بمالد و سه مرتبه بخواند این دعا را
الوافی
آن شخص چنین کرد و آن حالت از او برطرف شد و شیخ احمد بن فهد در کتاب عدة
از برای گشودن کسی که از او امری مشکل بود این دعا را نقل کرده است که بنویسد
و با خود نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا
لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک
صراطا مستقیما بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس

يدخلون في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا ومن آياته
ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان
في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غا
لبون ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء
على امر قد قدر رب اشرح لي صدري ويسر لي امري واحلل عقدة من لساني
يفقهوا قولي وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم
كذا بين حلت فلان بن فلان على فلانه بنت فلانه لقد جاءكم رسول من انفسكم
عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم و در حديث معتبر از حضرت امير المؤمنين ع
منقولست که چون زنی بهمرسد که شوهر او را دوست ندارد و آورده بنزد رسول ع ظلم و کم کند
و یافت میشد امر الهی و گفت یا رسول الله چه عزا زین کرد او آورده که جبرئیل
نازل شد و گفت بدرد کار بنده مست ... ومیگوید که این دعا بخوان و بجو که در شو
آیت ... امر فرمود انجا که این دعا را خواندند دادن کو ... خود
وانشان شاد .. بود ... امر فرمود که ایشان را تعلیم کنند دعا اینست بسم الله الذي
لا يشتبه بر كل مؤمن ويبعد عن كل مؤمن وبنوره الذي اضاءت به السموات
والارض ويتقدد به الشيء فضع لها كل جبار عنيد واستكن كل شيطان مريد من
شر الشم والتجي واللهم بسم المعلي الملك القدوس الذي لا اله الا هو و





وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا و در حديث
دیگر منقولست از حضرت امیر المؤمنین ع که کسی از شیر و حیوانات درنده و دزد و خود که نخواهد
خود نومید بود در خود و تنها خطی بکند و بگوید اللهم رب دانیال والجب و رب
كل اسد مستاسد احفظني واحفظ غنمي در نموده که کسی از عقرب ترسد این آیت بخواند
سلام على نوح في العالمين انا كذلك نجزي المحسنين انه من عبادنا المؤمنين و در
حدیث معتبر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع گفت که چون شیر را ببینی در برابر او آیة الکرسی
بخوان و بگو عزمت عليك بعزيمة الله وعزيمة محمد رسول الله وعزيمة سليمان بن
داود عليهما السلام والائمة من بعده الا تنحيت عن طريقنا ولم تؤذنا
فانا لا نؤذيك راوی گفت که شیری بخوردم و این دعا خواندم سر بزیر انداخت
و دم را در میان پا گرفت و رفت و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع
عرض کرد که من جانوران درنده را شکایت کردم و شب در صحراها و جاها میگذرانم
میترسم فرمود که چون داخل خوابگاه شوی پای راست را پیش گذار و بسم الله بگو و چون بیرون
آئی پای چپ پیش گذار و بسم الله بگو آسیبی بتو نرسد و از حضرت امام رضا ع منقولست
که چون شیر را ببینی در برابر او سه مرتبه الله اكبر بگو الله اعز واكبر واجل من
خلقه واعوذ بالله مما اخاف واحذر و چون ... بر تو نومید کند این آیه را
بخوان يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست

که تا دفع ضرر جانوران زمین این دعا بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
محمد رسول الله صلی الله علیه واله اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من
شر کل هامة تدب باللیل والنهار ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت امام صادق منقولست
که هرگاه از عقرب بترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک بستاره دوم بنات النعش است
و سه مرتبه بگو اللهم یا رب اسلم علی محمد وال محمد وعجل فرجهم وسلمنا راوی گفت که
تا حال یکشب نخوانده‌ام و در آن شب مرا عقرب گزید و در حدیث دیگر فرمود که از مار و عقرب
بترسید در اول شب این دعا بخوانید بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد واله واخذت
العقارب والحیات کلها باذن الله تبارک وتعالی بافواهها واذنابها و
اسماعها وابصارها وقواها عنی وعمن احببت الی صحوة النهار و در روایت دیگر
فرمود که این دعا بخوانند بسم الله وبالله وتوکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی کنفک وفی جوارک واجعلنی من حفظک
واجعلنی فی امنک و در روایت معتبر از حضرت امام موسی منقولست که اصحاب حضرت رسول
در بعضی از جنگها از حضرت شکایت کردند از بسیاری کیک فرمود که در وقت خواب این دعا را
بخوانید ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیک بام
الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب اللیل ویجیء الصبح بما جاء و از حضرت
صادق منقولست که هرکه غضبناک شود اگر ایستاده باشد بنشیند تا ساکن شود غضبش و اگر
بر خویش خود غضبناک شود باید که بدن خود را ببدن او بساید تا ساکن شود و در حدیث دیگر

فرمود



فرمود که در هنگام غضب این دعا بخوانند اللهم اذهب عنی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی وا
جرنی من مضلات الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک واسئلک جنتک و
اعوذ بک من نارک واسئلک الخیر کله واعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی
والصواب واجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال ولا مضل و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که چون چیزی ترا فراموش شده باشد و خواهی که بیاد آوری دست بر پیشانی
بگذار و بگو اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر وفاعله والآمر به ان تصلی علی محمد
واله وتذکرنی ما انسانیه الشیطان و در حدیث معتبر وارد شده است که از برای ادای قرض
این دعا را بخوانند اللهم اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک و شخصی بخدمت حضرت
امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبانت را
تر بدار بخواندن سوره انا انزلناه [?] و از حضرت امام موسی منقولست که از برای دفع فقر و پریشانی
که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله و در حدیث
دیگر از حضرت رسول منقولست که هرکه فقر بسیار داشته باشد [?] بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا
بالله بدرستی که این کلمه گنجیست از گنجهای بهشت و در آن شفای [?] درد هست که کمتر آنها اندوه
و در حدیث بسیار معتبر وارد شده است که هرکه بعد از هر نماز صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید حق تعا
لی بلا را ازو دور گرداند که سهلترین آنها غم و اندوه باشد و در حدیث معتبر منقولست که هرکه بعد از [?]
ما شاء الله صد مرتبه بگوید در آن سال او را هیچ نقصی نشود و اگر در آن سال فوت نشود زنده با
شد و بتوفیق حج بیابد و در احادیث بسیار وارد شده است که لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

العظیم دفع اندوه میکند و در احادیث معتبره از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که هرکه
این دعا بخواند ایمن بود از آدم و جن و انس جمیع نشوند بر او ضرر رسانیدن بسم الله و بالله و من
الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک وجهت وجهی و الیک
فوضت امری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی
و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک و قوتک و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در وقتی که منصور دوانقی در غضب و در نهایت
غیرت و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این دعا خواندند غضب او ساکن شد یا عدتی
عند شدتی و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک الذی لا یرام
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که برای برگشتن غلام که گریخته باشد بر کاغذی آیة الکرسی بنویسد و در
پای آن بنویسد اللهم السماء لک و الارض لک و ما بینهما لک فاجعل ما بینهما اضیق
علی فلان و نام غلام را بنویسد من جلد جمل حتی ترده علی و تظفرنی و این دعا را
بنویسند و آن کاغذ را در موضعی که در تنها در آنجا بچرخاند ... در کفن و بپیچد سنگین
و بالای آن بگذارد و در حدیث دیگر وارد شده که هرگاه جانوری گم شود این دعا بخواند
اللهم انک اله من فی السماء و اله من فی الارض و عدل فیهما و انت الهادی
من الضلالة و ترد الضالة رد علی ضالتی فانها من رزقک و عطیتک اللهم لا
تفتنی بها مؤمنا و لا تغن بها کافرا اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و علی
اهل بیته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که برای گم شده بگوید و عنده مفاتح الغیب

لا یعلمها



لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة
فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین اللهم انک تهدی من
الضلالة و تنجی من العمی و ترد الضالة صل علی محمد و آله و اغفر لی و رد
ضالتی و صل علی محمد و آل محمد و سلم و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که برای گم شده
دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و بعد از نماز رو بسوی
آسمان کرده دارد و بگوید اللهم راد الضالة و الهادی من الضلالة صل علی محمد
و آل محمد و احفظ علی ضالتی و اردد ها الی سالمة یا ارحم الراحمین فانها من
فضلک و عطائک یا عباد الله فی الارض و یا سیارة الله فی الارض ردوا علی
ضالتی فانها من فضل الله و عطائه و در روایتی منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند
که تعویذی با خود میدارم و جنب میشوم چون است فرمود که باکی نیست اما زن چون حایض
میشود باید که تعویذ را با خود نگاه دارد در میان پوست باشد و فرمود که هر چیز از دعا
و قرآن و تعویذ که گوشتها در دل نگذارید اینها که معنیش معلوم نباشد نخوانید
و فرمود که بسیار تعویذها و افسونها کفر است **فصل دوازدهم** در فواید تربت شریف حضرت
امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از ادویه مفرده در احادیث معتبره بسیار وارد شده
که در خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای هر دردیست و آنست که دوای بزرگ و در حدیث
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که را علتی حادث شود و تربت آن حضرت را مداوا
کند البته شفا یابد مگر علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت

از حضرت شفا می‌طلبند از هر دردی و امان می‌خواهند از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام فرزندان
خود را به تربت آن حضرت بردارید که امان میدهد از بلاها و در روایت دیگر منقولست که حضرت
امام رضا ع بسته متاعی جهت بعضی فرستادند یکی از آنکه گشودند از تربت آن حضرت در میان آن میکذا
شند پرسیدند گفت از برای آنکه محفوظ باشد و در حدیث معتبر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق ع
سؤال کرد که بعضی از مردم از تربت حضرت امام حسین ع برمیگیرند و منتفع میشوند و بعضی
نفع نمی‌یابند فرمود که والله که هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می‌یابد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی به آن حضرت عرض کرد که زنی رشته بمن داد تا که بجامه کعبه معظمه هم
که جامه کعبه معظمه را بآن بدوزند حضرت فرمود که آن را بده و عسل و زعفران بخر و خاک
قبر حضرت امام حسین ع را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و بشیعیان
بده که بیماران خود را بآن دوا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاک قبر حضرت امام حسین ع
شفاء هر دردیست و چون ثلث زمین و در بیش از یک فرسخ و در روایات معتبر دیگر
فرمود که تربت شفا را تا یک فرسخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میتوان برداشت و فرمود که هیچ
چیز مثل آن نیست در شفا مگر دعا و چیزی که برکت این را کم میکند در جاهای ناشایسته
گذاشتن و کم اعتقادی آن کسی است که میخورد اما کسی که یقین داند که آن شفاست هر وقت که
بآن معالجه کند البته آن را بس است دیگر احتیاج نشود و فاسد میکنند و کم می‌کند و نفع
تربت را شیاطین و جنیان کافر که خود را بآن میمالند و هر چیز که میکنند در آن راه می
یابند و شیاطین و کافران جن رشک میبرند بر فرزندان آدم بتربت خدا بر آن





میمالند که بوی خوش آن را کم می‌کنند و هر تربتی که از حایر بیرون می‌آورند از تقدیر که نتوان
شمرد از شیاطین که از ایشان محافظ کرده داخل حایر نمیشوند در بیرون مهیا می‌باشند که تا از حایر بیرون
آورند خود را بآن بمالند و اگر تربت از ایشان سالم ماند هر بیماری که بخورد در ساعت شفا
یابد پس چون تربت را برداری بر بند و پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و من
شنیده‌ام که بعضی تربت را برمیدارند و آن را سبک می‌شمارند حتی آنکه در میان توبره
چهارپایان یا در میان ظرف طعام می‌اندازند از چنین تربتی چون شفا بیابند
بدرستی که کسی که صاحب یقین نیست باستخفاف امری که موجب صلاح اوست اعمال خود را
فاسد میگرداند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که مرا مرض و درد
بسیار می‌باشد و هر دوائی که خوردم نفع نکرد فرمود که چرا تربت حضرت امام حسین ع را
نخوردی که در آن شفای هر دردی و امان هر بیم هست وقتی که میخوری تربت را بگو اللهم انی
اسئلک بحق هذه الطینة وبحق الملک الذی اخذها وبحق النبی الذی قبضها
وبحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد واهل بیته واجعل فیها شفاء من
کل داء واماناً من کل خوف پس فرمود که شفای هر درد دارد اما ایمن از هر خوفی
فرمود که هر گاه از ظالمی یا از بلائی اندیشه داشته باشی از خانه بیرون میا مگر آنکه
خاک قبر آن حضرت با تو باشد و در آن وقت که خاک را با خود برمیداری بگو اللهم هذه
طینة قبر الحسین ولیک وابن ولیک اتخذتها حرزاً لما اخاف ولما لا اخاف و از ابو حمزه
ثمالی منقولست که حضرت صادق ع فرمود که چون خواهی تربت قبر را برداری سوره حمد و قل

اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا
انزلناه و آیة الکرسی بخواند و بگوید اللهم بحق محمد عبدک و حبیبک و نبیک
و رسولک و امینک و بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عبدک اخی رسولک و
بحق فاطمة بنت نبیک و زوجة ولیک و بحق الحسن و الحسین و بحق الائمة
الراشدین و بحق هذه التربة و بحق الملک الموکل بها و بحق الوصی الذی هو
فیها و بحق الجسد الذی تضمنت و بحق السبط الذی ضمنت و بحق جمیع ملائکتک و انبیائک
و رسلک صل علی محمد و آله و اجعل هذا الطین شفاء لی و لمن یستشفی به من کل
داء و سقم و مرض و امانا من کل خوف اللهم بحق محمد و اهل بیته اجعله علما نافعا
و رزقا واسعا و شفاء من کل داء و سقم و آفة و عاهة و جمیع الاوجاع کلها
انک علی کل شیء قدیر پس بگوید اللهم رب هذه التربة المبارکة المیمونة و
الملک الذی هبط بها و الوصی الذی هو فیها صل علی محمد و آل محمد و سلم و انفعنی
بها انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر که در وقتی که تربت را بخورد اول ببوسد و بر
هر دو دیده بگذارد و زیاده از یک نخود نخورد که هرکه زیاده بخورد چنانست که گوشت
ما را خورده است و در وقتی که از قبر بیرون آورد بگو اللهم انی اسئلک بحق الملک الذی
قبضها و اسئلک بحق النبی الذی خزنها و اسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعلها شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و
حفظا من کل سوء پس تربت را در پارچه ببندد و سوره انا انزلناه را بر آن بخواند

و در حدیث



و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هرکه تربت را بقصد شفا بخورد چنانست که گوشت ما را
خورده باشد و چون بقصد شفا خورد بگوید بسم الله و بالله اللهم رب هذه
التربة المبارکة الطاهرة و رب النور الذی انزل فیه و رب الجسد الذی
سکن فیه و رب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من داء کذا و کذا و آن
آزار را ذکر کند پس تربت را بخورد و یک جرعه آب بعد از آن بخورد و بگوید اللهم
اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء و سقم چون چنین کند
دفع میشود الخ در خوردن بابی از دردها و غم و اندوه و در روایت دیگر فرمود
که در وقت خوردن این دعا بخواند بسم الله و بالله اللهم اجعله رزقا
واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب
التربة المبارکة و رب الوصی الذی واراه صل علی محمد و آل محمد و اجعل
هذا الطین شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و از حضرت امام موسی
۳۴
منقولست که چون میت را دفن کنند در لحد او چیزی از خاک حضرت امام حسین
بگذارند و در حدیث دیگر فرمود که مؤمن می باید که از پنج چیز خالی نباشد مسواک و
شانه و سجاده و تسبیح از تربت که سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیق و از
حضرت صادق منقولست که هرکه تسبیح خاک از حضرت بگرداند بهر استغفار
استغفار برای او نوشته میشود و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و ذکر نگوید بعد
هر دانه هفت استغفار از برای او نوشته شود و در حدیث دیگر فرمود که هرکه قائل

بر حضرت امام حسین ع را بخود شد و بخورد چنانست که گویند حضرت امام حسین ع را فرو خورد و
دید اکثر مشهور میان علما آنست که بقدر نخود میتوان خورد و چون بعضی احادیث علاوه بر
میشود بهتر آنست که زیاده از عدسی نخورد اما خوردن جایز است و از حضرت صادق ع منقولست که هر که شب
کند و در شب اول بودن دو درهم یا سه درهم بوزن قطور نانخورد در آن مرض ایمن گردد
از برسام و در احادیث بسیار دیگر وارد شده که فضیلت عناب بر سایر میوه‌ها مانند فضیلت
ما است بر سایر مردم و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که عناب تب را زایل میکند
و در روایت دیگر منقولست که ابن ابی المصیب گفت که دیده من سفید شده بود و چیزی
نمیدیدم شبی حضرت امیرالمؤمنین ع را در خواب دیدم فرمود که عناب را بکوب و در
دیده بکش چون بیدار شدم عناب را با هسته اش ساییدم و در دیده کشیدم دیده ام
صحیح و بینا شد و در حدیث دیگر از حضرت رسول ص منقولست که بلا و اکثر بسیار که
اکثر مرضها را دفع میکند آن سناست و از حضرت صادق ع منقولست که چهار چیزست که
طبیعتها را باعتدال می آورد انار سورانی و غوره پخته و بنفشه و کاسنی
و از حضرت صادق ع منقولست که در سیاه دانه شفاست از هفت بیماری مرضها و در
روز روایات وارد شده است که از حضرت رسول ص پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود
که بگیرید و بکوبید اشتر را در کهنه بکنید و کتب در آب بخیسانید و چون تب شود در
بینی راست دو قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین
کنید و در روز سیم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در





مرتبه و آنها نانه کنند و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شخصی بآن حضرت
شکایت کرد که از بسیار آمدن بول آزار میکشم فرمود که سیاه دانه را در آب جوش بخورد
و فرمود که من اورا میخورم و تب و درد سر و آزار چشم و درد شکم و جمیع دردها
و مداینم مرا بآن شفا میدهد و از حضرت رسول ص منقولست که بر هر برگ از ورق
و دانه درخت انار ملکی موکل است که با آنها هست تا آنکه برسند و دیدنه اش و شنا
غم و تنگی را بر طرف میکند و در هر دانه اش شفاهی است و در دو هفت بس مداوا
کنید بانار شیرین و کنید و از حضرت صادق ع منقولست که در هر خانه که انار شیرین در آن هست شیاطین
تا هفتاد خانه از آن خانه دور میکند و آن شفا هست از هفتاد مرض که آسان تر
آنها حزن است و در روایت دیگر منقولست که هیچ [illegible] کرد از جمیع آفت
خوردن بر او نازل شد که امرکن امت خود را که انار بخورند که باعث شجاعت میشود
و فرمود که کند دو کوبیده پخوران بست و پیچ دوری ز ود تراند و در آن با سنج باد بغیر در
و آن دور کننده شیاطین و دفع کننده بلاهاست و از حضرت امام حسین ع منقولست
که اگر مردم بدانند که چه منافع در بلیله زرد هست هر آینه بوزن آن طلا بخرند
و از حضرت امام رضا ع منقولست که بخورید انجیر که دفع قولنج را نافع است و
فرمود که گند دهن را برطرف میکند و استخوان را محکم میکند و مو را میرویاند
و درد را زایل میبرد و از حضرت رسول ص منقولست که خوردن انجیر تر و خشک بواسیر را
قطع میکند و نقرس و غلبه برودت و باطن را نفع میدهد و حضرت صادق ع فرمود

که بوی خوش عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از آن شریفتر و نافعتر نیست و حضرت امام
فرمود که باد روج از ما است و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق فرمود که کاهو
خون را صافی میکند و از حضرت صادق منقولست که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس
و [illegible] است و از حضرت رسول ص مرویست که هر که سداب بخورد و در شب بخوابد دهان او
ایمن باشد از درد ... و از درد ... و ذات الجنب و در حدیث دیگر منقولست که
آن حضرت ریحان و سیاه دانه و انجره را معروف میکردند و بعد از ... و طعامی که هیچ
مرضی از آن بود تناول میفرمودند و گیاه بابونه ساییده ... ساختن بعضی از طعام میخوردند
و میفرمودند که چون بامداد این را بخورم از خوردن هیچ چیز پروا نمیکنم و تقویت معده میکند
و بلغم را میبرد و امان میبخشد از لقوه و فرمود که ... برکت قرار داده است در عسل و در آن
شفا از جمیع دردها است و در آن هفتاد برکت قرار داده است و حضرت صادق فرمود که سرکه
شراب بن دندان را محکم میکند و کرمهای شکم را میکشد و عقل را محکم میکند و فرمود که خوردن
اشنان زانو را سست میکند و آب پشت را فاسد میکند و دهن را بدبو میکند و فرمود
که هر که زنیان و گندنا را ... بخورد ... و باد را دفع میکند و ... ها را
بگشاید و بلغم را میسوزاند و موجب ادرار بول میشوند و دهن را خوشبوی میکند و
معده را ... میکند و لقوه را دفع میکند و قوت جماع را زیاد میکند و در چند حدیث وارد
شده است که ... دفع ... میکند **باب ...** در آداب معاشرت
با مردم و حقوق اصناف ایشان **فصل اول** در بیان حقوق خویشان و غلامان و کنیزان

در احادیث



در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که رحم در روز قیامت چسبیده بعرش الهی میزند و میگوید
پروردگارا هر که مرا در دنیا صله کرده است تو امروز او را برحمت خود واصل کن و هر که
مرا قطع کرده است در دنیا تو امروز او را از رحمت خود قطع کن و در احادیث بسیار منقولست
که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمالست و مال را زیاد میکند و بلاها را دفع
میکند و عمر را زیاد میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث صحیح از حضرت
رسول ص منقولست که در دو طرف صراط امانت و صله رحم است پس کسی که در امانت مردم خیانت
نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از صراط بآسانی میگذرد و به بهشت میرود و کسی که
خیانت در امانت کرده و قطع رحم کرده است عملی دیگر او را نفع نمیدهد و صراط او را
در آتش می افکند و حضرت صادق فرمود که صله رحم کردن و با همسایگان نیکو سلوک کردن
خانه ها را آبادان میکند و عمرها را زیاد میکند و از حضرت رسول ص منقولست که هیچ عملی ثوابش
زودتر از صله رحم نمیرسد و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که چیزی را نمیدانیم
که عمر را زیاد کند مانند صله رحم تا آنکه گاه هست که شخصی سه سال از عمرش مانده است و
بسبب صله رحم عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی از عمرش سی و سه سال مانده
است و بسبب قطع رحم سه سال میشود و در حدیث موثق منقولست که شخصی از آن حضرت
سوال کرد که خویشان دارم که شیعه نیستند آیا ایشان را بر من حقی هست فرمود حق رحم و حق اسلام
و فرمود که صله رحم و نیکی با برادران مؤمن حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان
نگاه میدارد پس صله رحم و نیکی با برادران را ترک مکنید اگرچه بسلام کردن و نیکو

[illegible]

جواب سلام داده باشد و حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که هرگاه خویشان با یکدیگر قطع کنند
مال ایشان بدست بدکاران می افتد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که سه
چیزست که هر که مرتکب آنها شود نمی میرد تا عقوبت آنها را ببیند ظلم و قطع رحم و قسم دروغ
و بسیار هست که جماعت بدکردار باشند و بسبب صلهٔ رحم مال و فرزندان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ
و قطع رحم خانهها را از اهل خالی میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر که
بپای خود برود بخانهٔ خویشان بدیدن ایشان با آنکه مالی بایشان و بیشتر حق تعالی ثواب صد شهید
او را کرامت فرماید و بعدد هر گامی که بردارد چهل هزار حسنه در نامهٔ اعمالش نوشته شود
و چهل هزار گناه محو شود و چهل هزار درجه برای او در بهشت بلند شود و چنان باشد که صد سال
عبادت خدا را باخلاص کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که سه کس داخل بهشت
نمیشوند کسی که همیشه شراب خورد و یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود هر که رعایت حق
خویشان کند حق تعالی در بهشت باو هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه تا درجهٔ دیگر
صد سال راه باشد یک درجه از نقره و دیگری از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از
زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین
از سایر چیزها که در بهشت خلق فرموده است و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که در شب معراج
دیدم رحمی را بعرش آویخته و از رحم دیگر شکایت میکند بسوی خدا که خویشی بریده است پرسیدم که چند
پشت نسب تو با او بهم میرسد گفت که در چهل پشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم
برای کسی که صلهٔ رحم کند تا آنکه خدا او را دوست دارد و روزیش را فراخ کند و عمرش را زیاد

و او را داخل



و او را داخل بهشت کند و فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آن را نمیشنوند
عاق پدر و مادر و قطع کنندهٔ رحم و مرد پیر زناکار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که بر غلامی یا کنیزی بقدر حدی از حدود الهی بزند بی آنکه جرمی ازو صادر شده باشد
که بحسب شرع مستحق آن حد شده باشد کفارهٔ این گناه او را بغیر آزاد کردن او نیست و در حدیث
معتبر منقولست که از حضرت امام علی نقی ع پرسیدند که بنده فرمان صاحب خود را نبرد آیا حلالست
زدن او فرمود که بنده اگر موافق طبیعت باشد نگاه دار و اگر نه بفروش و بدلش دیگری بگیر و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که در تأدیب اطفال و غلامان و کنیزان پنج تازیانه یا شش
تازیانه بیشتر نزنید و آن را بر نفس و مدارا بزنید و در حدیث معتبر دیگر منقولست که زراره
از آن حضرت سؤال کرد از زدن بنده فرمود که هر چیز که در دست او تلف شود بی تقصیر
او بر او چیزی نیست اما اگر دانسته نافرمانی تو کند میتوانی زد گفت چه مقدار بزنم او را
فرمود که سه یا چهار یا پنج و از حضرت رسول ص منقولست که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد
در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کردم که برای ایشان حدی مقرر خواهد کرد که چون بآن حد برسند
آزاد شوند و از حضرت صادق ع منقولست که بنده مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند
آزاد میشود و بعد از آن خدمت فرمودن او حلال نیست و علما حمل کردهاند این حدیث را
بر آنکه سنت مؤکد است که بعد از هفت سال او را آزاد کنند و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که چهار صفت است که در هر که باشد حق تعالی او را ساکن
گرداند در اعلای علیین در غرفهای شرف کسی که پناه دهد یتیم را و ...

احوال او کوید و از پی او عیبهای او بد خواه نباشد و کسی که رحم کند بر ضعیفا و اعانت ایشان
نماید و کسی که مال خود را صرف پدر و مادر کند و با ایشان مدارا نماید و احسان کند و ایشان را
آزرده نکند و کسی که تندی و سفاهت با بنده خود نکند و او را یاری نماید بر خدمتی که او
میفرماید و کاری که بر او دشوار باشد بر او نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بر بنده‌ها خود بخورانید از آنچه خود میخورید و بر ایشان بپوشانید از آنچه خود میپوشید و در
روایت دیگر منقولست که آن حضرت با اصحاب خود فرموده بودند که میخواهید خبر دهم شما را به بدترین
مردم گفتند بلی یا رسول الله فرمود که کسی که تنها سفر کند و عطای خود را از مردم منع کند و غلام
خود را بزند و در حدیث دیگر فرموده که سه کسند که اگر با ایشان ظلم بکنی ایشان بر تو ظلم میکنند
دوستان و زنان تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بنده‌ها خود را بقدر عقل ایشان مورد
عتاب سازید و در حدیث معتبر منقولست که دو غلام از حضرت صادق علیه السلام ناپیدا بود و حضرت او را
می طلبیدند تا آنکه دیدند که در جائی خوابیده است بر بالای سر او نشستند و او را باد میزدند تا او
بیدار شد پس فرمودند که والله که نیست که شب و روز هر دو را خواب کنی شب خواب کن و روز خدمت
کن و در احادیث معتبره از آن حضرت منقولست که سه کسند که نماز ایشان مقبول نیست غلامی که از آقای
خود گریخته باشد تا آنکه برگردد و دست خود را تسلیم آقا نماید و کسی که پیشنماز قومی کند که
با او راضی نباشند و زنی که شوهر از و خشمناک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که اول کسی که داخل بهشت میشود شهید است و غلامی که نیکو عبادت پروردگار
کند و خیرخواه آقای خود باشد و مرد عیالداری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در احادیث

معتق



معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که بنده آزاد کند حق تعالی به هر عضوی از او عضوی از او را از آتش
جهنم آزاد کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مستحب است که در شب عرفه و روز عرفه بخدا تقرب بجوئید
به آزاد کردن و تصدق کردن فصل دویم در حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که پیوسته جبرئیل وصیت مینمود برعایت همسایه تا آنکه گمان
کردم که برای او میراث قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزار کند حق تعالی
بوی بهشت را بر او حرام گرداند و ماوای او در جهنم باشد و فرمود که هر که از همسایه شبری
بقدر یک شبر از زمین خیانت کند خدا بتعالی همان زمین را تا طبقه هفتم طوق گردانیده
در گردن او تا حین او را بعرصه حساب آورند آن طوق در گردن او باشد مگر آنکه توبه
کند و آن زمین را پس دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که آزار خود را از همسایه باز
دارد حق تعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه خصلت
است که بد ترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب حکمی که اگر احسان با او کنی شکر نکند و اگر بدی
کنی عفو نکند و همسایه که چشمش ترا ببیند و دلش ترا خواهد و اگر نیکی بر بیند پنهان
کند و دفن نماید و اگر بدی ببیند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که اگر حاضر باشی ترا
شاد نگرداند و اگر غایب باشی خاطرت از او مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که
آزار همسایه کند از طمع در خانه او خدا بتعالی خانه او را بهمسایه برساند و در حدیث
معتبر منقولست که از حضرت رسول پرسیدند که آیا در مال حقی بغیر از زکوة هست فرمود بلی که
نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بد کنند و احسان کردن بهمسایه مسلمان بدرستیکه

که ایمان نیاورده کسی که شب سیر بخوابد و همسایه او گرسنه باشد و در چند حدیث معتبر از حضرت
صادق منقول است که چهل خانه از چهار طرف خانه همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود که از جمله
حقوق مال حق ماعون است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسی که منع آن نماید و آن قرض است
که بهمسایه بدهد یا چیزی که بایشان بکند یا ضروریات خانه که بایشان عاریه بدهد و اولی آن است که
با همسایه بگذاریم که اگر بایشان ندهیم فرموده که هرگاه چنین باشد کسانی که تمام آنها بایشان ندهید و در حدیث
دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن آتش و نمک از همسایگان و از حضرت رسول منقول است که هر که ماعون را
منع نماید از همسایه اش حق تعالی منع کند از و خیر خود را و او را واگذارد بخود و هر که او را
خدا بخود واگذارد وای بر حال او و از حضرت امام محمد باقر منقول است که زنهار که مضطر می شوید
مشوید که بر خود لازم کنید وانچه از خرجها که بر قبیله واقع میشود بدهید و مضایقه نکنید که
از قبیله شما کسی شما را تحلیفی بکند که بر شما زیاده از نفقه باشد که باو میرسد قبول بکنید و در
حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین در بیماری بدیدن صعصعه بن صوحان که از اکابر
اصحاب آن حضرت بود تشریف آوردند پس فرمودند که ای صعصعه [illegible] بر قوم خود
و اگر ایشان را در باره ببینی خود را از آن [illegible] بکنار بکش که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود
و با ایشان محتاج است و اگر بدی ایشان [illegible] را از ایشان منع کرده [illegible] ایشان را
از خود کرده ای پس اگر ایشان را در حال خوبی ببینی یاری ایشان بکن و [illegible] و اگر در بدی
باشند ایشان را وا مگذار و باید که یاری کردن شما یکدیگر را در طاعت خدا باشد چه در بدی که
همیشه با رفاهیت و نعمت خواهید بود اگر یاری یکدیگر بکنید در طاعت خدا و باز ایستید از

از معصیت



از معصیت خدا و در حدیث معتبر منقول است که اسیری چند را بنزد حضرت رسول آوردند
از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند در آن حال جبرئیل
نازل شد و گفت یا محمد این اسیر را که میخواهی گردن بزنی با وفا بود مردم طعام میخورانید
و مهمان داری میکرد و خرجهائی که در میان قبیله واقع میشد میداد و بار گران اهل
قبیله را بدوش خود بر میداشت پس حضرت بآن اسیر فرمودند که حق تعالی جبرئیل را
فرستاده است و میگوید ترا آزاد کردم از کشتن بآن خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار
تو این خصلتها را دوست میدارد فرمود که بلی اسیر گفت که شهادت میدهم که توئی
خدا و به پیغمبر توئی بحق آن خداوند که ترا براستی فرستاده است که هرگز از مال خود کسی را
بر نگردانیدم و در احادیث معتبر وارد شده است که خوردن مال یتیم بناحق
از جمله گناهان کبیره است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول فرموده که هر
که نگاه دارد یتیمی را و نفقه دهد باو در بهشت مانند این دو انگشت
باهم باشیم و اشاره بانگشت شهادت و میانه فرمودند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که یتیمی را در عیال خود داخل کند و خرج او را بدهد تا مستغنی شود او
خدا بهشت را برای او واجب گردانید چنانچه [illegible] خورنده مال یتیم جهنم را واجب
گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که هر مرد مؤمنی و زن
مؤمنه که دست بر سر یتیمی بکشد از روی ترحم حق تعالی بعدد هر موئی که دستش
بر آن میگذرد حسنه برای او بنویسد و در روایت دیگر منقول است که بهر موئی حق تعالی نور

با وی است فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هر که از
سنگینی دل خود آزرده باشد و خواهد که دلش نرم شود یتیمی را نزدیک خود بخواند و او را
نوازش کند و بر سر خوان خود بنشاند و از طعام خود بخوراند و سرش بمالد بدرستی که یتیم را
بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر فرموده که چون یتیمی بگرید عرش الهی بلرزد و حق تعالی
پروردگار عالم فرماید که کیست آنکه بگریه آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را
گرفته ام بعزت و جلال خود قسم که هیچ بنده او را ساکت نگرداند مگر آنکه بهشت
برای او واجب گردانم و در احادیث معتبره وارد شده است از حضرت صادق ع که حق تعالی در
قرآن مجید برای کسی که مال یتیم را بناحق بخورد دو عقاب مقرر ساخته است یکی عذاب جهنم
در آخرت و دیگری در دنیا بعد از او با یتیمانش بکنند آنچه با یتیمان دیگران کرده باشد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که حق تعالی در قیامت جماعتی را از قبرها محشور گرداند
که از دهنهای ایشان آتش شعله ور باشد و آنها جماعتی باشند که مال یتیمان را خورده باشند
بناحق و حق تعالی میفرماید که بدرستی که آن جماعتی که مال یتیمان را بظلم میخورند آتش میخورند
و بدانکه ولی یتیم که تصرف در مال او میتواند نمود پدر است و جد پدری و وصی که
ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع یعنی امام ع و کسی که از آن حضرت
تعیین فرموده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علما را اعتقاد آنست که مجتهد جامع
الشرایط میکند یا کسی که او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر میشود که مومنان
صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که آنچه صرفه

و غبطه



و غبطهٔ ایشان در آن باشد رعایت کند و اگر پریشان باشند و سعی در مال یتیم نماید که کسب
ایشان باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج میتوانند کرد و بهتر آنست که
رعایت کنند که زیاده از اجرت متعارف آن عمل برندارند و هم چنین پدر و جد پدری
و وصی باید که نهایت رعایت در صرفه ایشان بکند و اگر آنقدر مال نداشته باشند
که وفا بقرض کند از مال ایشان قرض بر ندارند و اگر پدر و جد پدری پریشان باشند
بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر مادر هم پریشان باشد
نفقه او را ولی مال یتیم میتواند داد و اگر قدر خرج طفل را حساب کند و با نفقه خود ضم
کند و با هم چیزی بخورند باکی نیست **فصل سیم** در حقوق صداقت اخوت در حدیث
معتبر منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت فوت وصیت نمود بحضرت امام حسن ع که برادری
با برادران از برای خدا دوستی و مودت دار و صالحان را از برای صلاح ایشان و از حضرت امام رضا ع
منقول است که هر که برادر مؤمنی از برای خدا بگیرد خانه در بهشت یافته باشد و از حضرت
رسول ص منقول است که کسی بعد از اسلام فایده نیافته است که بهتر باشد از برادری که
از برای خدا گرفته باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع
عرض کرد که بسیار است که اندوهگین میشوم بی سببی بحدی که اهل و عیالم من از آن
اندوه در من مشاهده میکنند فرمود که حق تعالی مومنان را از طینت بهشت آفریده است
و از نسیم رحمت خود در ایشان دمیده است پس بآن سبب مؤمنان برادر پدر و مادری
و مادری یکدیگرند پس چون بر روح یکی از مؤمنان اندوهی رسد مؤمنان دیگر برای او اندوه

او محزون میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که نظر کردن بروی امام عادل
عبادتست و نظر کردن بروی عالم عبادتست و نظر کردن بروی برادری که دوستش داری از برای
خدا عبادتست و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که برادران دو نوعند یکی برادرانی که
اعتماد باشند در دوستی و یاری و دیگری برادران خندیدن و صحبت اما اول پس ایشانرا عزیز
داشته و با الله و اهل و مال [illegible] چون برادر چنین اعتماد داشته باشی از برای او صرف
کن مال و بدن خود را و با دوستان او دوستی کن و با دشمنان او دشمنی کن و راز او
بپوشان و عیبش مخفی دار و نیکیهایش را افشا کن و بدانکه این قسم برادران کمتر اند از گوگرد
سرخ کبریت احمر و اما دویم پس تو لذت صحبت ایشان را می یابی [illegible] از ایشان قطع مکن و توقع
زیاده از این از ایشان مدار و در احادیث معتبر وارد شده است که اخوت و برادری و آشنا
در عالم ارواح در میان مؤمنان بهم رسیده و در این نشأ چون یکدیگر را دیدند و آنرا بیاد
می آورند و در حدیث معتبر دیگر وارد شده است که مؤمن برادر مؤمن است و دیده او است
و راهنمای او است با او خیانت نمیکند و بر او ظلم نمیکند و او را فریب نمیدهد و با او
که کند خلف نمیکند و با او دروغ نمیگوید و غیبت او نمیکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدها دارد که هر که آنها در او نباشد او را بکمال
نسبت مدهید و کسی که هیچ از آنها در او نباشد بهیچ چیز از صداقت نسبت مدهید اول آنکه
آشکار و پنهان تو با تو یکی باشد دویم آنکه زینت ترا زینت خود داند سیم آنکه هیچ
رسانیدن مالی یا حکومتی حالت او را با تو تغییر ندهد چهارم آنکه آنچه توانائی آن را



رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت نکبتها و بلاها ترا وا نگذارد و ترک یاری تو نکند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران مؤمن تو سه مرتبه با تو غضب آید و در هیچ مرتبه
حرفی بد در حق تو نگوید او را برای دوستی و یاری خود ذخیره کن و در حدیث دیگر فرمود که اعتماد بسیار
برادر و دوستی خود مکن که دارای خود را با او بسپاری که در دو قسم که او را از تو برگردد چاره
نتوانی کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که محبت بعد و سه سال خویشی و نزدیکیست
و علم اهل خویشی را بیکدیگر بیشتر جمع میکند و ربط میدهد از پدران و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دوستی پدر [illegible] داشته باشی و نکوئی بهم باشد و در میان آنچه پیشتر
با تو دوستی میکرد میکند دوستی بتو بیشتر از برای تو و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
که دوستی با دوستان خود هموار مکن و خود را بپرهیز بایشان بلکه روزی دشمن تو
شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار مکنی شاید که روزی دوست تو شوند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که قطع مکن دوستان خود با پدر خود مکن که اگر دشمنی
تو بداند بتو فخر میکند زیرا که [illegible] که دوست پدر [illegible] دشمن میشود از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که [illegible] دنیا [illegible] و بیاد دوستان است و لقمان
به پسر خود گفت که با مردمی مصاحبت بکن و با اینکس دشمنی مکن و داخل باغ که
غلام [illegible] باشی و داخل مباش که [illegible] بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
پنج چیز است که در هر که نباشد [illegible] صحت بدن و امنیت و توانگری
و قناعت و مؤمن موافق و در حدیث دیگر فرمود که هر که داشته باشد ده [illegible]

وزجر کننده از نفس خود و مصاحبی که او را نصیحت کند نداشته باشد شیطان بر گردنش
سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان پدر خود مکن که نور ایمانت
بتاریکی مبدل میشود و فرمود که هرکه محبت خود را بغیر علتی بگذارد خود متعرض قطع محبت
شده است و از حضرت امیرالمؤمنین م منقولست که هرکه خود را در محل تهمت در آورد ملامت
نکند کسی را که گمان بد باو ببرد و هرکه راز خود را پنهان دارد اختیار با خودش است و هر سخنی
که از دو کس گذشت فاش میشود و چون با کسی برادری کنی آنچه از او به بینی بمحمل نیک
حمل کنی تا آنکه بجائی رسد که دیگر محمل نیک نیابی و زنهار گمان بد مبر بسخنی که از برادر
صادر شود تا محملی نیکی برای آن یابی و بسیار بکوش در تحصیل برادران نیکو که ایشان در وقت
رفاهیت ذخیره اند برای وقت بلا و در وقت رفاهیت ذخیره سپرانند برای دفع اعدا و
مشورت با جماعتی بکن که از خدا ترسند و برادران مؤمن را بقدر پرهیزکاری ایشان
دوست بدار و بپرهیز از زنان بد و از نیکان ایشان در حذر باش و از حضرت
امام رضا م منقولست که اگر خواهی که تمام شود برای تو نعمت کامل شود برای تو مروت و
مروت و باصلاح آید برای تو امور معیشت پس شریک مگردان غلامان و مردم دون را در
کارهای خود که اگر ایشان را امین گردانی خیانت میکنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ
میگویند و اگر بلائی بتو رسد ترا یاری نمیکنند و با عاقل مصاحبت بکن هرچند کریم نباشد
و از عقلش بهره مند شو و از خلق بدش احتراز کن و با کریم مصاحبت کن هرچند عاقل
نباشد که بعقل خود از کرم او منتفع میشوی و بگریز نهایت از احمق که بخیل باشد

فصل



**فصل چهارم** در بیان حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق بسند معتبر
منقولست که معلی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق م پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود
که هفت حق است که هریک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت
خدا بدر میرود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و عمل ننمائی و رعایت
آنها نکنی آسانترین آن حقوق اینست که اول آنچه از برای خود دوست میداری از برای
او دوست داری و آنچه از برای خود نخواهی از برای او نخواهی **دوم** آنکه بپرهیزی از غضب
او و پیروی خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی **سیم** آنکه او را یاری کنی بجان
و بمال و بزبان و بدست و بپا **چهارم** آنکه دیده و راهنما و آینه او باشی **پنجم** آنکه تو سیر
نباشی و او گرسنه باشد و تو سیراب باشی و او تشنه باشد و تو پوشیده باشی و او عریان
باشد **ششم** آنکه تو خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجبست که خادم
خود را بفرستی که جامه اش را بشوید و طعامش را بسازد و رختخوابش را بگسترد آنکه
اگر بتو قسم دهد بعمل آوری و اگر ترا بخانه دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بعیادت
اش بروی و اگر بمیرد بجنازه اش حاضر شوی و اگر دانی که حاجتی دارد پیشی کنی به برآوردن
او پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند کرده محبت خود را بمحبت او و
محبت او را بمحبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از ادا کردن
حق مؤمن نیست و بسند حسن از حضرت صادق م منقولست که دعوه کردن مؤمن برادر
مؤمن خود را بهتر است که کفاره ندارد و هرکه خلق دعوه مؤمنی کند اول ابتدا

بخلف وعده خدا کرده است و مستوجب غضب الهی شده است و در حدیث حسن دیگر از حضرت
رسول صلعم منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که وفا کند بوعدهٔ خود
و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجبست الله که
در حضور او را تعظیم نماید و محبتش در سینه او باشد و مال خود را با او قسمت نماید و غیبت
او را بر خود حرام داند و چون بیمار شود بعیادت او برود و چون بمیرد بجنازه اش
حاضر شود و بعد از مرگش بغیر از نیکی او چیزی نگوید و بسند حسن از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که دوست دار برادر مؤمن و مسلمان خود را و بخواه از برای او آنچه از برای خود میخواهی
و مخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون محتاج شوی از او سوال کن و هرگاه از تو سوال کند
با او عطا کن و نیکی را از و ذخیره مکن تا او هم از تو ذخیره نکند و یاور او باش و او
نیز یاور تو باشد اگر غایب شود حرمت او را غایبانه نگاه دار و چون بیاید بدیدنش
برو و او را گرامی بدار بدرستیکه او از تست و تو از اوئی و اگر با تو در مقام عتاب
باشد از و جدا مشو تا کینه را از سینه او بدر کنی و اگر نفعی باو برسد خدا را شکر کن و اگر
بلائی او را پیش آید یاور او باش و یاری او را زیاده کن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که مسلمان را بر برادر مسلمان شش حق است هرگاه که باو برسد بر او سلام کند و هرگاه که بیمار
شود بعیادت او برود و هرگاه که عطسه کند او را دعا کند و چون بمیرد او را عیادت
کند و هرگاه او را بضیافت بطلبد قبول کند و از برای او دوست دارد آنچه از برای
خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه از برای خود دشمن میدارد

او

و ابدا

و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که صبح کند و اهتمام بامور مسلمانان نداشته باشد
او مسلمان نیست و کسی که بشنود که کسی فریاد میکند که ای مسلمانان بفریاد من برسید
پس او را جواب نگوید او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردم کسی است که نفعش بمردم بیشتر
رسد و فرمود که هر که از گروهی از مسلمانان ضرر آبی یا آتشی را دفع کند بهشت او را
واجب شود و از حضرت صادق ع منقولست که حق مؤمن بر مؤمن آنست که او را بدل
دوست دارد و مال خود را از و دریغ ندارد و اگر بغربت رود باحوال اهل او برسد
و اگر کسی برو ظلم کند او را یاری نماید و اگر عطا بمسلمانان دهند و او غایب باشد بهره او را
از برای او بگیرد و چون بمیرد بزیارت قبرش برود و برو ظلم نکند و او را فریب ندهد
و او خیانت نکند و بروی او اف نگوید و اگر اف بگوید دوستی از میان ایشان
برطرف شود و اگر بگوید که تو دشمن منی یکی از ایشان کافر شود زیرا که اگر دروغ
گفته خود کافر است و اگر راست گفته آن دیگری کافر است بسبب آنکه دشمن اوست و چون او را
بی تهمتی متهم سازد ایمان در دلش میگدازد چنانچه نمک در آب میگدازد و در حدیث
دیگر فرمود که باید که برای برادر مسلمان خود بخواهد آنچه از برای عزیزترین اهل خود
بخواهد و نخواهد از برای او آنچه از برای عزیزترین اهل خود نخواهد و دوستی او را
خالص کرده باشد از شوایب باینکه در شادی او شاد باشد و در اندوه او اندوهگین
باشد و اگر تواند سعی کند که غم او را زایل کرده باشد و الا دعا کند که خدا غم او را
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آن حضرت آمد از و پرسید که برادران خود را

برچه حال گذرانیده گفت که بهتر نیکو حال گذرانیدم ایشان را فرمود که توانگری ایشان چگونه
با احوال فقیران می‌پرسند گفت کم فرمود که توانگران چه قدر بدیدن فقیران میروند
گفت کم فرمود که توانگران چه مقدار احسان بفقیران میکنند گفت چیزی چند [illegible] کرده
پس اینها شیعه نیستند فرمود که پس چگونه ایشان دعوی تشیع میکنند و در حدیث دیگر فرمود
که برادران و نیکوکاران باشید از برای خدا با یکدیگر و دوستی کنید و بدیدن یکدیگر بروید
و با یکدیگر بنشینید و دین ما را و احادیث ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که واجبست از برای مؤمن که بر مؤمن هفتاد کبیره او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که واجبست از برای مؤمن بر مؤمن که خیرخواه او باشد در حضور و غیبت و در حدیث
دیگر فرمود که بر شما باد خیرخواه خلایق که هیچ عملی نزد خدا بهتر از این نیست

**فصل نهم**

در قضای حاجت مؤمنان و سعی نمودن در کارهای ایشان و شاد کردانیدن ایشان در [illegible]
صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرکه مؤمنی را شاد کرداند مرا شاد کردانیده است و
و هرکه مرا شاد کرداند خدا را خوشنود کردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که تبسم کردن در روی برادر مؤمن حسنه است و خاشاکی از او
دور انداختن حسنه است و هیچ عبادتی نزد خدا دوست‌تر نیست از شاد کردانیدن مؤمن
و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود با حضرت موسی علیه السلام که بدرستی که مرا بندگان
هست که بهشت را برای ایشان مباح میکنم و ایشان را حاکم میگردانم در بهشت حضرت
موسی علیه السلام گفت پروردگارا کیستند ایشان فرمود که کسی که سروری در دل مؤمنی داخل کند پس حضرت

پروردگارا





فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جباری بود و آن پادشاه در مقام آزار او
بود او گریخت و بشهر کفار رفت و پناه بکافری برد آن کافر او را جا داد
و مهربانی و ضیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی باو وحی فرمود
که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که اگر ترا در بهشت جائی بودی البته ترا در
آوردم ولیکن بهشت حرام است بر کسی که کافر بمیرد پس خطاب نمود که ای آتش جهنم
که او را بترسان اما مسوزان و امر فرمود [illegible] اول و آخر روز او را روزی
ببرند و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده
از بندگان من حسنه بنزد من می آورد و بهشت را برای او مباح میکردانم حضرت داود
پرسید که آن حسنه کدام است فرمود که بنده مؤمنی خوشحالی داخل کرداند اگر چه
بیک دانه خرما باشد داود گفت که سزاوار است کسی که ترا بشناسد قطع
امید خود از تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که کسی که مؤمنی را شاد کرداند نه او را
شاد کردانیده است بلکه ما را شاد کردانیده است بلکه حضرت رسول را شاد کردانیده
است و در حدیث معتبر از آن حضرت منقول است که چون مؤمنی از قبر بیرون می آید
و میگوید بشارت باد ترا بکرامت از جانب خدا و خوشحالی پس مؤمن باو میگوید
که خدا ترا بشارت بنیکی دهد پس با او می آید و بهر هولی که میگذرند میگوید
که این از تو نیست و بهر نیکی که میگذرند میگوید که این از تست و پیوسته او را
چنین بشارت میدهد تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کنند او را به بهشت

می‌دهند با او و می‌گویند که بشارت باد که خدا امر فرموده که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو
کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خدا خبر بمن دادی
گفت که منم آن شادی که در دل برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از آن
خلق کرده است که بشارت دهنده تو و در تنهائی مونس تو باشم و در حدیث دیگر
فرمود که هر که مؤمنی را شاد کند حق تعالی هزار هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که هر که یک حاجت برای برادر مؤمن خود برآورد حق تعالی در قیامت صد هزار حاجت
او را برآورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خویشان و آشنایان خود را داخل
بهشت کند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که برآوردن حاجت مؤمنی بهتر است از هزار
بنده آزاد کردن و هزار اسب در راه خدا بجنگ فرستادن و در حدیث دیگر فرمود که یک
از حج که در هر حجی صد هزار درهم صرف کند و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که یک حج بهتر است از هفتاد بنده آزاد کردن و حج کردن و نفقه
دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند و روی ایشان را
از سوال کردن حفظ کند بهتر است از هفتاد حج و در حدیث از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که هر که هفت شوط طواف در دور خانه کعبه بکند حق تعالی برای او شش هزار حسنه
بنویسد و شش هزار گناه محو کند و شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت
او را برآورد و برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر
فرمود که هر که حاجت مسلمی را برآورد حق تعالی او را ندا کند که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم



برای تو بغیر از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی برای برآوردن حاجت مؤمنی راه رود
حق تعالی دو ملک را موکل گرداند از جانب راست و چپش که برای او استغفار کنند و دعا کنند
و حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که
برادر مؤمنش بنزد او بیاید برای حاجتی او رحمتی است که خدا بسوی او فرستاده است اگر
قبول کرد پس پیوند کرده است او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی موصول گشت
واگر او را رد کرد و او قادر بود که حاجتش را برآورد حق تعالی بر او مسلط گرداند
در قبرش ماری از آتش که او را بگزد تا روز قیامت خواه در قیامت خدا او را بیامرزد
و خواه عذاب کند و از حضرت امام محمد باقر منقولست که مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی
بنزد او بیاورد و او قادر نباشد بر آوردن حاجت او و دلش غمگین شود بسبب آن
خدا بهشت را برای او واجب گرداند و از حضرت صادق منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر
مؤمن خود راه رود ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه
در بهشت برای او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یکماه
در مسجد الحرام و از حضرت امام رضا منقولست که خدا را بندها هست که سعی میکنند در حاجت
مردم ایشان ایمنند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر
فرمود که هر که راه رود برای برآوردن حاجت برادر مسلمش خدا هفتاد و پنج هزار ملک را بر
که او را سایه کنند و هر قدمی برای او حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند
و چون از کار ساز او فارغ شود ثواب حج و عمره در نامه عملش بنویسند و حضرت صادق

شاد کند حق تعالی در قیامت
دل او را

فرمود که چون ماه روزه در حاجت برادر مسلمان دوستتر میدارم از آزاد کردن هزار بنده و هزار کس

بر اسبان زین و لجام کرده سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند در

روا کردن حاجت برادر مسلمان خود از برای رضای خدا حق تعالی برای او هزار هزار حسنه بنویسد که بسبب آنها

خویشان و همسایگان و آشنایان او را بیامرزد و هر که با او نیکی کرده باشد او را بیرون آورد

در آخر بهشت کنی که ... اهلبیت رسول [ص] و فرمود که حق تعالی فرموده که خلایق عیال

منند محبوبترین ایشان نزد من کسی است که با ایشان مهربانتر باشد و سعی در برآوردن حاجت ایشان

بیشتر کند و فرمود که هر که نزد برادر مؤمن غمگین مضطر خود در هنگام شدت

و تنگی برود و او را برآورد حاجت او را برآورد حق تعالی واجب گرداند برای او هفتاد و دو رحمت

که یکی را در دنیا باو بدهد که کار آخرت و دنیای او بآن تمام شود و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای

او ذخیره کند برای ترسها و شدتهای روز قیامت و فرمود که هر که غمی از مؤمن بر دارد حق تعالی

غمهای آخرت را از او بر دارد و چون از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد و هر که مؤمن

را طعام دهد حق تعالی او را از میوه‌های بهشت طعام دهد و هر که مؤمن را آب دهد حق تعالی از شراب

سر به مهر بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمن بر دارد حق تعالی

حاجت دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که مؤمن را بپوشاند حق تعالی هفتاد عیب از عیبهای دنیا

و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در بر دارد در امان خدا باشد و در روایت و در حدیث

معتبر فرموده از حضرت علی بن الحسین [ع] منقولست که هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد حق تعالی صد

حاجت او را برآورد که یکی بهشت باشد و هر که غمی از مؤمن بر دارد حق تعالی غمهای قیامت او را

دوادد

عیب



بر دارد و هر که اعانت کند مؤمن را بر ظالم خدا او را یاری کند در گذشتن از صراط در وقتی

که قدمها لغزد و هر که حاجت مؤمن بر آورد که او شاد شود چنان باشد که حضرت رسول [ص] را شاد

کرده باشد و هر که مؤمن را آب دهد در وقت تشنگی حق تعالی از شراب بهشت او را سیراب

گرداند و هر که مؤمن را سیر کند حق تعالی از میوه‌های بهشت او را سیر گرداند و هر که بر مؤمن جامه

بپوشاند در وقتی که عریان باشد خدا او را از دیبا و حریر بهشت بپوشاند و هر که جامه

بپوشاند در غیر عریانی پیوسته در ضمان خدا باشد از بلاها تا از آن جامه بر آن مؤمن

تاری باقی باشد و هر که خادم باو بدهد خدا او را از پسران بهشت خادم بدهد و هر که

او را از پیاده بودن سوار کند حق تعالی او را در قیامت بر ناقه از ناقه‌های بهشت سوار کند

که در قیامت با ملائکه مباهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند بر مؤمن چنان باشد

که او را جامه داده در هنگام ولادت تا وقت مردن و هر که زن به مؤمن بدهد که با او

انس گیرد حق تعالی ملکی را در قبر مونس او گرداند بصورت محبوبترین اهل او نزد او

و هر که در بیماری عیادت مؤمن بکند ملائکه او را در رحمت فرو گیرند و گویند که خوش حال

تو و گوارا باد بهشت از برای تو و الله که قضای حاجت مؤمن بهتر است نزد خدا از روزه

داشتن و اعتکاف کردن دو ماه از ماههای حرام در حضرت امام موسی کاظم [ع] منقولست

که خدا در قیامت سایه عرش را خاص ساخته است که در زیر آن سایه نیست مگر پیغمبری یا مؤمنی که

بنده مؤمنی را آزاد کند یا مؤمنی که قرض مؤمنی را ادا کند یا مؤمنی را کدخدا کند و در حدیث

صحیح از حضرت صادق [ع] منقولست که مؤمن در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حق تعالی

فرموده باشد که اورا بجهنم برند وملک اورا بدر جهنم خطاب کند مؤمنی را که بفریاد من
برس که در دنیا من بتو نیکی میکردم وحاجت ترا روا می آوردم مؤمن بملک گوید دست از وی
بدار حق تعالی فرماید که چون بنده مؤمن شفاعت او کرد اورا بگذارد ودر حدیث آمده از حضرت
نبی علیه السلام منقولست که بگو دان مسلمانانرا مرد خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشانرا بمنزله
پدر خود بدان وخردان ایشانرا بمنزله فرزند خود بدان وانها که همسن تو باشند بمنزله
برادر خود بدان وتو کدام یک ازینها میخواهی که ستم کنی یا نفرین کنی یا عیب ایشانرا فاش
کنی واگر شیطان خواهد که ترا وسوسه دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را بینی
که از تو بزرگتر است بگو که او در ایمان واعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من
بهتر است واگر خوردتر از خود را بینی بگو که من بیشتر از وی گناه کرده ام پس او از من بهتر است
واگر همسال خود را بینی بگو که یقین بگناه خود دارم ودر گناه او شک دارم پس چرا یقین
خود را بشک بگذارم واگر ببینی که مردم ترا تعظیم وتکریم میکنند بگو که این نیکی ایشانست
که بجا می آرند واگر ایشان از تو دوری کنند وترا حرمت ندارند بگو که این
از گناهیست که من کرده ام چون چنین کنی رنج خلق بر تو آسان شود ودوستان بسیار
شوند ودشمنان کم شوند واز نیکی ایشان شاد شوی واز بدی ایشان دلتنگ نشوی و
بدانکه کوتاه ترین ... مردم ... که طمع از ایشان ببرد واز ایشان مستغنی باشد
وسوال نکند از ایشان وبعد از آن کوتاه ترکیب که محتاج باشد وسوال نکند از ایشان
زیرا که اهل دنیا همگی از پی مال میروند هرکه با ایشان در مال مزاحمت نمیماند عزیز

پست شود ایشان



پست شود ایشان وهرکه مزاحمت نمیماند واز مال خود هم بدهد بایشان عزیز باشد نزد
ایشان ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت پیغمبر علیه السلام یکی از صحابه بود وفرمود که آنچه میخواهی
که با تو بکنند با هیچکس مکن واگر کسی که طالب جاه است دوست میدارد جانب او پیش گیری
ودر حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه مسلمانی دیگر نزد وی بیاید بحاجتی واو
قادر باشد بر آوردن آن حاجت وبر نیاورد حق تعالی اورا در قیامت سرزنش وتعییر
نماید وبگوید که برادر تو بحاجتی نزد تو آمد که من ترا قادر گردانیده بودم از برآوردن
آن وبر نیاوردی برای آنکه ثواب آنرا نخواستی بعزت خود سوگند میخورم که هیچ حاجت ترا رحمت
بتو نکنم خواه ترا بیامرزم وخواه عذاب کنم ودر حدیث دیگر فرمود که هر مؤمن که
منع کند از مؤمنی چیزی اگر او بآن محتاج باشد واو قادر باشد که اورا از خود یا از
دیگران بدو رساند حق تعالی اورا با روی سیاه وبا دیده کبود در صحرای محشر غل کرده
بازدارد پس بگوید که اینست خائنی که با خدا ورسول خیانت کرده پس بفرماید که اورا
بجهنم برند واز حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت سه کس در سایه عرش
الهی باشند روزی که سایه بغیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زنی بدهد
وکسی که خادمی باو دهد وکسی که راز اورا پنهان دارد

## فصل ششم

در دیدن مؤمنان وعیادت بیماران ایشان در احادیث معتبره وارد شده که از حضرت امام
صادق علیه السلام که هرکه بدیدن برادر مؤمن خود برود از برای خدا حق تعالی هفتاد هزار ملک را
موکل گرداند که اورا ندا کنند الا خوشحال شو وگوارا باد ترا بهشت

از برای تو و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که حق تعالی ملکی را
بر زمین فرستاد آن ملک راه میرفت تا رسید بدر خانه که بر در خانه ایستاده بود از صاحب خانه رخصت می طلبید که
داخل خانه شود ملک پرسید که ای مرد از این خانه چکار داری گفت مسلمانیست از برای خدا برادر من است
او را دیدن آمده ام ملک گفت که هیچ مطلب دیگر بغیر این نداری گفت نه ملک گفت من رسول خدایم
بسوی تو و ترا سلام میرساند و میگوید بهشت را واجب کرده ایم برای تو و میفرماید که ای مسلمان
که بدیدن مومن مسلمان رفتی و گمان نمودی که بزیارت من آمده و ثواب تو بر من بهشت است و در حدیث
دیگر از آن حضرت منقولست که هر که بدیدن برادر مومن خود برود در خانه او حق تعالی او را خطاب
فرماید که تو مهمان منی و بزیارت من آمده و مهمانداری تو با منست و بهشت را برای تو واجب کرده ام
بسبب آنکه دوست داشتی برادر مومن خود را و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که مومن که بیرون می آید بعزم دیدن برادر مومن خود خداوند عالمیان ملکی با او موکل
میگرداند که یک بال بر زمین میگذارد و یک بال دیگر بر سرش سایه می افکند پس چون
داخل خانه آن مومن شود خداوند جبار او را ندا کند که ای بنده که تعظیم حق می کرد
و متابعت آثار پیغمبر می نمودی لازم است بر من که ترا تعظیم نمایم از من سوال کن تا بتو عطا
کنم و مرا بخوان تا اجابت دعای تو بکنم و اگر خواهی ساکت باشی تا من ابتدا برحمت تو بکنم
پس چون بر گردد ملک او را متابعت کند و بال بر سر او داشته باشد تا بخانه او برگردد
پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است که ترا گرامی دارم بتحقیق
که بهشت را برای تو واجب گردانیدم و ترا در حق بندگان خود شفاعت دادم و از حضرت صادق

منقولست



منقولست که بدیدن برادر مومن رفتن از برای خدا بهتر است از ده بنده مومن آزاد کردن
و هر که بنده مومن را آزاد کند حق تعالی بهر عضوی از آن بنده عضوی از او را از آتش جهنم آزاد کند
و در حدیث معتبر منقولست که آن حضرت بداود بن سرحان فرمود که شیعیان ما را از من سلام
برسان و بگو که خدا رحمت کند بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کند احادیث ما را ثالث
ملکیست که از برای ایشان استغفار میکند و هرگاه که با یکدیگر بنشینند یاد ما را احادیث ما
بکنند که بسبب همنشینی و مذاکره شما مذهب و دین ما زنده میشود و بهترین مردم بعد از
ما کسی است که مذاکره احادیث ما بکند و ما را یاد کند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
بدیدن یکدیگر بروید در خانهای خود که باعث زنده شدن دین ما است خدا رحمت کند کسی را که مذهب
ما را زنده بدارد و از حضرت رسول ص منقولست که خوشا حال آنها که دوستی میکنند با یکدیگر
برای خدا بدرستیکه خدا در بهشت عمودی خلق کرده است از یاقوت سرخ و بر آن عمود هفتاد
هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است از برای کسانی که دوستی
با یکدیگر کنند و بدیدن یکدیگر روند از برای خدا و از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه قادر
نباشد که ببرادران احسان بکند بصالحان و شیعیان ما احسان کند تا ثواب احسان کردن ببرادران در نامه عملش
نوشته شود و هر که قدرت بدیدن برادران نداشته باشد بدیدن صالحان و شیعیان ما برود تا ثواب
دیدن ما برای او نوشته شود و در حدیث معتبر منقولست از حضرت صادق ع که هر که عیادت کند مسلمانی
بیماری را در آن روز هفتاد هزار ملک برو صلوات فرستند اگر صبح باشد تا شام و اگر شام
باشد تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را

منابعت کند و برای او استغفار کند تا بجای خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هر که مومنی را عیادت کند در رحمت الهی فرو رود پس نزد او بنشیند رحمت بر او احاطه
کند و چون برگردد حق تعالی هفتاد هزار ملک را بر او موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش
کنند و بر او ترحم کنند و گویند که خوشا حال تو و گوارا باد بهشت از برای تو تا روز
دیگر همین وقت و برای او عطا فرماید در بهشت زاویه که سواره در آن چهل سال بتازد
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مومنی را در بیماری عیادت کند از برای رضای خدا حق تعالی برای او
موکل سازد ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث
دیگر منقولست که هر که عیادت بیمار کند حق تعالی موکل سازد با او هفتاد هزار ملک را که بیایند بخانه
او و آیند و در خانه تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی گویند تا روز قیامت و نصف
ثواب ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر منقولست که سزاوار نیست که کسی بیمار شود برادران
مومنین را اعلام کند که بعیادت او بیایند که ایشان ثواب ببرند و او ثواب بیابد بجهت آنکه
اینها که اگر چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از و محو شود و ده درجه
برای او بلند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون بیمار شود
رخصت دهد که بعیادت او بیایند بدرستی که هیچ کس نیست مگر آنکه او را دعای مستجابی هست و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که کسی بعیادت بیمار برادر مومنی برود و از بیمار برای خود طلب دعا بکند که دعای
او مانند دعای ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در درد چشم عیادت نیست و تند
و در اول بیماری تا سه روز متوالی او را باید دید بعد از آن یک روز نه یک روز پس چون

بیماری



بیماری بسیار بطول بکشد او را باعیال خود گذارند و عیادت نباید کرد و در حدیث
دیگر منقولست که چون بعیادت بیمار روید میوه یا بخور یا گلاب یا خوشبوی یا عود
با خود ببرید که بیمار با آن استراحت می یابد و در حدیث دیگر منقولست که از تمامی عیادت
آنست که دست بر ذراع بیمار گذارد در وقت دعا کردن و زود برخیزی که عیادت
احمقان آنست که بیمار را از درد او ... و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقولست که از عیادت کننده
کسانی که ثواب ایشان بیشتر است کسی است که زودتر برخیزد مگر آنکه بیمار نشستن او را خواهد
و از او سوال کند که بنشیند فصل هفتم در طعام مومنان و آب دادن ایشان و
جامه پوشانیدن و برآوردن حاجتهای ایشان و یاری کردن مظلومان از حضرت صادق منقولست
که هر که مومنی را سیر کند بهشت از برای او واجب شود و هر که کافری را سیر کند بر خدا
لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم کند و در حدیث دیگر منقولست که هر که سه نفر از
مسلمانان سیر گرداند حق تعالی او را از سه بهشت طعام دهد از جنة الفردوس
و جنة عدن و درخت طوبی و در حدیث دیگر منقولست که هر که مومنی را طعام دهد
تا او سیر شود هیچکس از خلق خدا نمی داند که او را چه ثواب هست نه ملک مقرب
و نه پیغمبر مرسل مگر پروردگار عالمیان پس فرمود از جمله چیزهائی که آمرزش را
واجب میگرداند طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که شربت آبی بمسلمانی بدهد در جائی که آب بهم رسد حق تعالی بهر شربتی هفتاد
هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که آب کم باشد چنان

باشد که ده بندهٔ آزاد کرده باشد از فرزندان اسمعیل و در حدیث صحیح منقولست
که هرکه طعام دهد برادر مؤمن را خود از برای رضای خدا پس چنانست که صد هزار کس
از دیگران طعام داده باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود به یکی از اصحاب که چه مانع میشود
ترا که هر روز یک بندهٔ آزاد کنی گفت که مالم وفا نمیکند پس فرمود که هر روز یک
مسلمانی را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پرسید که مالدار یا پریشان را فرمود
که مالدار هم گاهست که خواهش طعام دارد و در حدیث دیگر فرمود که یک لقمه که برادر
مؤمن بخورد بهتر است نزد من از یک بنده آزاد کردن و در حدیث دیگر فرمود که هرکه
مؤمنی مالداری را طعام بدهد برابر است با یک بندهٔ از فرزندان اسمعیل که او را از
کشتن آزاد کند و هرکه مؤمنی محتاجی را طعام بخوراند برابر است با صد بندهٔ از فرزندان
اسمعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که هرکه یکی از آنها را
بجا آورد داخل بهشت شود کسی که تشنه را سیراب کرده باشد یا گرسنه را سیر کند یا عریانی را
بپوشاند یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و از حضرت رسول منقولست که بهترین
اعمال نزد خدا سه چیز است سیر کردن مسلمانی گرسنه را یا قرض مسلمانی را ادا کردن یا
اندوهی را از او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که طعام داده میشود زودتر میرود
از فرو رفتن کارد بکوهان شتر و از حضرت علی بن الحسین منقولست که هرکه جامهٔ
زیادتی داشته باشد و داند که برادر مؤمنش آن محتاج است و باو ندهد خدا او را
سرنگون در آتش جهنم در اندازد و هرکه سیر بخوابد و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد

حق تعالی



حق تعالی بملائکه فرماید که شما را گواه میگیرم بر این بنده که من او را امر کردم و او نافرمانی
من کرد و اطاعت دیگران کرد بدانید که او را بعمل خود گذاشتم و هرگز او را نیامرزم
و از حضرت رسول منقولست که ایمان نیاورده است بمن کسی که سیر بخوابد و برادر مسلمانش
گرسنه باشد و از حضرت صادق منقولست که هرکه خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج باشد
که در آن خانه ساکن شود و او را راضی نشود حق تعالی بملائکه فرماید که بندهٔ من بخل ورزید
و بندهٔ من با ساکن شدن در خانه او در دنیا بعزت خودم سوگند میخورم که او را در
بهشت ساکن نگردانم و از حضرت رسول منقولست که هرکه دور کند از راه مسلمانان چیزی را
که باعث آزار ایشان باشد حق تعالی ثواب خواندن چهار صد آیه برای او بنویسد که هر حرفی
ده حسنه برای او نوشته میشود و در روایت دیگر فرمود که بندهٔ داخل بهشت شد بسبب خاری
از سر راه مسلمانان دور داشت و از حضرت صادق منقولست که نیکو چیزیست هدیه و پنهان
پیش از آنکه حاجت بگوئی و فرمود که هدیه بیکدیگر بفرستید که هدیه کینه را از سینه ها
بیرون میبرد و فرمود که دایم کرده اند هدیه را بعد از طرفی هدیه و فرمود که هدیه بر سه قسم است
هدیه که برای آن توقع نفع داشته باشی و هدیه که بعوض از تحفه فرستی و هدیه که از
برای رضای خدا فرستی و قرض دنیوی نداشته باشی **فصل هشتم** در حقوق فقرا و ضعیفا
و مظلومان و بیراهان و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که فقراء مؤمنان چهل سال پیش از توانگران ایشان در بهشت متنعم میشوند و
فرمود که برای تو مثلی بزنم مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که بعشاری بگذرند که یکی خالی را

ملاحظه

دور در روانه میکند و نگاه میدارد و گفتند پدر از بلاد دنیا از برای حساب میدارد و در حدیث دیگر
فرمود که هرچند ایمان بنده زیاده میشود تنگی روزیش بیشتر میشود و فرمود که اگر نه این بود
که مؤمنان الحاح و مبالغه در دعا طلب روزی میکردند هر آینه ایشان را بحالی تنگتر از
آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فقر و درویشی امانتیست از خدا
نزد خلقش پس هرکه آنرا پنهان دارد حق تعالی او را مثل ثواب کسی بدهد که در روزها روزه
بدارد و شبها به نماز ایستاده و هرکه آنها را اظهار بکند نزد کسی که قادر باشد از برآوردن حاجت
او و او نکند به تحقیق که آن فقیر را کشته است نه بشمشیر و نیزه بلکه بآن جراحتی که در دل او
کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در روز قیامت خطاب میفرماید با فقرای مؤمنان
مانند کسی که معذرت طلبد و میگوید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که شما را در دنیا فقیر
نکرده بودم برای خواری شما نزد من و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد هرکه در
دنیا بشما نیکی کرده است دستش را بگیرید و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگارا
اهل دنیا از زنان خوش رو خواستند و جامهای نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در
خانهای نیکو سکنا کردند و بر اسبان نفیس سوار شدند پس امروز بما هم مثل آنها عطا کن
پس حق تعالی فرماید که بهر یک از شما دادم مثل هفتاد برابر آنچه بجمیع اهل دنیا دادم از
اول دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود که مالداری که جامهای پاکیزه پوشیده بود نزد
حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و نشست پس مرد درویشی که جامهای چرکین پوشیده بود آمد در پهلوی او
نشست آن مالدار جامه خود را از زیر ران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که آیا ترسیدی

که از فقر



که از فقرش چیزی بتو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از توانگری تو با او چیزی برسد گفت نه
فرمود که ترسیدی که جامهایت چرکین شود گفت نه فرمود که پس چرا چنین کردی گفت یا رسول الله
مرا همنشینی هست از نفس و شیطان که هر بدی را برای من زینت میدهد و هر نیکی را در
نظر من بد میکند و من تدارک آنچه کردم نصف مال خود را باو بخشم حضرت به درویش
فرمود که قبول میکنی گفت نه توانگر گفت که چرا قبول نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و
در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت بشخص پریشانی فرمود که آیا بازار میروی و
چیزی نفیس می بینی که قادر بر خریدن آنها نباشی گفت بلی فرمود که هر چیزی که می
بینی و قدرت بر خریدن آن نداشته باشی حسنه برای تو نوشته میشود و در حدیث
حسن دیگر از آن حضرت منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و بیایند
تا در بهشت پس ملائکه بایشان گویند که شما کیستید گویند که مائیم فقیران ملائکه گویند که پیش
از حساب آمده اید که به بهشت روید جواب گویند که چیزی بما نداده اید که ما برای آن حساب
کنید حق تعالی فرماید که راست میگویند بروید به بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست
که حق تعالی میفرماید که من اغنیا را توانگر نکرده ایم برای آنکه ایشان گرامی بودند بر من
و فقیران را فقیر نکرده ایم برای آنکه خواری ایشان نزد من ولیکن توانگران را امتحان
کرده ام بفقیران و اگر فقیران نمیبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمیشدند و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه ذلیل و حقیر شمارد مؤمنی را برای پریشانی او حق تعالی او را
در حضور جمیع خلایق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که

حکایت

که فقرا عیال من باشند کسی که آزار کند بنده مؤمن مرا باید که ایمن نباشد از غضب من کسی که
گرامی دارد بنده مؤمن مرا و اگر از میان مشرق تا مغرب نباشد مگر یک مؤمن با امام عادلی
هر آینه بعبادت ایشان مستغنی شوم از جمیع آنچه خلق کرده ام در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت
زمین با ایشان برپا باشد و بگردانم از برای ایشان از ایمان ایشان انسی که محتاج بانس دیگری نباشند و در احادیث
معتبره بسیار منقول است که حق تعالی میفرماید که هرکه دوستی از دوستان مرا خوار کرد از جهت ایمان
که برروی من بجنگ ایستاده است و من بسیار زود یاری میکنم دوستان خود را و از حضرت
رسول ص منقول است که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
مؤمنی را ذلیل کند خدا بهتر او را ذلیل کند و فرمود که حق تعالی مؤمن را از عظمت جلال و قدرت
خود آفریده است پس هرکه بر او طعن کند یا سخن او را رد کند بر خدا رد کرده است و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقول است که حقیر مشمارید ضعیفان برادران خود را که هرکه مؤمنی را حقیر شمارد
خدا او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند مگر آنکه توبه کند و از حضرت رسول ص منقول است که بسا
ژولیده موی گردآلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد هر آینه قسمش را رد نکند
و حضرت صادق ع فرمود که کسی که بمردم استهزا کند در محبت ایشان طمع نداشته باشد و فرمود
که حقیر مشمارید مؤمن فقیر را که هرکه حقیر شمارد مؤمن فقیر را یا استخفاف او کند خدا او را
حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که جلالت سلطان را که سلطانها بتر میباشند و از حضرت صادق ع منقول است که هرکه اعانت کند
بر آزار مؤمنی بنیم کلمه در روز قیامت در میان دو چشمش نوشته باشد که ناامید است از

رحمت



از رحمت الهی و از حضرت رسول ص منقول است که هرکه گرامی دارد برادر مؤمن خود را بیک
کلمه از روی لطف یا حاجت او را برآورد یا غمی از او بردارد پیوسته رحمت الهی بر سرش سایه
انداخته باشد تا در کارسازی و برآمدن حاجت برادر مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این
مؤمن میگویند که مردم در جان و مال خود از او ایمن اند و مسلمان کسی است که مردم از دست
و زبان او سالم باشند و مهاجر کسی است که از گناهان هجرت کند و هرکه مؤمنی را دستی بزند
که او را بآن سبب ذلیل کند یا طپانچه برروی او بزند یا چیزی که نخواهد بر او نسبت باو دهد
ملائکه بر او لعنت کنند تا او را راضی کند و توبه کند پس زنهار که تعجیل مکنید در آزار
مردم که شاید او مؤمن باشد و شما ندانید و صبر و آهستگی و همواری بکنید که هیچ چیز نزد
خدا بهتر از نرمی و آهستگی نیست و در حدیث دیگر فرمود که هرکه طپانچه بر روی مسلمانی
بزند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دستش در گردنش غل کرده محشور
شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که دشنام
دادن مؤمن گناه بزرگیست و با او جنگ کردن کفر است و غیبت او را کردن نافرمانی
خداست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هرکه بترساند مؤمن را بسلطانی
که آزار باو برساند و نرساند در آتش است و اگر برساند و آزار باو برساند با فرعون
و آل فرعون باشد در آتش و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقول است که هرکه
بکشد کسی را که قصد کشتن او نکند و بزند کسی را که قصد زدن او نکند ملعونست
بلعنت خدا که فرستاده است و در حدیث دیگر فرمود که بحق خدا سوگند که جانم در قبضه قدرت

او کند که اگر اهل آسمانها و زمین همه جمع شوند بر کشتن مومنی یا راضی شوند بکشتن او
او همه را خدا بجهنم داخل گرداند و بحق پروردگاری که جانم بدست قدرت اوست
که هیچ کس را بناحق تازیانه نمیزند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را بر او میزنند و هر که
در کسی نظر کند بسوی کسی که او را بآن نظر کردن بترساند خدا بترساند او را در روزی
که بجز او پناهی نباشد و او را بصورت مورچه محشور گرداند و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر سخنی که از دهن شخصی بیرون می آید اگر در آنکه صاحبش را می یابد آنجا قرار
میگیرد و اگر نه بگوینده اش بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنه بزند در روی مومنی
بمیرد به بدترین مردنها و سزاوارست که عاقبتش بخیر نباشد و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت
توضیح کرد که چه چیز باید در امر مسلمانی که مسلمانی دیگر بر بیند او را و او باید او را در خانه باید در
رخصت ندهد و پرده نباید بر پوشد در وقتی که حاضر باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند و از
حضرت صادق ع منقولست که مومنی که میان او و مومنی حجابی باشد که با او نشوند و نبیند حق تعالی در قیامت
میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر
حصاری تا حصار دیگر هفتاد ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست که در زمان
بنی اسرائیل چهار نفر از مومنان بودند پس سه نفر ایشان در خانه همه مجتمع بودند
برای گفتگوی و چهارم آمد بدر آن خانه و در را زد غلام بیرون آمد او پرسید که مولای
تو کجاست گفت در خانه نیست آن شخص برگشت و غلام رفت و بمولای خود گفت که فلان شخص
آمد و من با او چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروای نکرد و غلام را ملامت نکرد





که چرا چنین گفتی و از برگشتن آن مرد آزرده نشدند و ایشان مشغول سخن خود شدند روز
دیگر بامداد آن مرد بامداد بدر ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بمزرعه
خود میروند بر ایشان سلام کرد و گفت من با شما بیایم گفتند بلی و عذر روز گذشته را
از او نخواستند زیرا که آن مرد پریشان و محتاج بود در اثنای راه ناگاه ابری بالای سر ایشان
پیدا شد گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون ابر محاذی سر ایشان شد منادی از
ابر ندا کرد که ای آتش بگیر ایشان را و منم جبرئیل رسول از جانب خدا پس آنگاه آتشی
آمد و آن سه نفر را بسوخت و آن مرد محتاج ترسان و حیران متعجب ماند پس بشهر برگشت
و بخدمت حضرت یوشع آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت یوشع فرمود که خدا بر ایشان غضب کرد
بعد از آنکه از ایشان راضی بود بسبب آنچه نسبت بتو بعمل آوردند و آن قصه را برای او
نقل کرد آن مرد گفت که من ایشان را حلال کردم و در گذشتم از کرده ایشان یوشع
گفت که اگر پیش از آمدن عذاب بود نفع میکرد اما الحال نفع نمیکند و شاید در قیامت
ایشان را نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر مومنی
که یاری نکند برادر مومن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا
و آخرت یاری نکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حاضر نشو در امری از امور
در موقفی که حاکم ظالمی کسی را بزند یا بکشد یا ستم بر او کند هرگاه یاری او نکند زیرا که
یاری مومن بر مومن واجبست هرگاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست
که شخصی از نیکان را در قبرش نشاندند پس با او گفتند که ما صد تازیانه از عذاب

او را بو تو میدهیم گفت طاقت ندارم پس بچه کم کردند گفت طاقت ندارم تا آنکه بیک نان
رسید گفت طاقت ندارم گفتند چاره نیست از یکی پرسید که بچه سبب این تازیانه‌ها
بر من میزنید گفتند باین سبب که روزی بی وضو نماز کردی و بر ضعیفی گذشتی که بر او ظلم
میکردند و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب خدا بر او زدند که قبرش پر از آتش شد و در حدیث
دیگر فرمود که چهار کسند که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان می‌افکند شخصی که کسی
چیزی از او خریده باشد و پشیمان شود و برود پس دهد و او قبول کند و کسی که بفریاد مضطری
برسد و کسی که بنده آزاد کند و کسی که عزیبی را کدخدا کند و از حضرت رسول صلعم منقولست
که کسی که بفریاد برادر مؤمنی خود برسد که او را از ورطه یا غمی یا اندوهی بیرون آورد
حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده درجه بلند کند و ثواب ده بنده آزاد کردن
باو کرامت فرماید و ده عذاب از او برطرف کند و ده شفاعت برای او در قیامت مهیا
گرداند و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که ببیند که بیچاره در گلی
پایش افتاده است و کسی بفریاد او نمیرسد پس بفریاد او برسد و او را بر چهارپای خود
سوار کند و بارش را بردارد حق تعالی باو خطاب فرماید که خود را بمشقت انداختی و
نهایت سعی کردی در فریادرسی برادر مؤمن خود برای تو موکل سازم ملکی چند که عدد
شان زیاده باشد از جمیع آدمیان از اول دنیا تا آخر دنیا و هر یک تا انقراض
وقت باشد که آسمانها باشد برای تو بر داشتن آسمانها در بهشت بنا کند برای تو در بهشت
قصرها و خانها و بلند کند برای تو درجها و چون در بهشت درآیی پادشاهان بهشت



باشی و کسی که دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را که خواهد ضرر بجان یا مال او
برساند حق تعالی خلق کند بعدد هر حرفی از گفتهای او بعدد هر حرکتی از حرکات
او در یکی از در دو گفتهای او صد هزار ملک که دفع کنند از او شیاطین را که قصد کنند که او را
گمراه کنند و بازهر ضرر قلیلی که از او دفع کرده باشد صد هزار ملک از خدمتکاران
بهشت و صد هزار از حوریان باو عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و
گویند که اینها هم در برابر آن دفع کردن ضرر است از مال و بدن برادر مؤمنی و از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که حرمت مرد پیر مسلمانی او را تعظیم کند برای پیری
خدا او را ایمن گرداند از ترس روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم
کردن مؤمن ریش سفید و فرمود که از ما نیست کسی که خردان ما را رحم نکند و پیران
ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند برای کوری حاجتی از
دنیا را و برای آن در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا او را برآورد حق تعالی او را
بیزاری دهد از نفاق و از آتش جهنم و هفتاد حاجت از حاجت دنیای او برآورد
و پیوسته در رحمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق ع منقولست که بکسی چیزی را
شنوانیدن بجای آنکه کر شنود تصدقیست آسان و از حضرت امام حسن عسکری ع
منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که هر که قاید کوری شود چهل گام برود
هموار و وفا نکند بقدر سر سوزنی از آن اگر تمام زمین را پر کنند از طلا و اگر بی
سر راه هستی که مهلکه باشد و او را از آن نجات دهد و بگذراند آن را در ترازوی

چنانچه گناه تو از دنیا بیاید صد هزار مرتبه و همه گناهان را پاک کند و هر دانه که
و او را با علی غرفهای بهشت برساند و از حضرت رسول صلعم منقولست که بسیار نظر مکنید بسوی
اهل بلا و آنها که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرموده که
از کسی که خوره داشته باشد بگریزید چنانچه از شیر میگریزید و با او سخن مگوئید مگر
آنکه میان شما یک ذرع از دور دورتر باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را به بینید
از خدا عافیت طلبید و از مرض ایشان غافل مشوید که مبادا بشما سرایت کند و از حضرت
رسول صلعم منقولست که پنج کس بهم جهل از ایشان اجتناب می باید کرد کسی که خوره داشته باشد
و پیس و دیوانه و ولد الزنا و عرب بادیه نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید با اهل
بلا و بنزد ایشان مروید و چون بایشان رسید شکر کنید و بدانید که شما و ایشان مبتلا نشده‌اید
و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون شخصی را به بینی که ببلا مبتلا
است بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن
خلق و آهسته بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست که چون کسی
از صاحبان بلا را ببینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی
مما ابتلاک به و لو شاء فعل که هر که چنین کند هرگز آن بلا باو نرسد و در حدیث
دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مبتلائی را ببیند و این دعا بخواند که
بآن بلا مبتلا نشود الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به و دیگر فرمود که این دعا
بخواند اللهم انی لا اسخر و لا افخر و لا کن احمدک علی عظیم نعمائک علی

واز حضرت



واز حضرت رسول صلعم منقولست که چون اصحاب بلا را ببینید حمد خدا بکنید و بایشان مشنوانید
که باعث اندوه ایشان میشود **فصل نهم** در رعایت حقوق مؤمنان در غیبت ایشان
در حدیث معتبر منقولست که شخصی بحضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص
شما را گمراه و مبتدع میداند حضرت فرمود که هم نشینی او را رعایت نکردی که سخن او را بمن
نقل کردی و حق مرا رعایت نکردی چیزی که من نمیدانستم از برادری بمن رسانیدی همه را مرگ
در پیش است و محشور خواهیم شد و وعده گاه همه قیامت است و خدا میان ما و ایشان حکم
خواهد کرد زنهار که غیبت مکن که نان خورش سگان جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول صلعم منقولست که هر که ایمان بخدا و روز جزا داشته باشد نزد نشیند در مجلسی که بامام دشنام
دهند یا غیبت مسلمی کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت مسلمی را کند ثواب روزه و نماز
و وضوئش برطرف میشود و در روز قیامت از دهنش بوی آید گنده تر از بوی مردار که اهل محشر
همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بمیرد حلال کرده باشد چیزی را که خدا حرام کرده است و هر که
احسان کند با برادر مؤمنی در مجلسی که غیبت او کنند و نگذارد که او را غیبت کنند حق تعالی
هزار نوع از بدی در دنیا و آخرت از او دور کند و اگر رد نکند و قدرت بر رد غیبت او
داشته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که دابد بدیده خود نه بیند که گناه میکند و دو گواه عادل بر او گواهی ندهند که گناه کرده
است او از اهل عدالت است و گواهی او مقبولست هرچند در واقع گناهکار باشد و
هر که غیبت کند او را بکاری که در او باشد او از دوستی و ولایت خدا بیرون است و در دو

ونیکیهاش را خراب کند و به تحقیق که خبر داد مرا پدرم امیرالمؤمنین از رسول صلعم که هر که غیبت کند
مؤمنی را بچیزی که در او باشد خدا و بهشت در میان ایشان اجتماع نیندازد و هر که غیبت کند
مؤمنی را بچیزی که در او نباشد عصمت در میان ایشان بریده شود و غیبت کننده در جهنم باشد و در
حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده و گوشش شنیده
باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی میفرماید که بدرستیکه آنان که میخواهند که شایع شود کار
بد در مؤمنان ایشان راست عذابی دردناک در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر فرمود که غیبت
آنست که در برادر مؤمن عیبی ذکر کنی چیزی را بگوئی که خدا بر او پوشانیده است و بهتان آنست که او
برادر مؤمن چیزی بگوئی که در او نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را
بدانکه دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در نطفه او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر
فرمود که سه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز برای او لازم میشود کسی که چون سخن گوید
دروغ نگوید و چون با مردم خلطه کند بر ایشان ظلم نکند و چون وعده کند بوعدهٔ خود وفا
کند در جهت آنکه عدالت او در میان مردم ظاهر باشد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد
و غیبت او بر ایشان حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب گردد و از حضرت رسول صلعم منقول است
که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زنا کار توبه میکند و خدا توبه اش قبول میکند و غیبت
کننده توبه اش قبول نیست تا آن شخص او را حلال کند و از حضرت صادق ع منقولست که برادران
خود را یاد کنید هرگاه غایب شوند از شما به بهتر از آنچه دوست میدارید که شما را غایبانه
یاد کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون فاسق علانیه گناه کند و پروا نکند او را حرمت

نیست



نیست و غیبت او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که سه کس اند که ایشان را حرمتی
نیست کسی را که صاحب بدعت باشد و امام و پیشوای ظلم کننده و فاسقی که علانیه فسق کند و از
حضرت رسول صلعم منقولست که هر که رد کند حرف بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او
بنویسند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که هر که نزد او
غیبت کند برادر مؤمنش را پس یاری او و نصرت و یاری کند خدا او را در دنیا و آخرت یاری
کند و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب بکند و نکند خدا
پست کند او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هر که حاضر باشد
در مجلسی که در آن مجلس سخنی در عرض برادران مؤمن او افتاده باشد و صاحب جاه و
اعتبار باشد و او رد کند بر آن ظلم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حق تعالی بر انگیزاند
ملائکه را که جمع میشوند نزد بیت المعمور برای حج و اینها نصف ملائکه آسمانها اند و ملائکه
کرسی و عرش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند که ایشان همه او را نزد خدا مدح و ثنا
کنند و از برای او از خدا رفعت منزلت و بلندی مرتبه او را سؤال کنند پس حق تعالی فرماید
که منی واجب گردانیدم برای او بعدد هر یک از شما که مدح او میکنید مثل عدد جمیع شما از قصر جان
بهشت و قصرها و باغها و بستانها و درختان آنچه خواهم که عقل مخلوق آن را احاطه نکرده
باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که نقل کند در مذمت مؤمن برای آنکه عیب او را
ظاهر کند و مروت او را در هم شکند و او را از دیدهای مردم بیندازد خدا [illegible] او را
از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث

معتبر منقولست که هر که دو رو و دو زبان داشته باشد که در حضور مردم مدح ایشان کند و در غایب
عیب ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود دو زبان از آتش داشته باشد یکی در پیش
رو و یکی در پشت سر و در حشر ندا کنند که این بود در دنیا دو رو و دو زبان داشته بود
روایت دیگر منقولست که محمد بن فضیل از حضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران
مؤمن من چیزی از او بمن میرسد که خوشم نمی‌آید چون از او سؤال میکنم و او انکار میکند
و حال آنکه جمعی از مردم ثقه این خبر را بمن نقل کرده‌اند حضرت فرمود که چشم و گوش خود را
تکذیب کن در حق برادر مؤمن خود و اگر پنجاه کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف
آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و آنها را تکذیب کن و برای او چیزی را فاش مکن که موجب
نقص و عیب او باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناهی چنان نیست
که آن گناه را خود کرده است و هر که مؤمنی را بچیزی سرزنش کند از دنیا نرود تا آن را خود
بکند و از حضرت علی بن الحسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگوئی در عرض مسلمانان نگاه دارد
خدا گناهان او را در قیامت بیامرزد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که بهتانی
بگوید برای مرد مؤمنی یا زن مؤمنه بچیزی که در او نباشد خدا او را در جوی چرک و زرداب زنا
کاران که در دیگهای جهنم جوشد نگاه دارد تا آنکه از عهده گفته خود بدر آید و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که هر که برای کسی چیزی بگوید که مردم آن را دانند آن غیبت نیست
و در حدیث معتبر منقولست که اظهار شماتت و شادی مکن در بلائی که از برای برادر مؤمن تو
نازل شود که خدا او را رحم میکند و از او دفع میکند و بر تو میفرستد آن بلا را و فرمود

از حضرت صادق



که هر که شماتت کند بمصیبتی که برادر مؤمن خود از دنیا بیرون نرود تا بآن بلا مبتلا شود و در احادیث
معتبره بسیار وارد شده است که نزدیکترین احوال بنده بکفر آنست که کسی با مؤمنی که برادر دینی او باشد
کند و لغزشها و گناهان او را نگاه دارد که یک روزی او را سرزنش کند بآنها و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ای جماعتی که بزبان مسلمان شده‌اید و ایمان بدل شما نرسیده است
مذمت مسلمانان مکنید و تفحص عیبهای ایشان مکنید که هر که تفحص عیبهای مردم کند خدا او را رسوا
کند اگرچه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که سرزنش مؤمنی
کند خدا او را در دنیا و آخرت سرزنش کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بدترین عیبها دو
گمان بد بمردم بردن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمن خود را ایمان در دلش
گداخته شود چنانچه نمک در آب گداخته شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرمود که نمی‌خواهید
خبر دهم شما را از بدترین شما گفتند که بلی یا رسول الله فرمود که آنها که در میان مردم بسخن چینی
راه میروند و در میان دوستان جدائی می‌اندازند و از برای پاکان عیب میجویند و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بر سخن چینان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دو
شخص با آزردگی از هم جدا نشوند مگر آنکه مستحق بیزاری و لعنت الهی میشود و بسیار باشد
که هر دو مستحق میشوند شخصی گفت که اگر یکی مظلوم باشد چون مستحق لعنت میشود فرمود که برای آنکه چرا
آید برادر خود دیگر را که او را برادر بخواند و احسان و آزار او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که آزردگی و جدائی زیاده از سه روز روا نباشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
پیوسته شیطان در فرح و شادیست تا دو مسلمان از یکدیگر آزرده‌اند و دوری میکنند

و چون با هم ملاقات کنند از نور ایشان بوم منور و بنده ایشان جدا میشود و فریاد بکند و اویلا
چه بلا بود که بر سر من آمد و از حضرت رسول ص منقولست که دو مسلمان که از هم دوری کنند و سه
روز بکشد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی بر طرف میشود پس هر یک که
زودتر یار بکی کسی بگوید در قیامت زودتر به بهشت خواهد رفت **فصل دهم** در آداب معاشرت
با ملوک و تعلیلی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت موسی ع منقولست که پیغمبری خود
کرای گروه [illegible] خود را ذلیل بکنید بترک عبادت و اما پادشاه خود پس اگر عادل باشد
از خدا بطلبید که او را باقی بدارد و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بطلبید که او را باصلاح
آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شما است و پادشاه عادل بمنزله پدر مهربان است از برای
او بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای مخذول مخواهید آنچه از برای خود نمیخواهید
و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که خدا وحی کرد که کسی که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی
کردن با او و از حضرت صادق ع منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالمی بود و از او آزاری
بیابد خدا او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر او را روزی نکند و از حضرت رسول ص منقولست
که مدح کند پادشاه ظالمی را و سر در او و شکستگی و تملق کند برای طمع دنیا قرین او باشد
در جهنم زیرا که حق تعالی میفرماید وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ یعنی بدل میل
مکنید بسوی آنها که ظلم میکنند پس مس میکند شما را آتش و فرمود که هر که راه نما کند ظالمی را
بظلم در جهنم با هامان و [illegible] باشد و هر که جانب ظالمی خصومت کند یا یاری او نماید
در آن خصومت چون ملک الموت نزد او آید بگوید بشارت باد ترا بلعنت خدا و آتش جهنم

دیگر



و هر که تازیانه در دست گرفته نزد پادشاه حاکم جابری بایستد حق تعالی آن تازیانه را در قیامت
اژدها گرداند از آتش که درازی آن هفتاد ذرع باشد و مسلط گرداند آن را بر او در جهنم
و بهتر بودن از حاضر شدن بر سر سفره فاسقان و از حضرت امیرالمؤمنین ع در وقت وصیت
فرمود بحضرت امام حسن ع که دوست دار صالحان را برای صلاح ایشان و مدارا کن
با فاسقان و در دل دشمن ایشان باش و از حضرت صادق ع منقولست که هر که دوست دارد
بقای ظالمان را دوست داشته است که خدا را معصیت کنند و هر که دوست دارد که خدا را
معصیت کنند با خدا دشمنی کرده است علانیه و در حدیث دیگر که حضرت عیسی ع با بنی اسرائیل
میگفت که یاری مکنید ظالم را بر ظلمش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول ص منقولست که
چهار چیز است که دل را فاسد میکنند و نفاق را در دل میرویانند چنانچه آب درخت را
میرویاند شنیدن سازها و خوانندگیها و فحش گفتن و بدر پادشاه رفتن و از پی شکار
رفتن و از حضرت صادق ع منقولست که نگاه دارید و حفظ کنید دین خود را بپرهیزکاری
از محرمات و قوت دهید دین خود را بتقیه کردن از شما [illegible] و مستغنی شدن بخدا از
طلب کردن حوائج از پادشاهان و بدانید که هر که مؤمن را خضوع و شکستگی کند نزد صاحب سلطنتی
یا کسی که مخالف او باشد در دینش از برای طلب آن دنیا که در دست او است خدا او را
کم نام کند و دشمنی دهد او را و او را بخود واگذارد و اگر چیزی از دنیای بدست بیاید
خدا برکت را از آن بردارد و او را ثواب ندهد اگر خرج کند در حج عمره یا بنده آزاد
کردن و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که چون روز قیامت شود منادی

از جانب خود نیز ندا کند که کجایند ظالمان و مددکاران ایشان و آنان که دوات ایشان را لیقه
کرده اند یا سر کیسه برای ایشان بسته اند یا مدقلمی بایشان داده اند ایشان را هم با ظالمان
محشور کنید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده بپادشاه نزدیک نمیشود مگر آنکه از خدا دور
میشود و هیچ بنده مالش زیاد نمیشود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده
اتباعش بسیار نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتر میشوند و فرمود که زنهار که احتراز کنید از در
خانه پادشاهان و جاها که با پادشاهان میباشند که نزدیکترین شما بایشان دورترین شما است از
خدا و هر که پادشاه را بر خدا اختیار کند پرهیزکاری از او بدر رود و او را حیران کرده اند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق منقولست که هر که عذر خواهد ظالمی را در ظلم خدا مسلط کند بر او
کسی را که ظلم بر او کند پس اگر دعا کند دعایش مستجاب نشود و خدا او را بر آن ستم که میکشد
ثواب ندهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی حق تعالی بر او
خشمناک باشد تا دست از آن یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی
پادشاه ظالمی بود که حاجت مؤمنی را بشفاعت بنده صالحی برآورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح
هر دو در یک روز مردند و مردم همگی بر جنازه آن پادشاه جمع شدند و درهای بازارها را
بستند برای مردن او تا سه روز و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا کرمهای زمین روی او را خوردند
پس حضرت موسی بعد از سه روز آن مرد صالح را باین حال مشاهده فرمود و گفت
پروردگارا آن دشمن تو بود و باین اعزاز و اکرام او را برداشتند و این دوست تو است و این حال او
سبب چیست حق تعالی وحی فرستاد که ای موسی این دوست من از آن جبار حاجتی سؤال کرد و او

برآورد



برآورد و او را مکافات دادم برای برآوردن حاجت این مؤمن و کرمهای زمین را بر روی این مؤمن
مسلط کردم برای سؤالی که از آن جبار کرده و در حدیث دیگر منقولست که علی بن جعفری از
حضرت امام رضا عرض کرد که چه میفرمائید در کار دیگران که مردم متکفل میشوند از
جانب پادشاهان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان و یاری ایشان کردن
و سعی در حوائج ایشان نمودن معادل کفر است و عمداً نظر بسوی ایشان کردن گناه
کبیره است و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که برود بنزد توانگری و تواضع
نکند برای توانگری او دو ثلث دینش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هر که برود بنزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرهیزکاری بکند
و بترساند و نصیحت بگوید او را مثل ثواب جن و انس داشته باشد و از علی بن حمزه منقولست
که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه کار میکردم و مال بسیار بهم رسانیدم
حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم برای بنی امیه کتابت میکنند و غنیمت برای
ایشان جمع میکنند و از برای ایشان جنگ میکنند و نزد ایشان حاضر میشوند
هر آینه حق ما را غصب نمیکردند آن شخص گفت که آیا مرا چاره هست حضرت فرمود
که اگر بگویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان
آنچه صاحبش را نشناسی تصدق کنی و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم
برای تو آن شخص ساعتی سر در زیر افکند پس گفت چنین میکنم علی بن حمزه گفت
که آن جوان با ما بکوفه آمد و تمام مال خود را داد حتی جامه‌هائی که پوشیده بود و ما در میان

خود مالی جمع کردم و جاهای برای خود او خریدم و خرجی برای او فرستادم بعد از چند ماهی
بیمار شد چون من بدیدنش رفتم در حال جان کندن بود پس چشم گشود و گفت حضرت صادق ع
بعهد خود وفا کرد و این را گفت و مرد پس او را دفن کردم و در سال دیگر بخدمت آن
حضرت رفتم چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود که والله که برای رفیق تو وفا کردیم
و از مفضل بن یزید که نویسنده خلفا بود و شیعه بود منقولست که بخدمت صادق ع عرض کردم که
میدانید حال مرا که من نزد این خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم رسانی بتصدق بده خود هم
میفرماید که حسنات گناهان و سیئات را میبرد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتردار
بخدمت حضرت امام موسی ع آمد حضرت فرمود که همه چیز تو خوبست بغیر از آنکه شترهای خود را
بهارون الرشید کرایه میدهی صفوان گفت که والله که من شترهای خود را باو کرایه نداده ام
برای کار بدی یا شکاری یا لهوی ولیکن از برای راه مکه باو کرایه داده ام و من خود با او
نمیروم نوکران و غلامان خود را میفرستم حضرت فرمود که آیا میخواهی که این قدر زنده بمانند
که کرایه ترا بدهند گفت بلی فرمود که هر که زندگی ایشان را خواهد از ایشان است
و داخل جهنم است و در حدیث دیگر منقولست که عبدالغفار بن القسم از حضرت امام محمد باقر ع
پرسید که چه میفرمائید در باب دخل بنزد پادشاه فرمود که خوب نمیدانم برای تو گفت
بسیار است که بشام میروم و بنزد ابراهیم پسر ولید میروم حضرت فرمود که دخل بنزد
پادشاه و حکام باعث سه چیز بد میشود اول محبت دنیا دوم فراموش کردن مرگ سوم
راضی نبودن بآنچه خدا ترا روزی کرده است گفت یابن رسول الله من عیال بارم و

و به تجارت



و به تجارت میروم بآنجا برای منفعت حضرت فرمود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که هر که راضی باشد بحکم پادشاه ظالم و اعانت او کند از دین و ستانندهٔ او خواهد بود و از
حضرت رسول ص منقولست که دو صنف اند از امت من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام امت است
و فساد ایشان موجب فساد امت فقیهان و پادشاهان حضرت صادق ع فرمود که امید نجات
دارم برای هر که اعتقاد بامامت داشته باشد از این امت مگر سه کس صاحب سلطان که ظلم کند
و صاحب هوا و کسی که در دین بدعت کند و کسی که علانیه فسق کند و فرمود که سه کس اند که
با ایشان منازعه کنند ذلیل و حقیر میشود پدر و پادشاه و قرض خواه و از حضرت
رسول ص منقولست که بیوفاتر و کم دولت تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث صحیح از آن
حضرت منقولست که هر که حکومت مردم را اختیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بگشاید
و پرده بردارد که همه کس راه باو داشته باشند و باحوال همه مردم رسد بر خدا لازم است
که ترس او را در قیامت بایمنی مبدل کند و او را داخل بهشت کند و در حدیث دیگر
فرمود که چون حق تعالی خیر رعیتی را خواهد پادشاه مهربانی بر ایشان مسلط میگرداند و برای
او وزیر عادلی میسر میکند و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که خداوند عالمیان
میفرماید که منم خداوندی که بجز من خداوندی نیست آفریده ام پادشاهان را و دلهای ایشان
بدست منست پس هر گروهی که اطاعت بکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و
هر گروهی که معصیت من بکنند دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول مگردانید
خود را بدشنام دادن پادشاهان و توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم

کرده‌ام و در حدیث دیگر فرموده که چون حق تعالی بهشت را خلق نمود که ببزرگواری خود سوگند میخورم
که داخل بهشت نمیکنم کسی که همیشه شراب خورده و سخن چینان را و دیوث را و چون بکشاطانان را
و عشارانی که بر راهها و عقبها نشینان که عشور از مردم میگیرند و قطع کننده رحم را و کسی که قایل
باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بناحق سرکرده جماعتی باشد و بر ایشان استیلا یابد
حق تعالی او را در کنار جهنم بازدارد بر روی هر روزی هزار سال بدارد و چون محشور شود دستهایش در گردنش
بسته باشد پس اگر بامر خدا در میان ایشان عمل کرده باشد خدا او را رها کند و اگر ظلم بر ایشان کرده
باشد او را بجهنم اندازد و از حضرت صادق ع منقولست که هرکه والی مسلمانان شود و ایشانرا ضایع
گذارد و باحوال ایشان نپردازد خدا او را ضایع بگذارد و رحمت خود را از او باز گیرد و از
حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که هر والی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارهای خود را باو عرض
کنند حق تعالی در قیامت حاجت او را بر نیاورد و اگر چیزی بر سبیل هدیه بگیرد خیانت کرده که از غنیمت
دزدی کرده است که بدترین دزدیهاست و اگر رشوه بگیرد چنانست که بخدا مشرک آورده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی وحی فرمود بسوی پیغمبری از پیغمبران که در مملکت پادشاه جباری
بود که برو و بآن پادشاه بگو که من ترا پادشاه نکردم که خون مردم را بریزی و مالهای ایشانرا بگیری
برای این ترا پادشاه کرده‌ام که صداهای مظلومان را از من باز گیری بدرستیکه من ترک یاری
ستمها که بر ایشان میکنم هرچند کافر باشند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در جهنم کوه
هست که آنرا صعود میگویند و در آن کوه وادی هست که آنرا سقر میگویند و در آن وادی
چاهی هست که هبهب میگویند هرگاه که پرده از آن چاه را بر میدارند اهل جهنم از گرمی آن

بفریاد



بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن
بزیع که حضرت امام رضا ع فرمود که خدا را در درخانه پادشاهان جماعتی هست که خدا دین حق را
بایشان عطا فرموده و ایشانرا استیلا بر شهرها داده است که بسبب ایشان از دوستان خود
ضررها و ستمها دفع کند و بسبب ایشان باصلاح آورد امور مسلمانان را و مؤمنان در ضررها
بایشان پناه می برند و محتاجان شیعیان ما بایشان متوسل میشوند و بایشان خدا ترس مؤمنان را
ایمن میگرداند در مملکت ظالمان این جماعت مؤمنان بحق و راستی و ایشانند امینان خدا در زمین
و نور ایشان روشنی میدهد اهل آسمانرا چنانچه ستاره‌ها روشنی میدهند اهل زمین را
و در قیامت نور ایشان عرصه محشر را روشن میکند و ایشانرا برای بهشت خلق کرده‌اند اگر خواهی
از ایشان باشی شاد کردن مؤمنان از شیعیان ما را و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع
و در حدیث معتبر از رسول خدا ص منقولست که هرکه برساند بپادشاه حاجت کسی را که نتواند حاجت
خود را باو رسانیدن حق تعالی قدمهای او را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر
منقولست که جمعی عرض نمودند بخدمت حضرت صادق ع که فلان شیعه است که منصب از فلانی دارد و
میداند تصرف در مالهای ایشان میکند و میگیرد و صرف میکند و هیچ گاهی دعوت او را رد میشوم
و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکند و گاهی هدیه ام برای من میفرستد حضرت
در جواب نوشتند که اگر این مرد مالی و معاشی بغیر آنچه در دولت او است و از قبل ایشان دارد
طعامش را بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن مال حرام چیزی ندارد طعامش را مخور و
احسانش را قبول مکن و از حضرت صادق ع منقولست که شش دعا که از درگاه خدا رد نمیشوند

دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرین او بر فرزند بدکردار و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم
برای کسی که انتقام او از ظالم برای او بکشد و دعای مؤمن برای مؤمنی که از برای دوستی اهل بیت
او را اعانت خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسی که اعانت او نکند با قدرت و احتیاج مؤمن با او
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید که غضب من سخت شد بر ظالمی که ظلم کند
بر کسی که یاوری بغیر من نیابد و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی میفرماید که مستجاب نمیکنم
دعای کسی که مظلمه از کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که ظلم کننده و یاری
کننده او بر ظلم و کسی که راضی باشد بظلم او هر سه شریک اند در گناه و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که ظلم بر کسی بکند حق تعالی بر او مسلط گرداند کسی را که ظلم کند بر او یا بر فرزندان او و در حدیث
دیگر فرمود که هر که حق مؤمنی را حبس کند حق تعالی در قیامت او را پانصد سال بر پا دارد تا آنکه
از عرق او جویها جاری شود و منادی ندا کند که اینست ظالمی که حق خدا را حبس کرده بود پس
روز او را سرزنش کنند پس بفرماید که او را بجهنم برند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین جهاد
آنست که چون کسی صبح کند قصد ظلم بر کسی در خاطر نداشته باشد

## فصل یازدهم

در آداب معاشرت با کافران
و مخالفان در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را که با کافران اهل
ذمه شراکت کند یا امانتی با ایشان بسپارد که برای او چیزی بخرند یا چیزی با ایشان بسپارد یا دوستی
با ایشان بکند و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مسلمان نباید که با کافر در یک کاسه
چیزی بخورد یا با او در یک فرش بخوابد یا با او مصاحبت کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اگر محتاج
شوی بطبیب ترسا باکی نیست بر او سلام کنی و او را دعا کنی که دعای تو نفعی باو نمیرساند و از

حضرت



و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که ابتدا نکنید اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم
بگویید در جواب ایشان و با ایشان مصافحه نکنید و ایشان را بکنیت نام نبرید مگر آنکه با ایشان
مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من بعیادت کافران میروم
و در دم بگویند که اگر اینجا بمیری با ایشان محشور خواهی شد حضرت فرمود که اگر اینجا عیادت ایشان تنها
خواهی شد و نزد تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود و در حدیث دیگر از آن حضرت
پرسیدند که دعا از برای جهودان و ترسایان چگونه بکنم فرمود که بگوید بارک الله لک
فی دنیاک یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی
با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دست بدست او برسد دست را بشوی و در
حدیث دیگر فرمود که اگر با اهل ذمه یعنی جهودان و ترسایان و گبران مصافحه کنی دست را بخاک
یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و بعضی از علما گفته اند
دست را بخاک و دیوار مالیدن در صورتیست که دست مرطوب نباشد و ایشان را پلید تر باشد و در
حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با کافری مصافحه کند دستش را بشوید
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جهودی یا ترسایی یا کافری را ببیند بگوید:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتَاباً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَ بِعَلِيٍّ إِمَاماً
وَ بِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَاناً وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً خدا میان او و آن کافر در جهنم جمع نکند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تقیه دین من است و ایمان ندارد کسی که تقیه نمیکند و
فرمود که نه عشر دین تقیه است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که تقیه در بلاد مخالفان

کردن واجب است و کسی که از روی تقیه قسم بخورد برای آنکه دفع ضرری از خود بکند بر او کفاره
و کفاره نیست و حضرت امام موسی ع فرمود که ای زین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند و از
حضرت صادق ع منقولست که دین را حفظ کنید و پنهان دارید به تقیه کردن از مخالفان بدرستی که
شما در میان منافقان از باب بحث مگر حفظ کنید در دنیا و بدانید که اگر عیان بیا شند که عمل در شیعه انما
حقیقت بگو را تو دیگر نکنند و اگر مسئله باشند که حجت ما در بند شما حجت و اینها همه شما را ملامت کنند
و حضرت امام رضا ع فرمود که کسی که تقیه را ترک کند چنانست که نماز را ترک کند بدانکه تقیه در بلاد
مخالفان و منافقان واجبست هر گاه بیم ضرری باشد با آنکه اظهار دین خود نکند بلکه دین ایشانرا
اظهار کند و در وقتی که ایشان مطلع باشند و مخفی واقع نتوان شد وضوی نماز و سایر عبادات را
بطریقه ایشان بعمل آورند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف ضرر هست و تقیه
لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم است
مگر در خونی که در آن تقیه نمیباشد مثل آنکه گویند که خود را بکش و اگرنه ترا میکشیم باید که
کشته شود و او را نکشد **فصل دوازدهم** در بیان حقوق مرده گان بر زنده گان بدانکه چون کسی
آثار موت ظاهر شود اول کسی که باید باحوال او برسد و از آن غافل نشود خود است که تفکر کند که
در رفتن است و در خوردن سفر او را توشه بیاید پس اول چیزی که او را ضرورت است ایمان است که
واعتراف بتقصیر وندامت از گذشتها وتوبه کامل کردن است وتضرع وزاری بجناب
مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته او در گذرد و در احوالی و اعمالی که
پیش در دارد او را مدد دهد و دیگر آن نکند از پس توبه وصیت شود و حقوق خدا و خلق

آنچه در ذمه

مردن

آنچه در ذمه او باشد ادا کند و بدیگران نگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر
رود و به حسرت دیگران مال خود نگرد و شیاطین جن و انس وسوسه کنند او صیا و وارثان
او را مانع شوند که ذمه او را بری سازند و او را چاره نباشد و گوید که برگردانید
مرا شاید که آنچه از اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم و از و نشنوند و حسرت
و ندامت سود ندارد پس بقدر ثلث مال خود از برای خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه
مناسب حال خود داند وصیت کند که زیاده از ثلث اختیار ندارد پس از برای ذمه او برادران
مؤمن خود بطلبد و هر که را که غیبت کرده باشد یا آزاری باو رسانیده باشد اگر حاضر باشند
از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند
که برای او از برای ذمه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس ایزدی
اکرمی باشی بگذارند و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را مهیا کند و از شهادت
و عقاید حق و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب معتبره مذکور است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد بتربت حضرت امام حسین ع بفرماید بنویسند و این در صورتیست که
پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیا نکرده باشد و اگرنه مؤمن می باید که همیشه کفنش
مهیا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که کفنش با او باشد
در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظر کند بان کفن ثواب یابد و باید
که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود
و بیاد او باشد و تفکر کند که این سفر فانی بکار او می آید و بغیر لطف و رحمت

پروردگار در دنیا و آخرت چون بفریاد او نرسد و بداند که چون توکل و حسن ظن کند امور دنیا

کار او با حسن وجوه صورت خواهد یافت و بداند که آنچه باقی ماند بدون مشیت الهی نفعی با

نمی‌رساند و باید و ضرری از ایشان دفع نمی‌شود مگر دفع خدا و بداند که ایشان را اوصیه

از و با ایشان چه باید ترتیب و باید که در آن حالی در مقام رجا و امید باشد و از رحمت الهی

بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول خدا و حضرت ائمه معصومین علیهم السلام امید

عظیم داشته باشد و تفویض مراسم شریف ایشان باشد و بداند که هیچکس در آن وقت حاضر میشوند

و شیعیان خود را بشارتها میدهند و ملک الموت استمالتها میکند و بسند معتبر از حضرت رسول

منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نکند علامت نقصان عقل و مروت او است گفتند

یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او حاضر

شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم

انی اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا صلی

الله علیه واله عبدک ورسولک وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث

من فی القبور وان الحساب حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من النعیم

من المأکل والمشرب والنکاح حق وان النار حق وان الایمان حق وان الدین

کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول کما قلت وان القرآن کما انز

لت وانک انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک

ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه واله نبیا وبعلی اماما وبالقرآن



کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی

ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی و

الهی واله آبائی صل علی محمد واله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وآنس

فی قبری وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک منشورا پس حضرت رسول

که این عهد و پیمان میت است با خدا در روزی که مبعوث شود که وصیت کند و وصیت لازم است و در

بر هر مسلمی پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود که تصدیق این سخن در سوره مریم

که چون حق تعالی میفرماید که لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا یعنی در

مالک شفاعت نیستند مگر کسی که گرفته باشد نزد پروردگار خود عهد و این است عهد

و حضرت رسول به حضرت امیر المؤمنین فرمود که این وصیت را تو یاد گیر و بیاد اهل بیت خود و

شیعیان خود بده چنانچه جبرئیل تعلیم من نمود و اگر صحیفه خود را نوشته در کفن بگذارد با

جمعی از مؤمنان را حاضر کند و باعتقادات خود ایشان را گواه بگیرد باین نحو بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له

وان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه واله وان الجنة حق وان النار

حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور پس بنویسد

بر دیباچه کاغذ بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب ان

اخاهم فی الله عز وجل فلان بن فلان و نام خود بعد از آن بنویسد اشهدهم واستودعهم

واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا صلی الله علیه واله

عبده ورسوله وانّه سيّد جميع الانبياء والرسل عليهم السلام وانّ
عليّاً وليّ الله وامامه وانّ الائمّة من ولده ائمّة وانّ اوّلهم الحسن
والحسين وعليّ بن الحسين ومحمّد بن عليّ وجعفر بن محمّد وموسى بن جعفر
وعليّ بن موسى ومحمّد بن عليّ وعليّ بن محمّد والحسن بن عليّ والقائم الحجّة
عليهم السلام وانّ الجنّة حقّ والنار حقّ والساعة آتية لا ريب فيها وانّ
الله يبعث من في القبور وانّ محمّداً صلّى الله عليه وآله رسوله جاء بالحقّ
وانّ عليّاً وليّ الله والخليفة من بعد رسول الله صلّى الله عليه وآله و
مستخلفه في امّته مؤدّياً لامر ربّه تبارك وتعالى وانّ فاطمة بنت رسول
الله وابنيها الحسن والحسين ابنا رسول الله صلّى الله عليه وآله وسبطاه
واماما الهدى وقائدا الرحمة وانّ عليّاً ومحمّداً وجعفراً وموسى وعليّاً و
محمّداً وعليّاً وحسناً والحجّة عليهم السلام ائمّة وقادة ودعاة الى الله عزّ
وجلّ وحجّة على عباده پس نام گواهان در آن صحیفه نوشته خواهد شد یا فلان
ویا فلان ونام شاهدان بگوید اثبتوا الى هذه الشهادة عندكم حتّى تلقو
بها عند الحوض پس گواهان بگویند یا فلان نستودعك الله والشها
دة والاقرار والاخاء وموعوده عند رسول الله صلّى الله عليه
وآله ونقرأ عليك السلام ورحمة الله وبركاته پس صحیفه را به پیچند
ومهر کند بمهر آن شخص خود وبمهر گواهان وازجانب راست میت جریده بگذارند





واز حضرت رسول ص منقولست که بر سر شخصی از احتضار در وقت جان کندن حاضر
شد و از او پرسید که خود را چون می یابی گفت امید از رحمت الهی دارم
واز گناهان خود میترسم فرمود که این دو حالت در این وقت در دل کسی جمع نشد
مگر آنکه خدا امیدش را میدهد واز آنچه میترسد او را ایمن میگرداند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت رسول ص حاضر شد نزد شخصی که در حال احتضار بود فرمود
که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر من طاعتک وآنچه
متعلق بجوانان و پدران مؤمنین است باید که او را در هیچ حالتی تنها نگذارند
ونزد او قرآن و دعا بخوانند وسوره یس و صافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت
خدا و رسالت حضرت رسول ص و امامت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و
سایر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات کمالیه الهی و تنزیه خدا از نقایص
مکرر بگویند که او بگوید و اگر نتواند کلمات فرج را بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند
و معنیش اگر عربی نداند بفهمانند و تلقین کنند و پاهایش را بسوی قبله کنند و در آن وقت حایض و جنب
نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد بجای اضطرار
نزد او باشند و چون نزع بر او شدید شود که جانش بیرون رود در آنجا بیرون روند و در
معتد او نماز کرده است که اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را ببرند بآن جایی که مصلی
نماز کرده است او را بخوابانند که امید تخفیف هست شفا یابد و اگر نه جانش
باسانی بیرون می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص داخل شد بر شخصی

ملائکه

اند و نقلست که عبدالمطلب در حال احتضار بود فرمود که پای او را بسوی قبله کنید تا

باو رو آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و از حضرت امام رضا منقولست که هرگاه

که در حال احتضارست او را مگذارید و اگر دست و پا بزند مانع مشوید چنانچه

جاهلان میکنند و نزد او قرآن بخوانند و یاد خدا بکنند و صلوات بر رسول و آل او

بفرستند و در حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت امام جعفر صادق در احتضار

بود و حضرت امام محمد باقر در کنار خانه نشسته بود و هرگاه کسی که نزدیک او میرفت

منع میکردند و میفرمودند که دست بر او مگذارید که او درین حال در نهایت ناتوانیست

و هرکه دست بر او میگذارد از جا نیست که او را کشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول

منقولست که تلقین کنید مردگان خود را که لا اله الا الله بگویند که هرکه آخر سخنش

لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله

تلقین ایشان کنید که گناهان را درهم میشکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر

منقولست که هرگاه کسی در وقت جان کندن بیابید این کلمات فرج را تلقین کنید که او بگوید

لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب

السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش

العظیم و الحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که هرگاه از اهل خانه

حضرت امیرالمؤمنین ۲۲ محتضر شد حضرت کلمات فرج را تلقین ایشان میفرمودند که تا

چون بگفتند میفرمودند که بروید که دیگر بر تو باکی نیست و در حدیث حسن دیگر منقولست

که حضرت



که حضرت رسول بنزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند در حال جان کندن و فرمود که این

کلمات را بگو آن چون گفت فرمود که الحمد لله که او را خدا از آتش جهنم نجات داد

و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه شیطان جمعی از لشکرش را

موکل میگرداند برای او در وقت مردن که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش

مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتوانند او را بشک اندازند پس در آن حال

تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادتین و اقرار با ائمه علیهم السلام یک یک را تا او سخن

گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی در وقت مردن اقرار با مامت

ائمه علیهم السلام بکند و بغیر تشیع را اعتقاد کند آتش جهنم هیچ عضو او نرسد و در

حدیث دیگر فرمود که شخصی را مرگ در رسید و حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جمعی

از صحابه و او بیهوش بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار

تا از او سؤال کنم پس آن شخص بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی

بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر اند گفت سیاهی حضرت فرمود که

بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معاصیک و اقبل منی الیسیر من طاعتک پس

آن شخص بیهوش شد باز بملک الموت فرمود که دست از او بردار پس او بهوش آمد

حضرت فرمود که چه چیز می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم فرمود که کدام یک

بتو نزدیکتر است گفت سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند پس حضرت صادق فرمود

که نزد هرکه حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا بخوانند و در حدیث دیگر منقولست

که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد جوانی حاضر شدند در وقت مردن وی او را گفتند که بگو لا اله الا الله
و او زبانش بند شده بود و نتوانست گفت پرسیدند از زنی که بر بالینش او نشسته بود که این
مادر دارد گفت من مادر اویم فرمود که از او خوشنود نیستی گفت بلی از او غضبناکم شش سالست
که با او سخن نگفته‌ام فرمود که از او راضی شو گفت راضی شدم پس حضرت با آن جوان گفت که بگو
لا اله الا الله زبانش گشوده شده بود و گفت پس حضرت فرمود او را و پرسیدند که چه چیز می
بینی گفت مرد سیاه بد روی بد بوی جامه چرکنی را می‌بینم که نزدیک منست و گلوی مرا گرفته
بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی
الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون جوان این دعا را خواند حضرت فرمود که چه چیز می
بینی گفت این سیاه را نمی‌بینم و سفید را می‌بینم که نزدیک منست این را گفت و وفات کرد پس چون فوت
شود سنت است که دندان او را بهم گذارند و چانه‌اش را ببندند و قرآن نزد او بخوانند و
بوی خوش دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار است که برادران مؤمن را خبر کنند بمردن
او تا بجنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و از برای او استغفار کنند و میت ثواب ببرد
و ایشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمن را
بقبر میبرند ندا میکنند او را که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم
ایشان را که با جنازه تو آمده‌اند آمرزش گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که هرکه
جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک را وکیل گرداند که
او کنند و استغفار از برای او کنند از قبر تا بموقف حساب و فرمود که هرکه چهار طرف جنازه

بگیرد

بگیرد بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون
آید و بهتر آنست که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود
بردارد پس پای راست میت را بدوش راست بردارد پس پای چپ میت را بدوش چپ بردارد
پس دست چپ میت را بدوش چپ بردارد پس چون خواهد که دیگر تربیع کند از پیش روی
جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه دور کرده باز بهمان دستور تربیع بجا آورد و بهتر آنست
که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه راه نرود و در بعضی احادیث آنست که اگر
جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوب است و در جنازه مخالف مذهب پیش آن نباید
رفت زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن نیکو نیست و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه جنازه را ببیند این دعا بخواند هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه
گریه کند از برای ترحم بر او و آن اینست الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق
الله و رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر العباد
بالموت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه تشییع جنازه بکند بهر قدمی که بردارد صد
هزار حسنه برای او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه از برای
او بلند شود و اگر بر جنازه او نماز کند حق تعالی بعد از فوت او صد هزار ملک بفرستد
که بر جنازه او نماز کنند و از برای او استغفار کنند تا وقتی که دفن شود و اگر بماند
تا وقت دفن حق تعالی صد هزار ملک مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبر
بیرون آید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که

که مؤمن را غسل بدهد چون او را از پهلو به پهلو بگرداند این دعا بخواند که گناهان یکسال او
آمرزیده شود مگر کبائر اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن و قد اخرجت
روحه منه و فرقت بینهما فعفوک عفوک و در حدیث دیگر فرمود که هر که میت را غسل بدهد
و آنچه از عیبهای آن میت ببیند ظاهر نکند و بکسی نقل نکند گناهانش آمرزیده شود و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت موسی از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که میت را غسل
بدهد وحی باو رسید که او را از گناهان پاک میکنم مانند روزی که از مادر متولد شده بوده
و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و در وقت
غسل دادن مکرر بگوید رب عفوک عفوک خدا او را بیامرزد و در فقه الرضا ع مذکور
است که در وقتی که دست بر انگشتهای میت مالد این دعا بخواند اللهم انی سئلتک حب محمد
وآله الصلوة و السلام علیهم فی حیاته فاسئلک به سبیل رحمتک و در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن پوشش او شده است
تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه موافقی
جا داده باشد تا روز قیامت و از حضرت رسول ص منقولست که هر که بر جنازه نماز کند
هفتاد هزار ملک با او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند
تا او را دفن کند بهر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب باو بدهند که آن قیراط مانند
کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی که بر جنازه نماز کند بهشت او را واجب
می شود مگر آنکه منافق یا عاق پدر و مادر باشد و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست





که چنین
هر گاه بر جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند اللهم انا لا نعلم منه الا
خیرا و انت اعلم به منا یعنی خداوندا ما از او بغیر از نیکی نمیدانیم و تو داناتری باحوال
او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را
که من میدانم و شما نمیدانید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول ص منقولست که اول چیزی که در
عنوان نامه مؤمن می نویسند بعد از مرگش آن چیزیست که مردم در حق او گویند اگر بنیکی
گویند نیک می نویسند و اگر ببدی گویند بد می نویسند و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست
که چون میت را به قبر رسانی او را از ناگاه بقبر داخل مکن پس چون بر قبر گذاری آنچه که
بخوان و بگو بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم
افسح له فی قبره و الحقه بنبیه اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان
مسیئا فاغفر له و ارحمه و تجاوز عنه و استغفار از برای او بسیار کن و در حدیث حسن
ع چون میت را داخل قبر میکنند این دعا بخوانند اللهم جاف الارض عن جنبیه
و صاعد عمله و لقه منک رضوانا و در حدیث دیگر فرمود که چون میت را به قبر گذارند
باید که اولی مردم باو نزدیک سرش باشد و نام خدا ببرد و صلوات بر حضرت رسول ص
بفرستد و پناه بخدا از شر شیطان و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر تواند روی او را بگشاید و بر خاک گذارد
و او را تلقین کند و دعا به شهادتین و اقرار بائمه معصومین و سایر اعتقادات حق و در حدیث دیگر
فرمود که چون خاک بر میت بریزی بگو ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله و رسوله

تا آنکه بعد از دفن از آن خاک حسنه در نامهٔ اعمالت نوشته شود و چون قبر را پر کنند مردم
برگردند و نزدیک تر خویشان میت سر قبر بنشیند با آواز بلند تلقین کند که این تلقین را
این میشود که منکر و نکیر از سؤال بکنند و سنت موکد است و چون قبر را بعد از دفن میت اهل او را
تعزیه بگویند و پیش از دفن نیز مستحب است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که
اندوهگینی را تعزیه بگوید در روز قیامت او را خلعتی بپوشانند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت را
باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که مردگان را
زیارت کنید که ایشان خبر میشوند از زیارت شما و شاد میشوند و به شما انس میگیرند چون
نزدیک قبر برسید بگویند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک ارواحهم
ولقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تؤنس به وحشتهم
انک علی کل شیء قدیر و در احادیث معتبر وارد شده است که هر که نزد قبر مومنی خود برود
بنشیند دست بر قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند از ترس بزرگ
روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که چون خواهی او را و هر که قبر را در برگیرد
مرده ... و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر نزد قبر یکی از شیعیان ایستادند و این
دعا خواندند اللهم ارحم غربته وصل وحدته و آنس وحشته و آمن روعته
واسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان
یتولاه و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مومنی بخواند هفت
مرتبه حق تعالی ملکی بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک برای میت

بنویسند



بنویسند و چون از قبر محشور شود هر هولی از احوال قیامت که بر مردم عارض شود بسبب آن ملک
آن هول را از او دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحب است که نزد قبر سوره حمد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی را هر یک
سه مرتبه بخوانند و انا انزلناه را هفت مرتبه بخوانند و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بر
قبرستانی بگذرد و یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و ثوابش را به مردگان آن
قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد بدانکه چون این رساله محل ذکر احکام
احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن نبود قلیلی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله
از این فواید خالی نباشد و مفصل هر یک در کتاب بحار الانوار مذکور است **باب یازدهم**
در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب
نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و امثال اینها **فصل اول** در فضیلت سلام و
آداب آن در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلعم امر فرمود ما را به هفت خصلت
عیادت بیماران و متابعت جنازه مردگان و قبول کردن قسم کسی که ترا قسم دهد
و دعا کردن برای کسی که عطسه کند و یاری کردن مظلوم و به هر کس سلام کردن و
قبول ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که در بهشت غرفه چند هست
که اندرون آنها از بیرون نمایان است و بیرون از اندرون نمایان است کسی از امت من در آنها
ساکن میشود که زبان نیکو با مردم گوید و طعام به مردم بخوراند و افشای سلام
بکند و نماز کند در شب در وقتی که مردم در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام

و آنست که بخل نورزد در سلام کردن با احدی از مسلمانان و از حضرت صادق ع منقول
است که از جملهٔ تواضع و شکستگی آنست که با هر که برخوری سلام بکنی و از حضرت رسول ص منقول
است که هر که ابتدا کند بسخن گفتن پیش از سلام جوابش مگویید و کسی را بطعام مخوانید
پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرمود که عاجزترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد و
بخیل ترین مردم کسی است که بسلام کردن بخل کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بدهد لقمهٔ
نان برخورد و برادران سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن در نامهٔ عملش نوشته شود و از حضرت
صادق ع منقول است که هر مؤمنی که بجماعتی از مؤمنان سلام کند ملائکه در جواب سلام او می‌گویند
سلام علیک و رحمة الله و برکاته ابداً و از حضرت رسول ص منقول است که سلام کردن
سنت است و جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت صادق ع منقول است که چون کسی سلام
کند بلند سلام کند که بشنوند تا نگوید که سلام کردم و جواب نگفتند و چون کسی جواب سلام
کند گوید بلند گوید که آن سلام کننده نگوید که سلام کردم و جواب نگفتند و در حدیث
دیگر منقول است که هر که السلام علیکم بگوید ده حسنه برای او باشد و اگر سلام علیکم
و رحمة الله و برکاته بگوید سی حسنه برای او باشد و در حدیث دیگر منقول است که
کسی که بصیغهٔ جمع با ایشان سخن باید گفت هرچند تنها باشد کسی که عطسه کند بگو
یرحمکم الله هرچند یکی باشد زیرا که با او ملائکه می‌باشند و در وقت مؤمنان غایب
داخل میشوند که دو و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که مکروه است کسی بگوید حیاک
الله مگر آنکه بگوید حیاک الله بالسلام و از حضرت صادق ع منقول است که سه کس

که بر ایشان

که بر ایشان سلام نمی‌باید کرد کسی که با جنازه راه رود و کسی که بنماز جمعه رود و کسی
که در حمام باشد و حمل کرده اند بر صورتی که لنگ نبسته باشد و از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند بر ایشان سلام مکن و از حضرت رسول الله
سلام کنی و متوجه نماز شو و اگر بمجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام بکن و
از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که کسی که داخل خانهٔ خود شود با اهل خانه سلام کند و اگر
اهل خانه نباشد و خانه خالی باشد بگوید السلام علینا من ربنا و فرمود که اگر کسی
بتو بگوید حیاک الله بالسلام در جواب بگو انت فحیاک الله بالسلام و احلک دار
المقام و از حضرت رسول ص منقول است که چون یکدیگر را ملاقات کنید سلام و مصافحه بکنید و چون از
یکدیگر جدا شوید طلب آمرزش از برای یکدیگر بکنید و در حدیث دیگر فرمود که کسی که داخل
خانهٔ خود شود سلام بکند که سبب برکت میشود و ملائکه انس میگیرند در آن خانه و از حضرت صادق ع
منقول است که چون زن بر جماعتی داخل شود بگوید علیکم السلام و چون مرد داخل شود بگوید السلام
علیکم و در بعضی از اخبار وارد شده است که چند کس اند که بر ایشان سلام نمی‌باید کرد
یهود و گبر و ترسا و بت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد و کسی که بر سر خوان شراب نشسته
باشد و بر شاعری که بر زنان محصنهٔ عفیفه فحش گوید و بر جماعتی که خوش طبعی ایشان دشنام مادر ا
و بر کسی که نرد یا شطرنج یا سایر انواع قمار بازی کند و بر کسی که طنبور یا عود نوازد و بر کسی
که مردم با او عمل لواط کنند و کسی که در اثنای نماز باشد و کسی که ربا خورد و فاسقی که علانیه
فسق کند و پروا نکند و در روایت صحیحی وارد شده است که سلام کردن بر کسی که شطرنج

بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نهی وارد شده است از سلام کردن بر کسی که شراب خورد و
و معروف نیست که اکثر اینها مجهول باشد بانکه سلام کردن و اینها فضیلت بسیار ندارد یا بانکه
از روی حرمت و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان نباید کرد زیرا که احادیث
بسیار وارد شده است که بر هر کس سلام کردن خوبست و از حضرت رسول ص که چون کسی از مجلسی
برخیزد وداع کند اهل آن مجلس را بسلام کردن که اگر بعد از آن حرف خیری بگویند در ثواب شریک
ایشان خواهد بود و اگر حرف بدی بگویند گناهی بر اینها خواهد
بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت صادق ع منقولست که کوچک بر بزرگ تر سلام میکند
و کسی که گذر دارد بر کسی که نشسته باشد سلام میکند و جماعت کم بر جماعت بیشتر سلام میکنند و در
دیگر حدیث منقولست که سواره بر پیاده سلام بکند و استر سوار بر خر سوار سلام بکند و اسب سوار
بر استر سوار سلام بکند و ایستاده بر نشسته سلام بکند و در چند حدیث معتبر از آن حضرت
که چون جماعتی بگذرند یکی از ایشان سلام کند از دیگران مجزیست و اگر کسی بر جماعتی سلام
کند یکی از اینها که جواب بگوید از دیگران مجزیست و در حدیث حسن از آن حضرت منقولست
که رسول ص بر زنان سلام میکردند و ایشان جواب میگفتند و حضرت امیرالمؤمنین ع بر زنان
پیر سلام میکردند و کراهیت داشتند از سلام کردن بر زنان جوان و میفرمودند
که میترسم که خوشم آید بر آواز او گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که بسلام کردن
طلب میکنم و امثال اینها از برای تعلیم دیگران میفرمودند و خود از امثال اینها
معصوم و منزه بوده‌اند و از حضرت صادق ع منقولست که ابتدا مکنید باهل کتاب یعنی یهود

ونصاری



و نصاری و مجوس را بسلام و چون ایشان سلام کنند بگوئید علیکم و در روایت
دیگر وارد شده که چون یهودی یا نصرانی یا مشرک و بت پرست بتو سلام کند
بگو علیک و بدانکه از جمله سنتها سلام رخصت است که چون خواهند که
داخل خانه کسی شوند بهتر آنست که در بیرون خانه سه مرتبه سلام کنند
اگر جواب سلام بشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام رخصت
و از حضرت صادق ع منقولست که رخصت طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول میشنوند
در مرتبه دوم حذر میکنند در مرتبه سیم اگر میخواهند رخصت میدهند و اگر نمیخواهند
ساکت میشوند که او برگردد و حق تعالی فرموده است که داخل شوید در خانه غیر خانهای خود
تا استیناس بکنید و سلام بر اهلش بکنید حضرت صادق ع فرمود که استیناس کفش بر زمین زدن
و سلام کردن است که ایشان خبر شوند **فصل دوم** در فضیلت مصافحه یعنی دست بیکدیگر دادن
گرفتن و معانقه دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث
صحیح از حضرت ع منقولست که از تمامی تحیت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن است
و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر کردن است و در حدیث
معتبر از ابو عبیده منقولست که گفت من هم کجاوه حضرت امام محمد باقر ع بودم من اول
بکجاوه میرفتم پس آن حضرت بکجاوه میرفتند چون بر دو در کجاوه درست می نشستیم حضرت
بر من سلام میکردند و احوال از من میپرسیدند مانند کسی که یکدیگر را ندیده باشند
و با من مصافحه میکردند و چون از کجاوه فرود می آمدیم اول آن حضرت پایین می آمدند و چون

هر دو در زمین فرود میگرفتیم سلام می کردند و احوال میگرفتند مانند دو کسی که مدتی تنها یکدیگر را
ندیده باشند من گفتم یا رسول الله شما کاری چند میکنید مردمی که نزد ما هستند چنین
نمیکنند حضرت فرمود که ای عبدالله که معانقه کردن چه ثواب دارد بدرستی که دو مؤمنی که با
یکدیگر ملاقات کنند و معانقه کنند چون کناه از ایشان میریزد چنانچه برک از درخت
میریزد و حق تعالی نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث معتبر دیگر از
ابوحمزه منقولست که گفت من همراه بودم با حضرت امام محمد باقر پس چون براه فرود آمدیم
حضرت اندکی راه رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدای
تو شوم من با تو بودم در کجاوه حضرت فرمود نمیدانی که مؤمنی چون اندکی حرکتی بکند
و بعد از آن دست برادر مؤمن خود را بگیرد حق تعالی نظر لطف بسوی ایشان میکند و رو رحمت خود را
بجانب ایشان میکند و بگناهان میفرماید که فرو ریزید از ایشان تا آنکه چون از یکدیگر
جدا میشوند هیچ کناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که مصافحه
معانقه آنست که دو درخت خرما بکویند پس بعد از آن باز معانقه سنت است و حضرت امام
محمد باقر فرمود که سزاوار آنست که دو مؤمنی که از یکدیگر پنهان شوند اگرچه بدرختی
باشد که میان ایشان فاصله شود ملاقات کنند باید که معانقه کنند و در حدیث دیگر فرمود
دست را دیرتر بکشید در ثواب بیشتر است و حضرت صادق فرمود که حضرت رسول هرگاه با کسی
مصافحه میکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را میکشید و در حدیث دیگر
فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که کینها از سینها میبرد و فرمود که معانقه کردن با مؤمنی

بمنزلت



بمنزلت از معانقه کردن با ملائکه و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که چون برادران
مؤمن ملاقات نمایید با ایشان معانقه کنید و بشاشت و خوشحالی نزد ایشان ظاهر کنید تا
آنکه چون جدا شوید هیچ کناه بر شما نمانده باشد و با دشمن خود نیز معانقه کنید هرچند او نخواهد
خدا چنین امر فرموده است و باعث رفع دشمنی او میشود و در حدیث دیگر از اسحق بن عمار
منقولست که من در کوفه بودم و شیعیان بنزد من می آمدند که از شهرت ترسیدم و غلام
خود را امر کردم که هرکه مرا خواهد بگو که اینجا نیست پس در آن سال بحج رفتم و چون بخدمت
حضرت صادق رفتم آن حضرت را از خود متغیر یافتم گفتم فدای تو شوم چه چیز باعث تغیر
شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغیر تو شده است از مؤمنان گفتم فدای تو شوم
از شهرت ترسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست می دارم حضرت فرمود که ای اسحق
ملال بهم رسانیدی از بسیار آمدن برادران مؤمن بدیدن تو که چون مؤمنی با برادر مؤمن
خود برخورد و با او مرحبا بگوید خدا از برای او تا قیامت مرحبا میفرستد پس چون با او
معانقه میکند حق تعالی میان دو ابهام ایشان صد رحمت میفرستد که نود و نه تای آنها از
آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد و روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست بیکدیگر
کنند رحمت ایشان را فرو میگیرد پس چون از برای خدا با یکدیگر بنشینند و غرضی دنیوی
نداشته باشند خطاب بایشان میرسد آمرزیده شدید عمل را از سر بگیرید پس چون از یکدیگر
احوال کیرند و سخنی کویند ملائکه با یکدیگر میگویند که دور شوید که میخواهند که با یکدیگر راز
بگویند خدا بر ایشان پوشانیده است اسحق گفت پس حرفی که میگویند ملائکه نمی شنوند و حضرت الهی

بلند کنند و گریستند انقدر که آب دیده مبارک ایشان بر رو و ریش روان گردید و فرمود
که ای اسحق حق تعالی ملائکه را امر فرموده است که چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کنند از ایشان
دور شوند برای تعظیم ایشان و اگر چه ملائکه نمی بینند اما خداوندی که مطلع است بر احوال
ایشان و رازهای پنهان و آنچه در سینها پنهانست نزد او آشکارست میبیند آنچه میگویند
پس ای اسحق از خدا بترس چنانچه گویا او را میبینی و اگر تو او را نمیبینی او ترا می
بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمیبیند کافر میشوی و اگر میدانی که او ترا میبیند و گناه از او
از خلق پنهان میکنی و نزد او هویدا میکنی پس او را از همه کس سهل تر شمرده و در حدیث
دیگر فرمود که شما را در مصافحه کردن مثل ثواب مجاهدانست که در راه خدا شمشیر جهاد میکنند و
از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق ع منقولست که هر مؤمنی که از خانه بیرون رود بقصد
دیدن برادر مؤمن خود و حق او را شناسد حق تعالی بهر گامی حسنه در نامه عملش بنویسد و گناه
از او محو کند و درجه از برای او بلند کند پس چون در خانه آن مؤمن را بکوبد درهای
آسمان برای او گشوده شود پس چون با یکدیگر ملاقات کنند و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر
بکنند حق تعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند پس حق تعالی بایشان با ملائکه مباهات کند
و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بدیدن یکدیگر رفتند و از برای رضای من با
یکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را عذاب نکنم چون برگردد او را
مشایعت کنند ملائکه بعدد نفسها او و گامها او و سخنها او که او را حفظ کنند از بلاهای
دنیا و آخرت تا روز دیگر بهمین وقت و اگر در آن میان بمیرد از حساب قیامت نجات یابد

و اگر



و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او را شناسد او را نیز همین ثواب از حق تعالی داشته باشد
و از حضرت صادق ع منقولست که شما شیعیان را نوری در پیشانی هست که بآن نور شما را
در دنیا میشناسند چون یکدیگر را ببینید آن موضع نور را از پیشانی یکدیگر ببوسید
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که نمی باید بوسید سر و دست کسی را مگر رسول خدا یا کسی
که مراد از بوسیدن سر و دست حضرت رسول ص باشد و محتملست که مخصوص ائمه معصومین
باشد و ظاهر آنست که شامل سادات و علما نیز بشود که تعظیم ایشان برای آن میکنند
که فرزندان آن حضرت یا حاملان علوم و مروج دین آنحضرت اند و احوط آنست که بغیر دست
پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که شایسته نیست
دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که
کسی که خویشان خود را برای خویشی ببوسد باکی نیست و برادران مؤمن را بر رو ایشان
ببوسند و امام را در میان دو چشم ببوسند و از حضرت صادق ع منقولست که دهان را بو-
سیدن نمیباید مگر از برای زن و فرزند خود **فصل سیم** در آداب نشستن مجالس
از حضرت رسول ص منقولست که وصیت فرمود به حضرت امیر المؤمنین ع که هشت کسند که
اگر خوار شوند ملامت نکنند مگر خود را کسی که حاضر شود بر سر سفره که او را نخوانده باشند
و کسی که تحکم کند بر صاحب خانه و کسی که طلب خیری کند از دشمنان خود و کسی که توقع احسان
کند از لئیمان و بخیلان و کسی که خود را داخل کند در رازی که در میان دو کس باشد
بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف نماید بپادشاه و کسی که در مجالس در جائی بنشیند

که او سزاوار آن نباشد و کسی که سخنی با کسی گوید که گوش بسخن او نمیدهد و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی از اینها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند
احمق است اول آنکه هرچه پرسند جواب تواند گفت دوم آنکه چون دیگران عاجز شوند او
بیان تواند کرد سیم آنکه راه‌ها برای که صلاح اهل حق در آن باشد تواند کرد و از حضرت
صادق ع منقولست که سزاوار نیست مؤمنی را که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته‌اند زیرا که
پا او کردن مردم کار ناخوش است و باعث دشمنی و علامت سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول ص
منقولست که از علامت تواضع و فروتنی آنست که آدمی راضی شود بمجلسی پست تر از آنچه
از مجلسی که سزاوار او است و هرکه را بیند سلام کند و ترک مجادله کند هرچند که حق با او باشد
و نخواهد که او را به پرهیزکاری ستایش کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جای
خود بنشینند و دیگری درآید اگر کسی که از اینها او را بطلبد و جا از برایش بگشاید برود که
گرامی است که نسبت باو کرده است برادر او و اگر کسی جا از برای او نگشاید هر جا که گشاده‌تر
است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون کسی که بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه
میفرماید بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه را بهتر میداند و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که دنبال بر سر راهها منشینید و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند
و جا بر ایشان تنگ کند و از حضرت امام حسن عسکری ع منقولست که هرکه راضی شود به
نشستن در جائی که مناسب شرف او نباشد پایین‌تر از آنکه باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات
فرستند تا برخیزد و از حضرت صادق ع منقولست که رسول خدا ص داخل مجلسی میشدند هر جا

که بود که



که بود که نزدیک‌تر بدر می‌نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که اکثر
اوقات رسول ص رو بقبله می‌نشستند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص سه نوع
می‌نشستند گاهی زانوها را اندکی بر میداشتند و دستها را بر پایین زانوها گذاشته ساعد
یک دست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو می‌نشستند و گاهی یک پا را بر روی پای
دیگر میگذاشتند و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت
دیدم حضرت امام زین العابدین ع نشسته بودند و یک پا را بر بالای ران پای دیگر
گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند و میگویند که این نشستن یهود است
حضرت فرمود که من برای واماندگی چنین نشسته‌ام و خدا را واماندگی عارض نشود و او را
پینکی و خواب عارض نشود و جسم نیست و نشستن او را عارض نشود و در روایت دیگر منقولست
که حضرت صادق ع چنین نشسته بودند که ساق پای راست را بر ران چپ گذاشته بودند و در
حدیث معتبر منقولست که رسول خدا ص فرمود که سزاوار نیست که جائی که با یکدیگر نشینند در
تابستان بقدر درازی ذراع که تقریباً بقدر یک شبر باشد از هر طرف میانه و دیگری
فاصله بگذارند که از گرما آزار نکشند و از حضرت صادق ع منقولست که آدم شبیه کسی را
که در جائی تنگ چهار زانو بنشیند و در چند حدیث وارد شده است که احتبا دیوار عرب
است احتبا آنست که پاها را با پشت بجامه ببندند بروشی که و دستها را
حلقه کند بر دور زانوها چنانچه گذشت یعنی ایشان را در صحراها و جاها که نزدیک بدیوار نباشند
این بعوض تکیه بدیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا احتبا خوبست

فرمود که اگر عورت نمایان شود باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جایز نیست مرد را که جنبا
کند در برابر کعبه **فصل چهارم** در آداب ملاقات صاحب خانه با کسی که بخانه او می‌آید در حدیث معتبر
معتبر از حضرت صادق منقولست که برخاستن از برای تعظیم مکروهست مگر از برای کسی که
بجهت دینی مانند علم و صلاح و نیکی تعظیم او کنند و از حضرت رسول منقولست که حق کسی
کسی را داخل خانه میشود بر اهل خانه آنست که در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پاره
پاره راه روند و فرمود که چون کسی داخل خانه شود برادر مسلمان خانه حاکم است تا بیرون آید
آنچه گوید می‌باید صاحب خانه اطاعت کند و از حضرت صادق منقولست که کسی که تحفه برای مومنی
بیاورد مثل بالشی یا متکائی یا طعامی یا پوشیدنی یا سلام کند برای او بهشت واجب شود
که او را اسکان داد پس حق تعالی باو وحی فرماید که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام گردانیده‌ام
مگر بر پیغمبر یا وصی پیغمبر و چون روز قیامت شود به بهشت خطاب رسد که امروز تحفه‌های
تحفه‌های ایشان را بده پس غلامان و کنیزان از بهشت بیرون آیند با طبقها که بر روی آنها
از مروارید انداخته باشند و نزد ایشان نظر کنند بجهنم و احوال آن و به بهشت و
آنچه در آنست عقلهای ایشان پرواز کند و از آن طبقها بخورند پس منادی از زیر عرش ندا
ندا کند که حق تعالی حرام کرده است جهنم را بر کسی که از طعام بهشت خورده باشد و دراز
کنند دست خود را و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیرالمومنین آمدند
حضرت از برای هر یک از ایشان بالشی انداختند یکی بر روی بالش نشست و دیگری آن را
رد کرد حضرت فرمود که بنشین که ابا نمیکند از کرامت مگر خر بعد از آن فرمود که رسول





فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که بزرگ قوم خود باشد شما او را گرامی دارید و در
حدیث دیگر فرمود از حضرت صادق منقولست که سه کس‌اند که جاهل بحق ایشان نیست
مگر منافقی که در اسلام ریش سفید کرده باشد و کسی که حامل قرآن باشد و امام
عادل و فرمود که از تعظیم خدا است تعظیم پیران کردن و از حضرت رسول منقولست که کسی که
گرامی کند برادر را گرامی دارد باید که او قبول کند و رد نکند که رد نکند گرامی داشتن را مگر
خر و در چند حدیث از حضرت امام رضا پرسیدند که کدام است آن گرامی که رد نباید کرد
فرمود که مثل آنکه جا از برای او بگشایند یا بوی خوشی از برای او بیاورند یا بالش از برای
او بگذارند یا مثل اینها از گرامی داشتنها و از حضرت امام حسن عسکری منقولست که اکرام مکن
کسی را بچیزی که بر او دشوار باشد و از حضرت رسول منقولست که هرکه خدمت کند گروهی از
مسلمانان را حق تعالی بعدد ایشان خدمتکاران در بهشت باو کرامت فرماید و حضرت
صادق فرمود که هرکه برادر مومن او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را
گرامی داشته است و از حضرت رسول منقولست که هرکه لطف کند که با برادر مومن خود
بکند حق تعالی او را از خدمه بهشت گرامی فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هرکه اکرام کند
برادر مومن خود را بسبب کلمه از روی لطف با او بگوید و غمی از او برطرف کند پیوسته در
رحمت الهی باشد تا مشغول این اکرام باشد **فصل پنجم** در بیان مجالسی که در آنجا داخل
شدن روا است و جاهای که هم‌نشینی و مصاحبت ایشان سزاوار است از حضرت امام محمد باقر
منقولست نقل کند که با کسی بنشین و مصاحبت میکند که هرکه هست در وقت مرگ

[illegible]

با وی باشند اگر حال ایشان نیک است از صحبت ایشان شاد میشود و اگر حال بد است غمگین
میشود و حضرت صادق فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبهای مرا بمن بگوید و
فرمود که بر تو باد بصحبتهای کهنه و حذر کن از صحبت مصاحبان تازه که ایشان را عهد و امانی و
نیست و برحذر باش از همه کس هر چند اعتماد بسیار داری ثقه باشی و حضرت امیر المؤمنین
در وقت وفات وصیت فرمود که زنهار اجتناب کن از جاهها که محل تهمت اند و از مجلسی
که گمان بد بآن می برند که همنشین بد فریب میدهد مصاحب خود را و از حضرت داود منقول است
که سزاوار نیست مردم بر صحبت کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد و از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که هر که خود را در محل تهمت در آورد ملامت نکند کسی را که گمان بد باو می برد و از
حضرت امام موسی منقول است که بپرهیزید از مواضع شک و تهمت و باید که کسی که با
خود در میان راه نایستد زیرا که هر کس غیبت میکند که او را دیده است و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت عیسی فرمود که صحبت بد اخلاقی سرایت میکند بانی کسی که همنشین بد
کسی را بد میکند بی آنکه کسی که با کی همنشینی میکند و از حضرت صادق منقول است که دوستی
نیکان ثواب است برای نیکان و دوستی بدان با نیکان فضیلتی است برای نیکان و دشمنی بدان
با نیکان زینتی است برای نیکان و دشمنی نیکان با بدان خواری است برای بدان و از حضرت امام
زین العابدین منقول است که با غیر کسی مصاحبت و همراهی و رفاقت مکن زنهار با دروغگو
مصاحبت مکن که او از باب سراب است که بد دورها خود ترا فریب میدهد و دور را بتو
نزدیک میگرداند و نزدیک را در نظر تو دور می نماید زنهار که مصاحبت مکن با فاسق که او

ترا بیک طعام خوردن نزد دیگران با کمتر میفروشد و با بخیل مصاحبت مکن که ترا
محتاج خود یاری نمیکند در هنگامی که نهایت احتیاج بوی داری و با احمق
مصاحبت مکن که او اگر خواهد که بتو نفع رساند ضرر میرساند و با کسی که قطع
رحم کند مصاحبت مکن که حق تعالی در سه موضع از قرآن مجید او را لعنت کرده است
و حضرت صادق فرمود که سزاوار نیست مسلمان را با فاجر و احمق و دروغگو برادری
کند و حضرت رسول فرمود که سه کس اند که همنشینی ایشان دل را میمیراند با مردم
دنی و سخن گفتن با زنان و نشستن با توانگران و حضرت لقمان با پسر خود گفت
که بپرهیز با آشنایان نزدیک و چنان مکن که باعث جدایی میشود و از ایشان دوری
مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی مکن که محتاج آن باشند و هم چنانچه میانه گرگ و میش
دوستی نیست میان نیکوکار و بدکردار دوستی نخواهد شد هر که نزدیک غیر میرود
البته با وی چیزی همنشین هر که با بدکردار مصاحبت میکند از بدیهای وی آموزد و هر که
مجادله با مردم میکند دشنام میشنود و هر که در مجالس بد داخل میشود تهمت زده
میشود و هر که با همنشین بد می نشیند از بدی سالم نمی ماند و هر که زبان خود را نگاه
نمیدارد در حسرت پشیمانی می کند و از حضرت صادق منقول است که مصاحبت و همنشینی با اصحاب
بدعت مکنید که نزد مردم مثل ایشانها خواهید بود و حضرت رسول فرمود که آدمی
بر دین دوست و مصاحب خود می باشد و فرمود که زنهار که با احمق مصاحبت مکن که
در هنگامی که ازو نافع توقع داری نزدیکتر است بانکه او ترا برنجاند و از حضرت معصوم

رسول صلعم منقولست که حکیم نیز مردم کسی است که از صحبت جاهلان بگریزد و از حضرت صادق ع منقولست

کسی که برادر مؤمن خود را با امری که مکروه او باشد ببیند و تواند او را بر گرداند

از آن امر و بر نگرداند از آن امر خیانت کرده است در برادر خود و کسی که اجتناب نکند

از مصاحبت احمق نزدیکست که اخلاق او بر بیاید و در حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود که بدترین

مصاحبان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد و فرمود که همنشینی با بدان موجب

تهمت بد بودنست در حق نیکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که نظر کن هر که نفع

دینی بتو نمی‌بخشد و صحبت او اعتنا مکن و در صحبت او رغبت مکن و در حدیث دیگر

فرمود که چهار چیزست که ضایع میشود دل حقیقت که با کسی داشته باشی که بیوفا باشد دوم

نیکی که با کسی بکنی و شکر تو نکند و علمی که با کسی بیاموزی که گوش ندهد و رازی که به کسی بسپاری

که نگاه دارد و آن را فاش نکند و از حضرت امام موسی ع منقولست که در تنهایی با عالم صحبت داشتن

بهترست از صحبت داشتن با جاهل بر روی فرشهای نیکو و از حضرت رسول ص منقولست که حواریان

بعیسی ع گفتند که با کی همنشینی کنیم فرمود که با کسی که خدا را بیاد شما آورد که دیدن او

و در علم شما بیفزاید و سخن گفتن او شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید و در حدیث دیگر فرمود

که با اهل دین نشستن شرف دنیا و آخرتست و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که نشستن

با کسی که اعتماد بر او داشته باشم [illegible] بهترست از عبادت یکساله و در حدیث دیگر فرمود

که با فقرا نیکوان می‌نشینید که بنده وقتی با ایشان می‌نشیند چنان میداند که خدا بر او نعمت

بسیار داده و بهترین [illegible] است که چنان گمان میکند که خدا هیچ نعمت بر او نداده و از حضرت

رسول صلعم



رسول صلعم منقولست که چهار چیزست که دل را میمیراند گناه بعد از گناه کردن

و با زنان بسیار گفتن و با احمق مجادله کردن که تو گویی و او گوید و بحق برنگردد و هم

نشستن با مردگان گفتند یا رسول الله مردگان کیستند فرمود که هر توانگری که غنا او را مست

کرده باشد و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که فرزندان خود را میفرمود

که با اهل دین و معرفت همنشینی کنید و اگر بدست شما نیاید تنهایی مونس تو به سالم ترست

از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار باشد از همنشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشینید

که ایشان در مجلس خود فحش نمیگویند و از حضرت امام موسی ع منقولست که سزاوارست

که از مصاحبان خود را نگاه داری که نیکی او با ایشان مانند نیکی با [illegible] است و در حدیث

دیگر منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت ای فرزند بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر

جماعتی را ببینی که یاد خدا میکنند با ایشان بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو بتو نفع میدهد

و از همنشینی ایشان علم تو زیاده میشود و اگر جاهلی ترا علم می‌آموزند و شاید که خدا

رحمت بر ایشان بفرستد و ترا هم با ایشان فرو گیرد و اگر ببینی جماعتی را که یاد خدا نمی

کنند با ایشان منشین که اگر تو عالمی علمت بتو نفع نمیرساند و اگر جاهلی جهلت زیاده میشود

و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم با ایشان فرو گیرد و از حضرت امیرالمؤمنین

منقولست که [illegible] بر حاضر شدن در مجلسی که در آنجا یاد خدا کنند و در حدیث دیگر

فرمود که دانایان در زمان گذشته میگفتند که سزاوارست که تردد کردن بجاها از

ده وجه باشد اول رفتن بخانه خدا از برای حج و عمره دویم در خانه پادشاهان

اول
دوم

دینی که عطای ایشان بحسب عقل خدا متعلق شده حق ایشان واجب است و نفع شان
عظیم است و ضرر مخالفت ایشان شدیدتر است سیم در خانه علما که از ایشان استفاده علوم
دینی و دنیا نماید چهارم در خانه اهل جود و بخشش که مال خود را بامید ثواب آخرت
میدهند پنجم در خانه بی خردانی که مردم در حوادث دهر بایشان محتاج می شوند و در
حاجتها بایشان پناه میبرند ششم در خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج
بایشان هفتم در خانه جمعی که بوده ایشان امید منفعت داری از جهت دفع ستم
و تقویت عزم ... هشتم در خانه برادران مؤمنی بسبب صله
ایشان واجب و حق ایشان لازم است نهم در خانه دشمنانی که بمدارا کردن ساکن میشود
ضرر ایشان و برفق و مدارا و دیدن عداوت ایشان دفع میشود دهم در خانه جمعی که از
ایشان اراده جستن استفاده میتوان کرد و انس بهم رسانیدن ایشان میتوان کرد فصل
ششم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن از حضرت صادق منقول است که
برادر مسلمان حق لازم است که چون او را ملاقات کند برادر سلام کند و چون بیمار شود او را عیادت
کند و در غیاب خیرخواه او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و باید آنکه عطسه میکند
بگوید الحمد لله رب العالمین لا شریک له و دیگران باو بگویند یرحمک الله و او در جواب
بگوید یهدیکم الله و یصلح بالکم و از حضرت رسول منقول است که چون در میان فاصله باشد
و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که دهن دره از شیطان و عطسه از جانب
خداوند عالمیان است و در حدیث دیگر منقول است که حق تعالی نعمتها بیاد از بنده ...

در هنگام



در هنگام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده فراموش میکند که خدا را بر آن نعمتها شکر
کند پس باین سبب خدا امر میفرماید بادی را که در بدن نشو حرکت میکند و از بینی بیرون می آید
پس از بینی جهت بیرون کردن آنکه در این حال خدا را حمد کند که این حمد بتلافی شکر آن نعمتها
باشد که فراموش کرده است حضرت امام محمد باقر فرموده است که نیکو چیزیست عطسه نفع میرساند
ببدن و خدا را بیاد می آورد و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که چون کسی عطسه کند
بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و اهل بیته و در حدیث حسن دیگر
فرمود که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله
لکم و یرحمکم و در حدیث دیگر فرمود که کسی عطسه کند بگوید الحمد لله لا شریک له و
دیگران باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لک و لنا و از حضرت
صادق منقول است که شخصی بالغ در نزد حضرت در اول عطسه کرد و گفت الحمد لله حضرت
باو فرمود که بارک الله فیک و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق عطسه کردند
پس فرمودند الحمد لله رب العالمین ... کنت ... و گفتند رغم
انفی لله رغما داخرا و از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که هر که بعد از عطسه بگوید
الحمد لله رب العالمین علی کل حال درد گوش و درد دندان نیابد و از حضرت
صادق منقول است که هر که عطسه کند کسی بشنود و حمد الهی کند و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش
بفرستد درد چشم و درد دندان باو نرسد فرمود که این را بگو اگر چه در میان تو
و او فاصله باشد و در حدیث دیگر فرمود برای دفع درد دندان و درد گوش

و چون کسی که عطسه کند حمد خدا بکند و در حدیث دیگر منقول است که نوسایی عطسه کرد آن حضرت با او
گفتند یرحمک الله و در حدیث دیگر از حضرت رسول منقول است که چون مسلمانی عطسه کند و ساکت
باشد از برای علتی ملائکه از جانب او می گویند الحمد لله رب العالمین و اگر او بگوید الحمد لله
ملائکه میگویند یغفر الله لک و فرمود که عطسه کردن بیمار علامت عافیت او است و راحت بدن
است و از حضرت صادق منقول است که عطسه نفع می بخشد بدن را مادام که زیاده از سه نشود
و درد و بیماریست و در حدیث دیگر فرمود که هر که عطسه کند و دست بر بینی گذارد و بگوید
الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبی و آله و سلم از
سوراخ چپ بینی او مرغی بیرون آید از ملخ کوچکتر و از مگس بزرگتر تا بزیر عرش برود و
استغفار کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر فرمود که کسی که عطسه کند آهسته درد
ابرو را دفع می کند و از حضرت رسول در حدیث روایت منقول است که عطسه تصدیق می کند
سخنی را که مقارن آن واقع شود و علامت راستی آن سخن است و از حضرت امام محمد باقر
منقول است که عطسه تا سه مرتبه دعا بگو و چون زیاده از سه شود دوا واگذار و در حدیث
دیگر منقول است که چون کسی عطسه کند سزاوار است که انگشت شهادت بر دو طرف بینی گذارد و بگوید
الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین رغم انفی لله رغما
داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر و هر گاه دیگری عطسه کند تا سه مرتبه بگوید یرحمک
الله و چون زیاده شود بگوید شفاک الله و چون مرد مومنی عطسه کند بگوید یرحمک الله
و اگر زن باشد بگوید عافاک الله و اگر طفل باشد بگوید زرعک الله و اگر بیمار باشد

بگوید



بگوید شفاک الله و اگر کافر ذمی باشد بگوید هداک الله و اگر پیغمبر یا امام باشد صلی الله
علیک و در جواب بگوید یغفر الله لنا و لکم و از حضرت صادق منقول است که بسیار عطسه
کردن ایمنی می گرداند از پنج درد اول خوره دوم لقوه سیم نزول آب در چشم
چهارم صلابت و خشونت پرهای بینی پنجم بیرون آمدن مو در چشم و اگر خواهی که کم شود
عطسه دو غوز بینی بکوبی و بینی بچکان بقدر ... و انگشت در دو کنج چشم بمالد و
بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر منقول است که هر که در بیت الخلا عطسه کند حمد الهی را
در خاطر خود بگذراند و حضرت فرمود که مراد آهسته گفتن باشد و از حضرت امیر المومنین منقول است
که چون کسی عطسه کند باو بگویند یرحمک الله و او در جواب بگوید یغفر الله لکم و یرحمکم
و از حضرت امام رضا منقول است که صلوات بر حضرت رسول و آل آن حضرت واجب است نزد عطسه
و نزد کشتن حیوانات و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقول است که کسی که از درد دندان شکایت
کند فرمود که از درد ... ایمن ... حمد الهی بکند و از حضرت امیر المومنین
منقول است که مومنی آب دهان را بجانب قبله بیندازد و اگر از روی فراموشی بیندازد استغفار
بکند و در حدیث حسن از حضرت صادق منقول است که هر گاه کسی در نماز عطسه کند الحمد لله بگو
و در حدیث دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطسه کند و تو در نماز باشی بگو الحمد لله و صلی
الله علی محمد و آل محمد اگر چه در میان تو و آن شخص که عطسه کرده است دریا باشد فصل
هفتم در مزاح کردن و خندیدن و سر گوشی کردن و آداب صحبت داشتن و راز
مجلس پنهان داشتن در حدیث صحیح از حضرت صادق و در حدیث دیگر از حضرت امام

منقولست که چون سه نفر در مجلسی باشند دو تا ایشان با یکدیگر سرگوشی نکنند که موجب اندوه و ایذاء
آن رفیق دیگر است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که در میان سخن برادر مسلمان
خود بگوید چنانست که خدشه و خراشی در روی او کرده است و در احادیث بسیار منقولست که
مجالس با امانتست یعنی آنچه گذشته باید که در جای دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان را
اند و از حضرت رسول صلعم منقولست که احدی را نیست که ما خبر پنهان دارد و نقل کند مگر آنکه
علی باشد که اظهار آن لازم است یا ذکر نیکی آن شخص باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که
مجلس که با امانت است مگر مجلسی که در آن خون حرامی ریخته شود یا فرج حلالی را حرام کنند یا مالی
بنا حق ببرند و از حضرت صادق منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در او مزاح و خوش طبعی میباشد
و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی کردن شما با یکدیگر چون است
گفت کم است حضرت فرمودند که بکنید که مزاح کردن از نیکی خلق است و موجب خوشحالی برادر مؤمنی
میشود و بسیار بود که حضرت رسول صلعم مزاح میکردند با شخصی که او را شاد کردانند و از حضرت امام
محمد باقر منقولست که خدا دوست میدارد کسی را که خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید
و از حضرت صادق منقولست که خندیدن مؤمن میباید تبسم باشد و صدا نداشته باشد و در حدیث
دیگر فرمودند که بسیار خندیدن دل را میمیراند و دین را میگدازد و فرمودند که از نادانیست خندیدن
بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن دیگر فرمودند که زنهار مزاح بسیار مکنید که آب رو را
می‌برد و فرمودند که چون کسی را دوست داری با او مزاح مکن و مجادله مکن و در حدیث صحیح دیگر
که قهقهه کردن از شیطانست و فرمودند که بسیار خندیدن آب رو را میبرد و از حضرت امیر المؤمنین

منقول

منقولست که زنهار که مزاح مکنید که کینها بهم میرسد و دشنام کوچک است و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که چون خنده قهقهه بکنی بعد از فارغ شدن بگو اللهم لا تمقتنی و از حضرت صادق
منقولست که مزاح کردن آب رو را میبرد و مهابت مردان را بر طرف میکند و در حدیث دیگر
فرمودند که مجادله مکن که حشمت را می‌برد و خوش طبعی مکن که باعث جرأت مردم میشود بر تو
و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی منقولست که مزاح مکن که نور ایمانت را میبرد و مروتت
را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمودند که حضرت یحیی میگریست و نمیخندید و حضرت
عیسی میگریست و میخندید و آنچه عیسی میکرد بهتر بود از آنچه یحیی میکرد و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت موسی در بیابان میگفت که ای فرزندان زنهار که خنده بسیار خندیدن آدمیرا
فقیر میگرداند در روز قیامت و حضرت رسول صلعم فرمود که عجب دارم از کسی که ایمان بجهنم دارد
چرا میخندد و حضرت صادق فرمود که چه بسیار کسی که بسیار میخندد و از روی لعب و بازی
در قیامت گریه او بسیار باشد و چه بسیار کسی که بسیار گریه کند بر گناه خود در بهشت خوشحالی او
بسیار باشد پس از این احادیث و اخبار دیگر چنین ظاهر میشود که مؤمن میباید که عبوس و گرفته
نباشد و گشاده روی و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوبست اما بسیار خندیدن و بسیار
خوش طبعی کردن مذموم است و فصل پنجم در دانستن و مهمانست در بیان آداب مجالست
و حقوق اهل مجلس با یکدیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که نیکو مجاورت کن با کسی که با تو
مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت با مصاحبان خود نما تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست
که بخدمت حضرت صادق رفتم فرمود که کی مصاحب تو بود در راه گفتم شخصی از برادران

و نمود که چه بد گفتم که داخل مدینه شدم جائی بیدانم و نمود که مگر نمیدانی که غیبت
با کسی غیبت کرد خواهم از حق او سؤال میکند در قیامت و از حضرت رسول ص منقولست که بهترین
عیب بیست آدمی اینکه از عیب مردم چیزی چند ببیند که از خود چشم بپوشد و مردم را سرزنش
کند بر چیزی که خود ترک آن نتواند کرد و آزار کند همنشین خود را بچیزی که نفعی باو ندهد و
محمد باقر ع نمود که مردم با سوئی اند یا جاهل بی مومنی را آزار نباید کرد و با جاهل بجز نیکی نمایا
کرد و اگر نه مثل او خواهی شد و از حضرت صادق ع منقولست که از ما نیست کسی که نیکو مصاحبت نکند
با مصاحب خود و نیکو رفاقت نکند با رفیقان خود و نیکو نمک خوارگی نکند با کسی که نمک خورد
با او و نیکو همسایگی نکند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که تنها نفقا زبان خوش و سازگاری
بکن و محبت قلبی خود را خالص گردان برای مؤمنان و اگر یهودی با تو همنشینی کند نیکو همنشینی کن
با او و حضرت رسول ع فرمود که مهربانی کن با مردم تا ترا دوست دارند و در حدیث دیگر فرمود
که سه چیز است که محبت آدمی را برای برادر مسلمانش ثابت و خالص میگرداند اول آنکه چون با او
برخورد بخوشی در وی و خوشحالی او را ملاقات نماید دویم آنکه جا برای او بگشاید چون نزد او
بنشیند سیم بهترین نامی که دوست تر میدارد او را بخواند و فرمود که نصف دین در مهربانی
با مردم کردن نصف عقلست و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی را دوست داری
دوستی خود را باو اظهار کن که پیشتر باعث ثبات محبت بشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که حضرت رسول ص قسمت میکردند نظر کردنهای خود را میان اصحاب خود که بیکی پیشتر از دیگری
نظر نمیکردند و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح از حضرت امام

موسی ع

اول



موسی ع منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بکنیت بخوانید و چون غایب باشد
نام او را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و میرزا و آقا و
نواب و امثال اینها و از حضرت رسول منقولست که چون کسی برادر مسلمان خود را دوست
دارد باید که نام او را و نام پدر و قبیله و خویشانش را بپرسد از او که این
از جمله حقوق لازمه برادر دوست است و اگر نه آن آشنائی احمقان خواهد بود
و در حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی برای کسی طعامی مهیا کند و او
خلف وعده کند و نرود که طعام او را بخورد دویم آنکه شخصی با کسی مصاحبت کند و سعی
نکند که کیست و از کجا است تا از او جدا شود سیم آنکه با زن خود جماع کند و پیش
از آنکه زن آب بدهد او آب بدهد بلکه میباید بشتابی نکند و مکث بکند تا
هر دو با هم آب بدهند و از حضرت امام موسی ع منقولست که بسیار بودن آن
خود و برادر مؤمن خود و ملاقات کردن باعث ظرافت بودن حیاتست و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود کاهی خاشاکی یا کثافتی بردارد
حق تعالی ده حسنه در نامه عملش بنویسد و هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن حق تعالی
ده برای او حسنه بنویسد و حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که خاشاکی یا مانند
آن از برادر مؤمن خود بردارد و در برابر او عمل بگوید اماط الله عنک ما
تکره یعنی خدا دور کند از تو آنچه را که نخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت
رسول ص نهی فرمود از آنکه کسی بگوید بکسی که لا و حیواتک و حیواة فلان چنان

وهفتم

در قفا دیگری میگویند نه بجای خود جانشینی و در حدیث دیگر فرمود که بدترین امت من جماعتی‌اند
که مردم ایشان را گرامی میدارند از ترس بدی ایشان بدرستی که از من نیست هر که خفیف
باشد و از حضرت صادق منقولست که ولد الزنا را چند علامتست **اول** دشمنی اهل بیت
رسالت علیهم السلام **دوم** مایلست بآن حرامی که از آن خلق شده است **سیم** آنکه دین را
خفیف و سبک می‌شمارد **چهارم** آنکه در حضور ایشان آزار میکند و هیچ کس با مردم بدخو
و آزار ایشان نمیکند مگر آنکه یا ولد الزنا است یا در حیض با او حامله شده است و از حضرت
رسول منقولست که منازعه با مردم مکنید که کرامت را می‌برد و مروت را و ظاهر میکند
و پیوسته جبرئیل مرا نهی میکرد از مجادله با مردم کردن چنانچه نهی میکرد از شراب خوردن
و بت پرستیدن و از حضرت صادق منقولست که کینه مؤمن در دل مؤمن کم میباشد که نشسته است
چون از برادرش جدا شود دیگر در دلش کینه نماند و کینه کافر در تمام عمرش باقی باشد
و از حضرت امام محمد باقر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول آمد و گفت مرا وصیتی
بفرما حضرت فرمود که ملاقات کن برادر خود را با روی گشاده و حضرت صادق فرمود که حسن
خلق آنست که همواری کنی و سخن را نیکو کنی و با مردم بروی خوش برخوری و حضرت رسول
فرمود که خوشحالی و خوشرویی با مردم برخوردن کینه را می‌برد و حضرت صادق فرمود
که سه چیز است که از مکارم دنیا و آخرت است آنکه عفو کنی از کسی که بر تو ظلم کند و پیوند
کنی با کسی که از تو ببرد و حلم کنی از کسی که با تو بی‌خردی کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که
خشم را فرو خورد خدا عزت او را در دنیا و آخرت زیاده گرداند و از حضرت امام محمد باقر

منقول

منقولست که هر که خشم را فرو خورد و قادر باشد که آن را بعمل آورد حق تعالی دلش را از امن
و ایمان پر کند در روز قیامت **فصل ششم** در فضیلت ذکر خدا و نشستن در مجلس ذکر از حضرت
رسول منقولست که مبادرت کنید بسوی باغهای بهشت پرسیدند که کدام است باغهای بهشت
فرمود که حلقهای ذکر که یاد خدا در آن کنند و حضرت امیر المؤمنین فرمود که همه جا خدا را
یاد کنید که او با شما است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول از هیچ مجلسی بر نمی
خاستند هر چند اندکی نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در
احادیث معتبر منقولست که از رسول که یاد کننده خدا در میان غافلان مانند کسی است که جهاد
کند در راه خدا در هنگامی که گریختن دیگران و چنین کسی ثواب او بهشت است و در حدیث
صحیح از حضرت صادق منقولست که هر که در مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران و بدکاران
و برخیزند و یاد خدا در آن مجلس نکرده باشند در قیامت حسرت و ندامت ایشان
خواهد بود و از حضرت رسول منقولست که هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و در آن
مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبالست بر ایشان
در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که در توریه نوشته است
در توراتی که تغیر نیافته است که حضرت موسی ع از پروردگار خود سوال کرد که خداوندا
مجلسی چند بر من وارد میشود که ترا عزیزتر و جلیلتر میدانم از آنکه ترا در آن مجلس
یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود که یا موسی یاد من نیکوست و یاد من کردن در همه
حالی نیکوست و از حضرت صادق منقولست که حق تعالی فرمود که ای فرزند آدم مرا یاد

و در مجمع مردم تا ترا یاد کنم در مجمعی که بهتر از مجمع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی فرمود
که هر که یاد کند در دنیا مجمعی از مؤمنان من او را یاد کنم در میان مجمع ملائکه و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که هر که خواهد در قیامت ثواب کامل بیابد در وقتی که میخواهد که برخیزد
از مجلس بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر فرمود که این کفاره آن مجلس است **فصل ۵** در فضیلت ذکر
حضرت رسول ص و ائمه علیهم السلام در مجالس و مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث
فضایل ایشان را یاد کردن از حضرت صادق ع منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و
خدا را یاد نکنند و ما را یاد نکنند آن مجلس بر ایشان حسرت خواهد بود در قیامت و
حضرت امام محمد باقر ع فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد
شیطانست و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان سیر میکنند در زمین
هرگاه میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد کنند بیکدیگر میگویند که بایستید که مطلب خود
یافتید پس می نشینند و با ایشان شریک میشوند در آن امر پس چون ایشان برخیزند
اگر بیمار شوند بعیادت ایشان می روند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر می شوند و اگر
غایب شوند جستجوی ایشان میکنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه آسمانها نظر
میکنند بسوی یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد را ذکر میکنند پس میگویند
میگویند که نمی بینید این جماعت با کمی ایشان و بسیاری دشمنان ایشان فضیلت آل محمد را
میکنند پس طایفه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این فضل خداست بهر که





بخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگست و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع
از میسر پرسیدند که آیا شما شیعیان با یکدیگر خلوت میکنید و از علوم اهل بیت و فضایل ایشان
آنچه خواهید میگوئید گفت بلی والله حضرت فرمود که والله که من دوست میدارم که با شما
در آن مجلس باشم والله که من بوی شما و نسیم شما را دوست میدارم و بدرستیکه شما بر دین خدا و ملائکه
اید پس یاری کنید ما را در شفاعت خود به پرهیزکاری از محرمات و سعی در طاعت و در حدیث
دیگر فرمود که جمع نمیشوند سه نفر از مؤمنان یا زیاده مگر آنکه از ملائکه مثل ایشان جمع می
شوند و اگر چیزی از خدا طلبند ملائکه آمین میگویند و اگر پناه بخدا می برند از شری دعا
میکنند ملائکه که خدا آن بدی را از ایشان دور گرداند و اگر حاجتی می طلبند ملائکه از خدا
سوال میکنند که حاجت ایشان را برآورد و جمع نمیشوند سه نفر از انکار کنندگان حق اهل
بیت مگر آنکه ده برابر ایشان از شیاطین حاضر میشوند و هر سخنی که میگویند شیاطین
هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر میخندند با ایشان میخندند و اگر مذمت دوستان
خدا میکنند با ایشان رفاقت میکنند پس اگر کسی از مؤمنان مبتلا شود بهم نشینی ایشان
چون شروع کنند بمذمت دوستان خدا برخیزد و شریک و هم نشین شیطان نباشد که
هیچ کس تاب مقاومت غضب خدا ندارد و لعنت خدا را هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند
که برخیزد بدل انکار کند و اندک ساعتی برخیزد و باز نگردد و از حضرت امام موسی ع
منقولست که هیچ چیز شیطان را و لشکر او را مجروح نمیکند مانند برادران مؤمن بدیدن
یکدیگر از برای خدا بدرستی که دو مؤمن که با یکدیگر برخورند و یاد خدا میکنند پس

اهل بیت را یاد میکنند بوزد نفحاتی بایشان [illegible] نمی ماند ملکی مگر آنکه فرو میریزند تا آنکه دور شوند
باستغفار می آید از شدت المی که از وی می یابد پس ملائکه آسمانها و خازنان بهشت بر وی
مطلع می شوند و او را لعنت میکنند و هیچ ملک مقربی نمی ماند مگر او را لعنت میکند تا بعید
و محروم و مطرود بر زمین می افتد و از حضرت رسول ص منقولست که زینت دهید مجلسهای خود را
بذکر فضایل علی بن ابی طالب ع که او را هفتاد خصلت از خصلتهای پیغمبران هست و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی برای برادرم علی بن ابی طالب ع فضیلتی چند قرار داده که از بسیاری
احصا نمیتوان کردن پس هر که فضیلتی از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و
اذعان گناهان گذشته و آینده پیش آمرزیده شود هرچند در قیامت با گناه جن و انس
بیاید و هر که یک فضیلت از فضایل او را بنویسد تا علامتی از آن کتابت باقی باشد
ملائکه از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضایل آن حضرت خدا
بیامرزد گناهانی که بگوش دادن کرده باشد و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضایل
آن حضرت در آن نوشته باشد خدا از او بیامرزد گناهانی که بچشم کرده باشد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که بیک راهی برود که در آن طلب علم خواهد حق تعالی برای او بگشاید راهی بسوی بهشت
و بدرستیکه ملائکه بالهای خود را میگذارند از برای طلب کننده علم با رضا و خوشنودی
و استغفار میکنند از برای طلب کننده علم هر که در آسمانها و هر که در زمین هست حتی ماهیان
دریا و فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سایر ستارگان و
در حدیث دیگر فرمود که اف باد بر مردی که در هر جمعه خود را از کارهای دنیا فارغ

نسازد

نسازد برای یاد گرفتن مسایل دینی خود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که مذاکره
علم در میان بندگان من دلهای مرده را زنده میکند و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر
مذاکره کنید و ملاقات کنید و حدیث نقل کنید که جلا میدهد دلها را و بدرستیکه دلها زنگ
میگیرند چنانچه شمشیر زنگ میگیرد و جلای دلها حدیثست و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که مذاکره علم ثواب نماز مقبول دارد **فصل [illegible]** در مشورت کردن با برادران
و آداب آن از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که نفس خود را بخطر می اندازد کسی که
مستغنی میشود برأی خود از رأی دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی
که از خدا ترسند و دوست دار برادران مؤمنی را بقدر پرهیزکاری ایشان و بپرهیز
از زنان بدکار و از نیکان ایشان در حذر باش اگر ترا بنیکی امر کنند مخالفت کن
ایشان را تا طمع نکنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در حدیث دیگر فرمود که می
بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و آنچه خیر او در آن داند نگوید و از حضرت
رسول ص منقولست که هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان ایشان کسی باشد که نامش
محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشورت ایشان داخل باشد البته آنچه خیر
ایشانست برایشان ظاهر میشود و از حضرت صادق ع که بعمار ساباطی فرمود که اگر خواهی
که نعمت الهی برای تو مستقیم باشد و مروت تو کامل باشد و زندگانی تو نیکو باشد
در امور خود مشورت کن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول ص منقولست که مشورت
مکن با جبان و ترسان که راه بیرون رفتن را بر تو تنگ میکند و مشورت مکن با بخیل که مانع

بشود نبی از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره کن با کسی که خوف خدا داشته باشد که رنگ
میدهد ترا که برای راه که بد توانست و در حدیث دیگر فرمود که با هیچ کسی که طلب خیر از خدا میکند
حیران نمی شود و کسی که در کارها با مردم مشوره میکند پشیمان نمیشود و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که هلاک نمیشود کسی که مشوره کند و در حدیث دیگر منقولست که بیاد بود که حضرت امام رضا ع
با آن عقل کامل مشوره میفرمود با بیشتر از غلامان خود که شاید که خدا خیر را بر زبان او
جاری کند و در احادیث صحیحه منقولست که با عاقلان دیندار پرهیزکار مشوره کن و چون
بگوید خلاف آن مکن مخالفت موجب فساد دنیا و آخرت تو میشود و از حضرت صادق ع منقولست که هر
برادر مؤمنی با او مشوره کند و آنچه محض خیر او داند نگوید خدا عقل را از او سلب میکند
و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کردن حدی چند دارد که هر که آنها نداند مضرت مشورت
بیش از نفعش است اول آنکه آن کسی که با او مشورت میکند عاقل باشد دویم آنکه آزاد
متدین باشد سیم آنکه برادر دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سر خود
مطلع کند که چنانچه خود میداند آن امر را میداند او هم بداند اما پنهان دارد و بکسی نقل نکند
زیرا که اگر عاقل است منتفع میشوی بمشوره او و اگر آزاد و دیندار است البته حق نصیحت میکند
در خیر خواهی تو و اگر یار دوست دار تست و چون راز خود را باو گفتی افشا نمیکند و از آنکه
از برای فضیلت مشوره و اهتمام در آن همین کافیست که حق تعالی پیغمبر خود را اعقل مکونات
بود در قرآن مجید امر بمشوره فرموده است که وشاورهم فی الامر فاذا عزمت
فتوکل علی الله یعنی مشورت کن با اصحاب خود در امور و چون عزم کردی پس توکل کن

ترجمه



ترجمه فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مهربانی و صلت
میان برادران مؤمن در حضر آنست که بدیدن یکدیگر بروند و در سفر آنست که نامه
بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن
واجبست مانند جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک مکن نوشتن بسم
الله الرحمن الرحیم را هر چند از برای شعر که بنویسی و در حدیث موثق از آن حضرت پرسیدند
که در نامه ابتدا باسم آن شخص که نامه را باو مینویسند بکنی از نام کردن چون است فرمود
که باکی نیست این اکرامیست که او را میکند و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت فرمود
که نامه را تمام بنویسند چون بدست آن حضرت دادند فرمودند که چگونه امید دارید
که آنچه در نامه نوشته اید بعمل آید و حال آنکه ان شاء الله در جایی که مناسب است ننوشته
اید پس فرمود که ببین هر جا که ان شاء الله نباشد بنویس و در روایت صحیح از حضرت امام
رضا ع منقولست که چون نامه را نوشتید خاک بر روی نامه بپاشید که حاجت بهتر روا میشود
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی ع در اول نامه می نوشتند بسم الله
الرحمن الرحیم ان شاء الله و الامر بید الله فرمودند که اگر کسی که نزد
یکدیگر گفتند و نوشتن بسم الله را در کارها و نوشتنها ترک کنیست که نماز را ترک کند
هر آینه راحت کند تمام و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که از نامه نوشتن هر کس
بر عقل و بینایی او میتوان کرد و از رسولش و ایلچی او استدلال بر فهم و زیرکی او
میتوان کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون رقعه یا نامه برای حاجتی نویسی و خواهی

که آن حاجت برآید بعلم بدهد بر پیرهنه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم انّ دعائه و
عدّ القاضین الحوائج بما یکرهون والرزق من حیث لا یحتسبونه جعلنا الله و ایّانا
من الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون راوی گفت که هرگاه که چنین میکردم حاجتم برآورده
میشد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند که کاغذ را توان با چیز بشوید
آیا آتش میتوان سوزاند هرگاه در آنها نام خدا باشد فرمود که نه بلکه بآب اول بشوید
و در حدیث صحیح دیگر منقولست از حضرت صادق ع که کاغذها را مسوزانید و لیکن محو کنید و بدرید
و در حدیث حسن منقولست که از آن حضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را بآب دهن محو میتوان
کرد فرمود که پاک کنید بچیزی که پاک باشد محو کنید و از حضرت رسول ص منقولست که کتاب خدا و نام خدا را
پاک کنید آنچه می باید محو کنید و نهی فرمود از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه بقلم محو کنند
و در بعضی از نسخها بجای قلم قدم است **باب دوازدهم** در آداب خانه و داخل شدن و بیرون
رفتن **فصل اول** در گشادگی خانه در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
از سعادت آدمی آنست که خانه او گشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام ع برای خانه
خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آن خانه ساکن شو که خانه تو تنگست آن شخص
گفت که این خانه ایست که پدرم احداث کرده است پدرم نمیتوانم رفت حضرت فرمود که هرگاه
پدرت احمق باشد تو نیز می باید که احمق باشی و از حضرت صادق ع منقولست که سه چیز است که موجب
راحت مؤمن است خانه گشاده که پنهان دارد امور قبیح او را از مردم پنهان دارد و زن صالحه که یاری
امور دنیا و آخرت او را نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه بیرون کند یا بمردن

یا بشوهر دادن



یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی ع منقولست که از تنگی زندگانی در گشادگی
خانه و بسیاری خدمتکاران و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت دنیا در فراخی
خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که از شقاوت زندگانی
کانی است خانه تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از حضرت از تنگی خانه شکایت
کرد حضرت رسول ص فرمود که آواز خود را بلند کن و از خدا بطلب که گشادگی در خانه تو دهد
و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که فرزندش با او شبیه باشد و زن خوش
روی و دین دار داشته باشد و چهارپایان رهوار داشته باشد و خانه گشاده داشته باشد
و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه در تنگی آنست و بدی همسایگان و بسیاری عیبها آنست و در حدیث
دیگر فرمود که چهار چیز است از سعادت زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و
مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت است همسایه بد و زن بد و خانه تنگ و
مرکب بد و از حضرت صادق ع منقولست که از تلخی زندگانی است از خانه بخانه نقل
کردن و نان را از بازار خریدن **فصل دویم** در مذمت تکلف بسیار در خانه کردن
و بسیار بلند ساختن در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هرکه مالی را از غیر
حلال کسب کند خدا مسلط میگرداند بر او عمارت کردن و خاک و آب و گل که آن مال
حرام را در آنجا ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود که هر بنائی که زیاده بر قدر احتیاج
باشد در قیامت وبال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هرکه عمارتی زیاده
از آنچه در آن سکنا نماید در قیامت او را تکلیف میکند که آنرا بر دارد و

واز حضرت امام علی نقی ع منقولست که خدا را در زمین خود بقعه چند قرار داده است
که آنها را مرحومات می نامند که دوست میدارد که نام او را در آن بقعها ببرند و او را
بخوانند و اجابت دعای ایشان بکند و خدا در زمین بقعه چند قرار داده است که آنها را
منتقمات می نامند پس چون کسی مالی از غیر حلال کسب کند خدا بعضی از آن زمینها را
بر او مسلط میگرداند که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
ع از در خانه شخصی گذر کردند که از آجر ساخته بود پرسیدند که این خانه کیست
شخصی گفت که از فلان مرد غافل مغرور است پس بدر خانه دیگر گذر کردند که از گچ
ساخته بود و از حضرت رسول ص منقولست که هر که خانه بنا کند از برای ریا و سمعت که مردم به
بینند و بشنوند در روز قیامت آن خانه را تا هفتم طبقه زمین آتش کند و طوق
گردن او کنند پس او را در جهنم اندازند و هیچ چیز او را نگاه ندارد تا قعر
جهنم مگر توبه کند پرسیدند که یا رسول الله برای ریا و سمعت چه معنی دارد فرمود که بیشتر
از قدر حاجت بسازد برای آنکه زیادتی کند بر همسایگان و فخر و مباهات کند بر برادران
و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی ملکی را موکل کرده است که ندا کند که هر که سقف خانه
زیاده از هفت ذراع بلند کند با او میگوید که ای فاسق بکجا میخواهی بروی و در روایت
دیگر فرمود ای فاسق‌ترین فاسقان و در چند روایت معتبر وارد شده است که هر که
سقف خانه را زیاده از هفت ذراع بلند کند جنیان و شیاطین در آن خانه جا میکنند
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق ع که جنیان آزار اهل خانه



ضایع میکنند حضرت پرسیدند که ارتفاع سقف خانه تو چه مقدار است گفت ده ذراع است
حضرت فرمود که از زمین تا هفت ذراع پیمانه کن و از ما بین هشت تا ده آیة الکرسی بنویس
بر دور خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذراع باشد جنیان در آن
خانه حاضر میباشند و در آنجا مسکن میکنند و در چند حدیث دیگر منقولست که هر که را
ارتفاع خانه زیاده از هفت ذراع باشد بر سر هفت ذراع آیة الکرسی بنویسد و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر
کردند حضرت فرمود که سقف خانها خود را هفت ذراع کنید و کبوتر در اطراف خانه
جا بدهید راوی گفت چنین کردم دیگر بدی ندیدم و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که بنا کن خانه خود را هفت ذراع که آنچه زیاده از هفت ذراع است شیطان در آنجا ساکن
میشود زیرا که شیطانها در آسمان و زمین نمیباشند بلکه در میان هوا میباشند و در روایت
منقولست که ابو خدیجه گفت که در خانه حضرت صادق ع دیدم که آیة الکرسی بر دور حجره
نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آن حضرت نیز آیة الکرسی نوشته بودند

**فصل سیم** در نقاشی کردن و تصویر کشیدن صورت صاحب روح در جای ساختن که
سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرام است و چنین صورتی را بر دیوار و
جاها نقش کردن مکروه است و بعضی بحرمت قائل شده‌اند و احوط آنست که مطلقا
نکنند و مطلقا صورت درخت و امثال آن خصوصا صورت انسان که تمام باشد
و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آن را ناقص کنند مثل آنکه چشمش را کور کنند

باعضوبها از آن محو کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که جبرئیل گفت یا محمد پروردگارت سلام میرساند
و نهی میکند از نقشها و صورتها کندن در خانهها و در احادیث معتبره از آن حضرت منقولست
که جبرئیل گفت که ما گروه ملائکه داخل خانه نمیشویم که در آن خانه سگ باشد یا صورت
بدنی باشد یا ظرفی باشد که در آن بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که
صورتی بسازد در قیامت او را عذاب کنند که جان در آن صورت بدمد و نتواند دمید
و در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق پرسیدند از بالش و فرشی که صورت در آنها باشد
فرمود که باکی نیست که در خانه باشد صورتی که پامال شود و بر روی آن بنشینند و وساده
و در حدیث حسن از حضرت امام محمد باقر منقولست که باکی نیست که صورتها در خانه
باشد اگر سرهای آنها را تغییر دهند و سایر بدنشان بحال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام
موسی منقولست که نماز مکن در خانه که صورت در برابر تو باشد مگر آنکه جامه بر آن انداخته
باشی پس سر آن صورت را قطع کن و نماز کن و در چند حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین
منقولست که حضرت رسول مرا بمدینه فرستادند که هر صورتی که باشد محو کنم و هر قبری بلند
هموار کنم و سگها را بکشم و در دو حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که عمارت بر بالای
قبرها مکنید و صورت در سقف خانهها مکنید که حضرت رسول کراهت داشتند
و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از کشیدن صورت درخت و آفتاب و ماه فرمود
که باکی نیست اگر صاحب حیوان نباشد **فصل چهارم** در آداب فرش خانه از حضرت امام موسی
منقولست که سه چیزند که [illegible] نیکو چهارپا و غلام خوش رو و فرش نفیس

و از حضرت



و از حضرت صادق منقولست که آدمی باید فرشی برای خود و فرشی برای زوجه خود و فرشی برای مهمان
در کار داشته باشد و زیاده از این از شیطانست و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام
زین العابدین بالشها و نمدها بود که در آنها تمثالها و شکلها و صورتها بود و بر روی آنها
می نشستند و در حدیث دیگر منقولست که جمعی بخانه آن حضرت آمدند و بالشها و فرشهای نفیس
دیدند عرض کردند که ما در منزل شما چیزی چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمود
که ما زنان میخواهیم و مهر ایشان را میدهیم و ایشان آنچه میخواهند از برای خود میخرند آنها
از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر رفت دید که
آن حضرت در خانه مزینی نشسته اند که فرشهای نیکو در آن گسترده اند پس روز دیگر رفت
دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیر چیزی در آن نیست و جامه درشتی پوشیده اند
پس حضرت فرمود که آنچه دیروز دیدی آن خانه از زن من بود و از او بود و دیروز
روز نوبت او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر عرض کرد
که شخصی می نشیند بر فرشی که در آن صورتها هست فرمود که عجمها تعظیم میکنند چنین فرشی را
ما آن را دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی پرسیدند
از فرش حریر و دیبا آیا بر روی آن میتوان خوابید و تکیه کرد و نماز کرد حضرت فرمود
که در زیر پا انداختن و بر روی آن نشستن میتوان اما سجده بر آن نمیکنی و در روایت دیگر
منقولست که حضرت امام رضا در تابستان بر روی حصیر می نشستند و در زمستان بر روی
پلاس و در خانه جامه کهنه می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند

و در روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیرالمؤمنین ع و حضرت فاطمه علیهما السلام تزویج کردند
و پوشش ایشان عبائی بود و فرش ایشان پوست گوسفندی بود و بالش ایشان پوستی
بود که درمیانش لیف خرما پر کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع فرمود
که بسیارست که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آن صورت مرغان هست پس جامه بر
روی آن بالش می اندازم و نماز میکنم و وقتی چند از شام برای حضرت هدیه آوردند و در آنها
صورت مرغان نقش کرده بودند فرمود که سرهای ایشان را تغییر دادند و بصورت درخت کردند
و در حدیث دیگر منقولست که از آن حضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها نزد ما میگسترانند
که در آنها صورتها هست حضرت فرمود که چون آنها را فرش کنند و پهن کنند و بر روی آن راه روند
باکی نیست اما صورتها که بر دیوار کرسی نصب کنند خوب نیست **فصل سیم** در آداب عبادت
کردن در خانه در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که حضرت امیرالمؤمنین ع حجره در خانه
مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و شمشیری و مصحفی دیگر چیزی نبود و در آن حجره
نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر فرمود که حضرت امیرالمؤمنین ع حجره در خانه خود قرار
داده بودند که نه بسیار کوچک بود و نه بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب
می شد طفلی را با خود بآن حجره می بردند و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقولست
که آن حضرت فرمود که مستحب است آدم را از برای آنکه در خانه خود نمازگاهی قرار دهد و در جامه
کهنه بپوشد و بآن موضع برود و از خدا سوال کند که او را از آتش جهنم آزاد کند و او را داخل
بهشت کند و دعا نامشروع نکند و تعریف بر کسی نکند و در روایت معتبر از حضرت رسول ص منقولست

که منور گردانید

که منور گردانید خانهای خود را بتلاوت قرآن و خانهای خود را مثل گور خود مکنید چنانچه یهود و نصارا
کردند که نماز را در معبدهای خود میکردند و خانهای خود را معطل میگذاشتند بدرستیکه خانه
که در آن تلاوت قرآن بسیار بشود خیر آن خانه بسیار میشود و اهلش بر فاهیت و نعمت می باشند
و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارهها روشنی میدهند اهل زمین را
و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که خانه مسلمی که در آن قرآن خوانند اهل آسمان آن خانه را
بیکدیگر مینمایند چنانچه کواکب آسمان را اهل زمین بیکدیگر می نمایند و از حضرت امیرالمؤمنین ع
منقولست که خانه که در آن قرآن خوانده میشود و یاد خدا در آن خانه کرده میشود برکت آن خانه بسیار
میشود و ملائکه حاضر می باشند و شیاطین دور میشوند و روشنی میدهد اهل آسمان را
چنانچه ستارهها اهل زمین را روشنی میدهند و خانه که در آن قرآن خوانده نشود و یاد
خدا در آن نکنند برکت آن خانه کم میباشد و ملائکه دوری میکنند و شیاطین در آن خانه
حاضر میباشند **فصل ششم** در نگاه داشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر و خروس
از حضرت رسول ص منقولست که حیوانات در خانه بسیار نگاه دارید که شیاطین باینها مشغول
شوند و باطفال شما ضرر نرسانند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خوبست
حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و بزغاله تا آنکه اطفال جنیان با اینها
بازی کنند و باطفال شما بازی نکنند و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص شکایت
کرد از تنهائی حضرت فرمود که جفتی کبوتر در خانه نگاه دار و در حدیث صحیح از
حضرت صادق ع منقولست که کبوتر مرغان پیغمبرانند و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتران

حرم نسل کبوتری چندند که حضرت اسمعیل م نگاه داشته بودند و با ایشان انس میگرفتند پس منقول است

که در خانه کبوتری چند نگاه دارند که با اطفال را چه جا باشند که با ایشان انس بگیرند و در حدیث

دیگر منقول است که هر خانه که در آن خانه کبوتر باشد آفتی از جن باهل آن خانه نمیرسد زیرا که بچه

های آن با جن بازی میکنند در هوا چون کبوتر در خانه هست مشغول آن میشوند و متوجه آدمی

نمی شوند و در حدیث دیگر منقول است که کبوتر در خانه نگاه دارید که دوست داشتنی است و

دعا کرده حضرت نوح ع و هیچ چیز در خانه مثل آن باعث انس نمیشود و از حضرت امام م منقول است

که هر بالی که کبوتر میزند باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از محمد

بن مسلم منقول است که گفت که در خانه حضرت صادق م کبوتر سرخی دیدم که بسیار میخواند حضرت

فرمود که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام

حسین م پس ایشان را در خانه خود نگاه دارید و در حدیث دیگر منقول است که داود گفت

که آن حضرت را دیدم که از برای کبوتری چند که در خانه آن حضرت بودند نان ریزه میکرد

و در حدیث دیگر از عبدالکریم منقول است که گفت رفتم بخانه آن حضرت دیدم که کبوتر سبزی در خانه

آن حضرت بود عرض کردم که اینها خانه را کثیف میکنند فرمود که مستحب است نگاه داشتن اینها

در خانه و در حدیث دیگر منقول است که در خانه حضرت رسول ص یک جفت کبوتر سرخ بود و در

حدیث دیگر منقول است که حضرت امیرالمؤمنین م چاهی کنده بودند با آن حضرت گفتند که کبوتران در آن

چاه می افتند حضرت آمدند و بر سر آن چاه ایستادند و فرمودند که دست ازین عمل

بردارید و اگر نه کبوتر در اینجا میدیدم پس فرمود که صدای بال کبوتر شیاطین را دفع

میکند



میکند و از محمد بن کثیر منقول است که گفت بخدمت حضرت امام موسی م رفتم یک جفت کبوتر در

منزل حضرت دیدم که کبوتر نر سبز بود و نقطهای سفید داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت

نان از برای اینها ریزه میکردند و فرمودند که اینها در شب حرکت میکنند و مونس منزلند و در

مرتبه که در شب بال میزنند جنیان و شیاطین که داخل خانه شده اند دفع میکنند و در حدیث

حدیث از حضرت صادق م منقول است که کبوتر را اگر بجای دور سر بدهند تا سی و پنج راه از دور

راه بر میگردد و آنچه زیاده از بیست از دور راه پیشتر بگیرد آن خورش و تفقد بر او را

می آورد و در چند حدیث منقول است که کبوتر خانگی یا کبوتر ها در هوا بسیار میکند

و اهل بیت را دوست میدارند و صاحب خانه را دعا میکنند که خدا شما را برکت دهد و در حدیث

معتبر از حضرت صادق م منقول است که خروس بال گشاده سفید که در خانه باشد از آن خانه و محلت

خانه دور را از آن خانه را از بلاها نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر دور نکند بهتر است از

هفت خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمنی است

و از حضرت امام موسی م منقول است که در خروس پنج خصلت از خصلتهای پیغمبران هست سخاوت

و شجاعت و شناختن وقت نمازها و بسیاری جماع کردن و غیرت و از حضرت امیرالمؤمنین م

منقول است که فریاد کردن خروس نماز اوست و بال زدن رکوع و سجود اوست و

از حضرت رسول م منقول است که دشنام مدهید خروس را که از برای نماز مردم را بیدار

میکند **فصل هشتم** در نگاه داشتن گوسفند و بز در خانه در حدیث موثق از حضرت صادق م

منقول است که هر اهل خانه که یک گوسفند نگاه دارند خدا روزی آن گوسفند را با ایشان

بیت بهر و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان یک منزل دور شود و اگر دو کبوتر نگاه دارند
خدا روزی اهل خانه را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و پریشانی دو منزل دور شود و اگر
سه کبوتر نگاه دارند حق تعالی روزی اهل خانه برساند و روزی ایشان را زیاده گرداند و
پریشانی از ایشان در اصل برطرف شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر اهل
خانه که نزد ایشان کبوتر سفیدی باشد هر روز دو مرتبه ملائکه با ایشان گویند که خدا
شما را برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقول است که هر مؤمنی که در خانه او
یک جفت سفید ده باشد هر روز یک مرتبه ملکی در وقت صبح ایشان را دعا کند که مبارک
باشید شما و خدا برکت دهد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد نان خورش شما و
اگر دو جفت سفید ده باشد هر روز دو مرتبه ملائکه چنین دعا کنند و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت رسول ص با جمعی خود فرمود که چه مانع است شما را از آنکه در خانه خود برکت نگاه دارید
گفتند یا رسول الله برکت کدام است فرمود که کبوتری که سفید ده چنین فرمود که هر که در خانه
کبوتر سفید ده یا نیشنه ده یا گاو سفید ده باشد باعث برکت خانه او میشود و در حدیث
دیگر فرمود که حق تعالی سه برکت فرستاده است آب و آتش و کبوتر و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقول است که از اهل خانه که ... کبوتر هرگاه داخل خانه ایشان
شوند ملائکه نگاه بانی ایشان می کنند تا صبح و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر نگاه
دار و نشتر(?) نگاه مدار و حضرت رسول ص فرمود که نیکو مالی است کبوتر و در حدیث
دیگر فرمود که چون کبوتر نگاه دارید خواب گاه ایشان را پاکیزه کنید و خاک

از بدن



از بدن ایشان پاک کنید **فصل هشتم** در بیان احوال سایر طیور و ذکر بعضی از حیوانات
که کشتن ایشان رخصت یا روایت است در حدیث معتبر منقول است که فاخته در خانه حضرت
امام محمد باقر ع بود آن حضرت روزی شنیدند که او خواننده گی میکرد فرمود که میدانید که
چه میگوید گفتند نه فرمود که میگوید فقدتکم فقدتکم یعنی نیست شوید نیست شوید
پس فرمود که ما او را دفع کنیم پیش از آنکه او ما را دفع کند پس فرمود که آن را کشتند و در حدیث
دیگر منقول است که روزی حضرت صادق ع بخانه اسمعیل فرزند خود آمدند دیدند که فاخته را
دید در قفس کرده است و فریاد می کند حضرت فرمود که ای فرزند چه باعث شده است
تو را که این فاخته را نگاه داشته مگر نمیدانی که این شوم است مگر نمیدانی که نفرین میکند
صاحب خانه را پس او را نیست کنید پیش از آنکه او شما را نیست کند و در حدیث معتبر منقول است
که روزی حضرت صادق ع نشسته بودند شخصی گذشت و پرستوی کشته در دست داشت حضرت
برجستند و او را از او گرفتند بر زمین زدند و فرمودند که آیا عالم شما امر کرده است شما را
که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدرستیکه خبر داد مرا پدرم از جدم که رسول ص نهی فرمود
از کشتن شش چیز زنبور عسل و مورچه و وزغ و صرد و هدهد و پرستک اما زنبور عسل که
پاکیزه میخورد و پاکیزه از او جدا میشود فی الجمله چونکه خدا باو وحی کرده است که نه از جنس
جن است و نه از انس مراد آنجا که فرموده است وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ و اما مورچه زیرا که
قحط در زمان حضرت سلیمان ع بهم رسید و طلب باران آن حضرت با اصحاب خود بیرون
رفتند ناگاه مورچه را دیدند که بر پا ایستاده و دست بآسمان دراز کرده و میگوید

که پروردگارا ما از جملهٔ آفریدهای توایم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم پس روزی بده بما از نزد
خود و ما را بگناه بنی آدم هلاک مکن پس حضرت سلیمان گفت که برگردید که خدا شما را
بدعای دیگری شما را باران داد اما وزغ دیگر آنکه چون نمرود آتش برای حضرت ابراهیم ع افروخت
جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حق تعالی هیچ یک را که
آن دیگر حضرت سلیمان بود بتوکلان بلقیس دانا مرد که هر شب که سیمرغ کی داد و گنجشک را
شکار میکند زیرا که در عصای حضرت آدم ع بود از بلاد سراندیب تا بلاد جده یکماه راه بود و اما پرستک
زیرا که گویند آن در هوا پروازش تا سقف واند و هیئت که بر نظر هیئت اهل جنت در سال است
۳۴ دارد و تسبیح او خواندن سورهٔ حمد است بکسر بیت که در آخر خواندن کی خود
میگوید وَلَا الضَّالِّینَ و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از
مورچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا آزار کند و پرسیدند از کشتن هدهد فرمودند
که آزارش مکن و مکش و ذبح مکن که نیکو مرغیست آن و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع
منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از کشتن پنج جانور صرد و صوام که مرغیست که در سال
نخلستانها میباشد و هدهد و مکس عسل و مورچه و وزغ را امر فرمود بکشتن
پنج جانور کلاغ و کورکوره و مار و عقرب و سگ درنده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول ص فرمود که هر که ماری بکشد چنانست که کافری کشته است و در حدیث موثق منقولست
که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمود که حضرت رسول ص که هر که مارها را
بگذارد بکشد که کشتن آن کفاره ندارد نیست اما اگر از برای اینکه کند که حیوانیست

وبتو آزار

وبتو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود
از آنکه حیوانی را بآتش بسوزانند و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی عذاب فرمود
زنی را از برای آنکه گربه بسته بود تا آنکه از تشنگی مرده بود و در حدیث معتبر منقولست
که باکی نیست بکشتن مورچه خواه آزار کند و خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت
رسول ص منقولست که پرستک را حرمت بدارید که زیاده از همه مرغان انس بمردم میگیرد
و ذکری می کند و سورهٔ حمد میخواند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقولست
که در پر بال هدهد بزبان سریانی نوشته است که آلُ مُحَمَّدٍ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ یعنی آل
محمد بهترین خلایق اند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که مخورید بوجه را
و دشنام مدهید و مدهید باطفال که بازی کنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیح آنش
اینست که لَعَنَ اللهُ مُبْغِضِی آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ یعنی خدا لعنت کند دشمنان آل
محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن الحسین ع منقولست که آن کاکلی که در
هر خدمت از دولت یافتن حضرت سلیمان ع بهم رسیده است زیرا که روزی نری با
مادهٔ خود خواست که جمع شود ماده مضایقه میکرد و نر گفت که میخواهم فرزندی بهم رسد
که خدا را یاد کنند پس ماده راضی شد پس چون خواست که تخم بگذارد نر گفت که تخم را
کجا میگذاری گفت میخواهم که از راه دور بگذارم نر گفت که اگر نزدیک راه بگذاری
بهتر است که اگر کسی بیاید گمان کند که برای دانه چیدن باینجا آمده آن چنین کرد چون
نزدیک شد که جوجه بیرون آید ناگاه دیدند که حضرت سلیمان با لشکرش می آیند و مرغان

بوسش سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان با لشکرش رسید بترسیم که ما و تخم ما را
پایمال کنند نر گفت که حضرت سلیمان مرد رحیم و مهربان است آیا نزد تو چیزی هست که برای
خود پنهان کرده باشی گفت بلی ملخی دارم که از تو پنهان کرده ام برای جوجه خود آیا تو نیز چیزی
برای جوجه خود ذخیره کرده نر گفت من خرمایی دارم ماده گفت که پس تو خرمای خود را و
من ملخ خود را بردارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان برویم و هدیه خود را پیشکش نماییم و جای خود را
عوض بگیریم و سلیمان هدیه را دوست می دارد پس نر خرمای خود را در منقار گرفت و ماده
ملخ را بچنگال گرفت و پرواز کردند و به نزد حضرت سلیمان آمدند و آن حضرت
بر تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید دستها گشوده نر بر دست راست آن حضرت نشست و
ماده بر دست چپ و آن حضرت از حال ایشان سوال فرمود قصه خود را نقل کردند سلیمان هدیه
ایشان را قبول نمود لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست بر سر
ماده کشید و دعا کرد برای ایشان به برکت پس بدین سبب آن کاکل بر سر ایشان بهم رسید و در
چند حدیث معتبر وارد شده است که جوجه را از ایشان شکار مکنید بلکه بکشید و بگذارید که پرواز
کند بعد از آن ایشان را شکار کنید و سب و سر ایشان را مرغان مروید که ایشان را شکار
کنند که شب دنیا مانند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقول است که بالای
شب مرغان را از آشیانها گرفتن لهذا علما گفته اند که مکروه است شب مرغ را
از آشیان شکار کردن و جوجه را از ایشان گرفتن و هم چنین حیوانات ما در
کشتن مکروه است و در حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا تعریف





حتی طاوس میگویند حضرت فرمود که هیچ حیوانی خلقش زیاده از خروس سفید نیست
و خروس خوش آواز است و بر کنگره بهشت است و ایشان آگاه میکردانند در وقت
نمازها و طاوس نفرین و ویل عذاب بر خود میکند بآن گناهی که کرده و بآن سبب مسخ
شده است و در حدیث دیگر منقول است که طاوس یمانی بخدمت حضرت امام جعفر صادق
آمد حضرت از و پرسیدند که تویی طاوس گفت بلی حضرت فرمود که طاوس مرغ شومی است
که بساحت هیچ گروهی داخل نشود مگر آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث دیگر
منقول است که سالم بخدمت آن حضرت رفت چون نشست جمعی از گنجشکها فریاد میکردند
حضرت فرمود که میدانی چه میگویند گفت نه فرمود که میگویند که خداوندا ما آفریده
از آفریده های تو ایم چاره نیست ما را از روزی تو پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر
منقول است که حضرت امام زین العابدین هم در چنین حالی فرمودند که اینها تسبیح پروردگار
خود میگویند و طلب روزی خود از خدا میکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا منقول است
که جغد در زمان سابق در خانها جا میگرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خانه
می آمد و طعام به نزدش می انداختند و میخورد و چون حضرت امام حسین را شهید کردند
از آبادانی بیرون رفت و در خرابها و کوهها و صحراها جا گرفت و گفت بد امتی هستید
شما فرزند پیغمبر خود را کشتید من ایمن نیستم از شما که مرا بکشید و در چند حدیث از حضرت صادق
منقول است که تا حضرت امام حسین را شهید کردند جغد در روزها پیدا نمیشود و بجز
در شب ظاهر می شود و از آن روز قسم خورده که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روز

روزه صیاد شد و اند و بمانند و چون شب می شود افطار می کند و میپوشند ناله و گریه میکند
بر حضرت امام حسین علیه السلام تا صبح و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که اگر نه این بود که مگس
بر طعام مردم می نشیند هر آینه همه کس مجذوم میشوند و در حدیث معتبر از حضرت رسول
منقولست که چون مگس در ظرف طعام یا آب بافتد آنرا غوطه دهید و بیندازید که در یک
بال آن زهر است و در بال دیگرش شفاست و آن بال زهر آلود را در آب و طعام فرو می برد
شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند **فصل نهم** در منع از نگاه داشتن سگ
در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق منقولست که سگ و مرغ که در خانه مرد مسلمی بوده
و در حدیث موثق از آن حضرت منقولست که هیچ کس نیست که سگی در خانه نگاه دارد مگر
آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم میشود و در حدیث صحیح از حضرت امیرالمؤمنین
منقولست که چیزی نیست در سگها بهتر از سگ شکاری یا سگ گله و از حضرت امیرالمؤمنین
که چیزی نیست صادق منقولست که در دو حدیث موثق که نگاه مدار سگ شکاری را در خانه
مگر آنکه میان تو و او دری باشد که بر روی آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که
سگهایی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول منقولست که سگها از
ضعفای جن اند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد یا طعامش بدهید یا دور
کنید که نفسهای بد دارند و از حضرت صادق منقولست که سگی که سیاه یکرنگ یا سفید
یکرنگ یا سرخ یکرنگ باشد اینها از جن اند و سگهای ابلق مسخ شده اند از جن
و انس و در حدیث صحیح از ابوحمزه منقولست که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق





بودم در میان مکه و مدینه ناگاه آن حضرت ملتفت شدند بجانب چپ سگ سیاه یکرنگی
دیدند فرمودند که چیست که ترا تعجیل کرده اند چه بسیار تند می دوی ناگاه دیدم شبیه مرغی
شد و پرواز کرد پرسیدم که این چه بود فرمود که این عثم نام دارد و پیک جنیانست در این
ساعت هشام مرده است او پرواز میکند بشهرها و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله رخصت دادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی
که سگ نگاه دارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که از جن شکاری بسیار
مروید که بیم ضرر است بر شما و چون صدای سگ و فریاد خر را بشنوید پناه برید بخدا از شر
شیطان رجیم زیرا که اینها می بینند چیزی چند که شما نمی بینید و در حدیث موثق منقولست
که حیوانات با یکدیگر بجنگ انداختن خوب نیست مگر سگ که بشکار اندازند و حیوانات برای شکار
کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر حیوانی که سگ تعلیم کرده
شکار کند اگر برسی جان داشته باشد آنرا ذبح کنی و اگر جان نداشته باشد
حلالست اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه حیوانات دیگر
شکار کنند یا سگی شکار کند از آن شکار کردن نیاموخته باشند اگر برسی و وقتی
که جان داشته باشد و آنرا بکشی حلالست و اگر نه حرامست و هر حیوانی که شکار کنی
به تیر پیکان دار یا به نیزه یا شمشیر که در بدنش فرو رود و او را بکشد اگر برسی و جان
داشته باشد آنرا ذبح کنی و اگر جان نداشته باشد اگر نام خدا برده در وقت
انداختن حلالست و هم چنین اگر بشمشیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم

دارد و اگر بشکند یا به تعلیم یا تجارت کند و سایر چیزهای که ایمنی ندارد و بنگی می کند
شکار کند اگر وقتی برسد که بخت داشته باشد و بکشد حلال است و اگر نه حرام است و در حدیث
معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که شکار کردن سگ سیاه یک رنگ بکند تجویز نمیکند زیرا که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود که چنین سگی را بکشند و علما حمل بر کراهت کرده اند و هم چنین
نهی وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی و نصرانی یا مجوسی آن را تعلیم
کرده باشند و هم چنین مکروه است ماهی شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز و در ماهی
شرط است که آن را زنده از آب بدر آورند و در بیرون آب بمیرد و اگر در میان آب بمیرد
حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و اگر کافر بدر آورد و مسلمان از او بگیرد و در دست
مسلمان بمیرد حلال است و هم چنین اگر ماهی خود بجهد بکنار افتد و مسلمان او را بگیرد زنده یا مرده
حلال است اگر ببیند که زنده است و در دست کافر بمیرد حلال است و احوط اجتناب است
و شکار ملخ آن است که مسلمان او را بدست خود یا آلت شکار بگیرد و ملخی که پرواز نتواند
باشد حلال نیست و بد است که شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن باشد و
زنند و نماز بد جا و غیبت و نماز را در چنین سفری تمام بباید کرد و روزه را باطل
گرفت و اگر مطلب روزی عیال یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و
روزه را نمیگیرد و این رساله گنجایش ذکر مفصل احکام شکار ندارد از علما طلب
باید کرد **فصل دهم** در آداب چراغ افروختن و خانه خریدن در احادیث معتبره از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید که آن فاسق یعنی موش

فتیله را



میشوند
فتیله را نکشد که آتش در خانه اندازد و از حضرت صادق منقول است که چهار چیز است که ضایع
و کهنه از آنها منتفع نمیشود که چراغ در ماهتاب روشن کردن در حدیث دیگر از حضرت
امیرالمؤمنین منقول است که پنج چیز است که ضایع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند ضایع
میشود و از روشنائی اش منتفع نتوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار ببارد باران
ضایع میشود و از زمین نفعی عاید نمیشود و طعامی که شخصی هم آن تکلف کند و نزد کسی
بیاورد که او سیر باشد منتفع نشود و زن خوش رو را که عروس کند و برای شوهر
عنین ببرند و نیکی که شخصی بکند که شکر نکند و در حدیث دیگر از حضرت صادق منقول است
که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب فقر را برطرف میکند و روزی را زیاد میکند
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کراهت داده که شخصی داخل خانه تاریک
شود مگر آنکه در پیش روی او چراغی یا آتشی افروخته باشند و از حضرت صادق منقول
که چون چراغ را بعد از شام در خانه بیاورند این دعا بخوانند که اللهم اجعل لنا نورا
یمشی به فی الناس و لا تحرمنا نورک فنلقاک و اجعل لنا نورا انک نور لا اله
الا انت و چون چراغ را خاموش کند این دعا بخوانند که اللهم اخرجنا من الظلمات
الی النور و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرکه خانه بخرد سنت است
ولیمه و مهمانی بکند و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که هر که خانه بسازد
پس گوسفندی فربه بکشد و گوشتش را به مردم بی نوا بخوراند پس بگوید اللهم ادحر
عنی مردة الجن و الانس و الشیاطین و بارک لی فی بنائی حق تعالی دفع ضرر میکند

روغن

دلیل

جن و نوع شیاطین از او بکند و آن خانه را تا خشت آخر برای او مبارک گرداند فصل یازدهم در بیان
سایر آداب خانه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که کراهت دارد که آدمی در خانه
شب روز آورد که در و پرده نداشته باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که سه کسند
حق تعالی حفظ و حمایت خود را از ایشان برمیدارد کسی که در خانه تنها منزل کند و کسی که تنها
و کسی که در بیابان راه تنها رود و کسی که چهار پای خود را سر دهد و ببندد و آن نگذارد و کسی که بول آن
نگاه دارد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ساحتهای خانه خود را جاروب کنید و شبیه
مشوید به یهودان که ایشان جاروب نمی‌کنند و در روایت معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست
که خاکروبه خانه را شب در خانه مگذارید و بیرون برید که شیطان در آن خانه جا میکند
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خانه را جاروب کردن پریشانی را برطرف میکند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خانه شیطان در خانهای شما جاییست که عنکبوت می‌تند و در حدیث موثق
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در آن ظرف آب و طعام را ببندید و در خانهها را ببندید که
شیطان در بسته و ظرف سربسته را نمیگشاید و چراغ را خاموش کنید که موش آتش در خانه
شما نیندازد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در شبها که از خانه بیرون می‌آمدند
برای خوابیدن در روز پنجشنبه بیرون می‌آمدند و چون هوا سرد میشد در خانهها میبودند
برای خوابیدن و در روز جمعه داخل میشدند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست
که هرکه بر روی قبری بول یا غایط بکند یا ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا با دست
آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را بگیرد و دیوانه کند دست از او برنمی‌دارد و در

حالی



حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد مانند این احوال بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بجنگی میرفتند
بوادی رسیدند که در آن جن بسیار بود و در میان اصحاب خود ندا کردند که هر دو نفر دست
یکدیگر را بگیرید و داخل این وادی شوید و هیچ کس تنها نرود و یک شخص تنها رفت و او را
صرع گرفت به حضرت خبر دادند حضرت انگشت ابهام او را گرفتند و فشردند و گفتند بسم الله
اخرج خبیث انا رسول الله پس آن شخص غش زایل شد و برخواست و در حدیث دیگر
منقولست که آن حضرت از شخصی پرسیدند که در کجا فرود آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمودند
که آیا در آنجا کسی با تو هست گفت نه حضرت فرمود که در خانه تنها مباش و از آنجا بخانه دیگر
نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی جرات ندارد مثل آنکه در خانه تنها باشد و در
حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دستمال گوشت را شب در بیوت مگذارید که آن
خوابگاه شیطان است و خاکروبه را در پشت در جمع مکنید که آن جایگاه شیطان است و چون بسفر
بجا خود بپوشید سلام بکنید که برکت نازل میشود و ملائکه انس میگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که خاکروبه را در خانهها شب مگذارید و در روز بیرون برید که جای نشستن شیطان است
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که پاک کنید خانهها خود را از تار عنکبوت که گذاشتن آن
در خانه باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شستن
ظرفها و جاروب کردن خانهها و ساحه اندرون و بیرون خانهها دور پایه را میکند
و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که تنیدن عنکبوت را و خاکروبه را در خانه گذاشتن
باعث پریشانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که دستمالی که دست را بآن پاک

کرده باید و آلوده بطعام و چربی شب در بود که مکند باید که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت
امام صادق منقولست که فرشها خود را بر سر پوشیده مکنید باید که فرشها را که سر پوشیده باشد پوشانند شیطان
در آن آب دهن میاندازند و از آن حیوانات میاید و بسیار دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که جای
پایان و اطفال و پایان خود را محافظت نمایند بعد از آفتاب فرو رفتن تا وقت خفتن که در
این باب شیاطین با ایشان مستولی میشوند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود
از آنکه کسی در خانه تنها نقل کند و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی لعنت کند
من محرم شدند و سه نفر را هم با ایشان از قول نشان من و شیطان ایشان با وحشت در تنها
۲ بازی کردن در پیش مانند و خفتن تنها در روزه دروزه و مست که انسان بعد از تغذی و جنب
بمسجد رفتن و در حرمستان خندیدن و بر خانها مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست
که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حجره بعضی از زنان بودند شخصی از رخنه در کاه در آن حجره
نظر کرد حضرت فرمود که اگر نزدیک می بودم چشمت را کور میکردم دعای وقت بیرون رفتن و آداب
خانه داخل شدن و بیرون آمدن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بعد از آنکه خواب از دل
شب از خانه بیرون مروید که خدا را خلقی چند هست که در این وقت بیرون میشوند در دست
و احتیاط باید بکند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا منقولست که چون از خانه
بیرون روی بگو بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا حول
و لا قوة الا بالله که چون این را بگوید ملائکه بر روی شیاطین میزنند و ایشان را
از او دور میکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر گاه کسی از خانه بیرون آید و بگوید



بسم الله ملائکه میگویند که سلامت یافتی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
ملائکه باو میگویند که کارهایت ساخته شد پس چون بگوید توکلت علی الله ملائکه باو میگویند
که از بلاها نگاه داشته شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا منقولست که چون پدرم
از خانه بیرون می آمد این دعا میخواند بسم الله الرحمن الرحیم خرجت بحول
الله و قوته لا بحولی و قوتی بل بحولک و قوتک یا رب متعرضا لرزقک فأتنی به فی
عافیة و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که کسی که داخل خانه خود شود باهلش
سلام کند و اگر اهلی نداشته باشد بگوید السلام علینا من ربنا و چون داخل خانه شود
سوره قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خواهد که
حاجتی بر آورده شود در بامداد روز پنجشنبه بیرون رود و آیات سوره آل عمران را که از ان فی
خلق السموات و الارض تا انک لا تخلف المیعاد بخواند و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه
و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که چون از خانه بیرون روی
بگو بسم الله توکلت علی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم انی اسئلک خیر
ما خرجت له و اعوذ بک من شر ما خرجت الیه اللهم اوسع علی من
فضلک و اتمم علی نعمتک و استعملنی فی طاعتک و اجعل رغبتی فیما عندک
و توفنی علی ملتک و علی ملة رسولک صلی الله علیه و آله و در حدیث
صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از در
خانه این دعا بخواند خدا کفایت شر او را بسیار بر دارد و توبه او را قبول کند و کار او را

بماند و اورا از بدیها و شرور نگاه دارد و دعا اینست اعوذ بما عاذت به ملائکته ور
سله من شر هذا الیوم الجدید الذی اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسی و
من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء الله و من شر الجن
والانس و من شر السباع والهوام و من شر رکوب المحارم کلها اجیر نفسی بالله
من کل سوء شر و در حدیث از حضرت امام منقولست که هرکه در وقت بیرون رفتن
از خانه ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پیوسته در حفظ و حمایت الهی باشد تا
بخانه خود برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آن حضرت در وقت بیرون رفتن از خا
نه این دعا میخواندند اللهم بک خرجت ولک اسلمت وبک امنت وعلیک توکلت اللهم
بارک لی فی یومی هذا وارزقنی فوزه وفتحه ونصره وطهوره وهداه
وبرکته واصرف عنی شره وشر ما فیه بسم الله وبالله والله اکبر والحمد
لله رب العالمین اللهم انی خرجت فبارک لی فی خروجی وانفعنی به و در
حدیث حسن از آن حضرت منقولست که چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید
سه مرتبه پس بگوید بالله اخرج وبالله ادخل وعلی الله اتوکل سه مرتبه بگوید
پس بگوید اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر واختم لی بخیر وقنی شر کل
دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم چون این دعا بخواند
پیوسته در امان حق تعالی باشد تا برگردد و او را بآن مکان که در آنجا بوده است
و در حدیث موثق از حضرت امام محمد باقر منقولست که هرکه در وقت بیرون

آمدن



آمدن از خانه این دعا بخواند حق تعالی کار دنیا و آخرت او را باو درست کند بسم الله
حسبی الله و توکلت علی الله اللهم انی اسئلک خیر اموری کلها واعوذ
بک من خزی الدنیا وعذاب الآخرة و در روایت دیگر منقولست که چون آن
حضرت از حجره بیرون می آمدند این دعا میخواندند بسم الله خرجت وعلی الله توکلت
لا حول ولا قوة الا بالله و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هرکه در وقت
بیرون آمدن از خانه کفش انگشت خود را بکف دست بگرداند و در آن نقل کند و
سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت
بسر آل محمد وعلانیتهم در آن روز نبیند چیزی که مکروه او باشد و در روایت
دیگر منقولست که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید بسم الله وبالله لا حول
ولا قوة الا بالله توکلت علی الله پس سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی هر یک را از جانب پیش رو و
سر و جانب راست و جانب چپ و بالای سر و پایین پا بخواند و در وقت داخل شدن
خانه بگوید بسم الله وبالله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله پس سلام بر اهل خانه بکند و اگر کسی در خانه
نباشد بعد از آن این دعا بخواند السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین و در حدیث معتبر از حضرت امام منقولست که ضامنم برای کسی که تحت الحنک

ببندد از خانه بیرون رود در آنکه سلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که چون بطلب حاجتی بیرون روید در روز بروید که در شب حاجت برآورده نمیشود

**باب سیزدهم** در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت کردن
و زراعت نمودن و چهارپایان نگاه داشتن **فصل اول** در سوار شدن اسب و استر و
الاغ و انواع مرکبات از حضرت رسول ص منقولست که از سعادت آدمیست که چهارپای راهوار
داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که چهارپا نگاه دارید که زینت شماست و کارهای
شما از آن ساخته میشود و روزی بر خداست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که از
بد زندگانیست چهارپای بد داشتن و حضرت صادق ع فرمود که هرکه چهارپای بخود سواری
از او نیست و روزی بر خداست و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپای داشته
باشد که بر آن حوایج خود و کارهای برادران مؤمن بر آن سوار شود و در حدیث دیگر
منقولست که از حضرت فرمود بسوی یعقوب که از وی الاغی نگاه دارد که بار بر او
بدوشی که روزی با خداست روی گفت که او الاغی خریدم و چون یکسال شد تا
خرج خود کرده هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع
از ابی یعفور پرسیدند که بر چه چیز سوار میشوی گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت
بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این اسرافست که الاغی بچهل اشرفی بخری یا یابوی گفت
خرج یابو بیشتر است فرمود که آنکسی که خرج الاغ میرساند خرج یابو را هم میرساند بگو
نمیدانی که هرکه اسبی نگاه دارد و انتظار خروج ما و اهل بیت بکشد و دشمن ما را

بخنج



بخشم آورد نگاه داشتن آن اسب حسنه است روزی او را برساند و سینه اش را گشاده گرداند
و آرزوهایش را برآورد و یاور او باشد بر حوایج او و در روایت دیگر منقولست که روز
حضرت امام موسی ع بر استری سوار شده بودند شخصی از مخالفان گفت این چه چهارپاییست
که سوار شده که از پی دشمن نمیتوان دوانید و بروز جنگ نمیتوان کرد حضرت فرمود
که رفعت و سرافرازی اسب را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین امور وسط است
و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هرکه ببندد اسبی پس در هر روز بعدد جو
از نامه عملش او سه گناه محو شود و یازده حسنه نوشته شود و هرکه اسبی ببندد که یکی از
بادپایان غیر عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه برای او
نوشته شود و هرکه یابویی ببندد و برای زینت خود و برآوردن کارهای خود یا دفع دشمنی
خود هر روز یک گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در
روایت معتبر از رسول خدا ص منقولست که خیر و نیکی بر پیشانی اسبها بسته است تا روز
قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که هرکه نگاه دارد اسبی
سرخ موی که در پیشانیش سفیدی بسیار یا کم بوده باشد و اگر سفیدی پیشانیش تا بینی آمده
باشد و چهار دست و پایش سفید بهتر است پس خانه که چنین اسبی در آن خانه
باشد فقر و پریشانی داخل آن خانه نمیشود ما دام که آن اسب در آن خانه است شخص
داخل نشد ظلم در آن خانه داخل نمیشود و از حضرت امام محمد باقر یا تقی ع منقولست
که هرکه از خانه خود دیگری بیرون آید در اول روز اسب را که پیشانی سفید بیند

که در دست و پایش هم سفید باشد و آن دو زنخ با دو خوشحالی نه بیند و اگر سفیدی تا
تا پایین آمده باشد پس نهایت خوشحالی در آن روز او را دو دهد و اگر پی کار برود
و چنین اسبی ببیند آن حاجتش بر آورده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین
چهار اسب از یمن هدیه آوردند برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که در میان اینها اسبی هست
که نشان سفید داشته باشد حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که چنین اسب الحال نشان دارد فرمود
که از برای حضرت امام حسن و امام حسین ع نگاه دارید فرمود که چهارم اسب سیاه یلی
دلیل است فرمود که آن را بفروشید و قیمتش را صرف عیال خود بکنید که مبارک و قیمت اسب
اسب در نشانها سفید است و گویا در این حدیث مراد نشان سفید دست و پا باشد و حضرت
امام موسی ع فرمود که در چهارپا یکرنگ بودن کراهیت دارد مگر اولاغ و استر و
نشانها سفید در استر و اولاغ کراهیت دارد مگر و نشانی استر در پیشانی استر کراهیت
دارد مگر آنکه سفیدیش تا جنبه کشیده باشد و آن هم خوب نیست و از حضرت امام محمد
باقر ع منقول است که بهترین چهارپایان سیاه دمی اولاغ است و از حضرت رسول ص منقول است
که قیمت اسب در سرخ و در سیاه پیشانی سفید است که رنگ دست و پایش باشد و دست را
سفید نداشته باشد و از طرف ... و اول چهارپا منقول است که حضرت صادق ع از بهترین
استر سیاهی که زیر شکم و میان پاهایش و در هنگ سفید باشد **فصل دوم** در آداب
نگاه داشتن و رعایت حقوق چهارپایان در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است
که چهارپا را بر صاحبش شش حق است باید که ابتدا کند بعلف دادن او چون فرود آید

و هرگاه



و هرگاه که به آب برسد آب را بر او عرض کند که اگر خواهد بخورد و بر روی او نزند که تسبیح
پروردگار خود میگوید و بر روی آن سواره نایستد مگر در وقتی که جهاد کند در راه خدا
و زیاده از توانایی بار بر او نکند و تکلیف رفتار آنقدر بکند که طاقت داشته باشد و از
حضرت صادق ع مثل این منقول است و زیاده بر این فرمود که بر رویش داغ نکنند و از حضرت
امیرالمؤمنین ع منقول است که هرکه چهارپا را بخرد چون فرود آید اول او را آب و علف
بدهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول ص فرمود که سه کس بر یک چهارپا سوار نشوند
که یکی ملعون است یعنی آنکه پیش نشسته است و در حدیث دیگر منقول است که آن حضرت شتری را دیدند
که بار بر پشتش بست و پایش بسته است فرمودند که صاحب این شتر را بگوئید مستعد باشد
که این شتر او در قیامت خصومت خواهد کرد و در حدیث معتبر منقول است که قطار شتری
از پیش حضرت صادق ع گذشت دیدند که بار یک شتری کج گشته است بصاحب شتر گفتند که عدالت
کن برای این شتر که خدا عدالت را دوست میدارد و در احادیث معتبره منقول است که حضرت
امام زین العابدین ع بیست حج کردند بر شتری و یک تازیانه بر آن شتر نزدند و در احادیث
معتبره منقول است که صاحب روح هر چه جنبنده است تسبیح پروردگار میگوید و هرگاه
خوبیت و حرمت حیوانات بر روی ایشان است و از ابوذر رضی الله عنه منقول است که
چهارپایان میگویند خداوندا مالک نیکوی با کرامت روزی کن که در رفق مدارا کند با ما و
نیکی کند با ما و آب و علف بما بخوراند و عنف و تعدی بر ما نکند و بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع و امام موسی ع منقول است که هرکه دابه که حاجتی خواهد که بر او سوار شود

در آن وقت میگوید که اللهم اجعلنی بی رحیما یعنی خداوندا او را بمن مهربان گردان و در
روایت معتبر دیگر از حضرت صادق منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در
ربذه الاغ خود را آب میداد از او پرسیدند که مگر کسی نداری که آن الاغ را
آب بدهد گفت شنیدم از رسول خدا صلعم که هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا سوال
میکند که خداوندا روزی کن مرا صاحب شایسته نیکوی که مرا از علف سیر و از آب سیراب گرداند
و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند باین سبب میخواهم که خود آن را آب بدهم و در حدیث موثق
از صفوان شتردار منقولست که گفت شتری برای حضرت امام جعفر صادق خریدم بهشتاد
درهم چون بخدمت آن حضرت بردم فرمود که آیا کجاوه میتوانند بود بر پشتش کجاوه برای آن
بار کردم و بحضرت عرض کردم حضرت فرمود که اگر مردم بدانند که حق تعالی چهارپایان ضعیف را
چگونه توانائی بار بردن میدهد هر آینه هرگز چهارپایان گران نخرند و در حدیث دیگر از
ابی جعفر منقولست که حضرت صادق دیدند که مردی پیاده براه میرود فرمودند که چرا
سوار نمیشوی گفتم که شتر من ضعیفست میخواهم که باو راحتی رسیده باشد فرمودند که مگر نمیدانی
که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی بار بردن میدهد و در حدیث
حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی نشسته است آنرا
بکار فرمائید و نرم کنید و نام خدا برآن ببرید در وقت سوار شدن و بار کردن و
در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که هر شتری که هفت مرتبه آنرا بحج برند و در
موقف عرفات حاضر شود البته حق تعالی آنرا از چهارپایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر

پنج در



پنج نوبت و در حدیث دیگر سه مرتبه هم وارد شده است و از حضرت صادق منقولست که هرگاه بر شتر
بار دار سوار شود و خود را از آن بغلطاند در وقت پائین آمدن و بمیرد داخل جهنم شود
و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه چهارپا در زیر کسی بسر در آید و صاحبش باو بگوید تعست
یعنی هلاک شوی چهارپا میگوید تعس اعصانا للرب یعنی هلاک شود هر که نافرمانی
پروردگار خود بیشتر کند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که اگر دابه رم
کند او را نزنید و در سر درآمدن بزنید آن را و در حدیث دیگر فرمود که بر روی چهارپا
بر روی پای دیگر تکیه نکنید بلکه بیک جانب میل نکنید و پشتش را مجلس نکنید که ایستاده
بر روی آن صحبت بدارید بلکه وقتی که راه بروید فرود آئید و چون خواهید که براه روید
سوار شوید و از حضرت علی بن الحسین صلعم منقولست که چهارپایان از چهار چیز غافل نیستند پروردگار
خود را میشناسند و مرگ را میدانند و نر و ماده را میشناسند و چراگاه خوب میدانند و از
حضرت صادق پرسیدند که در چه وقت دابه را برانیم برای راه رفتن فرمود که اگر بان دو شخی
که در وقت جو و بطویله خود میرود برود او را بزنید **فصل سیم** در آداب زین
و لجام بدانکه احوط و اولی آنست که زین و لجام هیچ یک از طلا و نقره نباشد و سنت است
که بالشی میان زین فرو نکنند که بوده در لب انداختند و قطیفه که بود که شتر انداخته و
سوار شوند خوب نباشد و سرخ نباشد و زنان را بر زین سوار شدن کراهت شدید
دارد و در احادیث معتبره وارد شده است که از جمله علامات بد که در آخرالزمان ظاهر
شود آنست که زنان بر زین سوار شوند و در روایت حسن از حضرت صادق منقولست که

که زین مرکب ملعونست برای زنان و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که جایز نیست
زن را سوار شدن بر زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر
از حضرت امام موسی ع پرسید که آیا سوار میتوان شد بر اسبی که زین یا لجام آن از نقره
باشد فرمود که اگر روکشی باشد که آنرا جدا نتوان کرد باکی نیست و اگر چنین نباشد سوار
نمیتوان شد و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که حلقه پیش ناقه رسول خدا
از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع
فرمود که زنهار که سوار مشو بر مفرشه سرخ که آن از جمله ایست که شیطان بر آن سوار میشود
و مفرشه پالانی زین است و پالانی است که بر روی کجاوه شتر میگذارند و بر روی آن سوار میشوند
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع بر قطیفه سرخ سوار میشدند
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از پوست حیوانات پلنگ و
شیر حضرت فرمود که بر روی آنها سوار میتوان شد اما در وقت نماز نتوان پوشید
و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقولست که فرمود که پنج چیز است که تا مردن ترک
نمیکنم یکی سوار شدن بر الاغ جل کرده و از حضرت امام موسی ع منقولست که در سر
هر چهارپا شیطانی هست چون خواهید که آنها را لجام کنید بسم الله بگوئید و در حدیث
صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هر چهارپا که چموشی کند در وقت لجام کردن و غیر
آن یا رم کند در گوشش بگذارید و اگر نه پس آنکه بخوانند این آیه را افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون

فصل چهارم



**فصل چهارم** در ادعیه و آداب سوار شدن بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که چون کسی
بر چهارپا سوار شود و بسم الله بگوید ملکی ردیف او میشود و او را نگاه میدارد تا فرود آید
و اگر در وقت سوار شدن بسم الله نگوید شیطان ردیف او میشود و با او میگوید خوانندگی کن
و اگر نتواند خوانندگی کند با او میگوید که آرزوهای باطل محال بکن پس او در
آرزو است تا پایین آید و فرمود که هر که در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول ولا
قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین البته محفوظ باشد خود و چهارپایش
تا فرود آید و از حضرت رسول ص منقولست که هر که سوار شود و آیة الکرسی بخواند پس بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه اللهم اغفر لی
ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی بملائکه خطاب فرماید که بنده من میداند
که گناهان را بغیر از من کسی نمی آمرزد پس گواه باشید که گناهان او را آمرزیدم و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که چون سوار شوید بر چهارپا نام خدا را یاد کنید و بگوئید
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و از علی بن
ربیعه منقولست که امیر المؤمنین ع چون پا در رکاب گذاشت گفت بسم الله پس چون
در پشت سوار شد این دعا خواند الحمد لله الذی کرمنا وحملنا فی البر والبحر
ورزقنا من الطیبات وفضلنا علی کثیر ممن خلق تفضیلا سبحان الذی سخر لنا هذا
وما کنا له مقرنین پس سه مرتبه این دعا خواند رب اغفر لی فانه لا یغفر

الذنوب الا انت و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند
سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و هفت مرتبه الحمد لله و هفت مرتبه لا اله الا
الله میگفتند و در روایت دیگر منقولست که چون آن حضرت سوار شتر میشدند این دعا میخواندند
بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا
الی ربنا لمنقلبون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بر کوهان هر شتری شیطانی هست چون سوار آن
شوید چنانچه فرموده بگوئید سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و در حدیث معتبر
منقولست که چون چهارپای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسر در می آمد پا بر آن میزدند این دعا میخواندند
اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک و من فجأة نقمتک و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام حکایت کرد که دابه من کهیل است و در هنگام فریاد
میکند می ایستد حضرت فرمود که این آیه را در گوشش بخوان او لم یروا انا خلقنا لهم
مما عملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون و ذللناها لهم فمنها رکوبهم و منها یاکلون
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که لازم است سواره با جنبه کند پیاده را که
با ایشان هم ... چهارپا او فرمود که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سوار شدند جمعی پیاده
با حضرت روان شدند فرمود که آیا کاری دارید گفتند نه ولیکن میخواهیم که در رکاب تو راه
رویم فرمود که برگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره و موجب
مذلت و خواری پیاده است و در حدیث دیگر از عبد الله بن عطا منقولست که گفت روزی
بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفتم فرمود که چهارپا را زین کن رفتم او لاغی و

استری



و استری را زین کردم و استر بهتری بود که آن حضرت سوار شوند فرمود که او لاغ را
بیاور که بهترین چهارپایان نزد من او لاغ است و استر را خود سوار شو پس او لاغ را
آوردم و در رکاب گرفتم چون سوار شدند گفتند الحمد لله الذی هدانا بالاسلام
و علمنا القرآن و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله و الحمد لله الذی
سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله
رب العالمین پس روانه شدند در اثنای راه دیدم که او لاغ شوخی در رفتار میکرد
حضرت خود را به پشت زین چسبانیدند عرض کردم که یابن رسول الله مگر شما را اذیت هست
فرمودند که نه رسول خدا علیه السلام او لاغی داشت که او را عفیر می نامیدند و چون سوار آن
میشدند از شادی آنکه آن حضرت بر آن سوار شده است شوخی در رفتار میکرد در وقتها
مبارک آن حضرت را حرکت می آورد و آن حضرت خود را به پشت زین می چسبانیدند
و میفرمودند اللهم لیس منی و لکن ذا من عفیر یعنی خداوندا این از من نیست
و لیکن این خلد و تبختر از عفیر است من نیز چنین کردم ای عزیزان تفکر کنید که
بزرگواران از خلد و تبختر رفتار او لاغ اندیشه داشتند و بدرگاه خدا عذر
می طلبیدند پس آنان که بر اسبهای نادری نژاد خوش رفتار با آن تبختر و تکبر و دولت
سوار می شوند و بر آنها و زینهای پر قیمت خود منت می نهند و غیر خود را
نمی شمارند چگونه عذر خواهند خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که آیا شرم نمیکنید که شما بر در خانه های خود خوانندگی میکنید و آن در زیر شما تسبیح :

خود بگویند و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که فرمود که چهار آمین هر که ببرد در شامل
زیرا که هر که ببرد رو زراعت کسی آن را نه دانند و کشت زار کسی را پا بمال نکرده‌ام **فصل ششم**
در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشت
و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقول است که تند راه رفتن حسن مؤمن را می برد
و در حدیث حسن از حضرت رسول ص منقول است که زنان در کنار راه بروند و در میان راه نروند
و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است به میان جاده رفتن از پیاده و پا برهنه احق است به میان
راه از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع
چنان به هموار راه می رفتند که گویا مرغ بر سر آن حضرت نشسته است و میترسند که پرواز کند و
دست راست آن حضرت بر دست چپ پیشی نمیگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول
که هر که راه رود بر زمین از روی خیلا و تکبر لعنت کند او را زمین و آنچه در زیر
زمین است و آنچه بالای زمین و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که کوشش کنند امت من
از میان رفتن در وقتی که ایشان چنین بلند و از روی تبختر راه روند و پروردگار
بعزت خود سوگند خورده است که ایشان را بیکدیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که
هرگاه که امت من در رفتار تبختر کنند و دستها را بجنبانند و خدمت ایشان کنند غلامان
فارس و روم در میان ایشان فتنه و فساد باشد و بر یکدیگر شمشیر کشند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که با عصا راه رود از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضر بهر گامی برای او
هزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو شود و هزار درجه برای او بلند شود





و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرید که سنت پیغمبران است و بنی اسرائیل صغیر و کبیر
و جوان و پیر ایشان عصا در دست میگرفتند تا آنکه خیلا و تکبر نکنند و در راه رفتن
فرمود که بر داشتن پوستینها را طرف میکند و شیطان و ذلیله از وی آید و از حضرت
صادق ع مرویست که اگر عاقلی باید که بهر جانب متوجه شوی اول ببین خود را دولت و غرض
صحیحی برای حرکت خود قرار دهد و بی کسی نفس را از آنکه امر با مشروعی را منظور داشته
باشد و باید که در راه رفتن در فکر و اندیشه باشد و در هر قدمی عجایب صنع الهی عبرت
بگیرد و در رفتار تبختر نکند و دیده خود را بپوشد از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست
و پیوسته ذکر خدا باشد بدرستی که مواضعی که در آن ذکر خدا کرده می شود شهادت میدهند
او در قیامت و استغفار میکنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم بسیار سخن
که خلاف ادب است و اکثر کمین گاه شیطانست از مکر او غافل مشو و چنان کن که رفتن و
گشتن در طاعت خدا باشد و رفتار تو در چیزی باشد که موجب خوشنودی خدا باشد زیرا
که جمیع حرکات تو در نامه عملت نوشته میشود **فصل هفتم** در نگاهداشتن شتر و گاو و گوسفند
در حدیث معتبر منقول است که از حضرت رسول ص پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که او
بکارد و در وقت درو کردن زیاد حق خدا را بدهد گفتند بعد از زراعت دیگر
کدام مال بهتر است فرمود که شخصی گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی
باید آنها را بچراند و نماز را بپا آورد و زکوة مال خود را بدهد گفتند که بعد از گوسفند
کدام مال بهتر است فرمود که گاو که در بامداد و پیشین شیر میدهد گفتند که بعد از گاو

کدام ما بهتر است فرمود که آنها که یاد کردی خوب بوده اند و درخت سالی میوه میدهند
یعنی درختان خرما بهتر بود که نیکو مالیست درخت خرما هر که او را بفروشد قیمتش از باب
خاکستری است که بر سر کوه بلندی در باد تندی واقع شود مگر آنکه بعوض آن درخت خرمای دیگر
بخرد پرسیدند که بعد از درخت خرما دیگر کدام مال بهتر است حضرت جواب نفرمودند شخصی
گفت که چرا شتر را یاد نفرمودید فرمود که در شتر شقاوت و تعب و دوری از منزل هست و صبح خوب نمی آید
و شام خوب نمی آید و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی
که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتی که مرده در میان ایشان می افتد هم سگنی و منفعت
میکند و گاو وقتی که رو میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر
همانند شیطان است اگر رو میکند پشت کرده است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی وقتی که
خوب است هم بپای خانه ضرر دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از اینها کسی در باب
شتر چه گوید که نگاه خواهد داشت آن را فرمود همیشه بدبختان و ناجوانان هستند که آن را
نگاه خواهند داشت میدادند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی در تجارت است و
یکعشر آن در نگاه داشتن گوسفند است و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند را بنگاه داشتن
گوسفندان که هر بامداد و پسینی نفع ایشان بشما میرسد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
فرمود که شتر باعث عزت اهلش است و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق بصفوان
شتر داری فرمود که شتری برای حج بخر و باید که بد صورت باشد که عمرش دراز تر است
و در حدیث دیگر منقولست که فرمود که شتران سیاه بد صورت بخر که عمرشان درازتر است

میباشد



میباشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست فرمود که شتران سرخ مو مخرید که عمرشان کوتاه تر میباشند
و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که از میان قطار شتر بدر مروید زیرا که هیچ قطار شتری نیست
مگر آنکه در میان هر دو شتر شیطانی هست و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام
بر کوهان شتری که بعد از شرف میخرید سوار نمیشدند و در حدیث معتبر از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقولست که [illegible] بصورت گاومیش و گاو شده و بهترین حیوانات
است و در میان حیوانات خوشروتر و سرافرازتر از گاو نبود تا آنکه بنی اسرائیل
گوساله پرستیدند آن ملعون که بصورت گاومیش است از شرم سر در زیر افکند و بآن سبب
خفیف شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که مخورید
و شیر شتری را که نفقه آدمیرا خورده و گوشت آن مشوید تا آنکه چهل روز آن را علف بدهید
و علف خوردن گوشت و شیرش را حرام میدانند و این حکم دارد در حیوانات دیگر هم در باب
گردن اینها بآن میشود که علف پاک بخورانند بآنها و بمدت چند که بآنها هر یک مقرر شده
و در کتب فقها مذکورست **فصل هفتم** در آداب خریدن و نگاه داشتن حیوانات
در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که چهارپائی بخرد بر جانب چپ
او بایستد و موی پیشانیش را بدست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آخر سوره حشر لو انزلنا هذا
القرآن علی جبل تا آخر سوره و آخر سوره بنی اسرائیل قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن تا آخر سوره و آیة الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپا امان یابد از جمیع

انتها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کسی خواهد بخرد بگو
اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَشیرُکَ وَاَسْتَخیرُکَ و چون حیوانی خواهد بخرد بگو اللّٰهُمَّ قَدِّرْ لی اَطْوَ
لَهُنَّ حَیاةً وَاَکْثَرَهُنَّ مَنْفَعَةً وَخَیْرَهُنَّ عاقِبَةً و در حدیث صحیح منقولست که علی بن
جعفر از حضرت امام موسی علیه السلام سؤال کرد که آیا داغ را بر روی حیوان زند و در روی او داغ
حیوان کرد فرمود که باکی نیست یعنی حرام نیست اما مکروهست چنانچه در حدیث موثق
منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از داغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی ایشان داغ
باید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله نهی فرمود از آنکه حیوانات را در روی ایشان
داغ بکنند یا چوب بر روی ایشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر
از آن حضرت پرسیدند از داغ کردن در گوش گوسفندان فرمود که داغ را در گوش ایشان
بزنند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که در وقت دوشیدن شیر حیوانات اندکی شیر در
پستان بگذارید تا در وقت شیر جمع شود در پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتر می آید
و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گوسفندان را پاک کنید و آنچه از بینی ایشان بیرون
می آید پاک کنید و نماز در خوابگاه ایشان بکنید و گوسفند از حیوانات بهشت است و از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که صفیر بکنید برای گوسفندان در وقت رفتن و صدا بزنید
ایشان را ندا بکنید و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خصی کردن
حیوانات فرمود که باکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کراهت داشت
خصی کردن حیوانات و حمل انداختن ایشان را بکلی مکروه و در حدیث دیگر فرمود که

روزی



که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در راهی گذشتند که حیوانات او را با باده می کشیدند
در میان راه حضرت رو گردانیدند و فرمودند که سزاوار نیست که چنین کنید که این منکر
و قبیح است بلکه باید این را در جای واقع سازند که مرده ویرانی نبینند و در حدیث معتبر
منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که دنبه گوسفند زنده را میتوان برید فرمود
که اگر غرض تو این باشد که مال خود را باصلاح آوری باکی نیست اما آن دنبه میته است
و از آن منتفع نمیتوان شد و بعد از آنکه مشهور میان علما موافق احادیث معتبره که
اگر بره یا بزغاله شیر خوک را بخورد تا قوت بگیرد گوشتش و استخوانش از آن بهم رسد گوشت
آن حرام است و هرچه از گوسفندان معلوم باشد که نسل آنند حرام است و هرچه معلوم نباشد
حلالست و اگر چند شیری خورده باشد و بحد نرسیده باشد گوشتش و شیرش مکروه است
و گوشتش پاک میشود و طرف میشود که اگر هفت روز شیر خورد هفت روز شیر گوسفند را بخورد
و اگر از شیر باز کرده باشند او را هفت روز علف و دانه حلال بدهند بخورانند
و در حدیث معتبر منقولست که شخصی عرض کرد بحضرت امام علی نقی علیه السلام نوشت که بزغاله
ماده را شیر داده است آیا جایز است که از شیر باز کنند آن را و الحال از آن بزغاله
بهم رسیده است و شیر خورده و شیر میخورد را میشود خورد در جواب نوشتند که فعل مکروهی
کرده است و باکی نیست بخوردن شیر آن **فصل هشتم** در بیان مجمل احوال و اقسام
حیوانات در احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مرغی و حیوانی در دریا
و صحرا شکار کرده نمیشود مگر آنکه تسبیح کردن را ضایع کند و در حدیث دیگر فرمود

که جمع وحشیان و مرغان و درندگان با یکدیگر مخلوط بوده‌اند تا آنکه فرزند آدم را دو شرا گفت
پس از یکدیگر نفرت گرفتند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر میگوید
که حضرت یعقوب پیغمبر خود گفت که زنا مکن که هر که زنا میکند با بنی میبیند و از حضرت
آدم چنین هم شنو گفت که چون کسی زنا می‌کند میگوید که ای فرزند آدم هر دو نیش
که میکند کاملی آخوش در کفت و بسا از کسی که در خدای کوید که ای دانا پنهانها دانای دفع
کننده بلاها و ظلاوش میگوید که بر خود ظلم کردم و بر زن بنفس خود شدم پس بیامرز مرا
و ذو المعارج میگوید الرحمن علی العرش استوی و خودکش میگوید که هر که خدا را شناخت
بد او را فراموش نمیکند و صریح خانگی میگوید ای خداوند حق توی حق و کشنده تو حق
و شیر میگوید ای یاکه اورا دم بجد و درو قیامت و کور کوه میگوید توکلی کن بر خدا تا ترا
روزی دهد و عفاء میگوید هر که طاعت خدا کند بدبخت نبود و شاهین میگوید
سبحان الله حقا حقا و جند میگوید که درد دل از مردم التوبه است و کلاغ
میگوید که ای روزی دهنده بفرست روزی حلال و کلنک میگوید که خداوندا نجات
ده مرا از شر دشمن من و لکلک میگوید که هر که از مردم تنها شد از آزار ایشان نجات
یافت و اردک میگوید که آمرزش میخواهم ای خداوند و هدهد میگوید چه بیچاره
شقی است کسی که معصیت خدا کند و قمری میگوید که ای داننده پنهانها و دارنده خدا و دجاجی
که شبیه بقری و سرخ رنگ میگوید که توی خداوند خداوند عبادت توئی ای خدا و بلبل
میگوید که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا را خشم آورد و بلبل میگوید که لا اله

الحمد لله



اینه اینه حقا حقا و کبک میگوید که تو ذبکت حق تو ذبکت و سمانا میگوید که ای فرزند
آدم چه غافل از مرگ و فاخته میگوید که یا واحد یا احد یا فرد یا صمد و سنوره قبا میگوید
که مولای من از آدمی مرا دور ترس جهنم و هوجه میگوید که مولای من بقبول کن توبه جمیع کناهان
و کبوتر خانگی میگوید که اگر گناه مرا بیامرزی شقی و بدبخت خواهم بود و شتر مرغ میگوید
که معبودی بجز از خدا نیست و پرستک میگوید سوره حمد بخوانید و میگوید که ای قبول کننده
توبه توبه کناران ای خدای ثابت حمد و بوته میگوید که مرگ بس است برای پند کرفتن و نورغاکه
میگوید که مرگ زود بمن رسید که ام شکفتن و بسیار دیند و شیر میگوید که دور از بنده کی خدا
بسیار اهتمام نماید کرد و کاو میگوید که دنیا از گناه بدانکه تو در بیخ خداوندی هست که او را
غم پند و او همراهی بیند و آن خداوندعالم بیا نیست و فیک میگوید که بیا دفع مرگ قوت
و چاره نبود عبد و هد و یوزه میگوید یا عزیز یا جبار یا متکبر یا ... و شتر میگوید
که منزه است پروردگار که ذلیل کننده جباران است و تنزیه میکنم او را و اسب میگوید منزه
است پروردگار منزه است او و کرگدن میگوید چو را که خدا حفظ هر که ضایع نخورد و شغال
میگوید عذاب و ویل برای گناه کاریست که بر گناه خود مصر باشد و سگ میگوید بس است
معصیتها خدا برای خواری و خوکوتی میگوید هلاک بکن مرا ای خدا ثابت حمد و روباه
میگوید دنیا ماندنی نیست آهو میگوید که نجات ده مرا از دوزخ و کرگدن میگوید بفر آدم
بس است اگر نه هلاک می شوم و پلنگ میگوید منزه است پروردگار که پیدا کرده است عجبی
قدرت خود تنزیه میکنم او را و عقرب میگوید که بد چیزی موضع است بنی حضرت که ای

فرزند

خلقی نیست مگر آنکه آن را تسبیحی هست خدا چنانچه فرموده است وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ
وَلَٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ یعنی هیچ چیز نیست مگر آنکه خدا را تسبیح میکند بحمد وثنای
او ولیکن شما نمی فهمید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی ع منقولست که جمعی
که مسخ شده اند سیزده صنف اند اما فیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواط میکرد
و خرس اعرابی بادیه نشینی بود که دیوثی میکرد و خرگوش زنی بود که بشوهر خود خیانت
میکرد و غسل حیض و جنابت نمیکرد و شبپره خرمای مردم را میدزدید و سهیل مردی بود
که ده یک عشاری میکرد و زهره زنی بود که مردم میگویند هاروت و ماروت ازو فریب
خوردند و خوک و میمون جماعتی بودند از بنی اسرائیل که روز شنبه شکار کردند و اما
سوسمار و جلپاسه گروه بودند از بنی اسرائیل که در زمان حضرت عیسی ع چون مائده از آسمان
نازل شد ایمان نیاوردند و مسخ شدند پس یک گروه ایشان بدریا رفتند و دیگری بصحرا
و اما عقرب مردی سخن چین بود و اما زنبور قصابی بود که ترازو دزدی میکرد و در
روایت دیگر منقولست که خرس مردی بود که مردم با او عمل قبیح میکردند و سوسمار اعرابی بود
که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از برای شوهر خود سحر میکرد و دعموص
مردی بود سخن چین بود که در میان دوستان [illegible] میانداخت و مارماهی دیوثی بود و شبپره
خرما از سر درختها میدزدید و میمون یهود ایله که ماهی در شنبه شکار کردند و خوک
جماعتی اند که ایمان بمائده آسمانی نیاوردند و از حضرت امام رضا ع منقولست که موشی که دشتی
از یهود بودند که خدا بر ایشان غضب کرد [illegible] [illegible] بود که استهزا به پیغمبران میکرد

و بعضی



و بعضی از جهت مسخ شد و روزی بعضی از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی
از پیغمبران بنی اسرائیل آمد در برابر او و ها استهزا و ریا میکرد بصورت میمون
مسخ شد و جلپاسه جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را دشنام
میدادند و با ایشان دشمنی میکردند و در حدیث دیگر منقولست که خدا نیست که خلقی او
و در بعضی از روایات وارد شده است که زهره و سهیل که مسخ شده اند آن دو ستاره
نیستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایت معتبره وارد شده است که یکی
از بنی امیه که حکم بن ابی العاص بود بصورت جلپاسه مسخ میشوند و فرمود که هرگاه که جلپاسه
ببینید غسل بکنید و در روایت معتبره منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز
نماندند و مردند و حق تعالی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها را حرام
کرد تا مردمان عبرت بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها نکنند و از حضرت رسول ص
منقولست که حق تعالی هفتصد امت را مسخ کرد بواسطه آنکه بعد از پیغمبران اطاعت اوصیای
ایشان نکردند پس چهارصد صنف ایشان بصحرا رفتند و سیصد صنف ایشان بدریا
رفتند

## فصل نهم در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن و در احادیث

معتبره از حضرت رسول ص منقولست که نیکو یاوری است پرهیزکاری را از معاصی خدا توانگری
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که خیری نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع
کند که آبروی خود را از سوال حفظ کند و قرض خود را ادا کند و با خویشان
خود احسان کند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت جوئید بدنیا بر آخرت و بار مردم

می‌شوید و از حضرت رسول منقولست که ملعونست کسی که بار عیال خود را بر مردم بیندازد
و در حدیث حسن منقولست که شخصی از حضرت صادق پرسید که ما طلب دنیا میکنیم و دوست
میداریم که مال دنیا بما رو کند فرمود که تو آنچه میخواهی آن را گفت از برای آنکه خرج خود
و عیال خود بکنم و صله رحم بکنم و تصدق و حج و عمره بکنم فرمود که این طلب دنیا نیست اینها
کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرت است و در حدیث دیگر فرمود که توانگری که ترا
از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بدارد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی
از علماء اهل سنت بخدمت حضرت امام محمد باقر رسید در روز بسیار گرمی دید که آن حضرت بر دو
غلام تکیه کرده و بیرون میروند گفت که شما مردی هستید از بزرگان قریش مناسب نیست که
در این وقت از برای طلب دنیا بیرون روید اگر مرگ در این حالت شما را برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود
که اگر مرگ درین حال برسد در وقتی رسیده خواهد بود که مشغول طاعت خدا [illegible]
و کاری میکنم که خود را و عیال خود را باز دارم از سؤال کردن از تو و از دیگران می
ترسم از آن که مرگ برسد و در معصیت خدا باشم گفت راست گفتی میخواستم که ترا پند
بگویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که حق تعالی وحی
نمود بحضرت داود که نیکو بنده بودی اگر از بیت المال نمیخوردی و بدست خود کسب
میکردی چون این خطاب رسید حضرت داود چهل روز گریست پس حق تعالی آهن را وحی
فرمود که نرم شو برای بنده من داود پس در دست آن حضرت نرم شد مانند موم
هر روز یک زره بدست خود میساخت و بهزار درهم میفروخت تا آنکه سیصد و شصت زره





ساخت و از بیت المال مستغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق احوال عمر بن
مسلم را پرسید گفتند که ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که عمل شیطانست مگر
نمیدانید که رسول صلعم تجارت فرمود و حق تعالی مدح می‌فرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل
نمیگرداند ایشان را تجارت و نه فروختن از یاد خدا ایشان جماعتی بودند که تجارت میکردند
و چون وقت نماز میشد مشغول نماز میشدند و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و نماز را در وقت
خود بکند و در حدیث موثق منقولست که بآنحضرت عرض کردند که شخصی هست میگوید که در خانه
می‌نشینم و نماز میکنم و روزه میدارم و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من البته
بمن میآید حضرت فرمود که این مردیست از سه کس که دعای ایشان مستجاب نیست و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بآن حضرت عرض کرد که میخواهم دعا کنید که خدا مرا روزی بدهد با را
فرمود که طلب روزی بکن چنانچه خدا ترا امر کرده است من دعا نمیکنم برای تو و در حدیث دیگر
منقولست که آن حضرت احوال شخصی را پرسید شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت فرمودند
پرسیدند که بچه کار مشغولست گفت که در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاش بچه
نحو میکند گفت که بعضی از برادران مؤمن باحوال او میرسند حضرت فرمود که آنکسی که روزی
او را میدهد عبادتش بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که کسی که طلب دنیا کند برای آنکه از مردم سؤال نکند و روزی عیال خود را
فراخ کند و با همسایگان خود احسان کند در روز قیامت روی او مانند ماه شب
چهارده باشد و از حضرت رسول منقولست که عبادت هفتاد جزو است بهترین آنها

خیر این بازار و اهل این بازار با مر خدا پس چون در دکان بنشیند بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده
و رسوله اللهم انی اسئلک من فضلک رزقا حلالا طیبا و اعوذ بک من ان
اظلم او اظلم و اعوذ بک من صفقة خاسرة و یمین کاذبة چون این دعا
بخواند ملکی که باو موکلست میگوید که بشارت باد ترا که امروز در بازار کسی از تو بهره
اشرف و انشریفت تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی از خود گناهان را و بزو
دی می آید ترا آنچه خدا روزی تو کرده است حلال و طیب و مبارک و در حدیث صحیح
از حضرت صادق منقولست که چون ببازار روی این دعا بخوان اللهم انی اسئلک من خیرها
و خیر اهلها و اعوذ بک من شرها و شر اهلها اللهم انی اعوذ بک من ان اظلم
او اظلم او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی علی اللهم
انی اعوذ بک من شر ابلیس و جنوده و شر فسقة العرب و العجم و حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و در حدیث صحیح دیگر منقو
است از آن حضرت که هرکه داخل بازاری یا مسجدی شود و یکمرتبه بگوید اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
بکرة و اصیلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد
و آله برابر حج مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هرکه در بازار بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده

ورسوله



و رسوله حق تعالی هزار حسنه برای او بنویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که هرکه داخل بازار شود و نظر کند بشیرینی و ترشی و تلخ آن بگوید اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله اللهم انی اسئلک
من فضلک و استجیر بک من الظلم و الغرم و المأثم و در روایت دیگر از حضرت
صادق منقولست که هرکه داخل بازار شود و بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان
محمدا عبده و رسوله اللهم انی اعوذ بک من الظلم و المأثم و المغرم حق تعالی بعدد
آنچه در بازار هست از عربی و عجمی ثواب برای او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین منقو
لست که یاد خدا در بازار بسیار بکنید در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره گناهان شما
و باعث زیادتی حسنات شما شود و شما را از غافلان ننویسند و چون خواهید که چیزی
خود را از بازار بخرید در وقت داخل شدن بازار بگوئید اشهد ان محمدا عبده
و رسوله صلی الله علیه و آله اللهم انی اسئلک اعوذ بک من صفقة خاسرة
و یمین فاجرة و اعوذ بک من بوار الایم و در حدیث معتبر از حضرت رسول منقو
لست که هرکه در وقت داخل شدن بازار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی
لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر بعدد آنچه خدا خلق کرده است تا قیامت
باو ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که چون خواهی متاعی
یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه این دعا بخوان اللهم انی

اشتريته التمس فيه من خيرك فاجعل لي فيه خيرا اللهم اني اشتريته التمس
فيه من فضلك فاجعل لي فيه فضلا اللهم اني اشتريته التمس فيه من رزقك فاجعل
لي فيه رزقا و در روايت ديگر منقولست كه حضرت امام رضا ع و دو دعا منافى كه بخوانند چيزى
نوشتند بركة كفنا و محملت مراد او نوشتن بالكتب باشد و در حديث صحيح از حضرت صادق منقول است
كه چون خواهى كه چيزى بخرى اين دعا بخوان يا حي يا قيوم يا دائم يا رؤف يا رحيم اسألك
بعزتك وقدرتك وما احاط به علمك ان تقسم لي من التجارة اليوم اعظمها
رزقا واوسعها فضلا وخيرها عاقبة فانه لا خير فيما لا عاقبة له و فرمود كه
چون حيوانى يا بنده خواهى بخرى بگو اللهم قدر لي اطولها حياة واكثرها
منفعة وخيرها عاقبة و در حديث حسن از آن حضرت منقولست كه چون خواهى كه
چهارپائى بخرى سه مرتبه اين دعا بخوان اللهم ان كانت عظيمة البركة فاضلة
المنفعة ميمونة الناصية فيسر لي شراءها وان كانت غيرها فاصرفني
عنها الى الذي هو خير لي منها فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر
وانت علام الغيوب و در روايت ديگر منقولست كه چون خواهى كه چيزى بخرى
وآفتاب اندكى بلند شده باشد كسى كه ... باشد دو ركعت نماز
بكن و در ركعت اول بعد از سوره حمد قل هو الله احد و در ركعت دوم قل يا ايها
الكافرون بخوان پس چون سلام بگوئى اين دعا بخوان اللهم اني غدوت التمس
من فضلك كما امرتني فارزقني من رزقك حسنا واسعا حلالا طيبا واعطني

فيما



فيما رزقتني العافية غدوت بحول الله وقوته غدوت بغير حول مني ولا قوة
ولكن بحولك وقوتك وابرء اليك من الحول والقوة اللهم اني اسألك بركة
هذا اليوم فبارك لي في اموري يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله الطيبين
و در فقه الرضا مذكورست كه چون خواهى متاعى را به ... و نگاه دارى آية الكرسى
بخوان و بنويس و در ميان متاع بگذار و اين دعا را نيز با آية الكرسى بنويس وجعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون لا ضيعة على ما
حفظه الله فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم چون چنين كنى آن متاع از ... محفوظ باشد و فرمود كه اگر مالت تلف شود اين دعا
بخوان اللهم اني عبدك وابن عبدك وابن امتك وفي قبضتك ناصيتي بيدك
تحكم في ما تشاء وتفعل ما تريد اللهم فلك الحمد على حسن قضائك وبلائك
اللهم هو مالك ورزقك وانا عبدك خولتني حين رزقتني اللهم فالهمني
شكرك فيه والصبر عليه حين اصبت واخذت اللهم انت اعطيت وانت
اصبت اللهم لا تحرمني ثوابه ولا تحرمني من خلفه في دنياي واخرتي انك على
ذلك قادر اللهم انا عبدك وابن عبدك ومنك لا املك لنفسي ضرا ولا
نفعا و در حديث معتبر از حضرت رسول ص منقولست كه بدترين بقعها بازارها است
و آنها ميدان شيطانند هر روز با علامت علم خود را در بازارها ميزند و كرسى خود را
ميگذارد و بر آن مى نشيند و فرزندان خود را پهن ميكند كه يكى را فريب مى دهد ...

که ترازو را کم می‌کند و دیگری کیل را کم میکند و دیگری که جنس بد داخل میکند و دیگری در معامله
دروغ میگوید پس میگوید بعضی از نادانان خود که بشما باد بجا ... که پیش ایشان مرده‌اند یعنی حضرت آدم علیه السلام
بدترین مواضع زمین بازار است و اول کسی که داخل بازار میشود و بآخر کسی که بیرون
می‌رود و بهترین بقعه‌ها نزد خدا مسجدها است و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر
بمسجد درآید و دیرتر بیرون آید و در حدیث دیگر فرمود که دشمن‌ترین مردم نزد خدا کسی
است که زودتر به بازار در آید و دیرتر بیرون آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخروم
از خود می‌کنند کاروانیان بسته شده است که سوگند با ایشان برکت می‌دارد و در حدیث دیگر
فرمود که باکی ندارد خالد بخیه که ایشان که حق را از خشیان که حق کردم بر ده ایشان
بوده شده است و احادیث معتبره وارد شده است که معامله مکنید با جماعتی که در میان ایشان رستند
مانند بخشیده و در احادیث دیگر فرمود که با مراکش سودا مکنید و با کسی سودا مکنید
که در مال و نعمت نشو و نما کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که با مردم دونی که از دادن
دادن و شنیدن پروا ندارند سودا مکنید و در حدیث دیگر فرمود که از سایه کسی
که ... ده روزی را فرمود که حضرت رسول صلعم فرمود ... در شرکت ذمّی و در حدیث
حسن منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که در زندیقی و در بعضی متاع مغشوش
که متاع خوبی نمایید و آن غش است و غش کردن حلال نیست و فرمود که کسی که
مخورید ... و ... سوگند ... در قیامت ... رحمت ... و ...
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چهار قسم مخورید که اگر چه متاع را رواج میکند

اما برکت



اما برکت نمی‌باشد و از حضرت رسول صلعم منقول است که کسی که میفروشد و میخرد روزی می‌یابد و کسی که
نگاه میدارد برای آنکه گران شود ملعون است و فرمود که قافله که متاع آورد کسی که از شهر بیرون رود
به استقبال نکنید بگذارید که داخل شهر شوند و شهری وکیل نشود در خرید و فروخت برای
بادیه نشینان خدا بعضی از مسلمانان را بسبب بعضی دیگر روزی میدهد و در حدیث معتبر
منقول است که حضرت صادق علیه السلام با اسحق بن عمار فرمود که فرزند خود را به صرافی مده که صراف از ربا
سالم نمی‌ماند و بکفن فروشی که آرزوی مرگ مردم میکند و بسیار مردن مردم او را خوش می‌آید
و بجو و گندم فروشی مده که سالم نمیماند از جمع کردن و نگاه داشتن برای گرانی و به سلاخی مده
که رحم از دلش بر طرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و به بنده فروشی مده
که بدترین مردم کسی است که مردم را میفروشد و از حضرت رسول صلعم منقول است فرمود که بخاطر خود
غلامی بخشیدم و نهی کردم او را از آنکه او را بقصابی یا به حجامت کردن یا زرگری بدهد و در
احادیث دیگر منقول است که اگر مزد حجامت را شرط نکند و آنچه بعد از حجامت بدهند
قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولا وارد شده است و در حدیث دیگر منقول است
که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید از تعلیم کردن اطفال فرمود که مزد بر آن مگیر گفتم گفتم تعلیم
شعر و رسائل و مثل اینها میخوانند اول شرط مزد با ایشان مکن و فرمود که بلی اما شرط
که اطفال نزد تو برابر باشند و بعضی را بر بعضی زیادتی مده و در حدیث دیگر منقول است
که به آن حضرت عرض کردند که سفیان میگویند که کسب معلم حرام است فرمود که دروغ میگویند آنها
دشمنان خدا اند میخواهند که اطفال مردم قرآن یاد نگیرند اگر کسی دایه فرزند خود را معلم

برادر حلال است و بهتر آنست که اول شرط مزد نکند و آنچه بدهند بگیرد و در احادیث معتبره وارد
شده است که چون قرآن را فروشند کاغذ و جلد را بفروشند و قصد فروختن نوشته نکند و در حدیث (حضرت صادق)
صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث معتبر از
منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن برای نوشتن قرآن و در حدیث دیگر که هر که در تمام شب بیدار
باشد برای کسب کردن و بهره دیده خود را از خواب ندهد آن کسبش حرام است و اکثر علما حمل بر
کراهت شدید کرده اند و در حدیث معتبر چند از آن حضرت منقولست که هر که خود را بعنوان نوکری
بمردم باجاره بدهد روزی را بر خود حرام کرده و خود را از روزی خدا بسیم محروم کردانیده است

**فصل یازدهم** در بیان فضیلت زراعت کردن و درخت کشتن از علی بن ابی حمزه منقولست
که حضرت امام موسی ع را دیدم در زمین خود کار میکردند و بدن آن حضرت در عرق فرو رفته بود
گفتم فدای تو شوم خدمتکاران کجا رفته اند که شما خود کار میکنید فرمود که با بیل در زمین خود
کار کرده است کسی که بهتر از من و پدر من بوده است پس فرمود که حضرت رسول ص و حضرت امیر المؤمنین ع
تمام پدران من بدست خود در زمین کار کرده اند و این کار پیغمبران و اوصیا ایشان و صالحانست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی برای پیغمبران ریختن تخم و زراعت کردن را
اختیار نموده است تا از آمدن باران کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت و شیر پستان حیوانات قرار داده است تا از قطره
باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنید و درخت
بنشانید والله که مردم کاری از این حلال تر و پاکیزه تر نمیکنند والله که زراعت

خواهید کرد



خواهید کرد و درخت خواهید نشانید و بعد از بیرون آمدن دجال هم و در حدیث معتبر
از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که بهترین اعمال زراعت است که از آن نیکوکار
و بدکردار میخورد اما نیکوکار آنچه میخورد برای تو استغفار میکند اما آنچه بدکردار میخورد
او را لعنت میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن میخورند و از حضرت صادق ع منقولست که کیمیای
بزرگ زراعت کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زراعت کنندگان گنجهای مردم اند میکارند
روزی نیکو و پاکیزه خدا بسیم کرامت میفرماید و ایشان در قیامت جایگاه ایشان از همه
مردم نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیکتر است و ایشان را در آن روز مبارکه می‌نامند
و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت بر جماعتی گذشتند که تخم میکردند فرمود که زراعت
کنید که تخم بباد میرویاند زراعت را چنانچه بباران میرویاند و در احادیث معتبره
منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع با بیل در زمین کار میکردند و مزدها را بآن میکردند و
حضرت رسول ص هسته خرما را با آب دهن مبارک خود تر میکردند و بر زمین فرو میبردند
و در ساعت سبز میشد و حضرت امیر المؤمنین ع هزار غلام که دست خود خریدند و آزاد کردند
و در حدیث موثق منقولست که شخصی دید بحضرت امیر المؤمنین ع او کبید خود خریدند و آزاد
کردند و در حدیث موثق منقولست که شخصی دید بحضرت امیر المؤمنین ع دید که زیاده از
سی هزار خرما بار کرده اند و حق بعد پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت
خرماست ان شاء الله پس تمامی را در باغستان خود کشتند یکی از آنها خطا نشد و در حدیث
از ابو عمر منقولست که گفت دیدم حضرت صادق ع جامه کهنه پوشیده بودند و بیل در دست

هزار غلام

دانند و در باغ خود کار میکردند و عرق از ایشان میبارید گفتم فدای تو شوم بده من
بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی آزار بکشد از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث معتبر دیگر
از آن حضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن با آنها منتفع میشود بعد از مردن فرزند صالحی
که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند و تلاوت کنند و چاهی که بکند و درختی که بنشاند
و تصدق آبی جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از او مردم بآن عمل کنند و در حدیث
از آن حضرت منقولست که هیچ چیز آدمی بعد از مرگ خود نمیگذارد که برای او سودمندتر باشد از
داوی گفت که چه کند فرمود که باغ و خانه بخرد و در حدیث دیگر فرمود که در توراة نوشته است
که هر که زمینی یا آبی بفروشد و بعوض آن زمینی و آب دیگر نخرد قیمتش باطل شود و منفع
نشود از آن **فصل دوازدهم** در آداب زراعت کردن و درخت کشتن بسند معتبر از حضرت
آدم ع بزمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس بجبرئیل شکایت کرد جبرئیل گفت که زرا
بکن آدم ع گفت دعائی را تعلیم کن جبرئیل گفت که بگو اللهم اکفنی مؤنة الدنیا وکل
هول دون الجنة والبسنی العافیة حتی تهنئنی المعیشة و در حدیث حسن از حضرت صادق
منقولست که چون خواهی زراعت کنی یک کف از تخم بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه مرتبه
أفرأیتم ما تحرثون ءأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون پس بگو اللهم اجعله
حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة پس آن دانه را که در کف داری بپاشی و در روایت
دیگر وارد شده که چون دانه را بپاشی بگو اللهم قد بذرت وانت الزارع فاجعله حبا
متراکبا و در حدیث دیگر فرمود که در وقت نشاندن و دانه پاشیدن پس بدرخت و





بخوان سبحان الباعث الوارث که انشاء الله ضایع نکند و در روایت دیگر فرمود در وقت
درخت نشاندن و زراعت کردن این آیه را بخوان ومثل کلمة طیبة کشجرة طیبة
اصلها ثابت وفرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن ربها و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که یک قبضه از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو ءأنتم تز
رعونه ام نحن الزارعون پس بگو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة
والتمام واجعله حبا متراکبا ولا تحرمنی خیر ما ابتغی ولا تفتنی بما منعتنی بحق
محمد وآله الطیبین پس آن قبضه را بپاشی و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
خواهد که درخت خرما خوب بار بیاورد و خرمایش نیکو شود ماهیهای کوچک خشک را
بگیرد و نیم کوب کند و در هر نیکو فته اندکی بپاشد و با قبضه ادر گیاه پاکیزه کند و در
درخت خرما جا دهد و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که درخت میوه را مبرید
که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که مبرید درخت خرما مگر وقتی
که درختهای دیگر را بپوشاند چون شخصی فرمود باکی نیست پرسیدند که درخت سدر را بریدن
چونست فرمود که درخت سدری که در بادیه باشد بریدن خوب نیست زیرا که در اینجا کم است
اما در شهر باکی نیست و از حضرت امام رضا ع پرسیدند که چونست بریدن درخت سدر ع
فرمود که پدرم درخت سدری برید و بجای آن درخت انگور کشت و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که باکی نیست عذره آدمی را در میان زرعها بریزند و از حضرت رسول ص منقولست
که حضرت عیسی ع بشهری گذشتند در میوه اینها کرم بسیار بود دیدنی باب بآن حضرت

حکایت کردند فرمود که تا چون درخت بیکار را اول خاک میریزند و بعد از آن آب میدهند
بای سبب کرم در میوه آن هم میرسد بعد از این اول آب بریزید و بعد از آن خاک بریزید چنین
کردند کرم از میوه‌های ایشان برطرف شد و از حضرت صادق منقولست که هرکه درخت سدر را
آب بدهد چنانست که مؤمن را در وقت تشنگی آب داده باشد و فرمود که حق تعالی هیچ درختی را
خلق نکرده است مگر آنکه میوه را که میتوانستند خورد چون مردم از برای خدا فرزند قایل شدند
میوه نصف درختان برطرف شد یعنی چون با خدا شریک قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند

## باب چهاردهم در آداب سفر فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعات نیک

و بد از برای سفر از حضرت صادق منقولست که در حکمت آل داود نوشته است که نباید که عاقل سفر
کند مگر از برای سه چیز سفری کند که توشه آخرت در آن حاصل شود یا سفری که باعث مرمت
امور معاش گردد یا سفری که از برای سیر و لذتی باشد که حرام نباشد و در حدیث دیگر فرمود
که سفر کنید تا بدنهای شما صحیح شود و جهاد کنید تا غنیمت دنیا و آخرت بیابید و حج کنید تا مالدار
و بی‌نیاز شوید و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست از عذاب چون کار شما در سفر تمام
شود زود باهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست که محمد بن مسلم از حضرت صادق
پرسید که بضیعه که میروم که در آنجا بغیر از برف و یخ چیزی نیست فرمود که چون مضطر نیستی
تیمم کند و دیگر بهم چنین زمینی نرود که دین خود را در آنجا هلاک شود و در حدیث صحیح منقولست
که شخصی خدمت حضرت امام موسی آمد و گفت میخواهم بسفر روم برای من دعا کنید فرمود
که در چه روز میروی گفت در روز دوشنبه فرمود از برای چه آن روز میروی که حضرت رسول
در روز



در روز دوشنبه متولد شده است حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول در روز جمعه متولد
شده و هیچ روزی شوم‌تر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول در آن روز وفات کرد و وحی
آسمان منقطع شد و آن روز حق ما را از ما غصب کردند میخواهی خبر دهم ترا و دلالت کنم بروز
سهل آسانی که خدا در آن روز نرم کرد آهن را برای حضرت داود گفت بلی فرمود که آن روز
سه‌شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که هرکه اراده سفری کند در شنبه باشد
باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی بگردد در روز شنبه البته آن را بجای
خود برگرداند و هرکه کار حاجتی بر او دشوار شود در روز سه‌شنبه طلب کند که آن روزیست که آهن برای
حضرت داود نرم شده است و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول در روز پنجشنبه بسفر
میرفتند و میفرمودند که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث
صحیح از حضرت صادق منقولست که مکروهست سفر کردن و سعی در حوایج کردن در بامداد
روز جمعه از برای آنکه مبادا از نماز باز ماند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست و در حدیث
دیگر فرمود که بدی است سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا منقولست که هرکه در
چهارشنبه آخر ماه سفر کند بر دوران جماعتی که بفال بد میدانند از هر بلایی نگاه داشته شود
و حاجتش با خدا برآورده و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سیم ماه
و در روز چهارم ماه و روز پنجم ماه و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز
بیست یکم و روز بیست چهارم و روز بیست پنجم و روز بیست ششم و در روایت دیگر منقولست
که روز بیست یکم برای سفر خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست سیم ماه

بر آن سفر خوب نیست و اگر روز آخر ماه یا روز آخر هفته معارض شود رعایت روز آخر هفته کردن اولی
است زیرا که احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت دیگر منقول است که هر که سفر کند
یا زن بخواهد و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند **فصل دوم** در دفع نحوسات سفر
به تصدق و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق منقول است که تصدق کن و در هر روز که خواهی
بیرون رو و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که آیا کراهیت دارد سفر کردن
در روزی از روزها مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که افتتاح سفر خود به تصدق بکن و هر وقت که
خواهی بیرون رو و در حدیث صحیح دیگر منقول است که ابن ابی عمیر گفت که من در علم نجوم نظر میکردم
و طالع را میشناختم و در خاطرم می خلید در بعضی از ساعات بعضی از کارها اختیار کردن در
باب بخدمت حضرت امام موسی ع شکایت کردم فرمود که هرگاه که در دل تو چیزی بخلد تصدق
کن اول مسکینی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آن را از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت
صادق منقول است که هر که در اول روز تصدق بکند حق تعالی نحوست آن روز را از او دفع میکند
و در حدیث دیگر منقول است که چون حضرت امام زین العابدین ع ببعضی از ملکهای خود می
رفتند میخریدند سلامتی خود را از خدا با آنچه میسر میشد از تصدق و این تصدق را در وقتی
میدادند که پا در رکاب میکردند و چون خدا آن حضرت را سالم برمیگردانید شکر و حمد
الهی میکردند و تصدق میکردند با آنچه میسر میشد و در حدیث حسن منقول است که عبدالملک
بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که من مبتلا بعلم نجوم شده ام و کاهی میخواهم که پی کاری بروم
و بطالع نظر میکنم می بینم که طالع شر است می نشینم و ترک رفتن میکنم و اگر طالع

نیکی



نیکی می بینم بیرون میروم حضرت فرمود که آیا حکم میکنی باحکام نجوم گفت بلی فرمود که کتابها را
بسوزان و سید ابن طاوس ره روایت کرده است که چون خواهی متوجه سفری شوی در روزی
که سفر کردن در آن اوقات کراهیت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و سوره انا انزلناه و آخر آل عمران ان فی خلق
السموات و الارض تا آخر سوره بخوان و بگو اللّهمّ بک یصول الصائل و بک یطول الطائل
و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا قوة یمتارها ذو القوة الا منک اسئلک بصفوتک
من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته علیه و علیهم السلام
صل علیه و علیهم و اکفنی شر هذا الیوم و ضرره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی
منصرفی بحسن العافیة و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة
الغویة و کل ذی قدرة لی علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة
و ابدلنی من المخاوف امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن
المراد و لا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من
لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و در حدیث صحیح از حضرت امام ع منقول است که هفت
چیز است که اگر در راه مسافر ظاهر شود برای او شوم است کلاغی که فریاد کند از جانب راست
او و سگی که دم را علم کرده باشد و گرگی که بر دم نشسته باشد و رو بر او فریاد کند پس سه
مرتبه بلند شود و پست شود و آهوئی که از جانب راست او بیاید و بجانب چپ او برود و
و جغدی که فریاد کند و زن پیری که رو گشوده بیاید و ماده الاغی که گوشش

بخواند پس کسی که اراده بیرون رفتن نماید در خانه بایستد و بگوید اعتصمت بك یا رب
من شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلك چون این را بگوید ضرری باو نرسد و در حدیث
منقول است که چون پیش از سفر تصدق کند و در وقت تصدق این دعا بخواند اللهم انی
اشتریت بهذه الصدقة سلامتی و سلامة سفری و ما معی فسلمنی و سلم ما معی
ببلاغك الحسن الجمیل و سنت است بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السماوات السبع و رب الارضین السبع
و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب
العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین اللهم کن لی جارا من
کل جبار عنید و من کل شیطان مرید بسم الله دخلت و بسم الله خرجت اللهم انی اقدم
بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ما شاء الله فی سفری هذا ذکرته
ام نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها و انت الصاحب فی السفر و الخلیفة
فی الاهل اللهم هون علینا سفرنا و اطو لنا الارض و سیرنا فیها بطاعتك و طاعة
رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا و بارك لنا فیما رزقتنا و قنا عذاب النار اللهم انا
نعوذ بك من وعثاء السفر و کآبة المنقلب و سوء المنظر فی الاهل و المال
و الولد اللهم انت عضدی و ناصری اللهم اقطع عنی بعده و مشقته و اصحبنی
فیه و اخلفنی فی اهلی بخیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
در آداب نماز و دعا در وقت بیرون رفتن سید بن طاوس علیه الرحمه روایت کرده



است که چون کسی اراده سفر نماید سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن و در وقت غسل بگوید
بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و علی ملة رسول الله
و الصادقین عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر قلبی و اشرح به صدری و نور
به قبری اللهم اجعله لی نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و آفة و عاهة
و سوء مما اخاف و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری و بشری و مخی
و عصبی و ما اقلت الارض منی اللهم اجعله لی شاهدا یوم حاجتی و فقری و فاقتی
الیك یا رب العالمین انك علی کل شیء قدیر و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که هیچ
خلیفه آدمی در اهل خود نمیگذارد بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد و
پس بگوید اللهم انی استودعك نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و امانتی
و خاتمة عملی و ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد و در
دوم انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت امام
باقر ع اراده سفری میکردند عیال خود را در حجره جمع میکردند و این دعا میخواندند اللهم
انی استودعك الغداة نفسی و مالی و اهلی و ولدی و شاهدنا و الغائب
اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارك اللهم لا تسلبنا نعمتك
و لا تغیر ما بنا من عافیتك و فضلك و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده
که بعد از نماز این دعا بخوانند اللهم انی استودعك الیوم نفسی و اهلی و مالی و ولدی
و من کان منی بسبیل الشاهد منهم و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم

اجعلنا فى رحمتك ولا تسلبنا فضلك انا اليك راغبون اللهم انا نعوذ بك من
وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر فى الاهل والمال والولد فى
والآخرة اللهم انى اتوجه اليك هذا التوجه طلبا لمرضاتك وتقربا اليك
فبلغنى ما اؤمله وارجوه فيك وفى اوليائك يا ارحم الراحمين واكرم الاكرمين
دعاء بيرون آمدن اللهم خرجت فى وجهى هذا بلا ثقة منى لغيرك ولا رجاء يأوى بى الا
اليك ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجأ اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك
وتعرضا لثوابك وسكونا الى حسن عائدتك وانت اعلم بما سبق لى فى علمك فى
وجهى مما احب واكره اللهم فاصرف عنى مقادير كل بلاء ومقضى كل لأواء
وابسط علىّ كنفا من رحمتك ولطفا من عفوك وسعة من رزقك وتماما من
نعمتك وجماعا من معافاتك واوقع لى فيه يا رب جميع قضائك على موافقة هواى
وحقيقة املى وادفع عنى ما احذره وما لا احذره على نفسى مما انت اعلم به منى و
اجعل ذلك خيرا لآخرتى ودنياى مع ما اسألك ان تخلفنى فيمن خلفت
وراء من ولدى واهلى ومالى واخوانى وجميع حزانتى بافضل ما تخلف فيه
غائبا من المؤمنين فى تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة ودفاع
كل سيئة وكفاية كل محذور وصرف كل مكروه وكمال ما يجمع لى به الرضا و
السرور فى الدنيا والآخرة ثم ارزقنى ذكرك وشكرك وطاعتك وعبادتك
حتى ترضى وبعد الرضا اللهم انى استودعك اليوم دينى ونفسى ومالى واهلى

وذريتى



وذريتى وجميع اخوانى اللهم احفظ منا والغائب اللهم احفظنا واحفظ علينا اللهم
اجعلنا فى جوارك ولا تسلبنا نعمتك ولا تغير ما بنا من نعمة وعافية وفضل
در حديث معتبر منقولست كه چون حضرت صادق ع اراده سفر مى كردند اين دعا مى خواندند اللهم
خل سبيلنا واحسن تسييرنا واعظم عافيتنا و در روايت ديگر منقولست كه چون حضرت
رسول ص اراده سفر مى نمودند اين دعا مى خواندند وقتى كه بيرون مى آمدند كه متوجه شوند
اللهم بك انتشرت واليك توجهت وبك اعتصمت انت ثقتى ورجائى اللهم اكفنى
ما اهمنى وما لا اهتم له وما انت اعلم به منى اللهم زودنى التقوى واغفر لى
ووجهنى الى الخير حيثما توجهت و در حديث معتبر ديگر از حضرت موسى بن جعفر ع منقو
كه هركه اراده سفر نمايد و در خانه خود بايستد و بجانبى كه اراده دارد كه متوجه شود
سوره حمد را از پيش رو و جانب راست و از جانب چپ بخواند و آية الكرسى نيز از پيش رو
و از جانب راست و از جانب چپ بخواند پس بگويد اللهم احفظنى واحفظ ما معى
وسلمنى وسلم ما معى وبلغنى وبلغ ما معى ببلاغك الحسن الجميل حق تعالى حفظ كند او را
و آنچه با اوست و سلامت دارد او را و آنچه با اوست برساند او را و آنچه با اوست و ببيند ابن
ع الرحمه در روايت ديگر وارد است كه چون بر در خانه بايستد تسبيح فاطمه عليها السلام بخواند و سوره
حمد و آية الكرسى بخواند پس بگويد اللهم اليك وجهت وجهى وعليك خلفت
اهلى ومالى وما خولتنى وقد وثقت بك فلا تخيبنى يا من لا يخيب من اراده
ولا يضيع من حفظه اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظنى فيما غبت عنه ولا

ذودنى

وبلغنى

تکلنی الی نفسی یا ارحم الراحمین اللهم بلغنی ما توجهت له وسبب لی المراد وسخر لی
عبادک وبلادک وارزقنی زیارة نبیک وولیک امیر المؤمنین والائمة من ولده و
جمیع اهل بیته وعلیه وعلیهم السلام ومدنی منک بالمعونة فی جمیع احوالی ولا تکلنی
الی نفسی ولا الی غیری فاکل واعطب وزودنی التقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی
اللهم اجعلنی اوجه من توجه الیک و این دعا را نیز بخوانند بسم الله وبالله و
توکلت علی الله واستعنت بالله والجأت ظهری الی الله وفوضت امری الی الله
رب آمنت بکتابک الذی انزلت وبنبیک الذی ارسلت لانه لا یاتی بالخیر الا انت
ولا یصرف السوء الا انت عز جارک وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک وعظمت آلا
ؤک ولا اله غیرک بدرستی که در دو [illegible] وارد شده است که هر که صبح از خانه بیرون آید این دعا را
بخواند بلا باو نرسد تا شام که بخانه برگردد و هر که در شام بخواند و از خانه بیرون رود بلا
باو نرسد تا صبح که بخانه برگردد و در روایت دیگر وارد شده است که چون حضرت [illegible] ع بسوی
[illegible] این دعا میخواندند که اللهم احفظنی واحفظ ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک
الحسن بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل
لی کل حزونة وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو واصرف عنی
من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و این دعا نیز بخوانند اسالک
الذی بیده اقوات الخلائق ان یهب لنا فی سفرنا امنا وایمانا وسلامة واسلاما
وفقها وتوفیقا وبرکة وتقوی وعافیة ومغفرة عزما لا تغادر ذنبا ولا

حتی



و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که چون کسی بسوی بیرون رود بگوید اللهم انت الصاحب
فی السفر والحامل علی الظهر والخلیفة فی الاهل والمال والولد و نیز باید آن دعا
که از برای خانه بیرون آمدن و سوار شدن در فصل سابق گذشت بخوانند پس چون سوار
شود بگوید الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد وآله سبحان الذی سخر لنا
هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم
انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر اللهم بلغنا بلاغا نبلغ الی خیر بلاغا
تبلغ به الی رحمتک ورضوانک ومغفرتک اللهم لا طیر الا طیرک ولا خیر الا خیرک
ولا حافظ غیرک

## فصل پنجم

در بیان آداب بیرون رفتن و بیان چیزی چند که باید با خود
بودن در سفر بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که بسوی
رود و با خود بردارد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند
از هر سبع درنده و هر دزدی و هر صاحب زهری تا باهل خود برگردد و با او هفتاد
ملک باشند که از برای او استغفار کنند تا برگردد و عصا بگذارد و اینست آیات ولما توجه
تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد
علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم امراتین تذودان قال ما
خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی
الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احداهما تمشی علی استحیاء
قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال

لا تخف نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره ان خیر من استاجرت
القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تاجرنی ثمانی
حجج فان اتممت عشرا فمن عندک وما ارید ان اشق علیک ستجدنی ان شاء الله
من الصالحین قال ذلک بینی وبینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله
علی ما نقول وکیل و در روایت دیگر از آن حضرت منقولست که هر که خواهد که زمین در زیر پای
او پیچیده شود با خود عصا از درخت بادام تلخ بدارد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت آدم ع
[illegible] بهم رسانید و او را وحشتی عارض شد جبرئیل نازل شد که چوبی از درخت بادام تلخ جدا کن
و بسینه خود بچسبان چنین کرد حق تعالی وحشت را از او دفع کرد و بدانکه از جمله چیزهایی که باید که
در سفرها با خود داشته باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین ع است چنانچه منقولست که چون حضرت
صادق ع بعراق تشریف آوردند مردم نزد آن حضرت گرد آمدند و گفتند که میدانیم که تربت
امام حسین ع شفاء هر دردی است آیا امانست از هر خوفی فرمود بلی هر گاه کسی خواهد که
از همه امان یابد تسبیحی از تربت آن حضرت بگیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اصبحت اللهم
معتصما بذمامک وجوارک المنیع الذی لا یطاول ولا یحاول من شر کل طارق
وغاشم من سائر من خلقت وما خلقت من خلقک الصامت والناطق فی جنة من کل مخوف
بلباس سابغة حصینة وهی ولاء اهل بیت نبیک محتجزا من کل قاصد لی الی
اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک بحبلهم جمیعا موقنا ان
الحق لهم ومعهم ومنهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واعادی من عادوا واجانب

من جانبوا



من جانبوا واعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن
خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس تسبیح را ببوسد و بر دو چشم بگذارد و بگوید اللهم
انی اسالک بحق هذه التربة المبارکة وبحق صاحبها وبحق جده وبحق ابیه وبحق ولده الطاهرین
اجعلها شفاء من کل داء وامانا من کل خوف وحفظا من کل سوء اگر در صبح چنین کند در امان
خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که [illegible] بغداد بود و چون از خانه بیرون
آمد چنین کند چیزی باو نرسید از شر ایشان و در فصول خاتم که ذکر آنکه انشاء الله کرد در
سفر با خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که ضامنم برای کسی که عمامه
بسته از خانه بیرون رود امید که سالم باهل خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت امام موسی ع
منقولست که من ضامنم برای کسی که اراده سفری داشته باشد و عمامه و سر بر بندد و سر عمامه را
در زیر تحت الحنک بر بندد آنکه او را دزد و غرق نشود و سوختن [illegible] و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که در سفر از خانه بیرون رود و عمامه
بسته و سر داشته باشد که تحت الحنک بسته باشد اگر برود و بر نگردد کسی که او را ملامت کند بهر امید نفعی
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت که ای فرزند چون بسفر روی شمشیر و کمان
و تیر و موزه و عمامه و رسنها که ضرور بشود و [illegible] آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از
دواها آنچه تو را میسر [illegible] تو بآن محتاج باشید بردار و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت
داود ع بسفری [illegible] دو [illegible] و سر مردان و [illegible] داشتند و سوال [illegible] و شانه و کرد
و ریسمان و چیزی که بآن کفش را پینه کند و تیشه نعل را وصلا شد و از جمله تعویذها

که در گوشه‌ها تعویذ بنویسد که روایت کرده‌اند که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله تعویذ کرده بود

و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله اسئلک یا ملک الملوک الاول

القدیم الابدی الذی لا یزول و لا یحول انت الله العلیم الکافی لکل شیء اللهم اکفنی

باسمک الاعظم الاجل الواحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و احجب

شرورهم و شرور الاعداء کلهم و سیوفهم و باسهم و الله من ورائهم محیط اللهم احجب

عنی شر من ارادنی بسوء بحجابک الذی احتجبت به عن ان ینظر الیه احد من شر فسقة الجن و

الانس و من شر کل شدة و من شر ما انت به اعلم و علیه اقدر انک علی کل شیء قدیر و

صلی الله علی نبیه محمد و آله و سلم تسلیما و نیز که در سفرها عادت کند اینها اقبل و لا تخف

انک من الآمنین لا تخف نجوت من القوم الظالمین لا تخف انک انت الاعلی لا تخافا

اننی معکما اسمع و اری لا تخاف درکا و لا تخشی الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین ادخلوا

علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین

و در وقت بچهارپا سوار شدن بخواند اللهم احفظ علی ما لو حفظه غیرک لضاع و استر علی

ما لو ستره غیرک لشاع و اجعل علی ذلک ذللا توفقنی به من کل من یأتی بسوء او نصب

لی مکرا او حیلة الحج و هاجة یعود و هو عنی طارق و لا قادر علی اللهم احفظنی

کما حفظت به کتابک المنزل علی قلب نبیک المرسل اللهم انک قلت و قولک

الحق انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که

سفر را



سفر را در کاغذ سفیدی بنویسد و بهر جا که رود با خود نگاه دارد در آن راه بغیر از

نیکی نبیند و از خطرهای آن راه محفوظ باشد **فصل پنجم** در آداب توشه برداشتن در سفر

و آداب سر کردن آن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روید توشه با خود بردارید

و طعامهای نفیس در آن سفره بگذارید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که از شرف آدمی است

که توشه خود را نیکو کند هر گاه بسفر رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین

العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره می‌رفتند از بهترین توشه‌ها بر میداشتند از بادام و

شکر و قاووت ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از آنها در میان توشه خود بودن که

باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام نظر کردند بتوشه که در آن

حلواها از برنج بود و فرمودند که این حلواها را بکشید و حلواهای آهن بگذارید تا جانوران در آن

سوراخ نکنند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام بعضی از اصحاب پرسیدند که بزیارت قبر

حضرت امام حسین علیه السلام میروید گفت بلی فرمود که سفره با خود میبرید گفت بلی فرمود که اگر بزیارت

قبر پدران یا مادران خود بروید چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز بخوریم فرمود که نان با

شیر بخورید و در حدیث دیگر فرمود که شنیده‌ام که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین

میروند با خود سفره‌ها بر میدارند که در میان آن بزغاله بریان و حلواها هست که اگر بزیارت

قبر دوستان خود بروند چنین نمیکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که بهترین خرج کردنها

نزد خدا میانه روی است و خدا اسراف را دشمن میدارد مگر در راه حج یا عمره و در حدیث صحیح

منقولست که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که مرد اهل خود را با خود بحج میبرد خرج خود را

در کمر خود ببندم فرمود که بلی ببندم بی کفش که از سنت مسافر است که نفقه خود را حفظ کند
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت عرض کرد که دراهمی که صرف تنها در آن نفقه
کرده اند با خود دارم و آنها را در همیانی میکنم و بر کمر می بندم در حالت احرام فرمود که
باکی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خدا بآنست **فصل ششم** در رفیق با خود بودن
در سفر و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که کسی که تنها
بسفر رود ملعون است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع
وصیت فرمود که یا علی هرگز بسفر تنها مرو که شیطان با یک کس است و از دو نفر دورتر است
یا علی شخصی که تنها بسفر میرود گمراه است و دو کس که بسفر روند دو گمراه اند و سه کس
اند و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت رسالت ص آمد حضرت پرسیدند که در راه
که مصاحب تو بود گفت تنها بودم فرمود که اگر من ترا پیشتر میدیدم ترا نیکو تادیب میکردم
که چگونه باید بسفر رفت پس فرمود که یک کس شیطان است و دو نفر دو شیطان اند و سه نفر
مصاحب اند و چهار نفر رفیقان اند و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقول است که هر که
تنها بسفر رود بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي
وَاَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي وَاَدِّ غَيْبَتِي و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول است که اول رفیق
بهم رسان پس بسفر برو و فرمود که دو کس با هم رفیق میشوند هر کدام که محبوب ترین ایشان
نزد خدا و آنکه ثوابش بیشتر است آنست که مدارا با رفیقش بیشتر میکند و در حدیث دیگر
فرمود که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفر اند و هیچ گروهی زیاده از هفت

کس نمیشوند



کس نمیشوند مگر آنکه صداهای ایشان بسیار میشود پس از این احادیث معلوم شد که اقل رفیقان
سه اند و اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست در رفیقان هم توشه و خرج اند
و از حضرت رسول ص منقول است که سنت است که رفیقان هم توشه اول خرجها خود را آورند در یک
روی یکدیگر بگذارند که این بیشتر باعث خوشنودی خاطر و نیکی خلق ایشان میشود
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که مصاحبت مکن در سفر با کسی که فضیلت ترا بر خود نداند
آنقدر که ترا فضیلت او بر خود میدانی و از حضرت صادق ع منقول است که مصاحبت در سفر
کن با کسی که تو باو زینت یابی و مصاحبت مکن با کسی که او بتو زینت یابد یعنی تو کسب علم
و کمالات از او توانی نمود و در حدیث دیگر از شهاب منقول است که گفت بخدمت حضرت صادق ع
عرض کردم که شما میدانید حال و توانگری ما را و احسانی که با برادران خود میکنیم پس جماعتی
از ایشان رفیق میشوم در راه مکه و بر ایشان توسعه میکنم و بسیار خرج میکنم فرمود که
ای شهاب چنین مکن اگر تو دست بخرج کردن بگشایی و ایشان هم بگشایند بایشان ضرر میرسد
و پریشان میشوند و اگر تو بکنی و ایشان نکنند باعث مذلت ایشان میشود پس رفاقت
با جماعتی بکن که مثل تو باشند در توانگری و توانایی و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد
باقر ع منقول است که اگر مصاحبت کنی با مثل و مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و با کسی رفیق
مشو که خرج ترا کشد که این موجب خواری مؤمن است و از حضرت صادق ع منقول است که حق
مسافر بر رفیقانش آنست که چون بیمار شود سه روز برای او توقف کنند و در حدیث
دیگر منقول است که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که جماعتی با یکدیگر رفیق میشوند در

ایشان مالدار و پوشیدن است ایشان مالدار خرج آنها را نمی‌توانند کرد و فرمود که اگر
خاطر راضی باشند باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق ع سؤال کردند
که شخصی رفیق می‌شود با جماعتی مالدار و ایشان که مالشان کمتر است و آنها خرج او را
بیرون می‌آورند و او مثل آنها نمی‌تواند خرج کردن فرمود که دوست نمی‌دارم
که خود را ذلیل کند با کسی رفیق شود که مثل او باشد و در احادیث معتبره منقولست که از مروتست
کسی که با مصاحبان نیکو مصاحبت کند و با رفیقان نیکو رفاقت کند و با کسی که نمک
خود حق نمک را رعایت کند

**فصل هفتم** در بیان آداب سفر در حدیث معتبر منقول است

از حضرت امام جعفر صادق که حضرت لقمان به پسر خود را نصیحت فرمود که چون سفر کنی با گروه
خود بسیار با ایشان مشورت کن در کارهای خود و کارهای ایشان و بر روی ایشان تبسم بسیار بکن و در توشه
خود سخاوت کم باشد در میان ایشان و چون ترا بضیافت بطلبند قبول کن و اگر از تو
مدد طلبند یاری ایشان بکن و به سه چیز بر ایشان غلبه کن بسیار خاموشی و بسیار نماز
و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توشه و اگر گواهی
طلبند یاری حق خواهند ترا گواه کنند بکن و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که
رای ایشان اختیار کنی و زود عزم مکن و رای خود را با ایشان مگو تا تامل کنی و فکر
کنی و جواب ایشان مگو در مشورت ایشان تا آنکه در آن فکر کنی
و نخسبی و نخوابی و چیزی نخوری و نماز کنی و در اثنای این احوال فکر خود و حکمت خود را
در مشورت ایشان بکار فرمای زیرا که هر که خیرخواهی خود را با کسی که با او مشورت کند

خالص



خالص نکرده باشد حق تعالی رای و عقل او را از او سلب کند امانت را از او و چون ببینی
که بینی که رفیقانت پیاده می‌روند با ایشان پیاده برو و هرگاه ببینی که کاری می‌کنند
با ایشان بکن و اگر تصدق کنند یا قرض دهند تو نیز با ایشان بده و بشنو سخن کسی را
که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری بفرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی
و نه مگو که نه گفتن علامت عجز و موجب ملامت است و چون راه را گم کنید و حیران شوید
فرود آیید و اگر در راه مقصود شک کنید بایستید و با یکدیگر مشورت کنید و مطلق
و اگر یک کس را ببینید خبر راه را از او مپرسید و مطلقا از او مجویید که یک شخص در بیابان
انگیختن شک می‌شود از دزد شاید که جاسوس دزدان باشد یا شیطان باشد که خواهد شما را
حیران کند و از دو شخص نیز حذر کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها ببینید
که من نبینم زیرا که عاقل بدیده خود نظر بکند بسوی چیزی که حق است از آن می‌شناسد و حاضر
چیزی چند می‌بیند که غایب نمی‌بیند ای فرزند چون وقت نماز درآید از برای آن
بنا ضرر مینداز و نماز را بجا آور و راحت بیاب که نماز قرض است هر چند بجنبه اداء میسر نیست
بادمشو و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر نیزه باشی و بر روی چهارپا خواب مکن که زود
باعث زخم پشت آن می‌شود و این از کردار دانایان نیست مگر آنکه در محملی باشی که
ممکن باشد که بجوارح برای سستی مفاصل و چون نزدیک شوی بمنزل از چهارپا فرود آی
که باور نیست و ابتدا کن بعلف دادن پیش از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهید
فرود آیید اختیار کنید از بقعه‌ها زمینی مکانی را که خوشتر و نیک‌تر و خاک‌نرم‌تر و پر

و چون فرود آی بجائی از آنکه بنشینی دو رکعت نماز بکن و چون خواهی که از آنجا بروی بیاید
دو دیگر ببین چون که خواهی بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر
زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعه از زمین را اهلی هست از ملائکه و اگر توانی مخور هیچ
طعامی مگر آنکه قدری از آن را تصدق کنی و بر تو باد که بسیار ذکر خدا کنی مادام که سوار باشی
و بر تو باد به تسبیح و یاد خدا کردن تا مشغول کار باشی و بر تو باد به دعا کردن در وقتی
که تنها و بیکار باشی و زنهار که در اول شب راه مرو بلکه در اواخر شب فرود آی و در نصف
شب راه رو و زنهار که در راه رفتن صدا بلند مکن و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که مروت در دو چیز است در حضر خواندن قرآن است و هم نشینی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم
کردن و محافظت بر نمازها جماعت کردن و اما مروت سفر توشه خود را صرف کردن و
مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در هر بلندی و پستی و فرود آمدن و ایستادن و نشستن
بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر از حضرت صادق ع منقول است که مروت سفر توشه
بسیار بردن است و پاکیزه کردن توشه است و عطا کردن آن به جمعی که رفیق تو اند و
بعد از مفارقت از رفیقان راز ایشان را که بر آنها مطلع شده پوشیدن و مزاح و خوش طبعی بسیار
بکنی در چیزی که غضب الهی بنا دارد و در حدیث دیگر وارد است که از مروت است که نفقه کند آدمی
چیزی چند را که در کیسه بیرون آورده است و از حضرت رسول ص منقول است که توشه سفر ساز و حلقه خواندن ا
و خواندن شعری چند که در آن حرامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق ع منقول است که چون با
رفیق شوی مگو اینجا فرود آئید یا اینجا فرود میائید که در میان ایشان کسی هست که کفایت کار ترا

بکند



بکند که اگر تو با ایشان بگذاری و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقول است که هر که
اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا را دور کند
و او را امان دهد از غم و اندوه و هفتاد و سه شدت از شدتهای آخرت از او بردارد در روزی
که از شدت احوال قیامت نفسها گرفته شود **فصل هشتم** در آداب راه رفتن و فرود
آمدن و در احادیث معتبره از حضرت رسول ص منقول است که چون از پیاده رفتن مانده شوید
بشتابید رفتن که ماندگی را برطرف میکند و در حدیث دیگر وارد شده که گروهی را حکم به شتابید
و در دو منزل بجنبید تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسان باشد و در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقول است که در طرف بامداد و بیرون راه روید و در روایت معتبره از حضرت
رسول ص منقول است که بر شما باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده میشود و از
صادق ع منقول است که زمین در آخر شب پیچیده میشود و منقول است که چون حضرت امیرالمؤمنین
سفر میکردند در آخر شب حرکت می‌کردند و از حضرت رسول ص منقول است که چون در شب
فرود آئید بر سر راه فرود میائید و در شکم رودخانها فرود میائید که محل درندگان
است و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است که در میان رودخانه فرود میائید که
مبادا سیلابی بیاید و شما را ببرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقول
که خدا نرمی و مدارا کردن را دوست میدارد و یاری کند بر آن پس چون بر چهارپایان
لاغر سوار باشید در منزلها فرود آئید پس اگر زمین خشک باشد و گیاه نداشته
باشد تند بروید و اگر پر گیاه باشد در منزل فرود آئید و از حضرت امام محمد باقر ع

منقولست که اگر در زمینی خایف باشید که راه گم کنید ندا کنید و اگر در زمینی بی آب و علف روید
بنا حق و ملا را بوید و از حضرت رسول منقولست که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید
و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هرکه در سفر راه را گم کند فریاد کند که یا صالح اغثنی
بدرستی که از برادران مؤمنی شما از جنیان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا در شهرها
سیر میکند چون صدای شما را میشنود جواب میگوید و راهنمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد
منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن که یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق رحمکم
الله و راوی حدیث گفت که ما در سفری راه گم کردیم شخصی را گفتم از ما دور شد و فریاد کرد
بانی نحو که مذکور شد پس برگشت و گفت صدای آهسته شنیدم که گفت که راه از جانب راست
اندک مسافتی که رفتیم راه را یافتیم و از عمرو بن یزید که از ثقات اصحاب ائمه بود روایت کرده
اند که گفت ما در بیابانی بودیم که شب راه را گم کردیم پس شب روز ماندیم و راه را طلبیدیم
نیافتیم پس چون روز سیم شد آبی که بود داشته بودیم آخر شد پس جامها احرام پوشیدیم
بعنوان کفن و حنوط کردیم در آن حال شخصی از رفقا برخواست و فریاد کرد یا صالح
یا ابا الحسین پس کسی از دور جواب گفت و رسیدیم که کیستی خدا ترا رحمت کند گفت من از آن گروه
هم از جنی که بحضرت رسول ایمان آوردند و کسی بغیر از من از آنها نمانده است و کار من این است
که گم شده را براه میرسانم ما همه جا از پی صدای او رفتیم تا براه رسیدیم **فصل نهم**
در بیان دعاها که در راه و در منازل باید خواند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که چون حضرت رسول در سفرها بسر تپه ای میرفتند سبحان الله میگفتند و چون

سربالا



سربالا میرفتند الله اکبر میگفتند و در حدیث صحیح دیگر منقولست که چون در سفری باشی بگو
اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکرا و در حدیث معتبر از حضرت رسول
منقولست که هرکه بر در خانه یا بیرون رود پس بگوید لا اله الا الله والله اکبر حفظ کند بر
آن در خانه را از بلاها و از احسانها و در حدیث دیگر منقولست که هرکه لا اله الا الله والله
اکبر بگوید در بلندی از بلندیها بخند در پستی دوری او رفت تا منتهای زمین همه لا اله الا
الله والله اکبر بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند بخدمت حضرت رسول
گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم حضرت تعلیم ما فرما که در راه بخوانیم فرمود که چون
بمنزل فرود آیید و نماز خفتن بکنید بعد از نماز پهلو را برخت خواب گذارید و تسبیح حضرت
فاطمه صلوات الله علیها بخوانید پس آیة الکرسی بخوانید چون چنین کنید تا صبح محفوظ میباشید
چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان از عقب ایشان رفتند چون فرود آمدند و نماز
خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها و آیة الکرسی را خواندند پس دزدان
غلام خود را فرستادند که از ایشان خبری بگیرد چون بنزد ایشان آمد دو دیوار دید و از
ایشان اثری ندید چون بدزدان خبر داد ایشان بنزد آمدند و همین حال را مشاهده کردند
چون صبح شد بنزد ایشان آمدند و رسیدند که شما دیشب در کجا بسر بردید گفتند در همین موضع
گفتند ما آمدیم به تفحص شما بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را با ما نقل کنید ایشان
گفتند ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول تسبیح حضرت فاطمه و آیة الکرسی
خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزدی بر شما دست نخواهد یافت و در حدیث معتبر

دیگر از آن حضرت منقولست که هرکه در منزلی فرود آید که از دزدان ترسد این دعا بخواند اشهد
أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير وهو على كل
شيء قدير اللهم إني أعوذ بك من شر كل سبع چون این دعا بخواند ایمن گردد از شر درندگان
تا از آن منزل بارکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که کسی که خواهد که داخل شود
بموضعی که خوفی در آنجا باشد ابتدا این آیه را بخواند رب أدخلني مدخل صدق وأخرجني مخرج
صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا پس چون ببیند آن شخصی را که از او
بیم دارد آیة الکرسی بخواند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه در کوهی یا صحرائی باشی از
جنیان یا غیر ایشان ترسی دست راست خود را بر سر بگذارد و باواز بلند بگو أفغير دين
الله تبغون وله أسلم من في السماوات والأرض طوعا وكرها وإليه ترجعون و در
دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیر المؤمنین فرمود که یا علی چون منزلی که فرود آئی بگو
اللهم أنزلني منزلا مباركا وأنت خير المنزلين تا ایمن گردی آن منزل بر او روزی بود
و شر آن را دفع گرداند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که چون اراده داخل شدن شهری یا دهی داشته باشی چون نظرت بآن افتد بگو اللهم
إني أسألك خيرها وأعوذ بك من شرها اللهم أطعمنا من جناها وأعذنا من وباها
وحببنا إلى أهلها وحبب صالحي أهلها إلينا و در روایت دیگر از حضرت صادق ع
منقولست که چون بشهری مشرف شوی و نظرت بآن افتد بگو اللهم رب السماوات السبع
وما أظلت ورب الأرضين السبع وما أقلت ورب الرياح وما ذرت ورب

الشياطين



الشياطين وما أضلت أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك من خير هذه
القرية وما فيها وأعوذ بك من شرها وشر ما فيها و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که شیاطین در شبها بجولان و گردش می‌آیند و شر ایشان را دفع میکند بزبانی
دفع ایشان آیة الکرسی بخوانید و از حضرت امام موسی ع منقولست که هرکه در کوهی باشد
از دزدان یا از درنده ترسد بر بالای سینه بنویسد لا تخاف دركا ولا تخشى تا ایمن
باشد از ایشان الحق و بر طرف شود و کعب گفت که من بفرج رفتم در بیابان جمعی از اعراب
آمدند و قافله را زدند و من در میان ایشان بودم و این آیه را بر بالای سینه نوشتم پس بحق آن
خداوندی که حضرت رسول را برسالت فرستاده و حضرت امیر المؤمنین را بامامت مشرف کرده
که چون ایشان بنزدیک من رسیدند کور شدند و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر وارد است
که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسفری میرفتند و شب میشد این دعا میخواندند یا ارض ربي وربك
الله وأعوذ بالله من شرك ومن شر ما فيك وسوء ما خلق فيك ومن شر ما يدب
عليك وأعوذ بالله من أسد وأسود ومن شر الحية والعقرب ومن شر
ساكن البلد ومن والد وما ولد اللهم رب السماوات السبع وما أظلت ورب
الأرضين السبع وما أقلت ورب الرياح وما ذرت ورب الشياطين وما أضلت
أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك خير هذه الليلة وخير هذا اليوم وخير
هذا الشهر وخير هذه السنة وخير هذا البلد وأهله وخير هذه القرية وأهلها
وخير ما فيها وأعوذ بالله من شرها وشر ما فيها ومن شر كل دابة ربي آخذ

بنا منها انّ ربّی علی صراط مستقیم و بسند ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که هرگاه کسی از
بالجنب بیاید بالا رود بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر
والحمد لله رب العالمین لک الشرف علی کل شرف و در حدیث معتبر است که هرگاه در دروازه درآیند
و دروازه را ببیند این دعا را بخواند یا آخذا بنواصی خلقه و آخذا بها الی قدرته و
المنفذ فیها حکمه و خالقها و جاعل قضائه لها غایة انی متکل بطولک علی
ما دونی تعرضت فان حلت بینی و بینهم فذلک ما ارجوا و ان اسلمتنی الیهم غیروا
ما بی من نعمتک یا خیر المنعمین لا تجعل احدا مغیرا نعمتک التی انعمت بها علی سواک
و لا تغیرها انت ربی و قد تری الذی یأتی علی بینی و بین شرهم بحق ما به تجیب الدعاء
یا الله رب العالمین و در برای دفع دشمنان از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که این دعا را بخواند
اللهم انی اعوذ بک ان اضام فی سلطانک اللهم انی اعوذ بک ان اضل فی هداک
اللهم انی اعوذ بک ان افتقر فی غناک اللهم انی اعوذ بک ان اضیع فی سلامتک اللهم
انی اعوذ بک ان اغلب و الامر لک و از حضرت صادق منقول است که چون غولان بنمایند
خوردند در دروازه اذان بگویند و بسند ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که چون
در منزل فرود آیند و بگویند اللهم انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین پس دو رکعت
نماز بگذارد در بقعه و هرگاه که خواهد از منزل کوچ کند پس بگوید اللهم ارزقنا
خیر هذه البقعة و اعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من
وباها و حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا پس بگوید اشهد ان





لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و ان علیا امیرالمؤمنین و
الائمة من ولده ائمة اتولاهم و ابرأ من اعدائهم اللهم انی اسئلک خیر هذه البقعة
و اعوذ بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا هذا صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره
نجاحا و گفته است که هرگاه در منزلی خود را بخوابانند بعضی ترسی این دعا بخوانند که از جمله دعاها
سری است یا ذارئ من فی الارض کلها بعلمک بما یکون مما ذرأت لک السلطان علی کل من
دونک انی اعوذ بقدرتک علی کل شیء من الضر فی بدنی من سبع او هامة او عارض
من سائر الدواب یا خالقها بفطرته ادرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی
من شرها و بأسها یا الله العظیم احفظنی بحفظک و اجعلنی بحرزک الوافی فی مخافتی
یا رحیم و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی که بار کنی دو رکعت نماز بگذار و از
خدا بطلب حفظ و حمایت الهی را در آن موضع و اهل آن موضع را وداع کن که هر موضعی اهلی
از ملائکه هست پس بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین و رحمة الله و برکاته **فصل دهم** در آداب سفر دریا و کشتی بدانکه
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق منقول است که مکروه است
به دریا سوار شدن برای تجارت و از حضرت امیرالمؤمنین منقول است که نیکو طلب روزی نکرده
کسی که به دریا سوار شود از برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقول است
که کسی که بی ضرورت سوار شود برای تجارت دین خود را در معرض تلف در آورده است و در اخبار
معتبره وارد شده است که حضرت [illegible] از دریا در وقت تلاطم

آن و در حدیث حسن از حضرت امام رضا منقولست که چون بکشتی سوار شوی بگو بسم الله مجریها
و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست
راست بسوی موج اشاره کن و بگو قری بقرار الله و اسکنی بسکینة الله و لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب
دریا و تلاطم دریا بگو بسم الله اسکنی بسکینة الله و قری بوقار الله و اهدئی باذن الله
و لا حول و لا قوة الا بالله راوی گفت که من گفتم بگفته حضرت و در حالی که تلاطم امواج
آنچه حضرت فرموده بود خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانکه گویا هرگز نبوده است و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که هر که از غرق ترسد بگوید بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور
رحیم بسم الله الملک الحق و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته
یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون و در
دیگر از آن حضرت منقولست که چون ایمن نباشد از غرق بگوید ان ولیی الله الذی نزل الکتاب
بالحق و هو یتولی الصالحین و ما قدروا الله تا آخر آیه و در روایت دیگر منقولست که چون
خواهد بکشتی سوار شود صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
بفرستد و صد مرتبه بر ظالمان آل محمد لعنت کند پس بگوید اللهم العن من ظلم آل محمد بگو
که بسم الله و بالله و الصلوة علی رسول الله و علی الصادقین من آله اللهم احسن
مسیرنا و اعظم اجورنا اللهم بک انتشرنا و الیک توجهنا و بک آمنا و بحبلک اعتصمنا
و علیک توکلنا اللهم انت ثقتنا و رجاؤنا و ناصرنا و لا تحل بنا ما لا نحب

اللهم



اللهم بک نحل و نرتحل اللهم خل سبیلنا و اعظم عافیتنا انت الخلیفة فی
الاهل و المال و انت الحامل فی الماء و علی الظهر و قال ارکبوا فیها بسم الله
مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته
یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون اللهم انت
خیر من وفد الیه الرجال و شدت الیه الرحال فانت سیدی اکرم مزور و
اکرم مقصود و قد جعلت لکل زائر کرامة و لکل وافد تحفة فاسئلک ان تجعل
تحفتک ایای فکاک رقبتی من النار و اشکر سعیی و ارحم مسیری من اهلی بغیر
من منی علیک بل لک المنة اذ جعلت لی سبیلا الی زیارته و لقیته و عرفتنی
فضله و حفظتنی فی لیلی و نهاری حتی بلغتنی هذا المکان و قد رجوتک فلا تقطع
رجائی و املتک فلا تخیب املی و اجعل مسیری هذا کفارة لذنوبی یا ارحم الراحمین
شاید این دعا و این گفته‌ها اگر بطلبی از کتب نسخه غیر دعا باشد عبارت و اضطراب
بخوانی که منافی مقصود باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که بلندی
بالا رود چون بالا رود بسم الله بگوید تا از شیاطین دور شود و در حدیث دیگر
منقولست که چون قدم خود را بر جسر یا پل گذارد بگو بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان
الرجیم

## فصل یازدهم

در آداب بخانه آمدن و استقبال مسافر و آداب برگشتن او و در حدیث
صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقولست که چون حضرت رسول مؤمنی را وداع میکردند میفرمودند
رحمکم الله و زودکم التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة و سلم

لكم دينكم وردّكم سالمين الى سالمين يعنى خدا شما را رحمت كند و همه كارها را بر شما

كرمانند و شما را بسوى هر چيزى متوجه كردانند و جميع حاجات شما را بر آورد و دين و دنياى شما را

سالم دارد و شما را بسلامت بر گرداند بسوى جمعى كه ايشان بسلامت باشند و در حديث معتبر

ديگر از حضرت امام محمد باقر منقولست كه چون حضرت رسول صلى الله عليه وآله مسافرى را وداع ميكردند دست

او را ميگرفتند و ميگفتند كه احسن الله لك الصحابة واكمل لك المعونة وسهّل لك

الحزونة وقرّب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتيم

عملك ووجّهك لكل خير عليك بتقوى الله واستودعك الله سر على بركة الله

و در روايت ديگر منقولست كه در بعضى وقتها ميفرمود كه استودع الله دينك وامانتك و

خواتيم عملك ووجّهك للخير حيث ما توجّهت وزوّدك التقوى وغفر لك الذنوب

و در روايت ديگر منقولست كه جمعى از اصحاب بخدمت حضرت امام ... آمدند كه آن حضرت را

وداع كنند فرمود كه اللهم اغفر لنا ما اذنبنا وكنا ... مذنبون ... وثبتنا واياهم

بالقول الثابت فى الآخرة والدنيا وعافنا واياهم من شر ما قضيت فى عبادك

فى سفرنا هذه المستقبلة وعجّل نصر آل محمد ووليهم واخذل عدوهم عاجلا و

معتبر منقولست كه مسافر را سنتست كه چون از سفر بر گردد براى اهل خود بضاعتى

بطلبد و در حديث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست كه چون كسى از سفر آيد بر اهل خود

تحفه بيارد اگر چه سنگى باشد و از حضرت صادق منقولست كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله ميفرمود

با كسى كه مى آمد قبل الله منك واخلف عليك نفقتك وغفر ذنبك و در حديث ديگر

منقول



منقولست كه هر كه دست در گردن حاجى بكند در وقتى كه از گرد راه رسيده باشد چنانست كه حجر الاسود را

بوسيده است و در روايت ديگر منقولست كه چون كسى از سفر بر گردد سزاوار است كه مشغول كار

نشود تا غسل كند و دو ركعت نماز بكند و سجده شكر بجا آورد و صد مرتبه شكر الهى بگويد و چون جعفر

طيار از حبشه آمد حضرت رسول صلى الله عليه وآله او را بسينه خود چسبانيد و ميان دو چشمش را بوسيد و

اصحاب حضرت رسول صلى الله عليه وآله چون بيكديگر ميرسيدند معانقه ميكردند و چون يكى از ايشان از سفر

مى آمد ديگران دست در گردن او ميكردند و در احاديث معتبره وارد شده است كه مشايعت

و استقبال مؤمنان مستحب است و از براى مشايعت و استقبال مؤمنان نماز را قصر منقولست

كرد و روزه ماه مبارك رمضان را ميتوان خورد **فصل دهم** در آداب اسب تاختن و تير

انداختن در احاديث معتبره وارد شده است كه گرو بستن و گرو بندى جايز نيست مگر

در اسب و استر و الاغ و شتر و فيل و در تير اندازى در احاديث معتبره وارد شده كه

حضرت رسول صلى الله عليه وآله اسب بگرو دوانيدند و گرو را سه اوقيه نقره بخشيدند كه هر اوقيه چهل

است و يك مثقال نقره باشد و از حضرت رسول صلى الله عليه وآله منقولست كه تير اندازى بكنيد و تير اندازى بكنيد

و تير اندازى كردن را دوست تر ميدارم از سوار شدن و فرمود كه لهو و بازى كه مؤمن كند

باطلست مگر در سه چيز در تعليم و تاديب اسب كردن و تير انداختن و بازى خود

با زن كردن كه اينها حقست و بدرستى كه بيك تير كه در راه خدا بيندازند حق تعالى

سه كس را ببهشت ميبرد آنكسى كه آن تير را ساخته است و آنكسى كه آن تير را بجهاد كننده

بخشيده است و آنكسى كه آن تير را در جهاد انداخته است و در حديث معتبر منقولست كه ملائكه

میگیرند در هنگام گرو بندی و لعنت می کنند کسی را که این کار میکند مگر در تیر و فیل دوانی
یا اسب و استر و الاغ دوانی یا تیر اندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بعد آنکه گرو در واقع شد
در اسب و استر و الاغ و شتر و فیل جایز است و گرو بستن و یکو بستن با آنکه کدام یک دور
تر بروند یا در کشتی دوانیدن که دو کشتی را بروی آب بدوانند یا آنکه در کوی کی پیش بیفتد
و بدوند که کدام یک پیشتر بروند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بزمین بزنند یا در
برداشتن چیزهای گران جایز نیست اما بی آنکه گرو بر بندند خلافست و جایز بودن اینها
قوی ترست خصوصا در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه
در حدیث معتبر منقولست که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و حضرت امام حسن
و امام حسین علیهما السلام با آن حضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن دو نور دیده خود فرمودند که
برخیزید و با یکدیگر کشتی بگیرید پس ایشان مشغول بکشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام بجای کاری
بیرون رفتند چون برگشتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که ای حسن بگیر حسین را و بزمین
بزن حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که ای پدر عجب است که بزرگتر را ترغیب میفرمائی که کوچکتر را بزمین بزند
آنحضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که ای حسین حسن را بر زمین بزن و
و در فقه الرضا علیه السلام منقولست که تنها در چوگان بازی ... در آن حال ... با تو ...
دور شده از تو نفرت میکند و اگر کسی در آن حال جان بدهد ...
... شرطست که آن مالی را که قرار میکنند ... قرار کنند
که پیشتر ... پس اگر از ولی ... قرار کنند که پس مانده است جایز نیست و هم چنین اگر





از برای کسی قرار کند که با ایشان در عمل شریک نباشد جایز نیست چنانچه متعارفست که دو کس
با یکدیگر گرو می بندند و دو کس دیگر تیر اندازند یا اسب می تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان
قرار کند که هر که پیشتر برود یا پیشتر بزند این قدر میدهم جایز است و هم چنین اگر کسی مال خود
آورد و بگوید که این مال از کسی است که پیشتر برود از این دو کس که می تازند هر یک مال خود
آورند و بگویند که این هر دو مال از آنکس است که پیشتر برود و شرطست در گرو دوانیدن
موافق مشهور میان علما چند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهای مسافت را که در آن می تازند
که اسب هر یک در این مسافت پیشتر کرده بوده و نیست دویم آنکه مالی که گرو بر آن قرار می بندند
مقدار و جنس او معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلاست یا غیر آن سیوم آنکه
حیوانی که بر آن هر یک سوار می شوند معین کنند بدیدن و بعضی را اعتقاد آنست که اگر تعیین
آن با وصف بکنند جایز است چهارم آنکه هر یک از آنها احتمال باید بحسب عادت که بر دیگری پیشی
گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه یا غیر اینها باشد با حیوان بسیار تند رو ... که معلوم
باشد عادت که بر آن پیشی نمی تواند گرفت جایز نیست پنجم آنکه آن دو حیوانی که می تازند از
یک جنس باشند که هر دو اسب باشند یا هر دو استر پس اگر یکی اسب یا استر باشد و دیگری الاغ یا
شتر یا فیل باشد جایز نیست و در این شرط خلافست و نزد فقیر ثابت نیست ششم آنکه هر دو
یکمرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگری بتازد جایز نیست موافق مشهور میان
علما هفتم آنکه سوار شوند بدوانند اگر ... آنکه سوار شوند بدوانند جایز نیست
بزعم گروهی بعضی هشتم آنکه مسافت تعیین کنند که پیشی از ... بعضی تنها از آن مسافت

آن چهار پایانا مانده نتوانند **نهم** آنکه آنها که با هم می تازند مردان باشند نه زنان **دهم** آنکه
هر دو در وقت تاختن بجا و یکجا یکی پیاده نباشند و در این شرط خلاف است و ظاهر آنست که اگر یکی
پیشتر از دیگری ایستاده باشد جایز نیست و ده اسب که با یکدیگر بتازند در میان عرب هر یک نامی دارد
آنکه از همه پیشتر دود آن را مجلی میگویند و آنکه از آن پس مانده است و بر دیگران پیش گرفته است
آن را مصلی میگویند و بعد از آن را تالی میگویند و بعد از آن را بارع میگویند و بعد از آن را
مرتاح میگویند و بعد از آن را حظی میگویند و بعد از آن را عاطف میگویند و بعد از آن را
مؤمل می گویند و بعد از آن را لطیم میگویند و دهم را فسکل میگویند و بعد از آن را که از همه پس
مانده است و از برای هیچ جا نیست چیزی قرار دهند بغیر از آخوری اگر این ده اسب همه یکبار تاختن
بدوند از برای هیچیک چیزی نخواهد بود و بدان آنکه گرو بر شمشیر و نیزه و تیر جایز است و در تیراندازی
چند چیز شرط است بحسب مشهور میان علما **اول** آنکه تعیین کند که چند تیر که بزند برده است **دوم** آنکه
تعیین کند که این چند تیر را در میان چند تیر بزنند **سیم** آنکه تعیین کند که بچه نحو بزنند بنشانه یکی
از آنها که بعد از این بیان خواهیم کرد **چهارم** آنکه تعیین کند که از نشانه چه مقدار دور باشند
**پنجم** آنکه تعیین کند بزرگی نشانه را و موضع آن را از ارتفاع خانه **ششم** آنکه کمان هر دو
تیرانداز جنس باشد و در این شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست اما اتفاق کرده اند که
کمان و تیر معین را شرط کنند بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین بکنند باطل است **هفتم** آنکه
یا مبادره باشد یا محاطه و مبادره آنست که شرط کند که هر که در عرض بیست تیر پنج تیر را
مثلاً پیشتر بزند برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از ده تا پنج تا را زد و دیگری

و دیگری



و دیگری چهار تا را زد آنکه پنج زده برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچیک از دیگری نبرده است
و محاطه آنست که شرط کند که در عرض بیست تیر مثلاً آنچه زده اند از کم هم بدر رود و آنکه یکی
پنج تیر مثلاً بیشتر از دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بیندازند و یکی یازده تیر را
بر نشانه زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه یازده زده برده است و اگر یکی چهارده
تیر را زد و دیگری ده تیر هیچیک نبرده اند و احوط آنست که در اول یکی از این دو صورت را
تعیین کنند تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم می باشد **اول** حابی
یعنی اول بر زمین خورد و از زمین بجهد و بر نشانه خورد **دویم** خاصر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه
متصل شود **سیم** خارق که نشانه را زخم کند و در آن فرو نرود **چهارم** خاسق که نشانه را سوراخ کند
و بند شود **پنجم** مارق که بر نشانه بخورد و از طرف دیگر بدر رود **ششم** خازم که پهلوی نشانه
بدر رود و در میان نشانه فرو نرود پس باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو بزنند برده است
و اگر شرط کند که اگر بپهلوی نشانه بزند برده است و اگر شرط کند که بر نشانه فرو رود و چنان بزند
که از جانب دیگر بجهد برده است و هم چنین هر که بیست تیر شرط کند و نیکوتر بزند برده است و اگر نیکو
شرط کند و بیست تیر بزند نبرده است و باید دانست که در تیراندازی و گرو دوانی محلل می باشد
یعنی کسی که با ایشان شریک میشود که اگر ببرد حصه بگیرد و اگر ببازد چیزی نمیدهد و بعضی
که اگر هر دو مالی برون آورند برای گرو بندی چنین کسی را با خود شریک کنند و احوط آنست که
اول صیغه بگویند که یکی از آنها این عقد را یا این شرطها که مذکور شد بلفظ در بیاورد و دیگری
قبول کند و بدانکه آنست که در هنگام تیراندازی غرض ایشان محض لهو نباشد بلکه مطلب

ایشان و در زمین جهاد در راه خدا و تقویت دین ایمان و حمایت شیعیان از شر کفار بوده باشد ثواب
عظیم بیابد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسالت پناه ۳ اصحاب خود را فرمودند که اسب تاختن را
برآن کرده‌اند که یاد بگیرند از مال خود ببازانند و در روایت دیگر منقول است که بو صد و پنجاه درجه
منافقان نفرین کرده‌اند و چون از جنگ مشرکان فرار کنند با اسامه بن زید شتر را بکوه دوانید
و جهاد منقسم می‌شود بر اقسام از کفار و باغیان مفسده و مصر بودند بلکه از برای تقویت دین اسلام و ترویج
مردم و جهاد فی سبیل الله بود تا کافران و ملحدان و مخالفان بر شیعیان مستولی نشوند و جان و مال
و عرض مردم از شر ایشان محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام ۳ می‌باید آنست که دفع
ضرر کافران و مخالفان از شیعیان بکنند و اگر جمعی از مخالفان یا کافران بر سر گروهی از شیعیان
بیایند بر آن جماعت واجب است که جهاد کنند در دفع آنها و اگر کشته شوند شهید باشند و اگر آنها عاجز باشند
بر جمیع مؤمنان واجب است که مدد ایشان بکنند و در دفع آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره
وارد شده است که هر که در دفع از خود و جان و مال خود کشته شود شهید است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ۳ منقول است که تمام خیرات در شمشیر و در زیر سایه شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت
است و شمشیر اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که بهشت را
دری است که آن را در مجاهدان گویند آنها که در راه خدا شمشیر جهاد کرده‌اند بسوی آن
در می‌روند و پس بنیاد که از نادان کرده‌اند و ملائکه ایشان را مرحبا می‌گویند و فرمود
که حق تعالی امت مرا عزیز گردانیده است بسم اسبان ایشان و سنان نیزه‌های ایشان و فرمود
که جبرئیل مرا خبر داد که هر که از امت تو در راه خدا جهاد کند و یک قطره باران بر سری او ببارد

باو برد



باو برد ثواب شهادت در نامه عملش نوشته شود و در حدیث معتبر منقول است که ملعون معاویه علیه اللعنة
والعذاب الشدید در زمان حضرت امیرالمؤمنین ۳ در انبار که محلیست در حوالی کوفه غارت کردند
آن حضرت خطبه خواندند که بعضی فقرات آن خطبه ترجمه میشود بدرستیکه جهاد کردن دریست از درهای
بهشت که حق تعالی برای خاصّان دوستان خود گشوده است و جامه تقوی است که برای ایشان ذخیره کرده
است و جهاد زره حفظ نماینده خدا و سپر محکم الهی است پس هر که ترک کند جهاد را بی عذری
حق تعالی بر او جامه مذلت و خواری بپوشاند و بلا او را فرا گیرد و خوار شود و از او دور کند و دور
خیر و برکت و صغار و دلها اندیشه و دل او بسته شود و مغلوب گردد و با او انصاف و عدالت
نکنند بدرستیکه من شما را مکرر خواندم بجهاد این گروه در شب و روز و آشکار و پنهان گفتم که با ایشان
جهاد کنید پیش از آنکه ایشان بجنگ شما آیند قبول نکردید والله که در میان دیار و محلت ایشان با ایشان
جنگ کنند البته ایشان ذلیل و بی قدر میشوند در نفوسها پس تقصیر ورزیدید و بیکدیگر حواله کردید
تا آنکه غارتها بر شما آوردند و وطنهای شما را مالک شدند اینک سردار معاویه لشکر کشی بانبار
و حسان را کشته و لشکر شما را از جای خود رانده و شنیده‌ام که یکی از ایشان بخانه زن مسلمانی یا کافر ذمی که در پناه
مسلمانان بود آمده و دست بر خلخال و گوشواره او دراز کرده است و او هیچ نتوانسته دفع کرد
و انا لله و انا الیه راجعون گفتن پس برگشته‌اند با غنیمت و مالی فراوان و هیچ
یک از ایشان جراحت و زخمی نیافته‌اند و خونی از ایشان نریخته پس اگر مرد مسلمانی بعد از
چنین مصیبتی بمیرد از غم و تاسف قابل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من پسندیده خواهد بود
پس عجب دارم عجبی که دل را می‌میراند و غم را جمع میکند از جمعیت آن جماعت بر دین باطل

خود و واکذارند که شما از دین حق خود پس بد حال شما و ننگ شما از برای شما که فتنه بر دشمنان گردید
و شما غارت می آورند و شما و ایشان غارت نمی برید و بجنگ شما می آیند شما بجنگ ایشان نمیروید و
قسم نافرمانی خدای می کنند و شما راضی میشوید اگر در تابستان میگویم بجنگ بروید میگویند که عین
گرما است ما را مهلت ده تا گرما کم شود و اگر در زمستان میگویم بروید میگویند که عین زمستان سرما است
ما را مهلت ده تا سرما برطرف شود هرگاه شما از گرما و سرما میگریزید پس از شمشیر چگونه خواهید
گریخت ای مردمانی چند که مثل مردان خلقان و زنان در دید کاشکی هرگز شما را ندیده بودم
و شما را نشناخته بودم دل مرا پر از چرک و سینه ام را پر از خشم کردید و بسکه نافرمانی کردید
رای مرا ضایع کردید قریش میگویند پسر ابوطالب شجاع است اما علم جنگ را نمیداند که از
دانا تر است بجنگ که از من پیشتر جنگ کرده هنوز بیست سال نداشتم که شروع بجهاد کردم
و از شصت سال گذشته ام اما کسی که فرمان نبرند چه رای بکار آید و در حدیث دیگر
که حق تعالی جهاد را واجب ساخته و عظیم شمرده و آن را موجب نصرت و یاری خود گردانیده و الله
که دین و دنیا با صلاح نمی آید مگر بجهاد و از حضرت امام منقولست که هرکه بغیر امام جهاد کند
با اهلش و یا مرد جانبست که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جهاد امام شریک باشد و در حدیث
دیگر که جهاد کنید که با عزت و بزرگوار فرزندان شما میشود **فصل دوازدهم** در بیان بعضی از
آداب متفرقه و فواید نافعه از حضرت امام صادق منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان ما
در افتتاح بعضی از کارها فراموش میکنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حق تعالی
ایشان را امتحان می نماید ببلای تا متنبه شوند و بیاد آورند شکر الهی را و ثنای او را

وحق هم



وحق هم بسبب آن بلا محو مینماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید
که آدمی در ابتدای هر کار افتتاح نماید بگفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که چون حق تعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن آن درخت بهشت گفت بلی پروردگارا نکنم
انشاء الله پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس حق تعالی فرمود بپیغمبر ما که و لا
تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ یَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِیتَ یعنی مگو
که مگو هر چیزی را که من این را میکنم فردا مگر آنکه مقید بمشیت الهی گردانی که بگوئی که مگر آنکه خدا
خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه فراموش کنی او را یعنی هرگاه که گفتن انشاء
الله فراموش کنی در وقتی که بخاطرت بیاید بگو اگرچه بعد از یکسال باشد و در حدیث معتبر از حضرت
موسی بن جعفر منقولست که نه چیز است که کردن آنها مورث غلبه فراموشی است خوردن
سیب ترش و گشنیز و پنیر و نیم خورده موش و بول کردن در آب ایستاده و خواندن نوشته
قبرها و راه رفتن میان دو زن و جنین انداختن و حجامت کردن در گودی پشت گردن و از
امیرالمؤمنین منقولست که چیز که حافظه را زیاده می کند مسواک کردن و روزه داشتن
و قرآن خواندن و در حدیث معتبر منقولست که روزی آن حضرت غمگین شدند فرمودند که
نمیدانم بچه سبب غمگین شده ام بر عتبه در نه نشسته ام و شانه ایستاده نکرده ام و
زیر جامه را ایستاده نپوشیده ام و دست و روی بدامن جامه پاک نکرده ام و از
پیغمبر منقولست که سه چیز است که اندوه را برطرف میکند راه رفتن و سوار شدن و شستن
و در حدیث دیگر نظر کردن بسبزه و خوردن و آشامیدن و جماع کردن و مسواک کردن و

نشستن و نظر بر روی زن مفعول کردن و با برادران سخن گفتن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که چند چیز است که باعث پریشانی میشوند و چند چیز است که باعث توانگری میشود اما آنها که موجب
فقر و پریشانی میشوند تار عنکبوت را در خانه گذاشتن و در حمام بول کردن و در حال جنابت
چیزی خوردن و به چوب گز خلال کردن و ایستاده شانه کردن و خاک روبه را در خانه گذاشتن
و قسم دروغ خوردن و زنا کردن و اظهار حرص کردن و خواب کردن در میان نماز شام و خفتن
و خواب کردن بعد از صبح و پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و غنا و خوش نغمگی
شنیدن و مرد را که در شب سوال کند چیزی ندادن و خرج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان
قطع کردن و اما آنها که موجب توانگری و زیادتی مال میشوند نماز پیشین و پسین را و نماز شام
و خفتن را با یکدیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از عصر تعقیب خواندن و با خویشان نیکی
و احسان کردن و حاجت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران مؤمن قسمت کردن
و بامداد طلب روزی کردن و استغفار بسیار کردن و خیانت در مال مردم نکردن و سخن حق گفتن
گفتن و اجابت مؤذن در اذان کردن از پی او گفتن و در بیت الخلا سخن نگفتن و حرص در طلب
دنیا نداشتن و شکر کسی که نعمت به اینکس داده است ادا کردن و از قسم دروغ اجتناب کردن
و پیش از طعام دست شستن و ریزه‌های که از خوان ریزد خوردن و هرکه هر روزی سی مرتبه سبحان الله
بگوید حق تعالی هفتاد نوع بلا را از او دور گرداند که کمترش پریشانی باشد و در حدیث معتبر
از حضرت صادق ع منقولست که هرکه در مدح اهل بیت صلوات الله علیهم یک بیت شعر بگوید حق تعالی برای
او خانه در بهشت بنا کند و در حدیث دیگر فرمود که هرکه در مدح ما اهل بیت شعر گوید

گوید



گوید به روح القدس مؤید گردد و در حدیث از حضرت امام رضا ع منقولست که هر مؤمنی که یک بیت از شعر
در مدح اهل بیت بگوید حق تعالی برای او در بهشت شهری بنا کند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون
در آن شهر در آید هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل به دیدن او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ع منقولست که شکم که پر از چرک و ریم باشد بهتر است از آنکه پر از شعر باشد و در حدیث
معتبر منقولست که حضرت پیغمبر نهی فرمود از آنکه چیزی خوردن در حال جنابت و فرمود که موجب
پریشانی است و نهی فرمود از گرفتن ناخن به دندان و از مسواک کردن در حمام و از آب دهن
انداختن در مساجد و از خوردن نیم خورده موش و فرمود که مسجد شکایت میکند به خدا از کسی که در آن آید
و از مرد دیگر که در آید و بیرون رود و دو رکعت نماز نگذارد و نهی کرد از آنکه بول کند در زیر
درخت میوه دار یا در میان راه و نهی فرمود از آنکه به دست چپ یا بر پهلو تکیه کرده چیزی بخورند
و نهی فرمود از گچ مالیدن در قبرها و بنا کردن در قبر بنا نهادن و فرمود که هرکه در فضا غسل
کند با حذر باشد که عورتش پوشیده نبود و نهی فرمود از آب خوردن از شکستگی دسته کوزه که در
آنجا چرک جمع میشود و نهی فرمود از بول کردن در آب ایستاده که باعث بر طرف شدن عقل
میشود و نهی فرمود از آنکه کسی که با یک تای نعل راه رود یا ایستاده نعل بپوشد و نهی فرمود
از آنکه کسی بول کند در جایی که آفتاب یا ماه باشد و فرمود که چون داخل بیت الخلا
شود اجتناب کند از نشستن رو به قبله و پشت به قبله و نهی فرمود از گریه و نوحه کردن
در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زنان از پی جنازه‌ها و نهی فرمود از آنکه محو کند چیزی
از قرآن را به آب دهن یا آنکه چیزی از قرآن با آب دهن بنویسند و نهی کرد از خواب دروغ

بتن دو فرمود که هرکه چنین کند حق تعالی او را تکلیف کند که بو جو که بزند و نتواند کرد و بآن سبب
معذب باشد و نیز فرموده از ساختن صورتها و فرمود که هرکه صورتی بسازد حق تعالی او را در قیامت
تکلیف کند که جان در آن بدمد و نتواند و نیز فرموده از آنکه حیوانی را باتش بسوزاند و نیز
فرموده از دشنام دادن خروس زیرا که او برای نماز بیدار میکند و نیز فرموده از آنکه شخصی
خواهد چیزی بفروشد یا بخرد و دیگری بیاید و بگوید که متاع بهتر دارم از این بخر یا این متاع را
بفروش من خرم و نیز فرموده از بسیار گفتن سخن در وقت جماع و فرمود که از آن گنگی باشد اولاد
فرزند و فرمود که خاک روبه شب در خانه نگذارید و در روز بیرون برید که شیطان در آن جا
میکند و نیز فرموده از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را
دیوانه کند ملامت نکند مگر خود را و نیز فرموده از آنکه کسی استنجا کند با سرگین و استخوان
و نیز فرموده از آنکه زن بی رخصت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کند او را
ملائکه آسمانها و هرچه بر او بگذرد از جنیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نیز فرموده از آنکه
زن برای غیر شوهر خود زینت کند پس اگر بکند بر خدا لازم است که او را باتش بسوزاند
و نیز فرموده از آنکه زن با غیر شوهر و محرمان خود زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نیز فرموده
از آنکه زنی در پهلوی زن دیگر بخوابد و جامه در میان او حایل نباشد و نیز فرموده از آنکه
زنی با زن دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته است و نیز فرموده از آنکه
کسی با زن خود در حیض جماع کند و نیز کرده از آنکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر
چنین کند خدا و ملائکه و همه مردمان او را لعنت کنند و نیز کرده از آنکه برهنه شوند در

جامع



جامع که صد جا از آینه بیند و نهی فرمود بجانب کاهنان و کاهنان رفتن و صوفیان
کذاب و هرکه بنزد ایشان برود و تصدیق کند ایشان را پس او بیزار شده است
از خدا و آنچه که بحضرت رسالت پناه صلعم نازل شده است و نیز فرموده از بازی کردن
بنرد و شطرنج و طبل و تنبک و طنبور و عود و نیز فرموده از غیبت کردن و گوش دادن
بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود که سخن چین داخل بهشت نمی‌شود
و نیز فرموده از دعوت فاسقان اجابت کردن و نیز فرموده از قسم دروغ و فرمود که اهل خانه را
بی شمار میکند و فرمود که هرکه قسم دروغ بخورد برای آنکه مال مسلمانی ببرد در قیامت
خدا با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را پس دهد و نیز فرموده از
نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نیز فرموده از آنکه زن خود را بحمام فرستند
بی در بلد دیگر که احتیاج بحمام باشد و نیز فرموده از داخل شدن حمام بی لنگ و نیز فرموده
از طعام بخود خوردن در وقت صحبت و نیز فرموده از سخن گفتن که آدمی را از یاد خدا
غافل گرداند و نیز فرموده از آشامیدن در ظرف طلا و نقره و نیز فرموده از پوشیدن جامه حریر
و دیبا و انگشتر طلا مردان را و زنان را باکی نیست و نیز فرموده از فروختن خرما بر درخت
درخت پیش از آنکه رسیده شود و نیز فرموده از آنکه رطب در درخت بخرما بفروشند
و انگور را در درخت بمویز بفروشند و نیز فرموده از فروختن آلات قمار و طنبور و شطرنج و
نیز فرموده از خریدن و خورانیدن شراب و فرمود که حق تعالی لعنت کرده است شراب را
و آنکه درخت انگور را بقصد شراب بکارد و آنکه انگور را بجهت شراب بیفشارد

ومیخورد و آنکه ساقی میشود و آنکه میفروشد و آنکه میخرد و آنکه بوی دهد و آنکه
نیستش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای وی میبرند همه ملعون‌اند و فرمود که هر که
شراب بخورد تا چهل روز نماز وی مقبول نیست و اگر بمیرد و در شکمش چیزی از شراب باشد بر خدا
لازم است که بخوراند باو از آنچه از فرج زناکاران از چرک و ریم بیرون آید و تا شما
در دیگهای جهنم جوشیده باشد پس چون بخورند بگدازد اعضاء و اعصاب و پوست ایشان را
و نهی فرمود از خوردن سود و از شهادت ناحق دادن و از نوشتن کاغذ سود و لعنت
کرده است خدا بگیرنده سود و دهنده سود و نویسنده سود و گواه سود را و نهی فرمود از
مصافحه کردن با کافران اهل ذمه و نهی فرمود از خواندن شعر در مسجد و بآواز بلند فریاد
کردن در مسجد و نهی فرمود از آنکه در مسجد شمشیر برهنه کند و از آنکه چیزی بروی جانوران
بزنند و نهی فرمود از آنکه کسی بعورت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که در خانه بعورت مسلمانی نظر
کند هفتاد هزار ملک او را لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه زنی بعورت زنی نظر کند و نهی فرمود
از آنکه بول کنند در طعام یا آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان و در
میان راه و در آسیابها و در دودخانها و در جاها که شتران را می‌بندند و بر بام کعبه معظمه و نهی
فرمود از کشتن کسی که عمل داود کرده و از بیع کردن و ... چارپایان و نهی فرمود از آنکه کسی بغیر خدا سوگند
خورد و فرمود که هر که بغیر خدا قسم خورد از رحمت خدا بری شده است و نهی فرمود از قسم یاد کردن
بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره قرآن یاد کند بهر آیه یک کفاره بر وی لازم است خواه
قسم خورده باشد و خواه دروغ و علما جمع باستحباب کرده‌اند کفاره را و نهی فرمود از

انکه



از آنکه کسی قسم بخورد بجان تو و بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در مسجد بنشیند و نهی فرمود
از بوسه دادن زن روزه دار در شب و در روز و نهی فرمود از حجامت کردن در روز چهارشنبه و در روز جمعه
و نهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که خطیب خطبه میخواند پس اگر سخن کند او را
ثواب جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتری برنج و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آنکه
صورت حیوان در نگین نقش کند و نهی فرمود از نماز کردن نزد برآمدن آفتاب و فرو
رفتن آفتاب و در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید
قربان و سه روز بعد از عید قربان در منی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از
دوشیدن چارپایان در آب کنند و بیاشامند و فرمود که بدستها خود بخورید و بیاشامید
که بهترین ظرفهای شما است و نهی فرمود از آب دهن انداختن در چاهی که آب از آن چاه خورند
و نهی فرمود از آنکه مرد دو خواهر را جمع کند ... و نهی فرمود از آنکه دو کس از
یکدیگر باز دوری کنند و اگر ناچار باشد زیاده از سه روز نکند که هر که چنین کند
آتش جهنم براو اولی است و نهی فرمود از آنکه طلا را بطلا و نقره را بنقره بفروشند با زیادتی یکدیگر یا
بر یکدیگر بفروشند و نهی فرمود از مدح کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک بپاشید در روی
مدح کننده‌ها و فرمود که هر که مزد [illegible] ظلم کند و باو ندهد حق تعالی ثواب اعمال او را
حبط کند و بوی بهشت را بر او حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد و از روی
بی اعتنائی فراموش کند در قیامت دستهایش در گردنش بسته باشد و حق تعالی بهر آیه ماری
بر او مسلط گرداند که او را بگزد و فرمود که هر که قرآن را بیاموزد پس بعد از

خوای بخود یا حجت دنیا و نفقه دنیا را با عمل کردن بقرآن اختیار کند مستوجب عقاب الهی گردد
مگر آنکه توبه کند و اگر بی توبه بمیرد قرآن او را خصم گردد و هر که زنا کند با زنی مسلمانی یا زنی ترسا
یا زنی جهود یا گبر خواه آزاد باشد یا زن خواه بنده و بی توبه بمیرد حق تعالی در قبرش صد
در از جهنم بگشاید که از آنها مار و عقرب و اژدها از جهنم بقبرش در آیند و او را آتش سوزانند
تا روز قیامت پس چون از قبرش مبعوث شود و مردم از گند او متأذی باشند و هم کسی را از بنی
عمل قبیح شناسند تا به جهنم برود و فرمود که هر که در خانه مومنی نظر کند که بر او مستور و مطلع شود
خدا او را محشور کند با منافقانی که عیبهای مسلمانان را تفحص کردند و از دنیا بیرون نرود تا خدا
او را رسوا کند مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد بآنچه خدا روزی او کرده است
و شکایت کند از برای خدا بر تنگی روزی نکند هیچ حسنه از او بالا نرود و در قیامت
خدا از او در خشم باشد مگر آنکه توبه کند و فرمود که هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را ندهد
او نزد خدا زناکار است و حق تعالی در قیامت باو عقاب فرماید که کنیز خود را بعقد تو در آوردم
بر مهری و پیمان و تو وفا بر پیمان من نکردی و بر کنیز من ستم کردی پس از حسنات او بگیرند و در
عوض مهر آن زن بدهند و اگر حسنات تمام شود او را امر کنند که بجهنم برند و نهی فرمود
از پوشانیدن گواهی و فرمود که هر که گواهی نزد او باشد و حق تعالی در قیامت در حضور خلایق
گوشت بدن او را بخورد او دهد و فرمود که پیوسته جبرئیل مرا وصیت میکرد در باب حق
همسایگان که می گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مرا وصیت میکرد در باب غلامان
و کنیزان که می گمان کردم که حدی مقرر خواهد کرد که چون آن قدر خدمت کنند آزاد شوند و

بگو



میکرد مرا بمسواک کردن تا آنکه گمان کردم که واجب خواهد کرد و وصیت میکرد مرا بنماز شب
تا آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل در شب نخواهند خوابید و فرمود که هر که
سبک شمارد مسلمان فقیر را حق خدا را سبک شمرده است و حق تعالی او را در قیامت
سبک شمارد مگر آنکه توبه کند و هر که مسلمانی [illegible] گرامی دارد در قیامت خدا از او خشنود
شود و هر که گناهی و خواهش حرامی او را پیش آید و از ترس خدا آن را ترک نماید حق تعالی
جهنم را بر او حرام گرداند و او را در ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و بهشت که در قرآن
او را وعده فرموده باو عطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت مردد شود پس دنیا را بر آخرت
اختیار کند در قیامت او را حسنه نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت را اختیار کند
و دنیا را ترک نماید خدا از او خوشنود شود و گناهانش بیامرزد و هر که چشم پر کند از نظر کردن بسوی کسی که
حرام باشد دیدن او حق تعالی دیده او را در قیامت از آتش پر کند مگر آنکه توبه کند و هر که مصافحه
با زنی کند که بر او حرام باشد خدا از او خشمناک گردد و هر که زنی را بحرام در بغل گیرد او را با شیطان در یک زنجیر
آتش بکشند و هر دو را بجهنم اندازند و هر که فریب دهد مسلمانی را در خرید و فروش از ما نیست و در قیامت
با یهودان محشور شود و فرمود که هر که زنی که شوهر خود را بزبان آزار دهد حق تعالی هیچ حسنه
او را قبول ننماید تا او را راضی گرداند از خود [illegible] روزها را روزه دار باشد و شبها بنماز بایستد و بنده
آزاد کند و هر روز [illegible] سوار کرده بجهاد فرستد و هم چنین است حال مرد اگر بر زن خود
[illegible] و هر که خشمی از کسی فرو خورد که تواند از او انتقام بکشد حق تعالی باو ثواب شهید کرامت فرماید
و نهی فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت امانتی را در دنیا و باهلش

پس ندهد تا مرگ او را دریابد بر غیر ملت من مرده باشد و حق تعالی در قیامت او را در خشم باشد و
هر که شهادت ناحق بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بزبانش در آویزد و در درک اسفل
جهنم با منافقان [illegible] و هر که مال خیانتی بخود در نشد چنانست که خود خیانت کرده باشد و هر که حق برادر
مؤمن را حبس کند حق تعالی برکت در دنیا بر وی حرام کرده است مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی از کسی بشنود
و آن را فاش کند چنانست که خود کرده باشد و هر که برادر مسلمان را محتاج شود در وقت [illegible] و او را
ندهد حق تعالی بوی بهشت را بر او حرام کرده است و هر که صبر کند از [illegible] زن خود حق تعالی
ثواب شاکر کنده [illegible] را با او عطا فرماید و هر که زنی که سازگار [illegible] نکند و او را
بر چیزی که [illegible] حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت او را در خشم باشد
و هر که گواهی دارد [illegible] مسلمان خود را چنانست که خدا را [illegible] و [illegible] از آنکه کسی پیشنماز گردد
کند که ایشان از او راضی نباشند و هر که پیشنماز [illegible] ایشان کند در وقت [illegible] جامه شوند
و نماز با ایشان بجا آورد مثل ثواب همه این گروه [illegible] باشد بی آنکه از ثواب ایشان کم شود و هر که برود
[illegible] از خویشان خود بدیدن او [illegible] از برای او [illegible] حق تعالی ثواب صد شهید از
برای او کرامت فرماید و به هر گامی چهل هزار حسنه برای او نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود
و چهل هزار درجه برای او بلند شود و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد و هر که از
برادر مؤمن حاجتی از حوائج دنیای او را بر آورده و از برای او در آن حاجت راه رود تا آن حاجت برآورده
شود حق تعالی بیزاری از نفاق و بیزاری از آتش جهنم با او عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجت دنیا
او بر آورده [illegible] در رحمت الهی باشد تا [illegible] و هر که یک شب [illegible] بیمار کند و عیادت

کنده [illegible]



کنده کان خود شکایت بکند حق تعالی او را با [illegible] ابراهیم خلیل مبعوث کرده است تا آنکه [illegible] بکند و
مانند برق لامع [illegible] و هر که سعی نماید از بیمار در حاجتی خواه بر آورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد پس شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن [illegible] از اهل
خانه او باشد آیا ثواب بیشتر باشد حضرت فرمود که بلی و فرمود که از مؤمنی غمی از
غمهای دنیا بردارد حق تعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از
بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان‌ترین آنها درد شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از او حقی طلبد
و قادر بر ادای آن باشد و تاخیر کند هر روز گناه [illegible] بر او نوشته شود و هر که احسانی با برادر
مؤمن خود بکند و بر او منت گذارد حق تعالی عملش را حبط کند و او را ثواب ندهد و حق تعالی
میفرماید که من بهشت را حرام کرده‌ام و [illegible] و بخیل و سخن چین و هر که تصدق بکند [illegible]
[illegible] برای او مثل کوه احد باشد از نعیم بهشت باشد و هر که تصدق را ببرد برای محتاجی
مثل ثواب آنکسی داشته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود
و هر که از ترس خدا آب از دیده‌اش جاری شود به هر قطره که از دیده او بیرون آید حق تعالی قصری
در بهشت با او عطا فرماید [illegible] و در آن [illegible] که هیچ [illegible]
ندیده و گوشی نشنیده و بر خاطری خطور نکرده و هر که بسوی مسجدی رود [illegible] به هر گامی که
[illegible] هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر
بر آن حال مرگ او را دریابد حق تعالی هفتاد هزار ملک را موکل گرداند [illegible] ثواب کنند
و مونس او باشند در تنهائی [illegible]

بگوید از برای خدا خوشم باد ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق کرامت فرماید و شفاعت چهل
هزار گناهکار در داخل بهشت شوند بدرستیکه چون بگوید اشهد ان لا اله الا الله بگوید
برای هشتاد هزار ملک صلوات بفرستند و از برای او استغفار کنند و در روز قیامت در سایه
عرش الهی باشد تا خوشم از حساب خلایق فارغ شود و ثواب کند او و اشهد ان محمدا رسول
الله چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت قطعه نماید به صف اول و تکبیر اول و آن را مستحب نکند خوشم
مثل ثواب شوند ایشان در دنیا و آخرت او را کرامت فرماید و فرمود که هیچ بدی را حقیر مشمارید هر چند در
نظر شما کوچک نماید و هیچ کار نیک را بزرگ مشمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بدرستی که گناه کبیره
غفران یابد به استغفار و گناه صغیره صغیره نباشد با اصرار بلکه چون گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکرده
کبیره میشود و در حدیث دیگر منقول است که پیغمبر فرمود از کشتن مارها که در خانها باشند و پیغمبر فرمود آن مارها که
کسی که کوشش دهد یعنی جانی که خواهند که او بخورد ایشان را بکشد اگر چنین کند در قیامت در کشتن
سرب خواهند بخت و پیغمبر فرمود از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که سه کس اند که حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نکند و اعمال ایشان را قبول نکند
و بعذاب دردناک ایشان را معذب میگرداند مردی که دوستی کند با شد و کسی که فحش گوید و بشنود
و پروا نکند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول ص منقول است که بهشت
حرام است بر هر فحش گوینده کم حیا که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه با او گویند چنین
کس را اگر تفتیش کنی او از حرام زاده باشد یا شیطان در نطفه شریک شده است و در حدیث
[illegible] هفت ماه و عاق پدر و مادر و دو [illegible]

آن را



آن را میشنوند پرسیدند که دوستی کیست فرمود که زن شوهر زنا کند و او داند و تغافل کند و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقول است که زنی که با یکدیگر مساحقه می کنند در قیامت ایشان را
می آورند و جامه ها از آتش و مقنعه ها از آتش و زیر جامها از آتش بر ایشان می پوشانند و
عمودی از آتش در فرج ایشان می کنند و در جهنم می اندازند ایشان را و اول کسی که این عمل کرد
قوم لوط بودند و از حضرت رسول ص منقول است که خداوند بخدای عظیم ده کس از امت من کشنده
مردم بنا حق و جادوگر و دیوث و کسی که در دبر زن یا مرد جماع کند و کسی که با حیوانی جماع کند
و کسی که با محرمان خود باشد مادر و خواهر جماع کند و کسی که سعی در فتنه و فساد کند و کسی که حربه
بکافران بفروشد و کسی که زکوة مال خود ندهد و کسی که توانایی و وقتی حج داشته باشد و او
واجب حج را بجا نیاورد و از حضرت امام موسی ع منقول است که هر که مست شود از شراب و بعد از آن
تا چهل روز بمیرد کافر مرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که هر که در خانه او طنبوره
یا عود یا چیزی دیگر از آلتهای ساز یا نرد یا شطرنج چهل روز بماند مستوجب غضب الهی گردد
و اگر در این چهل روز بمیرد فاجر و فاسق مرده باشد و جای او در جهنم باشد و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقول است که کبوتر در خانه کسی که میگویند با آنها که سازها و زنان کنیزک
خواننده نگاه میدارند و نی و عود می نوازند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است
که هر که چهل روز در خانه او طنبوره بنوازند حق تعالی بر او مسلط گرداند شیطانی که او را
قفندر میگویند پس هیچ عضوی از اعضا او نماند مگر آنکه آن شیطان بر آن بنشیند پس چون
چنین شود حیا از او برطرف شود و پروا نکند از آنچه گوید یا بشنود و غیرت از او زایل

شود تا آنکه اگر داند بازنان نشیند زنا بکند و غیرت نورزد و از حضرت صادق پرسیدند از تفسیر این
آیهٔ کریمه فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمه لفظی اش اینست که
اجتناب کنید از نجس و پلید که آن بتها است و اجتناب کنید از گفتار باطل و دروغ که آن بتها نیز
است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نرد بدتر از شطرنج است و اما شطرنج پس نگاه داشتن
آن کفر است و بازی کردن شرک است و یاد دادنش یکی گناه کبیرهٔ هلاک کننده است و سلام کردن
با کسی که بازی کند گناه است و کسی که دست در میان کند چنانست که دست در میان گوشت خوک
کرده باشد و کسی که نظر بسوی او کند چنانست که فرج مادر خود نظر کند و کسی که نزد بازی شطرنج
میان نشسته مثل کسیست که گوشت خوک خورده و کسی که به قمار و گرو بندی بازی کند چنانست که دست در
گوشت و خون خوک کرده باشد و چاه و نیست که انگشتر باشد و تخته که بر دو نشیند دیگرها می
و بازی می کند و اینها و امثال اینها تمام قمار است حتی بازی کردن اطفال بگردکان و نهاد
که هیچ مرد که بشطرنج یا ترمید در دو محکمه از تو میکند و از حضرت صادق منقول است که
هر که با پنج نوا که کند چنانست که او را با آتش بسوزانند یا دیوار بر سرش بکند یا شمشیر
پا او بزنند که کشته شود خواهر و مادر آن پسر که آن مرد حرام میشوند و در قیامت او را جمله
بکنند و در کنار جهنم تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و پس او را با آتش اندازند پس
هر طبقه از طبقات جهنم او را عذاب کنند تا بآخر طبقات جهنم و بیرون نیاید بدتر از زنا است زیرا که
حق تعالی است را از زنا بجهت تکرد و بالواطه شهری چند را هلاک کرد و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقول است که لواطه آنست که در دبر با پسر عمل بکند اما اگر در دبر فرو برد

پس آن گفتن



پس آن گفتن است بخدا و از حضرت رسول منقول است که هر که مضطر باشد بو دو چیز دو چیز نخورد تا آنکه
مبتلا شود با آنکه مردم را تکلیف کند با او این عمل قبیح بکند و از حضرت امام محمد باقر منقول است
که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خود سوگند میخورم که و اسبرق و حریر بهشت نپوشند کسی که در دبر
او وطی کنند و در حدیث موثق منقول است که شخصی بخدمت امام جعفر صادق آمد گفت مرا موعظه بکن
فرمود که اگر حق تعالی متکفل روزی مردم شده است پس غم خوردن تو از برای چیست و اگر روزی از جانب
خدا قسمت شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن مال از
برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدهی خدا عوض میدهد پس بخل ورزیدن از برای چیست
و اگر عقوبت خدا آتش جهنم است پس نافرمانی خدا از برای چیست و اگر مرگ حق است پس شادی کردن
چیست و اگر هر چیز برضای خدا میشود پس سعی از برای چیست اگر شیطان دشمن است پس غافل شدن
از آن برای چیست و اگر همه کس بر صراط باید گذشت پس عجب و خود نمائی چیست و اگر همه چیز بقضاء
و قدر الهی است پس اندوه از برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است
که عابدترین مردم کسی است که آنچه خدا بر او واجب کرده است بجا آورد و سخی ترین مردم کسی است
که زکوة مال خود را بدهد و زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است ترک نماید و
پرهیزکارترین مردم کسی است که در هر جا حق بگوید خواه برای او نفع داشته باشد و خواه ضرر
داشته باشد و عاقل ترین مردم کسی است که از برای مردم بپسندد آنچه را از برای خود می پسندد
و از برای مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و ذلیل ترین مردم کسی است که با مردم
بکند و محرومترین مردم کسی است که بر او غالب شده باشد و از عقاب الهی ایمن شده باشد

و امید ثواب خدا داشته باشد و غافل ترین مردم کسی است که گردش دنیا را از حالی بحالی بیند
بگردد و صاحب قدرترین مردم در دنیا کسی است که دنیا را نزد او قدری نباشد و داناترین مردم کسی
است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع ترین مردم کسی است که در خواهشهای نفس خود غالب بود
و تنها ترین مردم کسی است که علم فراوان او ناپاکتر باشد و کم بهاترین مردم کسی است که علمش کمتر باشد و کم لذت
ترین مردم کسی است که رشک مردم برد و کم راحت ترین مردم بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است
که بخل ورزد و در چیزی که خدا بر او واجب گردانیده است و اولی تر مردم بحق کسی است که عمل بحق
بیشتر کند و بد خو ترین مردم فاسق است و بی وفا ترین مردم پادشاه است و کم دوست
ترین مردم پادشاه است و فقیر ترین مردم صاحب طمع است و بی نیاز ترین مردم کسی است که اسیر حرص
نباشد و کسی را بالایش بهتر است که خلق نیکو داشته باشد و گرامی ترین مردم پرهیزکار ترین
ایشان است و کسی که قدرش عظیم تر است گرچه آنکه فایده با وی داشته باشد متوجه نبود و
پرهیزکار ترین مردم کسی است که جدال و مناظره نکند هرچند حق با او باشد و بد مروت
ترین مردم دروغ گوست و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین مردم نزد خدا و خلق
متکبرانند و کسی در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است و ترک گناه کرده باشد و دانا ترین مردم کسی
است که از جاهل بگریزد و سعادتمند ترین کسی است که با نیکان خلطه نماید و عاقل
ترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوار ترین مردم به تهمت کسی است
که با اهل تهمت هم نشینی کند و طاغی ترین مردم کسی است که بکشد کسی را که قصد کشتن او
نداشته و بزند کسی را که او را نزده و سزاوار ترین مردم بعفو کردن کسی است

که قدرت

که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته
باشد و سزاوار ترین مردم بگناه
کار کسی است که در حضور مردم
سفاهت کند و غایبانه غیبت
کند و ذلیل ترین مردم کسی است
که مردم را خوار کند و بهترین
مردم کسی است که مردم
از او منتفع شوند
اینجا ختم شد این
رساله در یوم
یکشنبه تاریخ
[illegible]
بعد الف

والسلام علی من اتبع الهدی





